

بِعَوْنِ خَالِقِ سَخْنِ نِزْنِ بِنِ اَسْمَاوِزِ مِزْنِ ^{علی جلّاله}

الحمد لله والمنه لک این رساله مجموعه طب سراپا حکمت عجمه و صحت سیمیه

میزبان الادویه ^{از صفا اولی شریف}

الفاظ الادویه ^{بن}

فرنگ نصیری ^{بن}

مخزن الادویه ^{بر صفر ۱۳۰۹}

حسب فرمایش تاجر عالی وقار سراپا تمیز جناب شیخ عبد الغنی

مطبع خافض اصل مختصا شنود کهنه و قش ^{مطبع}

ماورجی لاله

M.A.LIBRARY, A.M.U.



PE9692

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والثناء له ان رساله مجموعه طب سرايا حكمت عمده صحيفه مستوفيه

This is a highly decorative, symmetrical page from an Arabic manuscript. The page features intricate calligraphy in black ink on a white background, framed by elaborate floral and foliate patterns. The central text is arranged in four quadrants, separated by stylized floral motifs. The top and bottom quadrants contain the words "الكتاب" (The Book) and "الغناء" (The Song), while the left and right quadrants contain "الادب" (The Literature) and "الاصناف" (The Categories). The entire page is enclosed within a decorative border.

تسبب فرمایش شاه عالی مقام سرایا تمیز شیخ عبد الغنی صاحب

خداوند و ملکوت و لیا اطلال خرمیا اشرف

ما بعد از آنکه منشأ نشو و نما نبات است و منزه علما و روحانی از جاد و نبات لوح قلم مراد و حرکت
ارادی الثَّانِ وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْتَفْتُونَ پرده از روی کار خود برداشت جاد لوح شد
و نبات قلم حقیقتِ اَوَّلِ مَا خَلَقَ اللَّهُ از تحرک قلم نقش هستی برگرفت و از اینها
سبب تعینات بمقتضای لامکان را مکانی بهر سببیه احدی بود احد گردیده همچونی بچگونگی
بعبارت چون و چرا انجیده صور را آینه شری بنقوش دست داد تا ویل صورت و نقش در میان
آید و آنست سبب واسطه مناعت مصو و سبب گردیدن و مضمون دُرِّ وَّاحِدٍ یَعْدِلُ
آلِفَا یعنی بسایلی که هزار دیگر را در موضوع پیوست عدل که لازمه تنزاج اعتدال از حقیقت
و مجابست علم ظهور بر افراخت منت میسر معنی بر فرق معرفت نهاد و بردنهای جلوه حیوان
بامر تَفْخِیخُ فِیهِ مِنْ رُفُوحِ پرده از روی کار نهادن و آشکارا نرفروشت و محبت
اثبات دعوی لیس کَمِثْلِهِ نَشِئُ وَكُلُّو السَّمِیْعُ البَصِیْرُ مرجع گفت و شنفت آید
حکمت پوشیده آشکارا ساخت یعنی معنی عدم صوت و وجود گرفته اسرار مبهمی شناخته شد
و تمهید و البَلَدُ الطَّیِّبُ یُخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِی خَبَتْ لَا یَخْرِجُهَا
تکلیف اجماد و نبات نبات و نبات مصدر زنی حیات که کنایت از انبیا و ان است گشت
و بحسب اعتدال حقیقی وحدت بحدت گزینید و جلوه شود و منظر اتم که ستجمیع جمیع بروز
و مکنون است از ظهور شرف حضرت محمدی بنجتم انجاسید صلی الله علیه و آله و سلم تفسیر جَعَلَ
الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ بروی بیان آمد و بچندین ظهور و تجلیات زبان نطق حالی
باشیا عطا فرموده که آثار خواص هر شری و شاهد حال نطق آن شئی است پس باین حیثیت
بمقتضای وَانْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِ و جمیع مکونات و اشیا لَحْظَةً فَلَحْظَةً
بابر از سپاس انواع تجلیات خواه بلفظ صوت و خواه بنقش معنی می از وحدت سرای عالم
نشانده هر گاه محلی ثنائیش ظهور آثار تجلیات باشد و عالم و عامل و واحد و احد و سبب
و سبب و حمد و محمد و نظر مبصران وحدت گزین یکی بود کجاست ثانی و کوشی لمولفه

[illegible]

و خط خیزل
 از جمله دو چرخ
 و مکررات
 است علی القیاس
 حکمت یونان
 که بتفصیل
 احوال بدن
 انسان پیش
 می آید که چنانچه
 در آن دیده
 ۲
 است اسرار
 بحر و خاک
 که در این
 مکتوب آید
 آشفته ای آن
 دریا می آید
 رست و بایست
 منتهی شده
 و چنانچه
 که بیان آن

در بیان چهار فائده اول در بیان صحیح

بمقدومه و نتیجه و خاتمه مقدمه ششست بر چهار فائده فائده اول در بیان صحیح
 اعراب فائده دوم در بیان علامات زبان هر زبان فائده سوم در تحقیق طبایع
 و درجات آن و علامتیکه بنسبست آن و ذکر محلی از دو الطبع و درجه و قوت
 فائده چهارم در بیان مختار و شریعت و صلح بدل و دو علامات آن نتیجه در ذکر الفاظ
 و در بطریق اثبات و بیان علامات آن خاتمه در بیان ادویه که کثیر المنفعت
 که در کتب قدما کمتر است ذکر آنها چون بادریم و موسیانی و چوب چینی و چای و قهوه
 و تنباکو امید از دقیقه رسان این فن آنست که اگر بر سهوی و خطائی آگاهی یابند
 بقلم انصاف اصلاح فرمایند بالله التوفیق و بدلا مستعان مقدمه ششم چهار
 فائده فائده اول در بیان صحیح اعراب پوشیده نمائند که در تحقیق اعراب بختی نتایج
 صحاح الادویه این مؤلف اختیارات بدیع و برخی از جایهای ثقات و کتب معتبره
 لغت تازی و فرهنگهای فارسی سند کرده هر جا اشاره با اول میرود مراد از حرف نخستین
 لفظ است و از ثانی حرف دوم که متصل نخستین است و تخریج ملینه عبارت از هر یک که
 کج که بصوت کاف تازی است برابر و تفریق جهت اضافت مانند شجره میوه که هجره بر ما
 دارد و موحده نشان حرف باست و فوقانی اشارت بحرف تا و مثلثه یا مابینا و
 و او معروف مانند واو یک در کاف و رست پس هر جا که بسکون او نوشته شده الیه
 و او معروفست و و او مجهول مانند واو یک در ر و غ و شورست و و او محدود و او یک که مشهور
 و تلفظ در نمی یابند و او یک در خواجه کتابتست و غنائی عبارت از باست و غنائی معصوم
 مانند غنائی که در تبدیل نیل قوسست و سکون غنائی را از غنائی فسرست و غنائی مجهول چنان در سیر
 چند بیت ترنومست و چهار حرف پاری که بران لفظ بنویسند پنج ذرات شودی بفارسیست
 و همچنین بیان حرف نقطه دار و مجهول تفسیر حرف بی نقطه فائده دوم در بیان
 علامات احوط طالع و زبان هر زبان و سزین مثلا از عربی ع که حرف اول او است و

در بیان چهار فائده
 فائده اول در بیان صحیح
 فائده دوم در بیان علامات زبان
 فائده سوم در تحقیق طبایع
 فائده چهارم در بیان مختار و شریعت
 فائده پنجم در بیان علامات آن
 فائده ششم در بیان ادویه
 فائده هفتم در بیان علامات آن
 فائده هشتم در بیان علامات آن
 فائده نهم در بیان علامات آن
 فائده دهم در بیان علامات آن
 فائده یازدهم در بیان علامات آن
 فائده بیستم در بیان علامات آن

فائده اول در بیان صحیح
 فائده دوم در بیان علامات زبان
 فائده سوم در تحقیق طبایع
 فائده چهارم در بیان مختار و شریعت
 فائده پنجم در بیان علامات آن
 فائده ششم در بیان ادویه
 فائده هفتم در بیان علامات آن
 فائده هشتم در بیان علامات آن
 فائده نهم در بیان علامات آن
 فائده دهم در بیان علامات آن
 فائده یازدهم در بیان علامات آن
 فائده بیستم در بیان علامات آن

و همچنین از فارسی ف و از پند بی هر و از مشهور و معروف و مذکور هم مرقوم ساخته
 و انسانی دیار دیگر را براسه نقش پذیر گردانیده فائده سوم و تحقیق طبایع و درجا
 و داد علامتیکه منسوبست بآن و ذکر محلی از و بالطبع و در وجه و قوت و خاصیت
 بدانکه نزد جمیع طبایع و مزاج کیفیت است که بهم میرساند اول احتمال آتشجان که آنرا
 هرگاه برد و اطلاق کند طبع ناسند و طبایع بیرون نباشند از کیفیت چهار
 از آن کیفیات از لیب سیه که حرارت و برودت و یسوست و رطوبت باشند و چهار
 دیگر که مرکب کیفیات از لیب و یکی اعتدال فیزی و طبایع پس از طبع ط و از حرارت ح
 و از برودت ب و از رطوبت بر و از یسوست می و از معتدل مع منتقش
 گردانیده و اطبایع و دارا کیفیت و اثر منحصر چهار پایه قرار گرفته هر پایه را در وجه خود
 چه هر چه وارد بدن شود و منفصل گردد از حرارت غریزی خالی از آن نیست که اصل
 میکند در بدن کیفیت زائده بر چیزی که انسان راست یا منی کند اگر احوال نمی کند
 آنچه را معتدل گویند و اگر احوال می کند محسوس میشود یا نمی شود اگر کم شود
 در درجه اول گویند و دانسته میشود تا اثرش از تکرار تناوب یا اکتفا مقدار و اگر
 محسوس میشود بعدی میرسد که ضرر میکند یا نمی کند اگر نمی کند در درجه دوم گویند
 و اگر ضرر بعدی ضرر بجز هلاک میشود یا نمیشود اگر نمیشود در درجه سوم گویند
 و اگر ضرر هلاک میشود در درجه چهارم گویند و آنرا دایمی نیز گویند و آن
 غیر مست زیرا که قتل و دایمی کیفیت است و قتل هم بصورت نوعیه اطلاق
 هم بر دیشبیه است او البسم در اهلک و الا حقیقت و دست و هر درجه را تکیه بر
 اعتبار کرده اند عالی و سافل و متوسط بینا کلیه یک است که گرم و در درجه اول
 حرارت او اندر جدول از برای آنکه اگر حرارت زیاده شود برین مقدار خالی میشود
 رطوبت را پس از برای اینست که یافته نمیشود و دایمی گرم در درجه دوم و سوم الا

افاقیا و فصول اطراف زمین بقلعه یا بنای بطین برگ لیبون برگ تیون بقلعه
 جمار خنوخ خیار صامین زمینون خام سماق شتر آتج طالع غنص اخض کدو
 اسنان الحمل تنفر کلم تاش سرور در درجه سوم بقلعه الحقا بر سیاندا جبارا جی العالم
 کبیر و صغیر خامض آتج حب العلیق خام و روغن او خشک تاش سیاه حصی الراعی فطر
 قفاح سرور در درجه چهارم جمیع اشیا مزی در مثل فیون غیره شوکران لبخ شخا
 یابس یعنی خشک در درجه اول ابانغالس اصل اللیل اصل السوس بآبونه
 بادام شیرین پریاوشان بسفاج پوست و جوز و لب تخم خرپوزه تخم انجیره
 حب الفار جی العالم کبیر و صغیر خزان الصخر دقلی رازیانہ روغن جوز زعفران
 سعد سونق الشعیر طعتر صغ جوز کند کشری درق سوسن خشک در درجه
 دوم اصل المر اصل اللوف تخم نیلوفر بسفاج لبان ترب چندید تربہ الحضر
 و برگ اوراعی الایل زراوند زفت سنبل الطیب سنبل و می شلیل شاترج
 شراب تخم شجره مصطکی شندل تخم الزمب غسل قفر البهود و قصبه لدره
 قشور کندر که سینه قشور آتج کرنب لکن جاو شیر مرکی مصطکی لنبج العنکبوت
 خشک در درجه سوم افاقیا انیسون اسارون شنتین اہبل ایتھون اصل السازیلو
 اطراف کرنب خشک اصل قنطاریون برگ و تخم فنجکشت لبان پوست عود
 سوخته بوره بلوط جلندار خامض آتج حب العلیق حکایت حصص خر لبقین
 خشی محرق و آتش شیان و شن راد و قشور قصب راد و لادن بری روغن ترب
 زوفا برطان محرق سیلخه سر و سد ابستانی سماق سرکه شج ارمی محرق شب محرق
 شونیز شراب کمنہ شجر بلوط شجر محرق صغیر صوف محرق غار فوئج نری قرا
 فاشیرین فطر السالیون فاونیا قیصوم کردیا کرشس بری کما در یون کما فیو
 کر مرزنجوش مشکطرا شج ناخواه لظرون لچ و رقی غار یتوب خشک در درجه اول

فوق هر دو ل سداب بری قطران گرم کرات محضه غیر لذع آذان لقا اصل سهد
اصل قطران لادن انزروت بیاض رفیق بیض برگ غریب و گل اود و عصاره
برگ اود با قلاب نج نیلوفر بسفایج تویتا تخم انجیره و زرن اود و ترس تلخ جاو رس
چسب اجزا و شجر سر و جمیع انواع طین حب الصندوبه و ردوی عصاره زیتون سیون
قشور جوز محرن کثیر الحینه الطییس لسان الحمل شرطب یعنی تر در در جواد لنگ
هفتشده حصص خصیتا الشعلب تخم زعفران گل عصاره سیون قطران کاهو لسان الثور
شر در درجه دوم لقله یانیه لقله الحما بطنج سریق طحلب تسریع شمش اود و یه لگو
مائل اما قیا انزروت بزر قطران بر سیاه و لقله الحما لقله یانیه برگ هفتشده
خشک خشخاش و لبن و لب و دم الاخون برصاص سریق شوکران شجر حور طحلب
قطران بستانی کدو کاهو لسان الحمل نامیتا شمش و رقی علیق سیاه در
گرمی و سردی اصل غشی سیاه و شان با قلاب محض حب صندوبه و خصیتا الشعلب
زیت عذبه زیتون خیرس شمع شجر مصطکی طین طوس طین سابوس عدس
فا و انیا عصاره سیون فاشرا قشور لریج مردخج لیبون سیاه در تری خشک لعل
جوه ضا و خصیتا الشعلب زیت عذبه فحدرات یعنی اودیه که بخوابانند حسن حرکت را
افینون اسپند اصل الملاح اذانی اصل الذریت تیج موته جنگلی تیج تخم و برگ تناکو
جوز مائل سراج القطر یعنی شوکران قنب کاکج کندر لعن الجیل لونگ کاکج برنج
مسلمات صفرا اجاص استنن تفتشده خشک تر تندی و خجرتین خیار شمشیر
سقمونیا شاهر شیرخشت شبرم صبر گلکسج لبلاب با فربون لبلیه زرد مسلمات
بالغم بسفایج شرب حب الجیل محمل فرقیون تخم غلیظ غلیظون قشور یون قشور
ماییزه ریح ماهودانه مسلمات مسودا افنتیون آمل اسطوخودوس بالنگو
بسفایج شجر لازورد و سنا غلیظون کثوث لبلیه کاکلی مقیات یعنی اودیوتی آرزو

سویا پانچان پنجگشت
سیاکستاد
جورق بزمی
۱۱
سرکا سرکضطر
غل غل الغص
سون سون السعدیه
نوب نوب الزبد آخر
بسن کسار
نرخ سفید
سودا سودا
دین خلد سا
سانانی ساتر
سوار سوار
لمکی لمکی

المنشآت اودیه که اورام و صلابات الضعیف و هندی الملک ایرسا اوجیزیک
خطی زعفران صمغ بطم کرب لادن تر میوه موم داسنگ منشیات اودیه
که نفخ ویرج را بشکند و تجلیل بودا قیسون آفتیمون بسا سنجیکشت تخم کدو چاود
حماا و ارفاضل زیره زنجبیل زراوند زرد فساد سداب سعد صغیر فاضل قردمانا کند
کر نس نامخواه مقویات و ماع آبلج الفخضان بلادر بندق بالنگو بهار سداب
بهار امرو و دماغ حیوانات روغن جبهیز جزییل سعد سداب شربت نارنج عود عطر
غالبه قرقفل کند گل سرخ لیمو ترنج لیمو و جاج لیمو دراج کین ضان مارا لور و مشک
نسرین یاسمین مقویات گل و مسفرحات آن آمرو و انار شیرین اسطوخودوس
آترج ابریشم آمله بهنیم بفسیاج پوست ترنج به تسد بالنگو بادروج ترندی جودا
دارچینی درونج رساس زرد فساد زعفران سداب سوسن سنبل سعد سلیمه شفاقل
صندل طباشیر طین مخموم عود عطر قرقفل شک فادانیا قاقله کبریا کافور گاو زبان
کشیز خشک گل سرخ لولو لانا زرد و دمنور و غام نیلوفر نار شک لنتاع نارنج
درق نقره ورق زرد بلیله یا قوت مقویات کبد یعنی جگر آشنه اظفار الطیب
حماا جوز بواجب البلسان دارچینی غافث قرقفل قرقشوت مصطلک نارین
مقویات معده آمله آخر پوست ترنج بلیله بالنگو جوز بواجچینی زرد فساد سعد
سلیمه سماق سترجل سانج هندی طباشیر قرقه قرقفل قاقله گل سرخ کندر کبریا مصطلک
مشک طر اشیع لنتاع بلیله مبهتات انگور انجیر رطب بسا به برضه کبریا خشک
و کبک با قلا پنیر بایه شتر جرجیر جلفوز جبهه الحضر احب الکلم ملکیت خولنجان
دارچینی زرد فساد زنجبیل سورنجان سقنقور شفاقل شیریش فندق قرقه قسط
کدو کر نس کبج کثیر الویا مغر دماغ کنج شک و بره مغر یا و ام مغر جزو مغر یا جزییل
یاسون مسکات اوچاع اودیه که ورد یا اساکن کند انیسون اسفیداج سیط

المنشآت اودیه که اورام و صلابات الضعیف و هندی الملک ایرسا اوجیزیک
خطی زعفران صمغ بطم کرب لادن تر میوه موم داسنگ منشیات اودیه
که نفخ ویرج را بشکند و تجلیل بودا قیسون آفتیمون بسا سنجیکشت تخم کدو چاود
حماا و ارفاضل زیره زنجبیل زراوند زرد فساد سداب سعد صغیر فاضل قردمانا کند
کر نس نامخواه مقویات و ماع آبلج الفخضان بلادر بندق بالنگو بهار سداب
بهار امرو و دماغ حیوانات روغن جبهیز جزییل سعد سداب شربت نارنج عود عطر
غالبه قرقفل کند گل سرخ لیمو ترنج لیمو و جاج لیمو دراج کین ضان مارا لور و مشک
نسرین یاسمین مقویات گل و مسفرحات آن آمرو و انار شیرین اسطوخودوس
آترج ابریشم آمله بهنیم بفسیاج پوست ترنج به تسد بالنگو بادروج ترندی جودا
دارچینی درونج رساس زرد فساد زعفران سداب سوسن سنبل سعد سلیمه شفاقل
صندل طباشیر طین مخموم عود عطر قرقفل شک فادانیا قاقله کبریا کافور گاو زبان
کشیز خشک گل سرخ لولو لانا زرد و دمنور و غام نیلوفر نار شک لنتاع نارنج
درق نقره ورق زرد بلیله یا قوت مقویات کبد یعنی جگر آشنه اظفار الطیب
حماا جوز بواجب البلسان دارچینی غافث قرقفل قرقشوت مصطلک نارین
مقویات معده آمله آخر پوست ترنج بلیله بالنگو جوز بواجچینی زرد فساد سعد
سلیمه سماق سترجل سانج هندی طباشیر قرقه قرقفل قاقله گل سرخ کندر کبریا مصطلک
مشک طر اشیع لنتاع بلیله مبهتات انگور انجیر رطب بسا به برضه کبریا خشک
و کبک با قلا پنیر بایه شتر جرجیر جلفوز جبهه الحضر احب الکلم ملکیت خولنجان
دارچینی زرد فساد زنجبیل سورنجان سقنقور شفاقل شیریش فندق قرقه قسط
کدو کر نس کبج کثیر الویا مغر دماغ کنج شک و بره مغر یا و ام مغر جزو مغر یا جزییل
یاسون مسکات اوچاع اودیه که ورد یا اساکن کند انیسون اسفیداج سیط

المنشآت اودیه که اورام و صلابات الضعیف و هندی الملک ایرسا اوجیزیک
خطی زعفران صمغ بطم کرب لادن تر میوه موم داسنگ منشیات اودیه
که نفخ ویرج را بشکند و تجلیل بودا قیسون آفتیمون بسا سنجیکشت تخم کدو چاود
حماا و ارفاضل زیره زنجبیل زراوند زرد فساد سداب سعد صغیر فاضل قردمانا کند
کر نس نامخواه مقویات و ماع آبلج الفخضان بلادر بندق بالنگو بهار سداب
بهار امرو و دماغ حیوانات روغن جبهیز جزییل سعد سداب شربت نارنج عود عطر
غالبه قرقفل کند گل سرخ لیمو ترنج لیمو و جاج لیمو دراج کین ضان مارا لور و مشک
نسرین یاسمین مقویات گل و مسفرحات آن آمرو و انار شیرین اسطوخودوس
آترج ابریشم آمله بهنیم بفسیاج پوست ترنج به تسد بالنگو بادروج ترندی جودا
دارچینی درونج رساس زرد فساد زعفران سداب سوسن سنبل سعد سلیمه شفاقل
صندل طباشیر طین مخموم عود عطر قرقفل شک فادانیا قاقله کبریا کافور گاو زبان
کشیز خشک گل سرخ لولو لانا زرد و دمنور و غام نیلوفر نار شک لنتاع نارنج
درق نقره ورق زرد بلیله یا قوت مقویات کبد یعنی جگر آشنه اظفار الطیب
حماا جوز بواجب البلسان دارچینی غافث قرقفل قرقشوت مصطلک نارین
مقویات معده آمله آخر پوست ترنج بلیله بالنگو جوز بواجچینی زرد فساد سعد
سلیمه سماق سترجل سانج هندی طباشیر قرقه قرقفل قاقله گل سرخ کندر کبریا مصطلک
مشک طر اشیع لنتاع بلیله مبهتات انگور انجیر رطب بسا به برضه کبریا خشک
و کبک با قلا پنیر بایه شتر جرجیر جلفوز جبهه الحضر احب الکلم ملکیت خولنجان
دارچینی زرد فساد زنجبیل سورنجان سقنقور شفاقل شیریش فندق قرقه قسط
کدو کر نس کبج کثیر الویا مغر دماغ کنج شک و بره مغر یا و ام مغر جزو مغر یا جزییل
یاسون مسکات اوچاع اودیه که ورد یا اساکن کند انیسون اسفیداج سیط

[illegible]

مختار عبارت از اجناس هر دو است که همواره در هر کس استعمال طبعاست و در اوست
 تعیین مقدار خوردن هر دو است که استعمال آن در آن موقوف است به استیلا و در آن
 چند مشهور مثل مطابق رساله و از آن سیر محمد بن استرآبادی مثلا حبه که میباید
 نشود و وجوب سیاه قیراط چهار جو گهوینگی که بفارسی سرخ و بندی رقی گویند و حبه
 سیاه که عبارت از هشت برج باشد باشد هشت سرخ توله و دانه باشد شانک
 چهار باشد و انگ و دانه چهار سرخ و سدس سرخ و درم سه باشد و یک
 سرخ ششقال چهار باشد و سه و نیم سرخ استار و سیر شاهی یکینم توله و دانه
 اوقیه و وقیه هفت و نیم ششقال طلخداوی نوزده سیر شاهی من طبعی
 چهل استارست مصلح دارد و یک ضرر دوی دیگر باز دارد بدل آنکه هرگاه در
 دوائی باشد که بهم نرسد دوی دیگر قاعده مقام آن میداند و قول کلی در بدل
 آنست که اگر دوی یافته نشود بدل ثمر او وزن آن پنج دوی بود و بدل رقی و
 و انگ وزن آن نیم او باشد پس از مختار و از شربت شش و از مصلح
 و از بدل ل ثبت نموده نتیجه در ذکر الفاظ ادویه بدانکه اسامی ادویه اعتبار
 است به علامت ترقیم که از آن حرف نخستین مراد است و تنسيق که شارب
 بحر فانی که متصل نخستین است و تنسيق که ایما از حرف اخیر کلمه است مترجم
 گردانیده عبارت کثیر را با اشارت قلیل بنمون گشته سافت و در و در بر
 جویندگان و سالکان این راه کوتاه ساختن قدیم الحذف و تنسيق اللف
 و تنسيق السین المهمله آن غنیمت مشقی و مصری و بربری فتیح همز اول و
 ثانی و سکون و مهمله و کسین مجمله و سکون تختانی و سین مجمله با جمعه ف پنج و
 زشتک طرح ای ۲ ینهمین الله آ طر لکال یونانی فتیح همز اول و ثانی و سکون
 مهمله و مهمله و سکون تختانی و لام و الف و لام ثانی و قبول علامت تطبیق است

این مختار
 از آن سیر محمد بن
 استرآبادی
 مثلا حبه که میباید
 نشود و وجوب سیاه
 قیراط چهار جو
 گهوینگی که بفارسی
 سرخ و بندی رقی
 گویند و حبه
 سیاه که عبارت
 از هشت برج
 باشد باشد هشت
 سرخ توله و دانه
 باشد شانک
 چهار باشد و انگ
 و دانه چهار سرخ
 و سدس سرخ و درم
 سه باشد و یک
 سرخ ششقال
 چهار باشد و سه
 و نیم سرخ استار
 و سیر شاهی
 یکینم توله و دانه
 اوقیه و وقیه
 هفت و نیم
 ششقال طلخداوی
 نوزده سیر شاهی
 من طبعی چهل
 استارست مصلح
 دارد و یک ضرر
 دوی دیگر باز
 دارد بدل آنکه
 هرگاه در دوائی
 باشد که بهم
 نرسد دوی دیگر
 قاعده مقام آن
 میداند و قول
 کلی در بدل
 آنست که اگر
 دوی یافته
 نشود بدل
 ثمر او وزن
 آن پنج دوی
 بود و بدل
 رقی و انگ
 وزن آن نیم
 او باشد پس
 از مختار و
 از شربت شش
 و از مصلح و
 از بدل ل ثبت
 نموده نتیجه
 در ذکر الفاظ
 ادویه اعتبار
 است به علامت
 ترقیم که از
 آن حرف
 نخستین مراد
 است و تنسيق
 که شارب بحر
 فانی که متصل
 نخستین است
 و تنسيق که
 ایما از حرف
 اخیر کلمه است
 مترجم گردانیده
 عبارت کثیر را
 با اشارت قلیل
 بنمون گشته
 سافت و در و
 در بر جویندگان
 و سالکان این
 راه کوتاه ساختن
 قدیم الحذف و
 تنسيق اللف و
 تنسيق السین
 المهمله آن
 غنیمت مشقی و
 مصری و بربری
 فتیح همز اول و
 ثانی و سکون و
 مهمله و کسین
 مجمله و سکون
 تختانی و سین
 مجمله با جمعه
 ف پنج و زشتک
 طرح ای ۲ ینهمین
 الله آ طر لکال
 یونانی فتیح
 همز اول و ثانی
 و سکون مهمله
 و مهمله و سکون
 تختانی و لام و
 الف و لام ثانی
 و قبول علامت
 تطبیق است

۱۵

و انواع سوم
 بدل ادویه است
 که هرگاه در نسخ
 دوا باشد که
 در علی بن محمد
 پس دوا دیگر
 که در خاصیت
 قاعده مقام آنست
 از آن پس این
 بدل آن دوا باشد
 است و قول

این مختار از آن سیر محمد بن استرآبادی مثلا حبه که میباید نشود و وجوب سیاه قیراط چهار جو گهوینگی که بفارسی سرخ و بندی رقی گویند و حبه سیاه که عبارت از هشت برج باشد باشد هشت سرخ توله و دانه باشد شانک چهار باشد و انگ و دانه چهار سرخ و سدس سرخ و درم سه باشد و یک سرخ ششقال چهار باشد و سه و نیم سرخ استار و سیر شاهی یکینم توله و دانه اوقیه و وقیه هفت و نیم ششقال طلخداوی نوزده سیر شاهی من طبعی چهل استارست مصلح دارد و یک ضرر دوی دیگر باز دارد بدل آنکه هرگاه در دوائی باشد که بهم نرسد دوی دیگر قاعده مقام آن میداند و قول کلی در بدل آنست که اگر دوی یافته نشود بدل ثمر او وزن آن پنج دوی بود و بدل رقی و انگ وزن آن نیم او باشد پس از مختار و از شربت شش و از مصلح و از بدل ل ثبت نموده نتیجه در ذکر الفاظ ادویه اعتبار است به علامت ترقیم که از آن حرف نخستین مراد است و تنسيق که شارب بحر فانی که متصل نخستین است و تنسيق که ایما از حرف اخیر کلمه است مترجم گردانیده عبارت کثیر را با اشارت قلیل بنمون گشته سافت و در و در بر جویندگان و سالکان این راه کوتاه ساختن قدیم الحذف و تنسيق اللف و تنسيق السین المهمله آن غنیمت مشقی و مصری و بربری فتیح همز اول و ثانی و سکون و مهمله و کسین مجمله و سکون تختانی و سین مجمله با جمعه ف پنج و زشتک طرح ای ۲ ینهمین الله آ طر لکال یونانی فتیح همز اول و ثانی و سکون مهمله و مهمله و سکون تختانی و لام و الف و لام ثانی و قبول علامت تطبیق است

کتابخانه عمومی

از زمان که ستم
 کرد و دواست
 استحال می
 آنست که در
 کنند و رفت
 مفرق آنست
 که از این
 مفرق است
 یاد یکدیگر
 از آن دور
 و دور

مکلف گفته بعد از آن که بخواهید شایسته و برابری که در این ایستگاه است را برین طریق بدو محقق کنید

گرم و خشک و سبیل و نصف وزن او پوست اترج تمیق النون آبرون بهراول و بی بدین

وسکون ثانی و ضمیر و ممله و سکون و او و نون ع حی العالم آکون بهراول و سکون
 ثانی و ضمیر کاف فارسی و سکون و او و نون هم نشاسته کاهیهون کاهیهون الواد
 آتوت بهراول و ضمیر ثانی و سکون و او و هم کل نیلو فر تمیق الهاء ابرار القطع ع
 بفتح اول سکون ثانی و ممله و الف و ضمیر و ممله ثانی و سکون لام و ضمیر قاف
 و طاء و ممله شد و و فطار بهام تخم حی العالم ابره ف بضم اول و سکون ثانی و فتح
 و ممله و انهار باج خبیری و تیر کی تو غدره ابره میع بکسر اول و سکون ثانی و
 کسر و ممله و تها و سکون تختانی و کسر میم و فتح تختانی ثانی و دها و ابره میمیه نیر گویند
 ف ابره میست مانند زیره باج طامع آکامه ف ترشی نان است که آب در افتاد
 کاهارنده کاجی آکینه ع بهراول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و سکون تختانی
 و فتح نون و ممله مخفی ف شیشه کاجی ابن جبع بکسر اول و سکون ثانی و ضمیر ف
 و فتح حاء و ممله و موحده مشدود و هاء نان تمیق التختانی ابن اوی ع بکسر موحده و
 سکون ثانی و کسر نون و ممله و الف و و او و الف مقصوره ف شغال آبی
 ف بهراول و کسر ثانی و سکون تختانی ع سفر جل که بهی و نام نوعی از انگور طایفه
 آن مع ح بهراول اب ی تاوی درم م عمل و انیسون تنسیق الموحده
 فارسی و تمیق اللام ف ابل بفتح اول و موحده فارسی و سکون لام ع
 طرائث طب حی ساق قابض و مقوی کبد و موحده ص در بابیه شکرش
 نادر و درمل ثلث وزن آن محض و دو ثلث آن قوط و نصف وزن آن قشر
 بیض محرق خ تیر و تمیق النون البان ف بفتح اول و سکون ثانی و فاک
 باسین ممله و الف و نون م سنگ فشان ع تمیس آپیون بفتح اول و سکون
 ثانی فارسی و ضمیر تختانی و سکون و او و نون هم انیسون طب ۴ و گویند ۱۲

گرم و خشک
 سست و دردم
 گویند و گوشت
 او سرد است
 در بهراول
 اترج کوهی
 ابل بکسر
 بیاض
 پیازی سرد
 گویند
 ۱۸
 بهراول و سکون
 سست و دردم
 لکاح ص
 بهراول و سکون
 سست و دردم
 بهراول و سکون
 سست و دردم

گرم و خشک و سبیل و نصف وزن او پوست اترج تمیق النون آبرون بهراول و بی بدین

و ان شاء الله تعالی

[illegible]

4/6/8

19

هم است که هم
 است دردم
 و خشک است
 در اول آس
 مویر و بنده
 مویر و
 مویر و
 مویر و
 در در اول
 و خشک است
 در دردم

استغفار در هر روز صد بار بخواند و در هر روز صد بار بگوید

محلل ورام آخر فتح اول سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون اول و
 انگشت افروخته و انگار تنیق السین المهملة اخینوس بفتح اول و سکون ثانی و
 سکون ثانی و ضم نون و سکون و او و سین مهمل و خروینة نکالک پنج نباتی است
 سنیا به پوست که مثل کنول در تالابها و آبهار وید تنیق الطله المهملة آخر لفظ کیم
 اول و سکون ثانی و کسر را و مهمل و سکون تختانی و طار مهمل و فر سیون و گندنا
 بری که بن کا گندنا تنیق اللام اخیل و بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی و
 سکون لام و قلمون است و آن مرغیست که عرب آنرا شوم میگینند و زبان
 اهل گیلان داده گویند تنیق السیم آخر م و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 معجم و سکون سیم و ف و ز و تنیق النون اخینون یونانی بفتح اول و سکون ثانی
 و ضم تختانی و سکون و او و نون نباتی است و س و راس لافعی تنیق الحاء آخر و
 کسر اول و سکون ثانی و کسر م و ح و د و ضم را و مهمل و سکون و او و فتح سین مهمل و خوار با و
 و صرف گندم شتی که بن گهون تنیق الدال المهملة و تنیق اللام او و
 بعد اول و ثانی و فتح دال مهمل و الف و زنجیل ترم او رک ق بلین او و او و
 بفتح اول و دو و دال مهمل و و و الف و د و ح که و انطرح ی م آن نجاف و
 اول و سکون ثانی و کسر با و جیم و الف م اهره و پنجه تنیق الکاف او رک کسر اول
 و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را و مهمل و سکون کاف و آ و و بفتح اول و را و مهمل
 زنجیل تر تنیق النون ا و م و بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و سکون نون
 م مشک خالص و از و تنیق الحاء او و جاره بعد اول و کسر ثانی و او و را و
 سکون تختانی با جیم و الف و فتح را و مهمل و خوار با و ف خوار و ا و گون که چر چر
 تنیق الیاء التختانی آنرا س و بفتح اول و ثانی و الف و را و مهمل و الف و
 و کسر ف و سکون تختانی و ف و کس و با و ی که کلا طح ی م ق مخدر و کسر

محلل ورام آخر فتح اول سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون اول و انگشت افروخته و انگار تنیق السین المهملة اخینوس بفتح اول و سکون ثانی و سکون ثانی و ضم نون و سکون و او و سین مهمل و خروینة نکالک پنج نباتی است سنیا به پوست که مثل کنول در تالابها و آبهار وید تنیق الطله المهملة آخر لفظ کیم اول و سکون ثانی و کسر را و مهمل و سکون تختانی و طار مهمل و فر سیون و گندنا بری که بن کا گندنا تنیق اللام اخیل و بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی و سکون لام و قلمون است و آن مرغیست که عرب آنرا شوم میگینند و زبان اهل گیلان داده گویند تنیق السیم آخر م و بفتح اول و سکون ثانی و فتح معجم و سکون سیم و ف و ز و تنیق النون اخینون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم تختانی و سکون و او و نون نباتی است و س و راس لافعی تنیق الحاء آخر و کسر اول و سکون ثانی و کسر م و ح و د و ضم را و مهمل و سکون و او و فتح سین مهمل و خوار با و و صرف گندم شتی که بن گهون تنیق الدال المهملة و تنیق اللام او و بعد اول و ثانی و فتح دال مهمل و الف و زنجیل ترم او رک ق بلین او و او و بفتح اول و دو و دال مهمل و و و الف و د و ح که و انطرح ی م آن نجاف و اول و سکون ثانی و کسر با و جیم و الف م اهره و پنجه تنیق الکاف او رک کسر اول و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را و مهمل و سکون کاف و آ و و بفتح اول و را و مهمل زنجیل تر تنیق النون ا و م و بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و سکون نون م مشک خالص و از و تنیق الحاء او و جاره بعد اول و کسر ثانی و او و را و سکون تختانی با جیم و الف و فتح را و مهمل و خوار با و ف خوار و ا و گون که چر چر تنیق الیاء التختانی آنرا س و بفتح اول و ثانی و الف و را و مهمل و الف و و کسر ف و سکون تختانی و ف و کس و با و ی که کلا طح ی م ق مخدر و کسر

محلل ورام آخر فتح اول سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون اول و انگشت افروخته و انگار تنیق السین المهملة اخینوس بفتح اول و سکون ثانی و سکون ثانی و ضم نون و سکون و او و سین مهمل و خروینة نکالک پنج نباتی است سنیا به پوست که مثل کنول در تالابها و آبهار وید تنیق الطله المهملة آخر لفظ کیم اول و سکون ثانی و کسر را و مهمل و سکون تختانی و طار مهمل و فر سیون و گندنا بری که بن کا گندنا تنیق اللام اخیل و بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی و سکون لام و قلمون است و آن مرغیست که عرب آنرا شوم میگینند و زبان اهل گیلان داده گویند تنیق السیم آخر م و بفتح اول و سکون ثانی و فتح معجم و سکون سیم و ف و ز و تنیق النون اخینون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم تختانی و سکون و او و نون نباتی است و س و راس لافعی تنیق الحاء آخر و کسر اول و سکون ثانی و کسر م و ح و د و ضم را و مهمل و سکون و او و فتح سین مهمل و خوار با و و صرف گندم شتی که بن گهون تنیق الدال المهملة و تنیق اللام او و بعد اول و ثانی و فتح دال مهمل و الف و زنجیل ترم او رک ق بلین او و او و بفتح اول و دو و دال مهمل و و و الف و د و ح که و انطرح ی م آن نجاف و اول و سکون ثانی و کسر با و جیم و الف م اهره و پنجه تنیق الکاف او رک کسر اول و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را و مهمل و سکون کاف و آ و و بفتح اول و را و مهمل زنجیل تر تنیق النون ا و م و بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و سکون نون م مشک خالص و از و تنیق الحاء او و جاره بعد اول و کسر ثانی و او و را و سکون تختانی با جیم و الف و فتح را و مهمل و خوار با و ف خوار و ا و گون که چر چر تنیق الیاء التختانی آنرا س و بفتح اول و ثانی و الف و را و مهمل و الف و و کسر ف و سکون تختانی و ف و کس و با و ی که کلا طح ی م ق مخدر و کسر

قنن لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر
 البشیر تارة درون باده ام ادوی ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر او و تحتانی
 مجهول تبرکی اگر گویند و ج هج تنسيق الذلال المعجده و تینق الباء المعجده
 اذان الالایب بد اول و ذال حجه و الف و ضم نون و سکون لام و فتح نونه و سکون
 راء ممله و فتح نون ثانی و سکون موحده م نوعی از لسان الحمل و ورق آن پین تر
 ان اذان الجدی ست ف ورق بارتنگ اذان الدب بضم دال ممله مشدود
 و سکون موحده م بوضیف گوش خرس تنیق الذال الممله اذن العیج بضم
 و سکون لام و فتح عین ممله و سکون موحده و دال ممله م نوعی از عیسی الرائی نطق
 الاء الممله اذان الفاع بسکون لام با ف و الف و راء ممله م مرزنگوش
 مرزنگوش که چو به کنی طاح از خرع بکسلول و سکون ثانی و کسر فاء و سکون
 و کور گیاره و گیاره کنی که کند بیل مکنه راج و راج پنهنس و در پنهنس طاح ی ۲
 ق مفتوح بلطف قابض و حمل و تقوی موحده م باریک سخت خوشبو شنیدر ممله
 ص بکلات ستن و صندیل بوسیدن بل بخی اوباقصیل لذریه یا وزن او سنبلی و
 شن وزن زعفران تنیق السین الممله اذان القسین ع بسکون لام و فتح
 و کسر سین ممله و سکون تحتانی و سین ممله ثانی م نوعی از جی العالم اذ یاس بد اول
 و ضم ثانی و سکون راء ممله و یا و تحتانی و الف و سین ممله ف صمغ سداب کوبی
 تنیق اللام اذان الغزال بسکون لام و کسر عین معجده و راء معجده و الف و لام ثانی
 م نوعی از لسان الحمل اذان الفیل ع بکسر فاء و سکون تحتانی و لام ف پیلگوش
 و لوف و گویند ریجان و ادوی مرزنگوش و اذان الفایحین ست و سبق الغنایم
 گوینده برگ درخت ساگون اذ ناب الخیل ع بفتح اول و سکون ثانی و نون
 و الف و ضم موحده و سکون لام و فتح فاء و حجه و سکون ثانی و لام ثانی ع لحیه التیس
 فل سلج که درخت سرس یا درخت بلر تنیق النون اذ ارافون بد اول و ثانی و

قنن لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر
 است از گویند
 راسن
 جنت و پهن
 است و گویند
 خج که سست
 شید که مین
 رفاقت
 کمر بارت
 دان و
 کاز گویند
 ۲۲
 حاکم
 انشا و الدنقال
 و بدل آن بون
 انچه است
 کبر
 سوسک
 کبر

قنن لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر

الف و در همه فتح هزاره و سکون ف و و تون و نوعی که یاتینق الون

آذریگون و آذریون و آذریسون نیز گویند بهر اول و ضم ثانی و سکون را ممله و
ضم کاف فارسی و سکون و او و تون نوعی از شقائق که کنارهای آن بغایت
سرخ رنگ شود و میانه اش سیاه آذریون بهر اول و فتح ثانی و سکون را ممله و
و ضم تحتانی و سکون و او و تون و آذریون نیز گویند و نوعی از لاله گوشتی که
نوعی از اقحوان است طحی ۲ ق ممل خ بری ش پی در ص سسل یا ربیاس
لی باز و یا بهار تینق الوا و آذریون بهر اول و ضم ثانی و سکون را ممله و ضم موه و
و سکون و او و ممل گل اشنان و آن زرد میشود و بوته اش پر خار می باشد و سنج آن
کلیه شوی است ف فلار آذریون بهر اول و ضم ثانی و سکون را ممله و ضم تحتانی
و سکون و او و همی است فارسی معرب بود که او را با تش نسبت کرده اند ف گل در
که با کتاب میگردد و گویند چو رنگ اشنان طحی ۳ ش تا یک در ص مل تخم ابرج و
نیموزن او باد و در تینق الهاء آذریون بهر اول و ضم ثانی و سکون را ممله و
ممله و ضم موه و سکون و او و نوع تحتانی و ضار یا آذریون تینق التختانی
اذان الجدی ع بسکون لام و فتح جیم و سکون و ال ممله و تحتانی مجهول هم لسان
ف ورق بارتنگ تینق الرءاء الموهله و تینق الالف اراقوا بفتح
اول و او ممله و ضم قاف و او و الف و همک گندم که سیلا از سطر و
بفتح اول کس ثانی و سکون سین ممله و ط و ممله الف ف بنگ ارطاماس
و شتج اول و سکون را ممله و ط و ممله و الف و هم و الف ثانی و کسین ممله
و تحتانی و الف ثالث و اطمیسیا بسطر ممله و سکون تحتانی ثانی نیز گویند
برنجاسپ و بوی باد ران طحی ۲ ارسطه و ضا بفتح اول و کسین گویند
و سکون سین ممله و فتح ط و ممله و ضم لام و سکون و او و کسین و او و تحتانی و

الف و در همه فتح هزاره و سکون ف و و تون و نوعی که یاتینق الون
آذریگون و آذریون و آذریسون نیز گویند بهر اول و ضم ثانی و سکون را ممله و
ضم کاف فارسی و سکون و او و تون نوعی از شقائق که کنارهای آن بغایت
سرخ رنگ شود و میانه اش سیاه آذریون بهر اول و فتح ثانی و سکون را ممله و
و ضم تحتانی و سکون و او و تون و آذریون نیز گویند و نوعی از لاله گوشتی که
نوعی از اقحوان است طحی ۲ ق ممل خ بری ش پی در ص سسل یا ربیاس
لی باز و یا بهار تینق الوا و آذریون بهر اول و ضم ثانی و سکون را ممله و ضم موه و
و سکون و او و ممل گل اشنان و آن زرد میشود و بوته اش پر خار می باشد و سنج آن
کلیه شوی است ف فلار آذریون بهر اول و ضم ثانی و سکون را ممله و ضم تحتانی
و سکون و او و همی است فارسی معرب بود که او را با تش نسبت کرده اند ف گل در
که با کتاب میگردد و گویند چو رنگ اشنان طحی ۳ ش تا یک در ص مل تخم ابرج و
نیموزن او باد و در تینق الهاء آذریون بهر اول و ضم ثانی و سکون را ممله و
ممله و ضم موه و سکون و او و نوع تحتانی و ضار یا آذریون تینق التختانی
اذان الجدی ع بسکون لام و فتح جیم و سکون و ال ممله و تحتانی مجهول هم لسان
ف ورق بارتنگ تینق الرءاء الموهله و تینق الالف اراقوا بفتح
اول و او ممله و ضم قاف و او و الف و همک گندم که سیلا از سطر و
بفتح اول کس ثانی و سکون سین ممله و ط و ممله الف ف بنگ ارطاماس
و شتج اول و سکون را ممله و ط و ممله و الف و هم و الف ثانی و کسین ممله
و تحتانی و الف ثالث و اطمیسیا بسطر ممله و سکون تحتانی ثانی نیز گویند
برنجاسپ و بوی باد ران طحی ۲ ارسطه و ضا بفتح اول و کسین گویند
و سکون سین ممله و فتح ط و ممله و ضم لام و سکون و او و کسین و او و تحتانی و

نکته: اسما بدان که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است

در اول سطر اول
 الف م در اول سطر اول اگر کایا بفتح اول و سکون ثانی و کاف و الف و سر
 کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی م ابر کایا ابر سینا بفتح اول و سکون
 م ابر کایا و سکون و سکون تحتانی با نون و الف م نو شاد را ط و سنا بفتح اول
 و ضم ثانی و سکون و او یاسین ممل و الف م بان تنیق الباء الموحدة و اریبا
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون و صوره و بر کوهی تنیق الدال
 الطوقانی از زج بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء و جمع و سکون نو قانی و ف
 و فتح صوب بر بی بر طح ی ۲ گویند ج ای ۲ تنیق الجیمه ارج و بفتح اول
 و سکون ثانی و جیم م کر گدن و میخ تنیق الدال المهملة ارنده بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح شلم و سکون دال ممل و فتح نچنگشت و سینه الوار شمع
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین و جمع و سکون ال ممل م قرشیشا و حجر النور
 طح ی ۲ اریب و ف بضم اول و سکون ثانی و فیم و سکون و او و ال ممل
 م ابر و طاب و ف سکون حرت صفر و خون با نون قاف بضم ارنده بفتح اول
 و ثانی و سکون نون و دال ممل و نندی ریندی و ف سید نخیر اریب و ف
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی مجهول و دال ممل و فتح موحده و کسر و ممل ثانی
 و سکون تحتانی ثانی و دال ممل ثانی اسم فارسی است و دالی است مانند صیاد
 شکافته که از سیستان خیز و تنیق الزاء المهملة ارف بفتح اول و سکون ثانی
 م گنجاره که کل تنیق الزاء المهملة ارنه بضم اول و ثانی و سکون راء و جمع
 کسج و برنج و چاول طاب ی ۲ گویند مع گویند ج ای ۲ ف مغزی خ سفید
 ص شیر تازده بابر و غن یا سل و شکر سرجل یست جو یا جاد و س از زیر و ف
 بفتح اول و سکون ثانی و کسر زای و جمع و سکون تحتانی و زای و جمع ثانی و ع رصا
 م قلعی و اکت که تنیق الزاء الفارسی از شریف بفتح اول و ثانی و سکون

در اول سطر اول
 الف م در اول سطر اول اگر کایا بفتح اول و سکون ثانی و کاف و الف و سر
 کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی م ابر کایا ابر سینا بفتح اول و سکون
 م ابر کایا و سکون و سکون تحتانی با نون و الف م نو شاد را ط و سنا بفتح اول
 و ضم ثانی و سکون و او یاسین ممل و الف م بان تنیق الباء الموحدة و اریبا
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون و صوره و بر کوهی تنیق الدال
 الطوقانی از زج بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء و جمع و سکون نو قانی و ف
 و فتح صوب بر بی بر طح ی ۲ گویند ج ای ۲ تنیق الجیمه ارج و بفتح اول
 و سکون ثانی و جیم م کر گدن و میخ تنیق الدال المهملة ارنده بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح شلم و سکون دال ممل و فتح نچنگشت و سینه الوار شمع
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین و جمع و سکون ال ممل م قرشیشا و حجر النور
 طح ی ۲ اریب و ف بضم اول و سکون ثانی و فیم و سکون و او و ال ممل
 م ابر و طاب و ف سکون حرت صفر و خون با نون قاف بضم ارنده بفتح اول
 و ثانی و سکون نون و دال ممل و نندی ریندی و ف سید نخیر اریب و ف
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی مجهول و دال ممل و فتح موحده و کسر و ممل ثانی
 و سکون تحتانی ثانی و دال ممل ثانی اسم فارسی است و دالی است مانند صیاد
 شکافته که از سیستان خیز و تنیق الزاء المهملة ارف بفتح اول و سکون ثانی
 م گنجاره که کل تنیق الزاء المهملة ارنه بضم اول و ثانی و سکون راء و جمع
 کسج و برنج و چاول طاب ی ۲ گویند مع گویند ج ای ۲ ف مغزی خ سفید
 ص شیر تازده بابر و غن یا سل و شکر سرجل یست جو یا جاد و س از زیر و ف
 بفتح اول و سکون ثانی و کسر زای و جمع و سکون تحتانی و زای و جمع ثانی و ع رصا
 م قلعی و اکت که تنیق الزاء الفارسی از شریف بفتح اول و ثانی و سکون

در اول سطر اول
 الف م در اول سطر اول اگر کایا بفتح اول و سکون ثانی و کاف و الف و سر
 کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی م ابر کایا ابر سینا بفتح اول و سکون
 م ابر کایا و سکون و سکون تحتانی با نون و الف م نو شاد را ط و سنا بفتح اول
 و ضم ثانی و سکون و او یاسین ممل و الف م بان تنیق الباء الموحدة و اریبا
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون و صوره و بر کوهی تنیق الدال
 الطوقانی از زج بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء و جمع و سکون نو قانی و ف
 و فتح صوب بر بی بر طح ی ۲ گویند ج ای ۲ تنیق الجیمه ارج و بفتح اول
 و سکون ثانی و جیم م کر گدن و میخ تنیق الدال المهملة ارنده بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح شلم و سکون دال ممل و فتح نچنگشت و سینه الوار شمع
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین و جمع و سکون ال ممل م قرشیشا و حجر النور
 طح ی ۲ اریب و ف بضم اول و سکون ثانی و فیم و سکون و او و ال ممل
 م ابر و طاب و ف سکون حرت صفر و خون با نون قاف بضم ارنده بفتح اول
 و ثانی و سکون نون و دال ممل و نندی ریندی و ف سید نخیر اریب و ف
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی مجهول و دال ممل و فتح موحده و کسر و ممل ثانی
 و سکون تحتانی ثانی و دال ممل ثانی اسم فارسی است و دالی است مانند صیاد
 شکافته که از سیستان خیز و تنیق الزاء المهملة ارف بفتح اول و سکون ثانی
 م گنجاره که کل تنیق الزاء المهملة ارنه بضم اول و ثانی و سکون راء و جمع
 کسج و برنج و چاول طاب ی ۲ گویند مع گویند ج ای ۲ ف مغزی خ سفید
 ص شیر تازده بابر و غن یا سل و شکر سرجل یست جو یا جاد و س از زیر و ف
 بفتح اول و سکون ثانی و کسر زای و جمع و سکون تحتانی و زای و جمع ثانی و ع رصا
 م قلعی و اکت که تنیق الزاء الفارسی از شریف بفتح اول و ثانی و سکون

د. محمد عیسیٰ

کلیه را به نوبت اعیان مقتدر است علامه

دراد و در هر یک از اینها
 در اول بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و سکون نون نام علم است
 و حسن و صید و بزرگ و فارسی و درخت بادام تلخ کوهی ارسانیقون یونانی بفتح
 اول و سکون ثانی و سین ممله و الف و کسر نون و سکون تحتانی و ضم قاف
 و سکون نون نون ثانی و ف زرنج زرده پرتال ارسقیلون بفتح اول
 سکون ثانی و فتح سین ممله و کسر قاف و سکون تحتانی و ضم لام و سکون
 و نون م ارسانیقون ارقان بفتح اول و سکون ثانی و قاف و الف و نون
 و ف خاه هندسی اریانیقون بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله و کسر
 و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واد و نون ثانی و ع بزرگ بفتح
 است بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین ممله و کسر نون و سکون تحتانی و نون
 ثانی و ف غلغل اناروشی و جنگلی اناروشیان بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر سین و یا تحتانی و الف و ف توشاور تینق الوار و بوف بفتح اول
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واد و امر و دار و شیر و بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح ذال ممله و کسر سین و جمع تحتانی و سکون راء ممله و الف
 باو ال ممله ثانی و الف و واء ممله و واء و ف نوعی از موهن تینق الحاء و
 رومی بفتح اول و ثانی و واء مصلی الحقیقه بفتح اول و سکون ثانی و کسر
 و سکون تحتانی و کسر قاف و فتح نون و واء و یضنه بخا و جمع و فائز گویند
 و ف زریزه اسپرک از زرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و فحفا
 و ف زرف و آن خیر است شبیه لقطر آن که از درخت منو براه حاصل شود و
 منو بزنده آن است که بر ندهار دانه و بفتح اول و سکون ثانی و واء
 و الف و فتح نون و فحفا و واء نوعی از شیر تینق تحتانی اردستانی یونانی
 و سکون اول و فتح ثانی و سکون و ال و فتح فا و نون و الف و کسر نون ثانی و

دراد و در هر یک از اینها
 در اول بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و سکون نون نام علم است
 و حسن و صید و بزرگ و فارسی و درخت بادام تلخ کوهی ارسانیقون یونانی بفتح
 اول و سکون ثانی و سین ممله و الف و کسر نون و سکون تحتانی و ضم قاف
 و سکون نون نون ثانی و ف زرنج زرده پرتال ارسقیلون بفتح اول
 سکون ثانی و فتح سین ممله و کسر قاف و سکون تحتانی و ضم لام و سکون
 و نون م ارسانیقون ارقان بفتح اول و سکون ثانی و قاف و الف و نون
 و ف خاه هندسی اریانیقون بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله و کسر
 و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واد و نون ثانی و ع بزرگ بفتح
 است بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین ممله و کسر نون و سکون تحتانی و نون
 ثانی و ف غلغل اناروشی و جنگلی اناروشیان بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر سین و یا تحتانی و الف و ف توشاور تینق الوار و بوف بفتح اول
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واد و امر و دار و شیر و بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح ذال ممله و کسر سین و جمع تحتانی و سکون راء ممله و الف
 باو ال ممله ثانی و الف و واء ممله و واء و ف نوعی از موهن تینق الحاء و
 رومی بفتح اول و ثانی و واء مصلی الحقیقه بفتح اول و سکون ثانی و کسر
 و سکون تحتانی و کسر قاف و فتح نون و واء و یضنه بخا و جمع و فائز گویند
 و ف زریزه اسپرک از زرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و فحفا
 و ف زرف و آن خیر است شبیه لقطر آن که از درخت منو براه حاصل شود و
 منو بزنده آن است که بر ندهار دانه و بفتح اول و سکون ثانی و واء
 و الف و فتح نون و فحفا و واء نوعی از شیر تینق تحتانی اردستانی یونانی
 و سکون اول و فتح ثانی و سکون و ال و فتح فا و نون و الف و کسر نون ثانی و

دراد و در هر یک از اینها
 در اول بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و سکون نون نام علم است
 و حسن و صید و بزرگ و فارسی و درخت بادام تلخ کوهی ارسانیقون یونانی بفتح
 اول و سکون ثانی و سین ممله و الف و کسر نون و سکون تحتانی و ضم قاف
 و سکون نون نون ثانی و ف زرنج زرده پرتال ارسقیلون بفتح اول
 سکون ثانی و فتح سین ممله و کسر قاف و سکون تحتانی و ضم لام و سکون
 و نون م ارسانیقون ارقان بفتح اول و سکون ثانی و قاف و الف و نون
 و ف خاه هندسی اریانیقون بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله و کسر
 و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واد و نون ثانی و ع بزرگ بفتح
 است بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین ممله و کسر نون و سکون تحتانی و نون
 ثانی و ف غلغل اناروشی و جنگلی اناروشیان بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر سین و یا تحتانی و الف و ف توشاور تینق الوار و بوف بفتح اول
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واد و امر و دار و شیر و بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح ذال ممله و کسر سین و جمع تحتانی و سکون راء ممله و الف
 باو ال ممله ثانی و الف و واء ممله و واء و ف نوعی از موهن تینق الحاء و
 رومی بفتح اول و ثانی و واء مصلی الحقیقه بفتح اول و سکون ثانی و کسر
 و سکون تحتانی و کسر قاف و فتح نون و واء و یضنه بخا و جمع و فائز گویند
 و ف زریزه اسپرک از زرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و فحفا
 و ف زرف و آن خیر است شبیه لقطر آن که از درخت منو براه حاصل شود و
 منو بزنده آن است که بر ندهار دانه و بفتح اول و سکون ثانی و واء
 و الف و فتح نون و فحفا و واء نوعی از شیر تینق تحتانی اردستانی یونانی
 و سکون اول و فتح ثانی و سکون و ال و فتح فا و نون و الف و کسر نون ثانی و

افسوس افسوس
ای کجی سارا
گور و زار افیسون
الکین دیمین
مستقیم
گور و زار

و سکون تحتانی ع قشالو الحار را طری و می بفتح اول سکون ثانی و کسر طاء و ممل
 و سکون تحتانی ف و دخت و وزک م سپید را رغامونی بفتح اول
 و سکون ثانی و غین مجرید الف و ضم سیم و سکون و او و کسر نون و سکون
 تحتانی نباتی ست و شکل مانند خشخاش کبری و بلون مانند شقایق الف
 چنانچه فرقی در میان این و شقائق نتوان کرد م مایشای سرخ طبعی
 از لب بخری ع حیوانی ست و ریائی صدنی شکل و از سموات ست ه سمند
 سسا از لب بری ع بفتح اول سکون را و فتح نون و سکون موحده و فتح
 موحده ثانی و کسر را و ممل مشدده و سکون تحتانی ف خرگوش ه مستسط
 ح ۲۱ ق جحف خ سیاه بیابانی فرب که سگ صید کرده باشد بش بقدر
 اعتدال ص روغن زرد لعل تنسیق الزا ع المجدله آنرا و دخت و
 به اول و را و مجرید الف و وال ممل و فتح وال ممل ثانی و را و ممل و سکون خا و مجرید
 و فو قانی ع و دخت طافک ه بیت طحی م گویند ح ۲۲ ال در دراز کرد
 م و ورق شمدانه تنسیق الجید الفارسی انج بفتح اول و سکون ثانی و کسین
 مجرید و سکون جیم فارسی ف پاره ایست بر هر درختیکه پی خوشک سازد
 عشقه تنسیق ال ال المجدله آنرا و ف به اول و ثانی و الف و وال ممل
 م سر و گویند سوسن سفید و گویند درختی ست که میوه در ده همانا شمر و سوسن
 بدان اعتبار آنرا و خوانند و گویند درختی ست بلند قد که بیشتر در گیلان شود
 بلندش شصت گز و هفتاد گز رسد و شاخهایش مانند درخت صنوبر در بالا
 و تنه اش راست و بهوار و چوبش را بالا بر یک منوال است و صا و جوهر را
 لیکن از جوهر خوب چهار ریزه تر باشد و گویند نوعی زبای است در گیلان بهر
 و گویند درختی ست که چون بهایم برگ و چوب او بخورند میزند و گویند درخت

[illegible]

ازین یعنی خجست باو ام کو بیست و در کوستان پارس بیشتر جای می گیرند
شود و نیز نوعی از طب که بغایت شیرین و لذیذ باشد از در و بفتح اول سکون
ثانی ذفتح و او سکون را و هم له شیرازی اندوه قوتوم جند قوتونی تینق الفاء
از و ف بکسر اول سکون ثانی ذفتح و ال هم له و سکون فاسیوه البستخ
رنگ که اکثر و شوره زمین شود هم کو ز تینق الکاف الفارسی از رنگ ف
بفتح اول سکون ثانی ذفتح و او سکون نون م خیار تینق الکاف
از و ف بکسر اول سکون ثانی و کسر عین م جمعه مشق تینق الیم
از و ف بفتح اول و ثانی و الف و سکون را و جمعه ثانی و فتح و ال
هم له سکون یم م لو بیات تینق الزا الفارسی از و ف بفتح اول و ثانی فاء
و خفار یا م آ ب ک س و نوره تنسین السین هم له استخوان با ف
بضم اول و سکون سین هم له و ضم فوقانی و خا و جمعه با و او معد و ال و سکون
نون و ضم را و هم له با و معد و ال و ثانی م طائر بها استرخا و نانی بضم اول و
کسر نون و گویند بفتح و سکون سین هم له و ضم فوقانی و سکون را و هم له و خا و جمعه
و الف و زنج سرج و متسلل استرخا و ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
و هم له و کینه و ضم خا و جمعه و سکون را و هم له با یم و الف م تخم خرقاق سوخته او
بجفت قروح اسهوسا بفتح اول و سکون ثانی و ضم یم و سکون او با یم
هم له و الف و نوعی از سر و گویند گذری تینق الموحدة اسرج بضم
اول و سکون ثانی و ضم را و هم له سکون موحده م سرج سیاه تینق الفوقا
اسپست بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده فارسی و سکون سین هم له ثانی
و فوقانی ع نصفه م رطب است و بفتح اول و سکون ثانی م شتر و خج و
استخوان آدمی و سایر میوه تینق الجیهه بفتح اول و سکون ثانی

سودا و حفظان
عربست
اسهلان در
اسهل تربید
برای یاد و عاشق
دو گویند هست
ارد گویند
بدل و بیفای
ست و غم
فصل



افغون
ننگرهار
سیاه و سبز
شمال
پاکستان
دور

از روی
تواریخ
مستوفی
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
در تاریخ ۱۳۰۲

و کسر را و مملعه و سکون نون و جیم گویای مستخرج طبعه القیاس طبعی است
 عابث و بدل اسرخیع بکسر اول و سکون ثانی و کسر را و مملعه و سکون نون
 و سرخیع و شکر ف را ولی که سند و رویند و رطاب ای ۲۱ مخفف خ
 بسیار سرخیع صاف سفید با جاتل اسفیداج یا مراد سنگ سفید بکسر اول و سکون
 ثانی و فتح لام و سکون نون و جیم طبعه القیاس اسفیع بکسر اول و سکون
 و فتح فاق و سکون نون و جیم ف ابر مرده و ابر کمن و گویند حیوان و دریایی است
 بدان سبب که چون است برونی خود را و کشد و قتی که میرد آب و یا بر سبیل
 اندازد و موا بول طح ای ۲۲ مخفف جلی خ تازه ش یکدم ص ر بصر
 یا فانی دل قرطاس سوخته اسفیداج بکسر اول و سکون ثانی و کسر فاق و ثانی
 مجهول و وال مملعه و الف و جیم ف سفید است از زیر و سرب و بنگ طبعی
 گویند ۳ مخفف و سکون و جاع اخ پاک سفید خوشبو ص از سفید ص صاص تند
 و صغیر و شور بای جربیل خبت الرصاص یا مراد سنگ تنیق الطاهر المجد
 اسفانخ ع بکسر اول و سکون ثانی و فاق و الف و نون و الف ثانی و فاق و جیم
 ف اسپانخ و ساکن لک طاب ار گویند مع ح ب ف ملین ش تندر
 حاجت ص فافل و و اچینی و آب کاهل کد و یا بقله یا نیا سود و صاخ ع بفتح اول
 و سکون ثانی و فتح و او و وال مملعه سین مملعه و الف و کسر لام و سکون خا و جیم
 ف مار سیاه و کالاناک تنیق الدال المملعه استخوان زرد بکسر اول و سکون
 ثانی و فتح فاق و و او و مملعه و الف و سکون نون و فتح را و مملعه و سکون
 نون ثانی و وال مملعه و حای استول کننده بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاق و
 و انهار را و سکون و او و لام و فتح کاف و فاق و نون و سکون ال ایضا که اگر کمن
 اسفیع بفتح اول و ثانی ف شیر با گاه اسفود و بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاق

مايست
ريخت فام
دانج
حصه خط
اقاقيا
رشيا جوس

149

ادلم ای غنیت
کشته گویند
ببول و لکر
جالیئوس گوید
صغ او است
سر و دست
در درجه دوم

نامشکل اول در الیون
 وضم را در جمله و واو مجهول می است کویک مانند جیشک بر سران چند بر بلند باشد
 مثل شایخ قطاه اسفند اسفیدم خورل سفیدم تخم سپندان اسبند
 طحی سیاق مخدر تینق الواء المهمله استزارف بکسلر اول و سکون ثانی
 وفتح فوقانی ورا ومله الف ورا ومله ثانی ع عدس اسغرف بضم اول و سکون
 ثانی وضم غیرین بجمع فارسیست که شایب اسفند قورج بکسلر اول و سکون ثانی و
 فتح قاف و سکون نون وضم قاف ثانی و سکون واو ورا ومله مقنقور
 ریگ ماری وندنگ شتی کاریت مپکلی اسراف بداول وفتح نیر و سکون ثانی
 ویر و الف ورا ومله م درخت مور و آسمندرف بفتح اول سکون ثانی وفتح
 میسم و سکون نون وفتح و ال هلمه مهنده آگ کاکیرا اسیرع بضم اول و سکون ثانی
 و سکون تحتانی و کاهص که کانل طب التینق السین المهمله
 اس ع بداول و سکون سین مهمله ف نام درخت مور که آنرا اسرار گویند و
 آنرا حبب الاس گویند و شکوفا آن خوشبو شود و هر کس که آنرا میوید و خواب کند
 محکم گردد و اسبوس ف بکسلر اول و سکون ثانی وفتح موحده فارسی وضم تحتانی و
 سکون واو ع بزر قطن نام بگو که اسفول اسطلس یونانی بکسلر اول و سکون ثانی
 وفتح فوقانی و سکون طاء ومله وفتح لام م فقر الیهود خیریت چون مومیانی
 اسطر واطوس یونانی بضم اول و سکون ثانی وفتح طاء ومله و سکون را ومله میسم و
 الف وضم طاء ومله ثانی و سکون واو ف اسبند اسطوخودوس و می ضم اول
 و سکون ثانی وضم طاء ومله و سکون واو وضم خا وجر و سکون واو ثانی وضم ال
 ومله و سکون واو ثالث از جزیره سخاوس نخیز و موافق الارواح نیز گویند
 م شاه سفرم روی که دیار گویند مندی طح ای ۲۰ ق لطف نصیح مسک
 سودا و متوی وفتح حل خ نازه سرج خایل بسیری تلخ خریف من از جرم او

نامشکل اول در الیون
 وضم را در جمله و واو مجهول می است کویک مانند جیشک بر سران چند بر بلند باشد
 مثل شایخ قطاه اسفند اسفیدم خورل سفیدم تخم سپندان اسبند
 طحی سیاق مخدر تینق الواء المهمله استزارف بکسلر اول و سکون ثانی
 وفتح فوقانی ورا ومله الف ورا ومله ثانی ع عدس اسغرف بضم اول و سکون
 ثانی وضم غیرین بجمع فارسیست که شایب اسفند قورج بکسلر اول و سکون ثانی و
 فتح قاف و سکون نون وضم قاف ثانی و سکون واو ورا ومله مقنقور
 ریگ ماری وندنگ شتی کاریت مپکلی اسراف بداول وفتح نیر و سکون ثانی
 ویر و الف ورا ومله م درخت مور و آسمندرف بفتح اول سکون ثانی وفتح
 میسم و سکون نون وفتح و ال هلمه مهنده آگ کاکیرا اسیرع بضم اول و سکون ثانی
 و سکون تحتانی و کاهص که کانل طب التینق السین المهمله
 اس ع بداول و سکون سین مهمله ف نام درخت مور که آنرا اسرار گویند و
 آنرا حبب الاس گویند و شکوفا آن خوشبو شود و هر کس که آنرا میوید و خواب کند
 محکم گردد و اسبوس ف بکسلر اول و سکون ثانی وفتح موحده فارسی وضم تحتانی و
 سکون واو ع بزر قطن نام بگو که اسفول اسطلس یونانی بکسلر اول و سکون ثانی
 وفتح فوقانی و سکون طاء ومله وفتح لام م فقر الیهود خیریت چون مومیانی
 اسطر واطوس یونانی بضم اول و سکون ثانی وفتح طاء ومله و سکون را ومله میسم و
 الف وضم طاء ومله ثانی و سکون واو ف اسبند اسطوخودوس و می ضم اول
 و سکون ثانی وضم طاء ومله و سکون واو وضم خا وجر و سکون واو ثانی وضم ال
 ومله و سکون واو ثالث از جزیره سخاوس نخیز و موافق الارواح نیز گویند
 م شاه سفرم روی که دیار گویند مندی طح ای ۲۰ ق لطف نصیح مسک
 سودا و متوی وفتح حل خ نازه سرج خایل بسیری تلخ خریف من از جرم او

شاه سفرم روی که دیار گویند مندی طح ای ۲۰ ق لطف نصیح مسک
 سودا و متوی وفتح حل خ نازه سرج خایل بسیری تلخ خریف من از جرم او

و در دم تا ناله درم و در مطبوع تا هفتصد و پنجاه و یک و گویند حاملان بار
 یا سنجین و گویند نقل ل فراسیون یا مرزیا یا فیضیون نصف وزن و نیم وزن یا
 استیوس یکسول و سکون ثانی و فتح فاضل و فتح تختانی و سکون و او و سین مهله
 پنج بر قطوناف بنگوه استیاقس یکسول و سکون ثانی و وفات و الف
 و کسراف ثانی و سین مهله م نوعی از اکلیل الملک طح سی ۲ استوریوس یونا
 بضم اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون و او و کسراف مهله و سکون تختانی و ضم اول
 مهله و سکون و او و ثانی ف پتیر یا یه استیاقس یونا بی بضم اول و سکون ثانی و فتح قاف
 و سکون و او و فتح لام و سکون و او و ثانی بیخی است م غشی ف گیاه سرشیم به سرش
 کا کمانس ح ی استیوس بضم اول و سکون ثانی و فتح تختانی و سکون و او و سین مهله
 ثانی سنگی ست سبک که زود در زبان شود و از نرم و پاک بروی بند و آثر انهره سبک
 خوانند ف نمک چینی که چین کالون طح سی تنیق الضاد المجهه آسمان الارض ع یق
 اول و ثانی و فتح دال مهله و سکون لام و فتح هزه ثانی و سکون و او و مهله و ضاد و جمعه الضا
 ع حراف یو قلمون که گرگ و باصطلاح کمیگران سیل تنیق الکاف استیاق
 که بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و او و مهله و سکون کاف ع اکلیل الملک
 وزیر استخوان رنگ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و فارسی و او و مهله
 و الف و سکون فون و فتح راء مهله و فون ثانی و کاف م های تنیق الکاف لهاد
 استرنگ بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و او و مهله و سکون فون ع بیروج ف
 م و م کیاهی که منا لکننی تنیق اللام ا بضم اول و سکون ثانی و فتح هزه
 فارسی و فتح خازمه و سکون و او و لام م پخال مرغان استیاق ع یکسول سکون
 ثانی و کسراف و سکون تختانی و لام ف پیاز و شتی که کانه طح سی ۲ گویند
 ق مقطع محلل ملطف مفرح من مشوی لش کیشقال ص حامل یا شیر تازه که در عقیش

است آملی
کاشندگی آملی
گویند حکومت
خودرو را
کس است
و در میان
و در میان
و در میان
و در میان

۳۱
بیشترین بگوشتانند
و یکدیگر وسعت
بهر از این صافی
کنند و بگوشت
در چشم بکارند
سفیدی را که
در چشم بود
ناخن بکشد و این
موجب است

پیشرو عالم در علم و ادب
در بلاد و دیار
که خواست
در انواع زبان
که بود
که آئینست
در اینست
در الف
در اینست
از انوار

[illegible]

در روز اول آن
شیت و گویند
که ریاست
بخیر میوه
معروف
بخیر و دشتی
نوی از دست
که اندیش
که تو بر گویند
اندر دست

[illegible]

گروه در پیش
جای گرفت
و گشتن مشغول
در دوشین شد
دور از

FF

بیشتر و نفوس آفاق بهشت و حیض از اجل و بیش که عیادت در فضیلت شریب هرق مناسب

[illegible]

در بیان سبب تفتیق النون

م عوج تفتیق النون آتش بچکان ف به اول و کسر تانی و فتح موحده و جیم فار
 و کاف فارسی و الف و نون م چند بید تر اشلان بفتح اول و سکون تانی با لام
 و الف ه میو یکما اشلان ف بضم اول و سکون تانی و نون و الف و نون ثانی
 م غاسول و چوبک شویه چون او را بکسوزند شفا شود و چونک طح ی ۲ ق
 مجلی مفتی و اکال خ سیفید بارتی و بارتی موضعیت نزد کوفه بش ندرض شفا
 ال صابون آشن ف بفتح اول و تانی م خربوزه نارسیده کالک تفتیق الواو
 بضم اول سکون تانی و ضم فانی و سکون رازمه و کاف فارسی و الف و واو
 م جانور زرافه تفتیق الهاء آشین ف بکسر اول سکون تانی و کسر موحده فار
 و فتح شین مجله تانی و فاء م کرمی که در پوتین و ندر و دیگر جنایا و شین سفید و
 تیا چاد و آنرا آشین ف به اول و سکون تانی و کسر فانی و سکون تحتانی و فتح
 نون م آشین اشنه بضم اول سکون تانی و فتح نون ف دراله و والی و الی
 که بهر اطع ب گویند ح ای ۲ ق مفتوی که در اندک فالص خ سفید خوشبو
 مضری و در وقت کوفتن با بنرم کرده بگویند تا کوفته گردد و بش یکد رم تاد و
 گویند ندرم صول نیون ل قویانا و خربا بل آشین ف به اول و کسر تانی و سکون
 تحتانی و فتح نون م آسینه تفتیق الصاد و المهمل و تفتیق الالف اصل اللف
 بفتح اول سکون صاد و مهمله و ضم لام و سکون لام تانی و فتح عین مهمله و سکون راول
 و فتح طار مهمله و کسر نون و سکون تحتانی و ثلثه و الف ع مخور میم ف آ ذر و اول
 ع بفتح اول سکون صاد و مهمله و ضم لام و سکون لام تانی و کسر طار و سکون نون و ضم
 وال مهمله و موحده و الف ف بچکان سنی که کاسنی سکه بفتیق الموحده اصل اللف
 ع ف بفتح اول سکون تانی و ضم لام و سکون لام تانی و فتح عین مهمله و سکون
 مهمله و موحده و ف بچ غرب طح ی ۲ اصل القصب ع بفتح قاف و صاد و مهمله و سکون

تفتیق النون
 بضم اول سکون تانی و فتح نون
 م عوج تفتیق النون
 آتش بچکان ف به اول و کسر تانی و فتح موحده و جیم فار

۳۵
 بضم اول سکون تانی و فتح نون
 م عوج تفتیق النون
 آتش بچکان ف به اول و کسر تانی و فتح موحده و جیم فار

در بیان سبب تفتیق النون

در هر دو سکون و او فتح سین ممله ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح تختانی و سکون

خدا و حمزه و بیخ سوس سفید که در روم و میان بنفشه میروید و مشهور است به بیخ
 و گویند قسط شیرین تنیق الفاء اصل الاصفع به معنوی و فتح صا و ممله و سکون قاف
 بیخ کبر اصل اللوفع بهضم لام شد و ثانی و سکون و او فتح بیخ پیکوش طح ی
 تنیق الکاف اصطک بفتح اول و کسره و سکون ثانی و فتح طار ممله و او ممله و سکون
 کاف ف میوه و گویند منحنی است که از درخت روم حاصل میشود و گویند زیتون است
 طح ی ۳ گویند حی ۲ تنیق اللام اصل التبولع بفتح فوقانی و سکون
 نون و ضم موحده و او مجهول و لام م بیخ پان کله یمن اصل الفاضل ع کسره و و ف
 و سکون هر دو لام و بیخ فلفل در از و فلفل و یه پیل سول ل را فلفل اصل النیل
 ع کسره نون و سکون تختانی و بیخ حبیل النیل که کواد و دی کی بر طح ی ل
 تنیق النون اصطفین ع کسره و سکون ثانی و فتح طار ممله و کسره و سکون تختانی
 و نون م سطفین که مذکور شد اصل الکسن بفتح راء ممله شد و الف و فتح سین ممله و
 نون و بیخ زخیل شامی گویند نوعی از فیلهوش است طح ی ۴ گویند اصل الباذیه
 ع یاء و الف و فتح ز او حمزه و سکون راء ممله و ضم تختانی و سکون و او فتح بیخ نجکشت
 طح ی ۵ تنیق الهاء اصل الکشاع بهضم کاف بشلک و الف و اظهار هاف بیخ کرس
 اصول اللوحع بهضم اول ثانی و سکون و او و ضم لام ثانی و فتح همزه و سکون راء ممله و
 فتح موحده و یمن ممله و هاف بیخ کاسنی بیخ رازینه و بیخ کبر و بیخ کرس تنیق النحت
 اصابع الغداری ع کسره نین مجر و ذال حمزه و الف و کسره راء ممله و تختانی و نوعی از
 انگور سیاه و آنرا انگور زیتونی خوانند که کالی واکمه طح و اصل الانجران الخراسانی
 ع بفتح همزه و سکون نین و ضم حیم بادال ممله و الف و کسره نون ثانی و سکون لام ثانی
 و ضم خا و حمزه و الف و یمن ممله و الف ثانی و کسره نون م اشترع اصل النکشی

در هر دو سکون و او فتح سین ممله ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح تختانی و سکون

در هر دو سکون و او فتح سین ممله ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح تختانی و سکون
 خدا و حمزه و بیخ سوس سفید که در روم و میان بنفشه میروید و مشهور است به بیخ
 و گویند قسط شیرین تنیق الفاء اصل الاصفع به معنوی و فتح صا و ممله و سکون قاف
 بیخ کبر اصل اللوفع بهضم لام شد و ثانی و سکون و او فتح بیخ پیکوش طح ی
 تنیق الکاف اصطک بفتح اول و کسره و سکون ثانی و فتح طار ممله و او ممله و سکون
 کاف ف میوه و گویند منحنی است که از درخت روم حاصل میشود و گویند زیتون است
 طح ی ۳ گویند حی ۲ تنیق اللام اصل التبولع بفتح فوقانی و سکون
 نون و ضم موحده و او مجهول و لام م بیخ پان کله یمن اصل الفاضل ع کسره و و ف
 و سکون هر دو لام و بیخ فلفل در از و فلفل و یه پیل سول ل را فلفل اصل النیل
 ع کسره نون و سکون تختانی و بیخ حبیل النیل که کواد و دی کی بر طح ی ل
 تنیق النون اصطفین ع کسره و سکون ثانی و فتح طار ممله و کسره و سکون تختانی
 و نون م سطفین که مذکور شد اصل الکسن بفتح راء ممله شد و الف و فتح سین ممله و
 نون و بیخ زخیل شامی گویند نوعی از فیلهوش است طح ی ۴ گویند اصل الباذیه
 ع یاء و الف و فتح ز او حمزه و سکون راء ممله و ضم تختانی و سکون و او فتح بیخ نجکشت
 طح ی ۵ تنیق الهاء اصل الکشاع بهضم کاف بشلک و الف و اظهار هاف بیخ کرس
 اصول اللوحع بهضم اول ثانی و سکون و او و ضم لام ثانی و فتح همزه و سکون راء ممله و
 فتح موحده و یمن ممله و هاف بیخ کاسنی بیخ رازینه و بیخ کبر و بیخ کرس تنیق النحت
 اصابع الغداری ع کسره نین مجر و ذال حمزه و الف و کسره راء ممله و تختانی و نوعی از
 انگور سیاه و آنرا انگور زیتونی خوانند که کالی واکمه طح و اصل الانجران الخراسانی
 ع بفتح همزه و سکون نین و ضم حیم بادال ممله و الف و کسره نون ثانی و سکون لام ثانی
 و ضم خا و حمزه و الف و یمن ممله و الف ثانی و کسره نون م اشترع اصل النکشی

اول و سکون ثانی بار اوله و الف ثانی و کسر فاء و فتح راء و سکون تخمائی و ضم نوک
و سکون و او و نون و فتاحی ریزون طلب تا تحقیق الحاء اطباء الطبیخ
بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و ضم حقه و سکون لام و فتح کاف و سکون
لام ثانی و فتح موحده و خفاء با و سستان و لکسوطا اطریح و کلام اول و سکون
و کسر راء و ممل و فتح تخمائی و فتاحی شسته و تنجیه سینوی طح و اتشیق
الطاع العجل و تحقیق الموحده اطفا الطبیخ بفتح اول و سکون ثانی با موحده
و طاء و ممل شده و سکون تخمائی و موحده و تا حن صد و تا حن و نو و حن
بو او و تا حن پریان و کله طح ی ۲۴ لطف و تقوی کبذخ انچه مائل سیفی
باشد شخخیدرم ص گل ختمه یا قبرس یا طین از نیل اتخوان یا قصب الذریعه
تشیق العین الممل و تحقیق النون اعین السطین ع بفتح اول و سکون
ممل و ضم تخمائی و نون و فتح سین ممل شده و راء و ممل و الف و کسر طاء و سکون
تخمائی ثانی و نون و فتح تخمائی که سبها الکی و تحقیق العین الممل
تحقیق الزاء الممل و فتح اول و سکون غین و فتح موحده و سکون او و
ف و توتائی که مرکب است از فتح و توتیا و کرمانی و نبات مصری تحقیق السین
الممل و اعراض طین ثانی بفتح اول و ثانی و سکون راء و ممل و فتح سین و کلام
ممل و سکون سین ممل ثانی و ثیل و سید کیا العجری بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تخمائی و کسر راء و ممل و جزر و می که گویند که با صمغ اوست اعین فتح اول
و کسر ثانی و سکون تخمائی و فتح تخمائی الحاء اخال شبه و بعد اول و ثانی
و الف و سکون لام و فتح موحده فارسی شین و حقه و خفاء با و حقه و فتح
التخمائی و الف و فتح اول و ثانی و الف و ضم لام و سکون و او و کسر حقه و سکون تخمائی
ف و حقه و گویند و فتح بلیخ اندک تلخ علی کلام اول و فتح نون و سکون ثانی و کسر

و سکون ثانی و کسر فاء و فتح راء و سکون تخمائی و ضم نوک
و سکون و او و نون و فتاحی ریزون طلب تا تحقیق الحاء اطباء الطبیخ
بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و ضم حقه و سکون لام و فتح کاف و سکون
لام ثانی و فتح موحده و خفاء با و سستان و لکسوطا اطریح و کلام اول و سکون
و کسر راء و ممل و فتح تخمائی و فتاحی شسته و تنجیه سینوی طح و اتشیق
الطاع العجل و تحقیق الموحده اطفا الطبیخ بفتح اول و سکون ثانی با موحده
و طاء و ممل شده و سکون تخمائی و موحده و تا حن صد و تا حن و نو و حن
بو او و تا حن پریان و کله طح ی ۲۴ لطف و تقوی کبذخ انچه مائل سیفی
باشد شخخیدرم ص گل ختمه یا قبرس یا طین از نیل اتخوان یا قصب الذریعه
تشیق العین الممل و تحقیق النون اعین السطین ع بفتح اول و سکون
ممل و ضم تخمائی و نون و فتح سین ممل شده و راء و ممل و الف و کسر طاء و سکون
تخمائی ثانی و نون و فتح تخمائی که سبها الکی و تحقیق العین الممل
تحقیق الزاء الممل و فتح اول و سکون غین و فتح موحده و سکون او و
ف و توتائی که مرکب است از فتح و توتیا و کرمانی و نبات مصری تحقیق السین
الممل و اعراض طین ثانی بفتح اول و ثانی و سکون راء و ممل و فتح سین و کلام
ممل و سکون سین ممل ثانی و ثیل و سید کیا العجری بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تخمائی و کسر راء و ممل و جزر و می که گویند که با صمغ اوست اعین فتح اول
و کسر ثانی و سکون تخمائی و فتح تخمائی الحاء اخال شبه و بعد اول و ثانی
و الف و سکون لام و فتح موحده فارسی شین و حقه و خفاء با و حقه و فتح
التخمائی و الف و فتح اول و ثانی و الف و ضم لام و سکون و او و کسر حقه و سکون تخمائی
ف و حقه و گویند و فتح بلیخ اندک تلخ علی کلام اول و فتح نون و سکون ثانی و کسر

۳۹

و سکون تختانی و کسراف و تختانی ثانی و و شتاب تسبیح الفاء و تنیق القواف
 آفتاب پرست و نیلوفر و بوقلمون و انبرگویند و گلبست که به جانب آفتاب بگردد
 برگداشته و بدان جانب بکشد و اهل هند گل بگردد و گویند تنیق الجیم افشوح
 بفتح اول و سکون فاء و ضم شین و فتح راء و همزه و سکون جیم و معرب افشوح و
 عصاه هر چه از افرنج بفتح اول و ثانی و سکون راء و همزه و فتح غین و سکون نو
 کشوت تنیق الراء و همزه افکار بفتح اول و سکون ثانی با کاف و الف و راء و
 و تنیق تنیق الکاف آفتاب کردک برد اول و سکون ثانی با فوقانی و الف و
 و تنیق کاف فارسی و سکون راء و همزه و فتح وال و همزه و کاف م آفتاب است و تنیق بفتح
 اول و سکون اول و سکون ثانی و فتح راء و همزه و سکون نون و فتح جیم و کسیم و سکون
 شین و معرب بالنکوی خور و در بجان قرفلی که گویند ناسی طحی ۲ تنیق
 ل قرفلی افشاک بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین و سکون کاف م
 شین و تنیق النون افا سون بفتح اول و ثانی و الف و ضم سین و همزه و سکون و او
 و نون و رغن ترب که حولی کاتیل افیتون بفتح اول و سکون ثانی و کسرت و
 و سکون تختانی و ضم سیم و سکون او و نون که اکاسیل ایل طحی ۳ و سسل
 سودا و فتح و فشیخ از فزیلی یا مقدسی سرخ تخم تازه شی از سطیخ پیچ بر م تاهفت م
 و از جرم او و در م تاسه رم ص کثیر ارب سبب یا خمین یا رغن با و اصل حاشا
 یکوزن و نیم یا ترید یوزن او یا سطیخ خود و س بسفاج افریون بفتح اول و ثانی و
 سکون راء و همزه و کسرت و همزه و ضم تختانی و سکون و او و نون م فرنیون ف غیر
 ز قوم کسینه کار و فسان ف بفتح اول و سکون ثانی با سین و همزه و الف و
 نون م سنگ فشان افستین بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین و همزه و سکون نو
 و کسرت و ثانی و سکون تختانی و برنجاسف کوی و گویند نوعی از ورنه که مجری و ستاره

سبب نوزاد از دودم از این در پیش نهاده می شود فالش قدر دارد ماضی از دود چون سوزان

معی بپدید بران چیزی از طلا و نقره چون جهاطا هر باشد طمع حب بی ساق
 و جفخ چون در سرکه ساعتی را کنند طلا یا نقره از وجه نشود و چندان خسته
 و جهای تقیل زین سیاه کل بشغرت و بقدر رشورش نیم مشغال صی رغن بوم
 و در رنگ سفید یا قوتیا تمیق السین الممله افسوس بفتح اول و سکون ثانی و
 ضم سین ممله و سکون و او سین ممله ثانی م مویخ عسل م و بن تمیق الطاء الممله
 و قطع بفتح اول و کشانی و سکون طاء ممله م قورت ف کشک و پیوب م
 تمیق النون اقارون و می بفتح اول و ثانی و الف و ضم را ممله و سکون و او و نو
 ع عود الوج ف اگر تاج اخوان ع بضم اول و سکون ثانی و ضم حار ممله با و او و الف
 و نون ف با و نو کا و و م مٹی طحی اگویند اگویند ح سی ا ق محلل لطیف م
 منوع م سبز برک که برین گلش سفید و اندرون زرو باشد و تلخش و دود و تاسم
 حل نیسون و گویند حب لاس ل شیخ ا قطن بنی بفتح اول و سکون ثانی و کسرا ممله و سکون
 ف ماش و بشیر زنی بنو ماش لا مونگ ا قویلا سکون رومی بفتح اول و ضم ثانی و کسرا
 و او و سکون ف فتح تحتانی بالام و الف و فتح سین ممله و ضم میم و سکون و او ثانی و ف
 و رغن بلسان تمیق التختا ا قطن ا را بنقی و ا قطن ا قوی یونانی بفتح اول و سکون
 و کسرا طاء ممله بانون و الف و فتح همزه و او ممله و الف ثانی و سکون تحتانی و کسرا
 و سکون تحتانی و لغت اول و ضم لام و سکون او و کسرا ف ثانی و لغت ثانی ف با و او و ده
 و هما و قطی یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسرا ممله و خت بیل لا هندی بیل کا و که
 قمان البرمان الهندی بفتح اول و سکون ثانی باسیم و الف و ضم سین ممله و او ممله شد باسیم
 شد و ثانی و الف ثانی و کسرا نون و سکون لام و کسرا و سکون نون ثانی و کسرا ل
 ممله ف نار مشکة ناکیسر ا قویالی یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او باسیم و الف
 و کسرا لام و الف و الف آب شده شده کایانی تمیق الکاف و تمیق الا لفت

اصل اینست
 جادیزست
 خوا منند
 گرم و خشک
 سست و گرم
 بسبب نوزاد
 بپدید بران
 خاندانی نوگ
 در یک دریم
 و خشک است
 ۲۲
 در و در حب
 و بیل
 و حب
 و م
 بلسان افروز
 و خ
 و سکون و ف
 و کسرا

بلسان افروز و خ و سکون و ف و کسرا

الکاف بفتح اول و کاف و سکون لام و فتح کاف ثانی بار اول و الف عاقله
 تینق الفوقانی التکت سربانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون فوقانی ثانی فتح میم
 و کسر کاف ثانی و سکون فوقانی ثانی و ف حایه ابلیس که کسر نحو اطح ۲ می تینق
 الناء المثلثه الشوش بضم اول و سکون ثانی و ضم شین معجمه و سکون و او و ثلثه
 م شوش خ تخم قسمی از ابریل تینق الجید کج بهر و فتح اول و ثانی و سکون جمیع
 فحاج بری م زعفر و ف کیل کج و بفتح اول و سکون ثانی و کسر خا معجمه م طاب
 تینق السین المهمله اکارس و بفتح اول و ثانی و الف و کسر او مهمله و سکون
 سین مهمله کلمات که کهنی اگر قسین فتح اول و سکون ثانی و فتح او مهمله و سکون فا
 م کزفس که اجودا کز و فس و می بفتح اول و سکون ثانی و ضم او مهمله و سکون و او و
 فتح فاج جوز و می شو گویند که با جمع اوست تینق الضاد المعجمه اکلیل امیوض کبیر
 اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تختانی و کسر لام ثانی و فتح هنو و سکون با و فتح
 و او و سکون ضا و جمعه که تخم او یکن تینق الکاف اگر دیک بفتح اول و سکون ثانی
 و ضم او مهمله و سکون و او و فتح یا و سکون کاف م انزروت آگ که بهر اول و سکون
 ثانی و تخم عشر طلیل الملکع بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تختانی و م
 لام ثانی و سکون لام ثالث و فتح میم و کسر لام یلف گیا ہی قیصر فریریه که
 که از ان رنگ رنگاری سازند طح ی اق محل ملین بنفخ خ تازه رسیده زرد
 مائل سفیدی که با واز شکافتن دانه زرد و داشته باشد ش میگردم تا دورم غسل
 با طینق اش ل خیزدن ورق انجیر یا زسیون یا لبان یا چودنه بوزن آن یا حبلیا
 تینق النون اکالقیون بفتح اول و ثانی و الف و کسر او مهمله و سکون تختانی و تخم
 و سکون و او و نون و تخم زیتون و شتی الکونیران بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 میم و کسر او و سکون تختانی و او و جمعه و الف و نوعی اگر کرسنه تینق الحاء اول

میرزا ابوالفضل قزوینی
مدرسہ دارالعلوم
کراچی

۶۷
 توش بود و دیار
 کاسه خورند
 اصل النجفی
 بیاض و گس
 گوشت گرم
 دشت سست
 و دوم و اول
 عدد نوح
 در شهر و حومه
 یک سبزه
 تار و

[illegible][illegible]

ای ۲ ق قابض و محقق و مقوی و مانع و معده و مفرج دل و گویند مسهل سودا و اخ
 سیاهی که لولش مانع البصر می باشد و نیز بوی شش یکیشقال تاسه ورم ص عسل
 یا شرباب بخیر شیر آله یا بلبله سیاه یا کینیم وزن بلبله تنیق الدال المصلح لمر و
 ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم ر و محله و سکون و ا و و ع ناشیاتی تنیق ایسین
 المصلح اموس بفتح اول و ضم ثانی و سکون و ا و و سین محله ف زبان و ناظم
 و ا و ا و ن تنیق الضاد الهجه اسرار الارض ع بفتح اول و سکون ثانی و عین
 محله و الف و ضم ه و سکون لام و فتح ه و ثانی و سکون ر و و محله و ضا و حروف
 ز غار کرم م خ و طین ک کینچرا تنیق النون اما مون یونانی بفتح اول و ثانی و ی
 و ضم سین ثانی و سکون و ا و و نون م حاما اما سین رومی بفتح اول و سکون ثانی
 و فتح عین محله و الف و کسین محله و سکون تحتانی و نون و آب خور و انگو
 و و و ک کاپانی اغیلمان ع بضم اول و کسر ثانی مشد و عین معجمه سکون تحتانی باللام
 و الف و اغیلمان ک کیکر و بیول ط ب ی ۲ گویند ج ق قابض و محقق ش بقدر
 حاجت ص بفقشه تنسيق النون و تنیق الالف انا گیر ا ف بفتح اول و ثانی و الف
 و ر و و محله و کسراف ناسی و سکون تحتانی بار و محله الف ثانی م غوره شخاش یعنی کونا
 انشله سو و سیانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر نو قانی فتح لاس و بنزه و عین و فتح سین محله
 و سکون و ا و ا و ال مصلح و ا و فرفین و جد و ا و ا و نر سی انجبا بفتح اول و سکون ثانی و
 کسر جیم و ضم نر و سین محله و الف م شکر ا و عطفینا سیانی بفتح اول و سکون نون و فتح
 و کسر ح و محله و سکون ف و کسر ط و محله و سکون تحتانی و نون ثانی و الف ع جلا و ف
 گانا لاند ز ا ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح و ال محله و سکون ا و محله بار و معجمه و الف
 م گا و نر ه و آن سنگی است که در میان نر ه و گا و سکون شود و یاد و میان شیر و نر ه
 و پیشتر از گا و نر ه و ستان بهر سد و مانند یاد و نر ه و و در لون و خاصیت ع حجر البقر

[illegible]

انسا تا بفتح اول سکون ثانی با سین جمله الف با شلشع زریب الجیل ف مویج ه
 لنده الطو نیا یونانی بفتح اول سکون ثانی و ضم ط و جمله سکون و او و سکون و
 نختانی ف کاسنی روی طاب سرا الف و یار روی بفتح اول سکون ثانی و فتح قاف
 و سکون را و جمله و کسر ال جمله و نختانی ف بلا و را هلا نو انگار و بفتح اول سکون
 ثانی با کاف فارسی و الف بلا و جمله ف اکر انگور ف بفتح اول سکون ثانی با کاف
 فارسی و کسر را و جمله و شین معجمه فاع غلب لثلب و ر و باه ترکیه که مکوه و چه پون
 انویاف بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او با موصوفه فارسی م کاسنی و گویند گاو زبان
 انولاه به اول و فخر و نون ثانی و فتح و او بالام و الف ف املط ب ی انومیا
 روی بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و کسر سیم یا تختانی و الف سیم شقایق ف گل لال
 تمیق الموحده آ تب بفتح اول و ثانی و سکون موصوفه ف باد نجان الف و اناب
 ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و ح و معجمه و ضم فو قانی و سکون لام و فتح هجره و سکون
 را و جمله و فتح نون ثانی ف پیر یا به خرگوش تمیق الفو قانی انز و روت ع بفتح اول
 و سکون ثانی و فتح را و معجمه و ضم را و جمله و سکون و او و فو قانی ف کنجه که لامی طاح
 ای الف و ح ل را کال خ سفید لکن بر روی شش نیده م تا یکد رم ص صمغ عربی یا بر عن
 جوزل یکوزن نشاسته و نمیزدن صابن بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون
 سین جمله ف تینه و شکبوت انگشت ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف قار
 و سکون شین معجمه م ز کال که کوپلا خسته سیوه یا لایتر گویند تمیق الجیل و خ ف به
 اول و فتح ثانی و سکون جیم م ز و لا و خجج بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و سکون
 و او ف و ح و حندی اگر تمیق الدال الموحده ابر و و ف بفتح اول و سکون ثانی
 و فتح موصوفه و ضم را و جمله و او و جمله و ال جمله م امر و دائر ف بفتح اول و سکون
 م م ک ع سکون اندر و و ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زا و معجمه و ضم را و جمله م

کاسنی روی طاب
 سرا الف و یار روی
 بفتح اول سکون
 ثانی و فتح قاف
 و سکون را و جمله
 و کسر ال جمله
 و نختانی ف بلا
 و را هلا نو انگار
 و بفتح اول سکون
 ثانی با کاف فارسی
 و الف بلا و جمله
 ف اکر انگور ف
 بفتح اول سکون
 ثانی با کاف فارسی
 و کسر را و جمله
 و شین معجمه
 فاع غلب لثلب
 و ر و باه ترکیه
 که مکوه و چه پون
 انویاف بفتح اول
 و ضم ثانی و سکون
 و او با موصوفه
 فارسی م کاسنی
 و گویند گاو زبان
 انولاه به اول
 و فخر و نون
 ثانی و فتح و او
 بالام و الف ف
 املط ب ی انومیا
 روی بفتح اول
 و ضم ثانی و سکون
 و او و کسر سیم
 یا تختانی و الف
 سیم شقایق ف
 گل لال تمیق
 الموحده آ تب
 بفتح اول و ثانی
 و سکون موصوفه
 ف باد نجان الف
 و اناب ع بفتح
 اول و سکون ثانی
 و فتح فا و ح و
 معجمه و ضم فو
 قانی و سکون لام
 و فتح هجره و
 سکون را و جمله
 و فتح نون ثانی
 ف پیر یا به
 خرگوش تمیق
 الفو قانی انز و
 روت ع بفتح اول
 و سکون ثانی
 و فتح را و
 معجمه و ضم را
 و جمله و سکون
 و او و فو قانی
 ف کنجه که
 لامی طاح ای
 الف و ح ل را
 کال خ سفید
 لکن بر روی
 شش نیده م
 تا یکد رم ص
 صمغ عربی یا
 بر عن جوزل
 یکوزن نشاسته
 و نمیزدن صابن
 بفتح اول و
 سکون ثانی و
 فتح فا و سکون
 سین جمله ف
 تینه و شکبوت
 انگشت ف بفتح
 اول و سکون
 ثانی و کسر کاف
 قار و سکون
 شین معجمه م
 ز کال که کوپلا
 خسته سیوه یا
 لایتر گویند
 تمیق الجیل و خ
 ف به اول و
 فتح ثانی و
 سکون جیم م
 ز و لا و خجج
 بفتح اول و
 سکون ثانی و
 ضم جیم و
 سکون و او ف
 و ح و حندی
 اگر تمیق الدال
 الموحده ابر و
 و ف بفتح اول
 و سکون ثانی
 و فتح موصوفه
 و ضم را و
 جمله و او و
 جمله و ال
 جمله م امر و
 دائر ف بفتح
 اول و سکون
 م م ک ع
 سکون اندر و
 و ف بفتح اول
 و سکون ثانی
 و فتح زا و
 معجمه و ضم
 را و جمله م

اول و سکون
 ثانی و فتح
 فا و سکون
 سین جمله
 ف تینه و
 شکبوت انگشت
 ف بفتح اول
 و سکون ثانی
 و کسر کاف
 قار و سکون
 شین معجمه
 م ز کال که
 کوپلا خسته
 سیوه یا لایتر
 گویند تمیق
 الجیل و خ ف
 به اول و فتح
 ثانی و سکون
 جیم م ز و
 لا و خجج بفتح
 اول و سکون
 ثانی و ضم
 جیم و سکون
 و او ف و ح
 و حندی اگر
 تمیق الدال
 الموحده ابر و
 و ف بفتح اول
 و سکون ثانی
 و فتح موصوفه
 و ضم را و
 جمله و او و
 جمله و ال
 جمله م امر و
 دائر ف بفتح
 اول و سکون
 م م ک ع
 سکون اندر و
 و ف بفتح اول
 و سکون ثانی
 و فتح زا و
 معجمه و ضم
 را و جمله م

الف تان اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی فتح را و جمعه فارسی صغیر و غیره
 است و بشیر اصلی ناستیک گندگو نذیع حلقیت و هینگ تمیق الراء المهمله بخیار
 روی فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و موده و الف و را و موده همین نام مشهور است
 طب ای ۲ ق منفی قروح شش و حالبین هم و طین طبع شش یک شقال تا و شقال
 انجیر فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تختانی ع تین انکوف و فتح اول سکون
 ثانی و ضم کاف فارسی و سکون و او و و کاف بهی تمیق السین المهمله تا و
 فتح اول و ثانی و الف و کسرین ممله و سکون تختانی و ضم لام و سکون سین بهلم
 مرزنگوش تا و برابری ع فتح اول و سکون ثانی و فتح موده و سکون را و موده
 ثانی و الف و کسر را و موده ثانی و سکون تختانی ف زرشک و زرشک طب ای ۲
 خ کمال خود رسیده سرخ مائل سیاهی شیر و داریص جالب تخم گل چهار انگه زن
 آن مندل و سرخ سمان آند و طاقس فتح اول و سکون ثانی و فتح و ال ممله و جیم
 ممله و سکون و او باط ممله و الف و کسر قاف و نوعی از خود الفقه الفرس ع ف
 پیر یا سپ تمیق الفاء الفقه الخشخ ع کسر خا و جمعه و سین جمعه و سکون قاف پیر یا
 جمعه نریه بنو کوی کدایل باشد تمیق القاف انفاق ع فتح و کسر اول و سکون ثانی
 و فاء الف و قاف و رغن و ریون تمیق الکاف اما و شک ف فتح اول و ثانی
 و الف و را و ممله و کسر جیم و سین جمعه و کاف م و مار شک و نا کیم و کسر فتح اول سکون
 ثانی و کسر جیم و فتح را و ممله ف مرزنگوش و مر و انجملک ع فتح اول و سکون ثانی
 و ضم جیم و فتح کاف اول و سکون کاف ثانی هم محلب و کدیل و آنک ع به اول و
 ضم ثانی ف سرب و سیسات تمیق اللام اهل فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون
 لام و خطی الفقه اهل ع فتح جیم و جیم و پیر یا و شش بهی خ از اشتر ع
 الفقه اهل ع کسرین ممله و سکون جیم و پیر یا و کوساله تمیق النون انارین

الف تان اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی فتح را و جمعه فارسی صغیر و غیره
 است و بشیر اصلی ناستیک گندگو نذیع حلقیت و هینگ تمیق الراء المهمله بخیار
 روی فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و موده و الف و را و موده همین نام مشهور است
 طب ای ۲ ق منفی قروح شش و حالبین هم و طین طبع شش یک شقال تا و شقال
 انجیر فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تختانی ع تین انکوف و فتح اول سکون
 ثانی و ضم کاف فارسی و سکون و او و و کاف بهی تمیق السین المهمله تا و
 فتح اول و ثانی و الف و کسرین ممله و سکون تختانی و ضم لام و سکون سین بهلم
 مرزنگوش تا و برابری ع فتح اول و سکون ثانی و فتح موده و سکون را و موده
 ثانی و الف و کسر را و موده ثانی و سکون تختانی ف زرشک و زرشک طب ای ۲
 خ کمال خود رسیده سرخ مائل سیاهی شیر و داریص جالب تخم گل چهار انگه زن
 آن مندل و سرخ سمان آند و طاقس فتح اول و سکون ثانی و فتح و ال ممله و جیم
 ممله و سکون و او باط ممله و الف و کسر قاف و نوعی از خود الفقه الفرس ع ف
 پیر یا سپ تمیق الفاء الفقه الخشخ ع کسر خا و جمعه و سین جمعه و سکون قاف پیر یا
 جمعه نریه بنو کوی کدایل باشد تمیق القاف انفاق ع فتح و کسر اول و سکون ثانی
 و فاء الف و قاف و رغن و ریون تمیق الکاف اما و شک ف فتح اول و ثانی
 و الف و را و ممله و کسر جیم و سین جمعه و کاف م و مار شک و نا کیم و کسر فتح اول سکون
 ثانی و کسر جیم و فتح را و ممله ف مرزنگوش و مر و انجملک ع فتح اول و سکون ثانی
 و ضم جیم و فتح کاف اول و سکون کاف ثانی هم محلب و کدیل و آنک ع به اول و
 ضم ثانی ف سرب و سیسات تمیق اللام اهل فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون
 لام و خطی الفقه اهل ع فتح جیم و جیم و پیر یا و شش بهی خ از اشتر ع
 الفقه اهل ع کسرین ممله و سکون جیم و پیر یا و کوساله تمیق النون انارین

الف تان اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی فتح را و جمعه فارسی صغیر و غیره
 است و بشیر اصلی ناستیک گندگو نذیع حلقیت و هینگ تمیق الراء المهمله بخیار
 روی فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و موده و الف و را و موده همین نام مشهور است
 طب ای ۲ ق منفی قروح شش و حالبین هم و طین طبع شش یک شقال تا و شقال
 انجیر فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تختانی ع تین انکوف و فتح اول سکون
 ثانی و ضم کاف فارسی و سکون و او و و کاف بهی تمیق السین المهمله تا و
 فتح اول و ثانی و الف و کسرین ممله و سکون تختانی و ضم لام و سکون سین بهلم
 مرزنگوش تا و برابری ع فتح اول و سکون ثانی و فتح موده و سکون را و موده
 ثانی و الف و کسر را و موده ثانی و سکون تختانی ف زرشک و زرشک طب ای ۲
 خ کمال خود رسیده سرخ مائل سیاهی شیر و داریص جالب تخم گل چهار انگه زن
 آن مندل و سرخ سمان آند و طاقس فتح اول و سکون ثانی و فتح و ال ممله و جیم
 ممله و سکون و او باط ممله و الف و کسر قاف و نوعی از خود الفقه الفرس ع ف
 پیر یا سپ تمیق الفاء الفقه الخشخ ع کسر خا و جمعه و سین جمعه و سکون قاف پیر یا
 جمعه نریه بنو کوی کدایل باشد تمیق القاف انفاق ع فتح و کسر اول و سکون ثانی
 و فاء الف و قاف و رغن و ریون تمیق الکاف اما و شک ف فتح اول و ثانی
 و الف و را و ممله و کسر جیم و سین جمعه و کاف م و مار شک و نا کیم و کسر فتح اول سکون
 ثانی و کسر جیم و فتح را و ممله ف مرزنگوش و مر و انجملک ع فتح اول و سکون ثانی
 و ضم جیم و فتح کاف اول و سکون کاف ثانی هم محلب و کدیل و آنک ع به اول و
 ضم ثانی ف سرب و سیسات تمیق اللام اهل فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون
 لام و خطی الفقه اهل ع فتح جیم و جیم و پیر یا و شش بهی خ از اشتر ع
 الفقه اهل ع کسرین ممله و سکون جیم و پیر یا و کوساله تمیق النون انارین

کتاب الف و کسر و ملامه و سکون تحتانی و نون ثانی و زنجار

بفتح اول و سکون ثانی و الف و کسر و ملامه و سکون تحتانی و نون ثانی و زنجار
 انحراف بفتح اول و سکون ثانی و کسر و ملامه و فتح و الف و نون و زنجار
 انگوزه که بهینک کار و که طحی ۳ فی مد و محال و لمطخ سفیدش یکدم
 ظل لیخ آن یاد و انگ و زن آن جلالت یا تخم جز یا کون کرمانی آن
 اول و سکون ثانی و فتح و جیم و سهر و دوا و بی شم اندر این کسر اول و سکون ثانی
 فتح و الف و ملامه و الف و کسر تحتانی و سکون آن و مخطط طحی و یلین و
 سهل اندر و فارون و بنانی است که در کشت گندم و جو و یزد و فرش بودن خود را
 سرخ و طمش نهایت تلخ اندر و خردن و بفتح اول و سکون ثانی و فتح و الف و ملامه و
 و او مجهول و ضم و سکون و ثانی و ضم و ملامه و سکون و او ثانی هم گویند و ثانی است
 مرکب که در سطل است و اگر اهرم بدین نام خوانند اندر و مارون بفتح اول و سکون
 و فتح و الف و ملامه و ضم و مجهول باب الف و ضم و ملامه ثانی و سکون و او ثانی
 یعنی اندر و فارون انسان کسر اول و سکون ثانی با سین ملامه الف و او
 که مانع مشکه القطر یون کسر اول و سکون ثانی و کسر قاف و سکون طاء و ملامه و
 ملامه و ضم تحتانی و سکون و او و نون و کسر با که کسر و انقون رومی بفتح اول و سکون
 ثانی و ضم قاف و سکون و او و ف کل پیاده که سداب کلابا یکمین ف و عمل
 شده مهر و اما اندر آن بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی باب الف و ملامه
 و الف و انحراف آن یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم سین ملامه و سکون
 و او و م را زاینه رومی که سولف طحی ۳ فی مد و مخطط طحی و یلین و
 تخم را زاینه یارب المسوس ل تخم شبت یا کرو یا یاد و زن آن را زاینه تمیق الو او
 اندر و کسر اول و سکون ثانی و فتح و الف و ملامه و فتح و جیم و سکون و او
 ع لسان العصاره فی آنیمو بفتح اول و سکون ثانی و کسر و ضم و ضم تحتانی و زنجار

کتاب الف و کسر و ملامه و سکون تحتانی و نون ثانی و زنجار
 انحراف بفتح اول و سکون ثانی و کسر و ملامه و فتح و الف و نون و زنجار
 انگوزه که بهینک کار و که طحی ۳ فی مد و محال و لمطخ سفیدش یکدم
 ظل لیخ آن یاد و انگ و زن آن جلالت یا تخم جز یا کون کرمانی آن
 اول و سکون ثانی و فتح و جیم و سهر و دوا و بی شم اندر این کسر اول و سکون ثانی
 فتح و الف و ملامه و الف و کسر تحتانی و سکون آن و مخطط طحی و یلین و
 سهل اندر و فارون و بنانی است که در کشت گندم و جو و یزد و فرش بودن خود را
 سرخ و طمش نهایت تلخ اندر و خردن و بفتح اول و سکون ثانی و فتح و الف و ملامه و
 و او مجهول و ضم و سکون و ثانی و ضم و ملامه و سکون و او ثانی هم گویند و ثانی است
 مرکب که در سطل است و اگر اهرم بدین نام خوانند اندر و مارون بفتح اول و سکون
 و فتح و الف و ملامه و ضم و مجهول باب الف و ضم و ملامه ثانی و سکون و او ثانی
 یعنی اندر و فارون انسان کسر اول و سکون ثانی با سین ملامه الف و او
 که مانع مشکه القطر یون کسر اول و سکون ثانی و کسر قاف و سکون طاء و ملامه و
 ملامه و ضم تحتانی و سکون و او و نون و کسر با که کسر و انقون رومی بفتح اول و سکون
 ثانی و ضم قاف و سکون و او و ف کل پیاده که سداب کلابا یکمین ف و عمل
 شده مهر و اما اندر آن بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی باب الف و ملامه
 و الف و انحراف آن یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم سین ملامه و سکون
 و او و م را زاینه رومی که سولف طحی ۳ فی مد و مخطط طحی و یلین و
 تخم را زاینه یارب المسوس ل تخم شبت یا کرو یا یاد و زن آن را زاینه تمیق الو او
 اندر و کسر اول و سکون ثانی و فتح و الف و ملامه و فتح و جیم و سکون و او
 ع لسان العصاره فی آنیمو بفتح اول و سکون ثانی و کسر و ضم و ضم تحتانی و زنجار

۴۹
 غلط گنند
 و بعد از آن بجز
 میا خورند
 باب الف و ملامه
 نامول بفتح
 مجهول گویند
 بیان نیز قاف
 سر دست در
 اول و شک
 است و زنجار

بفتح اول و سکون ثانی و الف و کسر و ملامه و سکون تحتانی و نون ثانی و زنجار

[illegible]

10-11-68

یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون تختانی و فتح میم و با و روح اویش
 ف و بهر اول و کسره ثانی و تختانی مجهول و فتح شین مجیم و صقر و زبان عراق کالونی
 و بگیلانی کسکته و تبرکی کلیکاسا و فی خواننده سائل مر و اتینق الحاء و اویش ف و بهر
 اول و کسره ثانی و تختانی مجهول و فتح شین مجیم و حقا و هم اویش تینق تختانی اویش
 و او و مالی یونانی بضم اول و سکون ثانی و ر و م و ل و بی ر و م و ل و بی م و الف و کسره
 و سکون تختانی ع و دهن العسل و ف و عسل و او و ر و ان و غنی است که از ساق درخت
 حاصل میشود و ان و عسل است بسطری و شیرخی طح رخ کنه غلیظه صافی او و مالی
 یونانی بضم اول و فتح نیز و سکون ثانی و ضم نون و سکون و او و ثانی با میم و الف و کسره
 ف و شرب عسل تینق الحاء و تینق الدال المهمله الیکلیج اسودع بکیر اول و
 سکون ثانی و کسره لام و تختانی مجهول فتح لام ثانی و کسیر مجیم و فتح همزه و سکون سین
 و فتح و او و سکون و ال مهمله لیلیه سیاه و زنگی هژ طاب ای ۲ ق مسلسل رخ
 هندی ش از جرم او یکدم تا دو درم و در مطبوخ از بهفت درم تا ده درم و درم و عسل کونند
 و غن مل لیلیه کالی تینق الوا المهمله آهر ف بفتح اول و سکون ثانی و او و م و ل
 م و نحت بلسان العصاره الیکلیج اصفر ع بکیر اول و سکون ثانی و کسره لام و تختانی مجهول
 و فتح لام ثانی و کسیر مجیم و فتح همزه و سکون ضا و م و ل و فتح قاف لیلیه زرده و هژ طاب
 ای ۲ ق مسلسل سفرا و معوی اول و م و ح و خ فریدش از جرم او سه درم تا پنج درم و در مطبوخ
 از بهفت درم تا ده درم و نالت درم ص قندیا و تخمین باب گرم یا غناب ل و است
 از اهر ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و شغال تینق الطاء المهمله الال
 بکیر اول و سکون ثانی بالام و الف و ضم لام ثانی و سکون لام ثالث و ضم قاف
 و سکون سین مهمله و طاب و م و ل و نوی از با و م و ل و تینق الکاف آکیر ف و بهر
 اول و فتح ثانی و سکون کاف و چنان ق و م و ح و شسته و اکال تینق التختانی

سنگ بزرگ
 قلع سیریت
 پاریسی
 هندو
 ایلای گویت
 دست در
 سوم و بیخی گویت
 ۵۲
 سنگ بزرگ
 قلع سیریت
 پاریسی
 هندو
 ایلای گویت
 دست در
 سوم و بیخی گویت
 ۵۲
 سنگ بزرگ
 قلع سیریت
 پاریسی
 هندو
 ایلای گویت
 دست در
 سوم و بیخی گویت
 ۵۲

و سکون ثانی در اول ممله با قاف و الف هم خاتمین بفتح اول و سکون ثانی فتح را
 ممله ف دو مع آیر و ن بفتح اول و سکون ثانی و ضم را ممله و سکون و ا و ف گوگرد
 ز و ا یقاین بفتح اول و سکون ثانی و قاف و الف و کسراف ثانی و سکون ثانی
 ع محمود ایهقان بفتح اول و سکون ثانی و ضم را با قاف الف هم جیم سیایانی که کجی
 ترقیه الباء الموحده و تمینق الالف مع التمیق الالف
 با ج را موحده و الف و سکون جیم فتح را ممله و الف غله الیست مشهور ف کارین را م
 سکون و ال ممله فتح را ممله و و ا و م بیر و و ه بر نجا با قاف بکسراف بالام الف
 با کلا و ال طح ب مع گویند ب ای ۲ و تسمی ست هندی که او سیم گویند
 قاضی منضج محلل میخ فربه بزرگ خشک ش دو در ص صغرل ماش بالاموحده
 و الف و لام الف و بالام میخ کاندل که از خوشخانه سازند و بر بالانیز گویند با نجه گکو طرا
 و بخا و نون و فتح جیم و اظهار بار هندی و فتح کاف اول و ضم کاف ثانی و و ا و مجهول را
 ممله هندی و و ا و هندی ست بانسا و بخا و نون و سین ممله م ا و س ا تینق القوقا
 بار و ست بسکون را ممله فتح و ال ممله و سکون سین ممله و فوقانی ص آتوس تمینق
 الحی جیم با یونج ع بضم موحده ثانی و سکون و او و فتح نون و سکون جیم ف بالونه
 مر حتی و سونل طح می ق ملطف محلل مفتوح بزرگ زر و گل ش یکله بضه گویند
 سله شقال ص سل بار و غکل ل بر نجاست یا ا طیل الملک با در و ج موحده و الف
 و و ال ممله ساکنه و ضم را ممله و سکون و او و جیم نوعی از ریحان ست که در کوه های
 ف تره خراسانی و یابری و یا بچی که لسی کجی ست طح ۲ ی اف محلل و مقوی و
 منضج دل و حابس خون خوش شده تازه ش از شخم ا و در ص بقایه الزهر ال مرزنجوش
 یا با و خجویه با و خج موحده و الف و کسراف ممله و فتح نون و جوزه هندی و مار کیل
 ناریل و کوه پره با و ج موحده و الف و فتح را ممله م سکا آنکو تمینق الجلیه القاد

با فتح غین مجر و سکون جیم فارسی م انکو نیم تحت تنیق الدال المهمله و
 سکون و ال مهمله و مدینه و فتح و او و سکون را و مهمله و ال مهمله ثانی ع شکو که لیضاً
 و ده جا و جوا نسا طح ی اگویند ب اینج اوب ی ۲ اق محفف سفید ورق تازه
 نش یکدرم و نیم ص افسنتین یا تخم کاهول شاترج بارای کنده بموده و الف
 و را و مهمله و الف ثانی و کسر را و سکون تحتانی و فتح کاف و خفاء نون و ال مهمله و ال
 یا یعنی بارای کندنیز آمده یخی است هندی باز روع بموده و الف فتح را و مهمله و سکون را
 مجر م قنه و نیز ده بری طاح ۳ ی ۲ بار و دوسلانی بموده و الف و ضم را و مهمله و
 خفاء و او ف نمک چینی تنیق الراء المهمله یا بکسر سکون موحده ثانی و فتح سین
 مهمله و سکون را و مهمله ف پرگ سارکی تنیق السین المهمله یا بکسر سکون موحده
 ثانی و فتح لام سکون سین مهمله مخشاش یا کس ف بموده و الف و ضم نونانی م
 یا سبوس و سکون سین مهمله و ضم موحده و سکون و او م فرزنگوش باطن سکون طار
 مهمله ع علیق و ضم طار مهمله م بالنک ه توت و مجور بالوس و ضم لام سکون او
 و سین مهمله م کافور مسحوق بالمش ه خفاء نون و فی طب ق ملین تنیق الطاء
 المهمله یا ط باط سکون هر و طار مهمله ه عللر هر تنیق القاف بار و ق ضم ا
 مهمله و سکون و او و قاف و سفیده قلعی ه بنگ تنیق الکاف بالنک ف یفتح
 نون و سکون کاف ع حب البان تنیق الکاف الفارسی یا بزرگ ف بسکون
 و ال مهمله و فتح را و مهمله و سکون نون و کاف فارسی م نوعی از خیار و ترنج بارنگ ف
 بسکون را و مهمله و فتح نونانی و سکون نون ع لسان الحمل بالنک ف یفتح لام سکون
 نون نوعی از ترنج است که بغایت نازک شیرین باشد ه مجور و نیز یا بزرگ یا بی
 ه بکسر تحتانی و موحده ثانی و را و مهمله و خفاء نون و بزرگ کابلی تنیق اللام م کاف
 یفتح کاف فارسی و سکون لام م آب یکدرم بال ف نوعی از ای بزرگ که در دریا فکس

در اول فصل
است در سیم
جاء و غیب
معرب الجا
جمع نویسیست
و سان کوتاه

△△

و بعد از خشتی
و بعد از خشتی
بر آید سید را
اول از دست
دیر بود چون
تخم افشاید در
رنگ با او دید
نمود کل آورد
مردم و کوه یک
اگر بخیم بدست
و آمد و برگشت

[illegible]

پیاره
مهر و مهر
دیندی تاش
داول کمار
نهر و نهر
آیهست
باشند زیانی
اوجاورد و جان
دادند حکم شود
حسین

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

محمد بن ابی طالب
 و خوار و نون م تها کو طح ی م ق خند و ی شینق اللام جال ف بضم
 اول و فتح جیم الف م م م تھنق المیم جیم اول و سکون ثانی و میم ع ثمره الطار
 گز یازده مائین تھنق المعالم المندی کجگر کنده و بفتح اول و ثانی مشدود و سکون اول
 ممله و فتح کاف فارسی خوار و نون و دال ممله سوزن و تنسیق الخاء المعجمه و تھنق
 الفوقانی تججات یونانی بفتح اول و سکون خاء جمعه و فتح فوقانی بابیم و الف و ذوقا
 ثانی و کشفه رت سکات تھنق الراء الممله جیم و بضم اول و ثانی و سکون اول
 ممله م عسل لنبی ع میوه سالیله تھنق المیم جیم و بفتح اول و سکون ثانی و میم
 ممله شیرینی معتبره که از گندم و ازرن و حبوبات سازند جیم و میم ع بضم اول و ثانی و سکون
 و او و کسره و ممله و فتح میم و سکون و او ممله ثانی و فتح تحتانی و سکون میم ثانی و میم
 که پنج آن عرطیث است و آن نوعی از سناسط طح ی م گویند ۲ ق مقلع محلل خ
 نر و تازه ص تی و حقه ک کندش تھنق المعالم تججات و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 فوقانی و خوار یام گویند نرسه سال و بفتح اول فارسی م پنه تجلات بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح فوقانی و خوار یام تجلات بفتح اول و کسره ثانی و سکون تحتانی و فتح
 لام و خوار یام خرفه تنسیق الدال الممله و تھنق الالف بدایه یکسر اول و فتح
 و ال ممله و خوار یام و الف و او ممله و ای ممله یست طح فی ملین تھنق الجیم
 جیم و بفتح اول و غیر ضم اول و کسره ثانی و سکون تحتانی ع سلیله تھنق الدال الممله
 بدایه یکسر اول و فتح ثانی و الف و کسره و ممله و سکون تحتانی و او ممله یست
 تھنق الکاف بدیدک و بدیدک ف بضم سر و و ممله و سکون اول و فتح اول
 ممله ثانی و بفتح اول و ضم اول و فتح ثانی و بفتح ثانی ع بدید تھنق اللام بدیل
 و بفتح اول و سکون و ال ممله مندی و فتح یام میوه مندی پنخوش است بشکل
 به و پر خرم طح تھنق المیم بدیم بفتح اول و سکون ثانی و میم و شکوفه و رت

۵۸
 در دودم بول
 دقت است
 او دیو دوست
 بیلوطا چوب
 کمر ریسان چوب
 پوسته را میگو
 دو جفت لک
 در درج
 ست در دود
 گرم و خشک
 بعلکه گرم
 بولان هند

که در آب فرو رود و در وقت که در دست راست و در دست چپ
 بزرگ شود و در وقت که در دست راست و در دست چپ
 مملعه شود و در وقت که در دست راست و در دست چپ
 خ سیاه فریبش یکدوم تا دو درم بهت فواق بلغمی ص کثیرا با غسل ل سداب
 نوز القنب ع بکسر قاف و فتح نون مشدوف شمدانه و تخم بنک به بجا کی بیج
 بزرگ کربس ع بسکون لام و فتح کاف و سکون را و مملعه نون ف تخم کرم طح
 ی خ تازه فریبه تمیق الفوقانی بزرگ الشبت ع بکسرین مجر مشدوف و مملعه و سکون
 فوقانی غ تخم شوت ل سولی کاب طح ی گویند مع ق مفتح فریبش و درم
 ص غسل ل و وزن آن شبت بزرگ القنب کشش ع بسکون لام و فتح فا و سکون نون
 و فتح جیم و سکون نون و فتح جیم و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون شین
 سجمه سبها ل و ک بیج طح ی گویند ۳ فریبش و دو درم ص شیر نوز بزرگ
 ع بکسر اللام المشدوف و سکون قاف تخم شلغم طح ی خ سیخ فریبش و دو درم ص
 بزرگ البطیخ ل بزرگ الطیخ تخم جز و وزن تمیق المشدوف بزرگ لکرات ع بضم کاف
 و را و مملعه مشدوف و الف و تخم گند نا طح ی گویند ۲ و آن بعینه بکشی یا ند و بسیار
 سیاه خ شامی تازه فریبش یکدوم تا دو درم ص غسل ل بر جیم بزرگ لکشوش ع بضم
 کاف و شین مجر و سکون وا و کا و بیل کی بیج طامع ح ب ی خ فریبش و دو درم ص
 غسل ل بزرگ هند با چهار دانگ وزن آن استین تمیق الجیمه بزرگ البیج ع بسکون
 لام و فتح مملعه و سکون نون و جیم و تخم بنج و اجوا این خراسانی ط سیاه اوب
 ی ۳ سفید اوب ی ۲ ق قابض حابسل خون سفید و بعد سرخ بش یکدوم
 تا دو دانگ ص غسل و قی کردن آب گرم و روغن و غسل ل افیون یا فلاح خوشنشان
 بزرگ الرز یا بیج ع با را و مملعه مشدوف و الف و سکون را و سجمه یا تخم ثانی و الف ثانی و فتح

حبس الفلک
 بانیس
 گفته میشود
 حبس الفلک
 پیار سی
 نام را اگر کند
 سر و خشک
 سست و اول
 حبس الفلک
 پیار سی
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰

نون ف تخم بادیان که سولفت کی بیج لانیسون برزاکا کنج ع بسکون لام باکاف
والف و سکون کاف ثانی و فتح نون ف تخم ع و سک و در پرده بز غنچ ف بعض
اول و سکون ثانی و فتح نون ف تخم ع و سکون نون گویند که وخت بسته یکسال میوه
با مغز بار آورد و یکسال بی مغز و آن مغز و در بسته گویند بی مغز را باین نام نون
تمیق الخاء المجهود برز الاسفاناج ع بسکون لام و کسر سوزه و سکون سین مملو فتح
قاف با نون و الف و خا و جمعه ه تخم ساگ بالک طاب رخ مائل سرخی بش کیدرم
سین ملین مخموم برز البطنج ع بسکون لام و کسر سوزه و طاو مملو شده و سکون کاف
ف تخم خرپوزه طاح در گویند یاق خشک او سعت و مفتی خ شیرین ش دو درم
تا پنجم درم میل بادیان ل چلفوزه تمیق الدال المهدل برز الرشا و فتح لام
مشده و باشین مجوده الف و دال مملو ع صبار رشا و تخم نره تیرک ه بالون کی
برز القشع بسکون لام و فتح قاف و مثلثه و دال مملو ف تخم خیار بالک ه کبیری که
بیج طاب رخ فیه ماخوذ از خیار زردش از پنجم درم تا ده درم ص کیتال تخم خیار زره
برز الورد ع بسکون لام و فتح واو و سکون را و مملو و دال مملو ف تخم گل گندم زرد
و آن زردی میان گل است طب ی ق قابض و عابس خون خ ماخوذ از گل
فاریسی ش دو درم ص کیتال تمیق الرء المهدل برز البرج ع بسکون لام و کبیری
و سکون را و مملو و کسر تخم ثانی و سکون تحتانی و در مملو ثانی ف تخم کشتک ه شراب
طاح ی گویند ف مفتی بهی خ بستانی ش دو مثقال ص کیتال خردل تخم
انجیره یا خصی الثعلب یا بوزن آن تخم گندنا برز البرج ع بسکون لام و فتح میم و زهره
ف تخم زردک ف مد مفتی برز الصنف ع بسکون لام و فتح عین مملو و سکون صا و مملو
و فا و را و مملو ف نسکدانه ه گوگرد و کسبکی بیج تمیق الزاء المجهود برز اربع بفتح
اول و سکون زار ع میوه ثانی و الف و زاء مجوده ثانی م بیاسه ه جا و تری

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

44

بدل و
بیزرقطو
بلسان بیاری
بزم گویند
بزم و خشک

بیل آن عود و گویا
بود و گویند و
یک آن از سبب
حب الفی بسیار
که از گوشت

طرک السیاحین منزل کرد سینه‌ها را در دست و پا را در پای و سر را در بالا و کمر را در میان و زانو را در کنار و پاشنه را در عقب و انگشت را در پیش و اینها را در میان و پا را در پای و سر را در بالا و کمر را در میان و زانو را در کنار و پاشنه را در عقب و انگشت را در پیش و اینها را در میان

تمیق السین المهملة بفتح السين مع سکون لام وفتح خاء وجمعه سکون سین محل
 ف تخم کا هو ط ب ی خ سیاه فرجه بستانی ش از یکد رم تاد و درم من مصطک
 ل ودم الاخوين بزر بلا سقلین بضم میو حده و کسر نیر و لام و الف وفتح سین مهملة و کسر
 قاف وفتح نیر و سکون تخم ثانی ف تخم تر شاه چو کی کی بیج ط ب ی خ
 ع بفتح حاء مهملة ویم شد و الف و تخم تر شاه چو کی کی بیج ط ب ی خ
 فر به و سیاه مائل سیر خی ش و درم من تخم رازیانه یا کسر فس ل لسان المحل
 تمیق الطاء المهملة بفتح میو سکون طاء مهملة ح حب الفلفل ف انار و انار
 و شتی تمیق الغین المجهه بفتح و الف و سکون غین معجم و زرع و کل
 و یک و غوک ع تمیق القاف بفتح و الف و سکون اول و ثانی و الف و قاف م ل و
 وین و ریق لا لار بزر السریق ع بکسر سین مهملة وفتح نیر و سکون را و مهملة وفتح
 میو ف تخم قطف که بهو که بیج ط مع ح ب ی اگو تمیق بزر السلق ع
 بفتح سین مهملة شد و سکون لام و قاف و تخم حقیقه ط ب ی سکونین
 تخم خطی تمیق الکاف بزرک ف بفتح اول و سکون ثانی وفتح را و مهملة و سکون ثانی
 بزرکشان ه السی بریک ف بضم اول کسر ثانی و سکون سین مهملة ع عرس
 مسور بریک ف بضم اول وفتح ثانی جا نو لیست سیاه رنگ که نوش مر از شاه
 و بیشتر در کنار آب و بر سر درخت نیر نشینند و آواز بلند کنند تمیق اللام المهملة
 ع سکون لام وفتح میو حده و صاد مهملة و سکون لام ثانی ف تخم پیاز ط ح ی
 سن و و درم ل نیموزن تخم شلغم و نیموزن تخم سیب و و و وزن تخم گند زار
 یکوزن آن تخم انجیره بزر الفجل ع بکون لام وضم فاء و سکون جیم ف تخم ترب
 ه مولی کی بیج ط ب ی خ سیاهی خ فریش کشنیر یا سیستان و شکر
 ل حب الرشاد بزر لسان المحل ع بکسر او مهملة و لام وفتح سین مهملة و الف و تخم

اینست بعضی
 او گران اسمانی
 یا فرط عام آورد
 و درم من مصطک
 و بکسر سین
 او را بزرکشان
 حب النولک
 بزرکشان

۶۴

اینست
 بکونین
 شکر شکلات
 معلق استخوان
 مانند گونین
 آن شقایق
 حب الفلفل

اینست بعضی
 او گران اسمانی
 یا فرط عام آورد
 و درم من مصطک
 و بکسر سین
 او را بزرکشان
 حب النولک
 بزرکشان

نون و سکون لام ثانی و فتح حار و همزه و میم و بابت تک و خوب کلان طاب
خ فریه سیاه سرخی مائل شش سده و درم صسل تخم حاض بستانی تمیق المین
بزرگ انجیر و بضم هر دو حار و همزه و سکون و دو و میم و استقترک و گویند حب الغلظ
بزرگ انجیر و بفتح نون و میم و مشد و الف و تخم سینره بران کی بیج خشک
بستانی شش سده و درم ص کثیر ال تخم کتان و باد و بخوبیه تمیق النون بزرگ انجیر
ع بفتح راء و همزه شد و ثانی و سکون تخم ثانی و فتح حار و همزه بالف و نون و
تخم زریان طح ی گویند مع حب ق قابض ح سیاه فریه کوچک خوشبوی
شش یک شقال باب سرو یا کلاب ص مرزنگوش کل بزرگ و بزرگ کتان ع بسکون
لام و فتح کاف با فوقانی مشد و الف و بزرگ ه السی طح اصح ری گویند
مع حب ب گویند بی اق منضج بلین خ تازه فریه شش سده و درم ص صسل
ال حلیبه با عصاره با قلاب بزرگ الماز یون ع بسکون لام با میم و الف و فتح رای مجبه
و سکون راء و همزه و ضم تخم ثانی و سکون و ا و ف تخم مارچوبه که که دن کی بیج ط
ح ۲ خ بستانی شش دو درم ص صسل در تخم یک باه حب الغلظ و میوزن
تودری و میوزن شقال و جبهه بیاری مثانه میوزن تخم کاکج و دودانک و دن
آن حلیب شش و شش یک آن عنب الثعلب و گویند بلیمون و نخل تمیق الواو
بزرگ و بفتح میم و سکون راء و همزه و او و همزه و ف و در و همزه و تخم و در شاک
سرو او کنوچا طح رخ تازه و فریه سرخی مائل شش دو درم ص کلنار بزرگ کتان
یا بزرگ و طونا تمیق الطاء بزرگ الانجیر و بفتح همزه و سکون نون و ضم جیم و فتح راء و همزه
و خفایا و ف تخم کرسنه ه انگن کی بیج طح ی ۲ گویند ی خ فریه شش سده و درم ص
تا سده و درم ص کثیر ال حرت و قرومانا یا بزرگ کراث یا بزرگ جیر بزرگ انجیر و بفتح راء و همزه و بسکون
لام و ضم حار و همزه و سکون او و همزه و فتح قاف تخم تورک ه لوبیا کی بیج طاب ۲

[illegible]

یک شتا
پایم هر شب
با سوده و دانه
شب سوار
نخندنی این
نافع بود لیکن
غیاثان آورد
و وصل آن
ب نوک
زش بود
که از ان بخوند

۴۴

حرف البص
بفید استغاث
فیض خیل
سنت باجی
بین غیب
سین کیم
نسب کیم
دشت الیش
سخت یک
سخت یک

توضیح
اینکه در این کتاب
باز کرده و از آن
کتابخانه که در
آنست

76
من المكنى

سید و کشف
کرمه

در کمی و دهم

و انہی کے

ہندوستان کی

10

دفعہ ۱۰

بشا شکله یونانی بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون شین مجمره ثانی و فتح کاف
 و فخر لام جنطیا تا تیسیمه بفتح اول و سکون ثانی و فتح هم پشیمیزج ف چشمک ه
 جاکسو تنسيق الصاد المهمله و تنسيق الموحده بصصل الذئب بفتح اول
 و سکون صاد مهمله و ضم لام و کسر زال مجمره مشدده و سکون تحتانی و موحده صلیب
 ف پیا ز تلخ تنسيق الواو المهمله بصاق القمق بضم اول و فتح ثانی و ضم قاف و
 سکون لام و فتح قاف ثانی و نیم سکون را و مهمله ایصاع رغوة القمر و حجر القمر و زید
 ف سنگ ه چند کانت بصصل الفارغ بفتح اول ثانی و ضم لام و سکون لام تا
 و فتح فا و الف و سکون را و مهمله ایضاع اسقیل ف پیا ز موش ه کانه تنسيق الزلا
 المعجده بصصل الیزع بکسر اول مجمره مشدده و سکون تحتانی و زاء مجمره ثانی صلیب
 تنسيق السین المهمله بصصل النرجس بفتح نون مشدده و سکون را و مهمله و
 نیم و سکون سین مهمله ف پیا ز نرگس ه نرگس کی جرطاح ی ۲ ش و و شقال
 جهته قی تنسيق القاف بصاق بضم اول و فتح ثانی و الف و قاف ف لعاب
 دهن ه لا رطاح دق منضج محلل خ انصایم تنسيق اللام بصصل الغنصل بفتح
 عین مهمله و سکون نون و ضم صاد مهمله و سکون لام ثالث م سقیل بصصل بفتح
 اول و سکون ثانی و ثالث ف پیا ز طح ی ۴ گویند ج ۴ دق مقطع
 ملطف محلل خ سفیدش از تخم دود در ص سرکه و و فحل کرکات شامی تنسيق الطاء
 المهمله و تنسيق الخاء المعجده بطنج بکسر اول و طاء مهمله مشدده و سکون تحتانی
 و زاء مجمره ف خریزه ه خریزه طح و گویند ب ۲ دق مدو و جلی و پوست او
 متقی خ سمرقندی شیرین ص شکببین سادول و حلاب باقلا و بزرقطو تنسيق
 السین المهمله بطا رس یونانی بفتح اول و ثانی و الف و کسر او مهمله شکوه
 سین مهمله شرس تنسيق الطاء المهمله بطباط سبانی بفتح اول و سکون ثانی

چهارم از آنکه در این کتاب
در بیان احوال و عیال
و در بیان احوال و عیال
و در بیان احوال و عیال

گنبد است
فی الفور گوشه را
نخورانند و در آن
شود حب
ظلمت است
برین وقت که
وهند و
انداین گویند
گرم است در
در هر سوم
است

باموجه ثانی والفت و طار بمثل ثانی ف کسته ه رت سکا طح ی ۲ اق قاب
 خ سبز تازه مش دو درم ص کرفس ل حاض بطاع بفتح اول سکون ثانی باموجه
 ثانی ف قازده هنس طاح و ق سمن ص سکه و پیاز و سیخ شک و اندازند
 تمیق المیحه بطمع بضم اول سکون ثانی ویم م و رخت جبهه انحضراطح ی
 ق محلل خ سبز تازه ص سق ل فستق تمیق النون بطراسالیون یونانی
 یکسر اول سکون ثانی و ل و مله والفت و سین مله والفت ثانی و کلام و صم و صم
 و سکون و او و نون م فطر اسالیون بطراسالیون کوه و سالیون کرفس
 تخم کرفس کوبی که بیاطکی اجمود طح ی ۳ ق متع مدخ سیاه مش یکدرم
 شاه بکوط باد و وزن آن تخم کرفس با نمیزدن فستقین بطراسالون یونانی یکسر اول
 و سکون ثانی بار بار مله والفت و کلام والفت ثانی و ضم و ا و ع هین الحرف لفظ
 تمیق القحطانی بطنج زقی ع یکسر اول ثانی مشد و سکون تحتانی و کسر و ح و ج و ز و
 ص و ج و قاف مشد و سکون تحتانی ثانی ف خیاب که و دهند و اندازند و تر و زطاب
 و ۲ خ شیرین آب را ص قند یا عسل یا وی خورند یا بعد از و تنسیق العین المصله
 و تمیق الموحده بعر الضبیع بضم اول سکون هین مله و نیم بار مله و فتح ضاد
 و جمعه مشد و سکون موحده و ف گین سوار طح ای ل زید الحرف تمیق الزا
 المجه بعر المانع ویم والفت و کسر هین مله و سکون ز و ح و ج و فیشک زید
 بکر کی مگنی طمع ح ی ق مضج مضج خ تازه ص غوگل تمیق اللام بعد الجمال
 یکسر صیم ویم والفت و لام ثانی ف پیشک شتران طح ی ۴ تمیق النون بعر
 ع بضاد و حجه مشد و والفت و نون ف پیشک مشیش طح ی ۵ تنسیق الغین
 المجه و تمیق الا لفت بعر الف بفتح اول سکون غین مجه بار و مله والفت
 خوک ز که آنرا از نیز گویند تنسیق القاف و تمیق الا لفت بقاء الحقا ع

بسیار از اینها را در کتابهای دیگر نوشته اند

والام والفاء لونه که از آن بویا یافتند بلیج ع بفتح اول کسرتانی و تخانی
 بمحول و فتح لام ثانی و ف بلیله بهیراطب آگویند ۲ ی ۳ ق قابض لمطف
 مقوی معده خ ز و رسیده ش یکدرم تا سکه درم ح سبب بالبو یا نیسون و در
 بوسیدن خیری و مزنگوش ل مده با درق خبازی گویند فاغیه خشک و دوا گ
 وزن آن آس شوش یک آن لیه سیاه تمیق الحله المصلح بفتح اول ثانی
 و ثانی و سکون خا رجحه م ذاک سیاه تمیق الحله المصلح بفتح اول ثانی
 و سکون حاء مصلح غوره خراک اندک ترشی بهرسانیده باشد گچی که جو طریبی
 تمیق الواء المصلح بلام و ع بفتح اول و لام و الف و ضم دال معله و سکون او
 به بلاد و ان طحی ۴ ق مقوی و مانع خ سیاه فربه که بعد از شکستن غسل بسیار در
 ش نیم درم ص کنج یار و فن جوز یا مغز جوز یا شکری فندقی پنج وزن آن دوا گ
 و نیم وزن آن روغن لبان و نا جیل م با خردل و گویند شش یک آن لفظه سید
 بلام و ف بفتح اول و ثانی و الف م از بویه و آن پنج خالیست که آنرا ایشان خوانند
 تمیق السین المصلح بلیون بفتح اول و سکون ثانی و ضم موده و ثانی و سکون
 و او و سین مصلح لیزیره و گویند پیاز تلخ طحی آگویند ۲ ق مقطع خ تراز
 ص شیر تراز و رسیده ل بصل الفصل بلس و بضم اول لام ع عدس تمیق لضا
 المعجده بلوطه الارض بضم اول و ثانی و سکون و او و ضم طاء مصلح و سکون لام ثانی
 و فتح همزه و سکون را و مصلح و ضا و معجه هر کما در یوس تمیق الطابع
 المصلح بلوط بضم اول و ثانی و سکون و او و مشهور بهین نام
 ب ۲ گویند ۱ گویند ۳ ق قابض
 و حابس خون ح فربه بزرگ رسیده ش دو درم
 تا ۳ درم ص بریان کرده باشک خور دن ل

بسیار از اینها را در کتابهای دیگر نوشته اند
 بقله الحفاء
 سطر خورما
 بنی بنی
 گویند خورما
 بنی کیس
 گویند بلعش
 گرم و خور دن
 جلد سیات
 خور دن
 خور دن
 خور دن

در دهم گویند در سیم گویند در سیم گویند در سیم گویند

[illegible]

بفتح اول و ثانی و سکون ف و فتح سین ممله ف مفضله بنو ساطب ۲ رس گویند

ب را گویند ف سسل صغرا و یلین خ خوشبوی ش دو درم تا چهار درم خشک
 او و بخورم از ترا و ص سفر جل ل نیلو فر و پرسیا و شان بنخ ع الفتح اول و سکون
 ثانی و جیم هم بنک و میخ و شبکران و خراسانی اجوائن بلی ایاق مخدر قابض
 مسکن رخ سفیدش دو درم و سسل ل لفاخ و ششخا ش لانیون تنیق الدال المص
 نبات الرعد ع الفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و فتح را و ممله مشد و سکون
 حین ممله م سمار و غ و ف کلاه ماران و لکن بول و کسبنی تنیق الراء المص
 نبات النارج ع الفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی با نون مشد و ثانی و الف و دم
 و را و ممله م انجروه و کزیه بنیر و الفتح اول و سکون ثانی و فتح موجده ثانی و سکون او
 ممله م پستان تنیق الشین المجه بنو ماش و بضم اول و ثانی و سکون او
 با سیم و الف و غله و نوگ تنیق القاف بنیق بکسر اول و سکون ثانی و ضم اول
 ممله م فنیق ف با و ام کشمیری سه گوشه طح ربع گویند ح راق بهیخ بر
 بالیده ش و درم ص فانیل با و ام شیرین یا بوزن آن مقتر جوز و بعضی گویند
 چاقوزنه تنیق الکاف بنیق الفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی نوعی از ایشیم
 فر و یاست که کز تنیق الکاف الفارسی بنک بضم اول و سکون ثانی و کاف
 مانند تشو لیست که از بنج مغیلان درین خیز و طح ایاق قابض مخفف خ
 سفید فریزه زر و سبک خوشبوی سسل و بفتح اول و ثانی و الف
 میوه بن و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی
 خوشه خرماتینق النون تخشکر و ان بکسر اول و سکون ثانی و کسبیم و سکون
 شین مجر و کاف و فتح زار مجر و واو و الف و نون ع لسان العصاره بکسر اول
 و الفتح اول خفای ثانی و سین ممله و ضم لام و سکون او و فتح جیم فارسی هم طباشیر

بفتح اول و ثانی و سکون ف و فتح سین ممله ف مفضله بنو ساطب ۲ رس گویند
 ب را گویند ف سسل صغرا و یلین خ خوشبوی ش دو درم تا چهار درم خشک
 او و بخورم از ترا و ص سفر جل ل نیلو فر و پرسیا و شان بنخ ع الفتح اول و سکون
 ثانی و جیم هم بنک و میخ و شبکران و خراسانی اجوائن بلی ایاق مخدر قابض
 مسکن رخ سفیدش دو درم و سسل ل لفاخ و ششخا ش لانیون تنیق الدال المص
 نبات الرعد ع الفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و فتح را و ممله مشد و سکون
 حین ممله م سمار و غ و ف کلاه ماران و لکن بول و کسبنی تنیق الراء المص
 نبات النارج ع الفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی با نون مشد و ثانی و الف و دم
 و را و ممله م انجروه و کزیه بنیر و الفتح اول و سکون ثانی و فتح موجده ثانی و سکون او
 ممله م پستان تنیق الشین المجه بنو ماش و بضم اول و ثانی و سکون او
 با سیم و الف و غله و نوگ تنیق القاف بنیق بکسر اول و سکون ثانی و ضم اول
 ممله م فنیق ف با و ام کشمیری سه گوشه طح ربع گویند ح راق بهیخ بر
 بالیده ش و درم ص فانیل با و ام شیرین یا بوزن آن مقتر جوز و بعضی گویند
 چاقوزنه تنیق الکاف بنیق الفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی نوعی از ایشیم
 فر و یاست که کز تنیق الکاف الفارسی بنک بضم اول و سکون ثانی و کاف
 مانند تشو لیست که از بنج مغیلان درین خیز و طح ایاق قابض مخفف خ
 سفید فریزه زر و سبک خوشبوی سسل و بفتح اول و ثانی و الف
 میوه بن و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی
 خوشه خرماتینق النون تخشکر و ان بکسر اول و سکون ثانی و کسبیم و سکون
 شین مجر و کاف و فتح زار مجر و واو و الف و نون ع لسان العصاره بکسر اول
 و الفتح اول خفای ثانی و سین ممله و ضم لام و سکون او و فتح جیم فارسی هم طباشیر

بفتح اول و ثانی و سکون ف و فتح سین ممله ف مفضله بنو ساطب ۲ رس گویند
 ب را گویند ف سسل صغرا و یلین خ خوشبوی ش دو درم تا چهار درم خشک
 او و بخورم از ترا و ص سفر جل ل نیلو فر و پرسیا و شان بنخ ع الفتح اول و سکون
 ثانی و جیم هم بنک و میخ و شبکران و خراسانی اجوائن بلی ایاق مخدر قابض
 مسکن رخ سفیدش دو درم و سسل ل لفاخ و ششخا ش لانیون تنیق الدال المص
 نبات الرعد ع الفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و فتح را و ممله مشد و سکون
 حین ممله م سمار و غ و ف کلاه ماران و لکن بول و کسبنی تنیق الراء المص
 نبات النارج ع الفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی با نون مشد و ثانی و الف و دم
 و را و ممله م انجروه و کزیه بنیر و الفتح اول و سکون ثانی و فتح موجده ثانی و سکون او
 ممله م پستان تنیق الشین المجه بنو ماش و بضم اول و ثانی و سکون او
 با سیم و الف و غله و نوگ تنیق القاف بنیق بکسر اول و سکون ثانی و ضم اول
 ممله م فنیق ف با و ام کشمیری سه گوشه طح ربع گویند ح راق بهیخ بر
 بالیده ش و درم ص فانیل با و ام شیرین یا بوزن آن مقتر جوز و بعضی گویند
 چاقوزنه تنیق الکاف بنیق الفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی نوعی از ایشیم
 فر و یاست که کز تنیق الکاف الفارسی بنک بضم اول و سکون ثانی و کاف
 مانند تشو لیست که از بنج مغیلان درین خیز و طح ایاق قابض مخفف خ
 سفید فریزه زر و سبک خوشبوی سسل و بفتح اول و ثانی و الف
 میوه بن و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی
 خوشه خرماتینق النون تخشکر و ان بکسر اول و سکون ثانی و کسبیم و سکون
 شین مجر و کاف و فتح زار مجر و واو و الف و نون ع لسان العصاره بکسر اول
 و الفتح اول خفای ثانی و سین ممله و ضم لام و سکون او و فتح جیم فارسی هم طباشیر

فون فقا ش
رانه در چشم
کشند چشم را
روشن کنند
وین فقا ش
در چشم کشند
روشنی را
زیاده کنند
اگر زنی در شود
زاید باز دارد

طاب بنطافون یونانی بکسر اول سکون ثانی با طاء معمله وال ف و فتح فاء و هم
وسکون واو و فتح خنجکشت طب ای ۲۱ قاقض خنج غلیظ شش شتقال
ص کرفس ل جلنا رنگران و بضم اول وسکون ثانی و فتح کاف بار و هم
وال ف هم برنجی که در تیره دیگر بریان شده باشد که چین بن کیهون بفتح اول
سکون ثانی و کسر کاف فارسی و تختانی مجهول و ضم با وسکون واو و هم
بن بضم اول سکون ثانی ف آبکام و تخم قهوه رانی گویند و بفتح اول م سیوه و
تتمیق الوا و بنکوف بفتح اول وسکون ثانی و ضم کاف فارسی که بسکون تتمیق
الماء بنکوف بفتح اول وسکون ثانی و ضم فوقانی وسکون واو و فتح میم فقا و
ه اکاسن یل شقیع بفتح اول سکون ثانی و فتح قاف م غلا لیت عدس یا غلاب
غلاب هر طمع می تتمیق التختانی پنج و شتی بفتح اول سکون ثانی و کسر حمر فتح
وال هم سکون شین معجمه کس فوقانی وسکون تختانی و و هتو را بنف اند می
اول وسکون ثانی و ضم وال معمله و کسر قاف و و وسکون نون ثانی و کسر ال هم
ثانی که ریضا طح می اش است منتقال از و غن او و تتمیق الوا و تتمیق الوا
بواجو یونانی بضم اول سکون واو با جا و هم لاف ماه پروین تتمیق الموصله لا بول
ع بفتح اول سکون ثانی و ضم لام و فتح دال مشدده و واو وال ف و موحده ثانی
ف شاش بهار یایان بول الکلیع بسکون لام ثانی و فتح کاف و لام ثانی
ف کینر سگ تتمیق الحجیم و تخنج و بضم اول وسکون ثانی و فتح غین
معجمه وسکون نون و سیاه دانه که کلونجی تتمیق الدال المهمله لو شاد و
و یونانی بضم اول ثانی مجهول شین معمله وال ف شلغم تتمیق الوا المهمله و
ف بضم اول سکون واو و کسر فوقانی وسکون تختانی با میم وال ف م غم خورک
گویند که بر آب بهاشیند و از غم آنکه مباد آب کمی پذیرد و با وجود نهایت تشنگی

وین فقا ش
در چشم کشند
روشنی را
زیاده کنند
اگر زنی در شود
زاید باز دارد

طاب بنطافون یونانی بکسر اول سکون ثانی با طاء معمله وال ف و فتح فاء و هم
وسکون واو و فتح خنجکشت طب ای ۲۱ قاقض خنج غلیظ شش شتقال
ص کرفس ل جلنا رنگران و بضم اول وسکون ثانی و فتح کاف بار و هم
وال ف هم برنجی که در تیره دیگر بریان شده باشد که چین بن کیهون بفتح اول
سکون ثانی و کسر کاف فارسی و تختانی مجهول و ضم با وسکون واو و هم
بن بضم اول سکون ثانی ف آبکام و تخم قهوه رانی گویند و بفتح اول م سیوه و
تتمیق الوا و بنکوف بفتح اول وسکون ثانی و ضم کاف فارسی که بسکون تتمیق
الماء بنکوف بفتح اول وسکون ثانی و ضم فوقانی وسکون واو و فتح میم فقا و
ه اکاسن یل شقیع بفتح اول سکون ثانی و فتح قاف م غلا لیت عدس یا غلاب
غلاب هر طمع می تتمیق التختانی پنج و شتی بفتح اول سکون ثانی و کسر حمر فتح
وال هم سکون شین معجمه کس فوقانی وسکون تختانی و و هتو را بنف اند می
اول وسکون ثانی و ضم وال معمله و کسر قاف و و وسکون نون ثانی و کسر ال هم
ثانی که ریضا طح می اش است منتقال از و غن او و تتمیق الوا و تتمیق الوا
بواجو یونانی بضم اول سکون واو با جا و هم لاف ماه پروین تتمیق الموصله لا بول
ع بفتح اول سکون ثانی و ضم لام و فتح دال مشدده و واو وال ف و موحده ثانی
ف شاش بهار یایان بول الکلیع بسکون لام ثانی و فتح کاف و لام ثانی
ف کینر سگ تتمیق الحجیم و تخنج و بضم اول وسکون ثانی و فتح غین
معجمه وسکون نون و سیاه دانه که کلونجی تتمیق الدال المهمله لو شاد و
و یونانی بضم اول ثانی مجهول شین معمله وال ف شلغم تتمیق الوا المهمله و
ف بضم اول سکون واو و کسر فوقانی وسکون تختانی با میم وال ف م غم خورک
گویند که بر آب بهاشیند و از غم آنکه مباد آب کمی پذیرد و با وجود نهایت تشنگی

خون خفاش را تازه در چشم
کشد چشمش روشن کند
وینزهاش در چشم
کشد و شانی را
زیاده کند
اگر زنی دشوار
زاید باز د

سیمین ممله و کسر اول ممله و زحمت ششده و زحمت نیست که کل فتح شود و در هر چند گشت ششده
 کند و بسیار بود و در شش بعینه نمکنا است و وای عظیم در وزن است و تنسیق
 الحاء و تنیق الا لف بهاتنا به الفتح اول و اظهار الف و فخار نون بافتو فانی و
 ثانی و با و خجانی و کلا واکه بکسر اول و سکون ثانی باللام و الف و وای و ف بلاد
 بهنگامه الفتح اول و سکون ثانی و فخار نون و فتح کاف فارسی و وای ممله الف
 و وای عظیم الفتح ست هندی هم مجیره بهیتره الفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و وای
 ممله ف بلیکه است تنیق الموحده بهاتنا سیب الفتح اول و ثانی و الف و کسر اول
 و سیمین ممله و تحتانی نهول و موحده و کل سبب قی مقوی و یاغ تنیق الجید و ج
 الفتح اول و سکون جیم ثانی هم یوز بیان به ارجع الفتح اول و سکون ثانی با و ممله
 و الف و فتح سیم هم بید مشک طمع بهروج و بکسر اول و سکون ثانی و ضم و
 ممله و وای و موله هم کند هندی به بریجان و گویند نوعی از بلور که و تنیق الدال
 الهمله بهار لهر و و الفتح هم و سکون سیم و ضم و وای ممله و سکون و وای و کل اهر و
 مقوی و یاغ تنیق الواع الممله ف بهار الفتح اول و وای و الف و وای ممله هم با و
 و گویند کل که زمان و کل ندیج طحی اقی محلل خزر دانه شش یکشقال و وای و
 ال جوده تنیق المجرع الفتح اول و ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح هاء ممله و جیم
 ع خراز الصخر و کل سنگ و آن مانند رنگ خیری بر سنگی نشیند بهیج بهیتره
 الفتح اول و ضم ثانی و اظهار آن و وای و موله و جیم و فتح موحده فارسی و فوقانی شده
 هم زحمت هندی است که و کثیر از قشرا و وای و سار و ندر و بیان کا ندر و کتابت
 نمایند تنیق الزاع بهروج و بکسر اول و سکون ثانی و ضم و وای ممله و سکون و وای
 مجیره بریج تنیق الکاف الفارسی بهاتنا که الفتح اول و اظهار ثانی و الف و فخا
 نون و کاف فارسی هم قنب تنیق اللام بهاتنا الفتح اول و اظهار ثانی و الف

و کسر اول ممله و زحمت ششده و زحمت نیست که کل فتح شود و در هر چند گشت ششده
 کند و بسیار بود و در شش بعینه نمکنا است و وای عظیم در وزن است و تنسیق
 الحاء و تنیق الا لف بهاتنا به الفتح اول و اظهار الف و فخار نون بافتو فانی و
 ثانی و با و خجانی و کلا واکه بکسر اول و سکون ثانی باللام و الف و وای و ف بلاد
 بهنگامه الفتح اول و سکون ثانی و فخار نون و فتح کاف فارسی و وای ممله الف
 و وای عظیم الفتح ست هندی هم مجیره بهیتره الفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و وای
 ممله ف بلیکه است تنیق الموحده بهاتنا سیب الفتح اول و ثانی و الف و کسر اول
 و سیمین ممله و تحتانی نهول و موحده و کل سبب قی مقوی و یاغ تنیق الجید و ج
 الفتح اول و سکون جیم ثانی هم یوز بیان به ارجع الفتح اول و سکون ثانی با و ممله
 و الف و فتح سیم هم بید مشک طمع بهروج و بکسر اول و سکون ثانی و ضم و
 ممله و وای و موله هم کند هندی به بریجان و گویند نوعی از بلور که و تنیق الدال
 الهمله بهار لهر و و الفتح هم و سکون سیم و ضم و وای ممله و سکون و وای و کل اهر و
 مقوی و یاغ تنیق الواع الممله ف بهار الفتح اول و وای و الف و وای ممله هم با و
 و گویند کل که زمان و کل ندیج طحی اقی محلل خزر دانه شش یکشقال و وای و
 ال جوده تنیق المجرع الفتح اول و ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح هاء ممله و جیم
 ع خراز الصخر و کل سنگ و آن مانند رنگ خیری بر سنگی نشیند بهیج بهیتره
 الفتح اول و ضم ثانی و اظهار آن و وای و موله و جیم و فتح موحده فارسی و فوقانی شده
 هم زحمت هندی است که و کثیر از قشرا و وای و سار و ندر و بیان کا ندر و کتابت
 نمایند تنیق الزاع بهروج و بکسر اول و سکون ثانی و ضم و وای ممله و سکون و وای
 مجیره بریج تنیق الکاف الفارسی بهاتنا که الفتح اول و اظهار ثانی و الف و فخا
 نون و کاف فارسی هم قنب تنیق اللام بهاتنا الفتح اول و اظهار ثانی و الف

کند و بسیار بود و در شش بعینه نمکنا است و وای عظیم در وزن است و تنسیق
 الحاء و تنیق الا لف بهاتنا به الفتح اول و اظهار الف و فخار نون بافتو فانی و
 ثانی و با و خجانی و کلا واکه بکسر اول و سکون ثانی باللام و الف و وای و ف بلاد
 بهنگامه الفتح اول و سکون ثانی و فخار نون و فتح کاف فارسی و وای ممله الف
 و وای عظیم الفتح ست هندی هم مجیره بهیتره الفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و وای
 ممله ف بلیکه است تنیق الموحده بهاتنا سیب الفتح اول و ثانی و الف و کسر اول
 و سیمین ممله و تحتانی نهول و موحده و کل سبب قی مقوی و یاغ تنیق الجید و ج
 الفتح اول و سکون جیم ثانی هم یوز بیان به ارجع الفتح اول و سکون ثانی با و ممله
 و الف و فتح سیم هم بید مشک طمع بهروج و بکسر اول و سکون ثانی و ضم و
 ممله و وای و موله هم کند هندی به بریجان و گویند نوعی از بلور که و تنیق الدال
 الهمله بهار لهر و و الفتح هم و سکون سیم و ضم و وای ممله و سکون و وای و کل اهر و
 مقوی و یاغ تنیق الواع الممله ف بهار الفتح اول و وای و الف و وای ممله هم با و
 و گویند کل که زمان و کل ندیج طحی اقی محلل خزر دانه شش یکشقال و وای و
 ال جوده تنیق المجرع الفتح اول و ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح هاء ممله و جیم
 ع خراز الصخر و کل سنگ و آن مانند رنگ خیری بر سنگی نشیند بهیج بهیتره
 الفتح اول و ضم ثانی و اظهار آن و وای و موله و جیم و فتح موحده فارسی و فوقانی شده
 هم زحمت هندی است که و کثیر از قشرا و وای و سار و ندر و بیان کا ندر و کتابت
 نمایند تنیق الزاع بهروج و بکسر اول و سکون ثانی و ضم و وای ممله و سکون و وای
 مجیره بریج تنیق الکاف الفارسی بهاتنا که الفتح اول و اظهار ثانی و الف و فخا
 نون و کاف فارسی هم قنب تنیق اللام بهاتنا الفتح اول و اظهار ثانی و الف

و خفا و نون و فتح فوقانی هندی و سکون لام هم کشنج و کل کنند مجهول و بفتح
 اول و ضم ثانی و انهار آن و واو مجهول و ال هم هندی ع طلق و با که تنقیق
 النون با هم و بهر آن و بفتح اول و سکون ثانی با را و هم اله و فتح میم و
 سکون نون در لغت اول با میم و الف و نون در لغت ثانی با قوت سرخ و غانه که
 زمان به روی بالند و کل خسکه که به هم میم بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و
 است چنین نام و گویند اسکندر و لایقی است سرخ که به هم سفید که اسکندر طحی
 گویند و ۲ ق سیم و مقوی دل خ سرخ می یکد رمص انیسون ل نووی
 و لسان العصار فی تنقیق الیها بهر آن و بفتح اول و ثانی و الف و کسر او و هم اله
 موحده ثانی و با و ثانی و کل آبی مقوی و با هم و بفتح اول و سکون ثانی
 با را و هم اله و الف و فتح میم و خفا و با هم با هم میم و بهر و بهر و بهر و بهر
 اول و سکون ثانی و ضم او و مجهول و فتح میم و بفتح اول و واو مجهول و فتح
 ثانی و خفا و با هم بهر آن و بفتح اول و انهار ثانی و الف و
 فتح را و هم اله و سکون نون و کسر کاف فارسی و وای هندی است تنسیق الیاء
 التختانی و تنقیق الیاء بفتح تیشا بکسر اول و سکون تختانی و شین معجمه کسر
 فوقانی و تختانی مجهول ثانی و شین معجمه ثانی م ماه فرنین تنقیق الفوقانی و شین
 بکسر اول و ثانی مجهول و سکون ال هم اله و کسر فار معجمه و سکون شین معجمه و فوقانی
 و شین شین بفتح ال بکسر اول و ثانی مجهول و خفا و نون شین شین فار و دار که
 در هند از چو شین و شین چاک است از د و کل غیت نیز قسمی از دست و غیر آن تنقیق
 الخاء المعجمه بفتح مع بکسر اول و ثانی مجهول و کسر فار معجمه و ضم میم و سکون فار معجمه
 ثانی و هندی بیض مسلخ ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر فار معجمه و فتح میم و سکون
 سین هم اله و ضم لام و سکون دا و ف تخم مرغ جوشانیده یا بریان کرده

دود و دیندو
هوان گویند
ماصیت مجموع
دوخوان یا مغف
بود در دی آن
فغ داری
بود و دخوان
تواری بر گرم بود
قسط سب
کند و دوشانی

در این باب که در این کتاب مذکور است

کشت
نیز وید وید
مخو دم هم
است هند
لال گویند
الملل نزل
صناعت
اراد و قوسا
است و یک
بغاری
گویند هم
۸۲
در اول
کند و خرد
کند و خرد
و با تیر
از
مجمع بود و با تیر
مجمع

لا ڏسڻ جو ڪي به قسم جو نقص نه آهي، ۽ ائين درست ۽ مستقيم ۽ قابل

گفتند چوین
محل آید
با نیل لعل
جودیش
بر اندازد
نه بجز و نه
ست و یکی
از فطرت
ست و چوین
آردی او را
که در هر
روز و هر

و سکون سین مهله و ضم فوقانی و سکون کاف و لغت اول و سکون و او در لغت
 ثانی جانوریست که پشت و درم آن سیاه بود و سینه یلاید و سفارش سرخ و در
 سقف خانه آشیانه دارد و فرشتگ پر و آنکاف فتح اول فارسی و سکون ثانی
 و فتح نون م جانوریست که پیشانی شیر آواز گنان رود و تینق الکاف الکاف
 پر رنگ ف یکسر اول فارسی و فتح را و مهله و سکون نون م سرخ و پیش پر رنگ
 که یکسر اول فارسی و ثانی و تحتانی بهول و خوار و نون و کاف فارسی و وای هند و سیت
 ط ب تینق اللام پر بال و فتح اول فارسی و سکون ثانی با موحده و الف لک
 ع بسد و مرجان م سونگا تینق المید سر حیم و فتح اول فارسی و سکون ثانی
 و فتح جیم فارسی کا و قطاس که سه کای تینق النون پر از ان لغت اول فارسی
 و سکون را و مهله و در مهله و ذال مجید را و مهله و الف جانوریست شکار علی بن
 جرج و زنج پیر و فتح اول فارسی سکون ثانی و فتح موحده فارسی ثانی و اراج
 فرخ و رطله لونی و کول پر سیا و شان ف ع کنز البره راج پنس و کز جاه
 و سبل که در کنایه چو شپها پر وید طح ای گویند مع ح ب ق منضج لطف
 در محل منفعت سهل لغت سودا خ سیاه چوب سبزو رن یا سیاه چوب سرخی مائل
 بش سه درم تاده درم صی صطکی یا کتیرال بوزن او نضجه یا کیم وزن الب سب
 باد و دالک وزن آن زوفا پرن و فتح اول فارسی و ثانی فارسی م زغن
 تینق الحاء پر کنه و فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح کاف و نون ترکیبی
 بو بیای خوش م اگر که پر پیچ و فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم
 فارسی لیف خرم تینق التختانی پری که بضم اول فارسی و سکون ثانی و کسر و
 و سکون تحتانی م ثربی تینق السین المله و تینق الالف پستاه یکسر
 اول فارسی و سکون سین مهله و فتح فوقانی و پسته و فستق طح و تینق النون

کند و چون
مردنه و گزیده
گردان نگردد
و از هر زبان
دندان این
باشد و این
خاص آورده
است و اگر
گرسنگی را در کینه
دیگر گرسنگی نوزاد
آن دیده نگردد

۶۴

بسیار است که
در آنجا این جمع
کنند و در آن
بنام خود دارند
خود را بپای
ریخته و با پایی
بپایان

درخت هند نیست پیل و کبیر بر دو صده فارسی و سکون هر دو را هم م قابل
 قبول و بفتح اول فارسی و سکون ثانی فتح و او هم نه هند نیست که اکثر و کشت
 برگ قبول بیکارند و ناخوش نیکوست طرح تمیق المیم یکم بفتح اول
 فارسی و سکون ثانی و میم هم خاک تمیق الما بلفه و بفتح اول فارسی و ثانی
 و سکون غین بجه و فتح و ال مهله تم مخ مرغ و میوه که بوسیده باشد بجه و بفتح
 اول فارسی و ثانی و درخت دهاک و نیز فارسی شیر جوان نوزارنده که آنرا فله
 درنگ نیز گویند تمیق التختانی یکم و بضم اول و سکون ثانی و کبیر جم فارسی
 خمره بکیندی و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح تختانی و سکون نون و کبیر
 و ال مهله نوعی از خمره تنسيق النون و تمیق الالف نیز نوا و بضم اول فارسی
 و ثانی و سکون را و مهله و فتح نون ثانی و او هم بسکبه تمیق الفوقانی بجه
 و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح میم و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی
 سکون شین بجه و درخت سبها لو طرح گویند ی ۳ ق محلل ملطف مغشی
 نخ تخم تازه ش یکتقال ص صمغ عربی ل دو وزن آن شدا بفتح تمیق الدال
 ال مهله پند و بفتح اول فارسی و سکون ثانی م علی و تمیق الواو ال مهله
 پند و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و او و ال ف و ای هند نیست م قلت
 طاب ی تمیق الکاف بجه پاک و بفتح اول فارسی و سکون نون و جم
 و مهله فارسی ثانی و الف و فتح تخمائی ع سرطان پنانک و
 بفتح اول فارسی با نون و الف و فتح نون ثانی ع صمغ پیرک
 ف بفتح اول فارسی و کسر ثانی و سکون تخمائی و فتح
 را و مهله م گل خطی تمیق الکاف الفارسی یکم بفتح اول
 فارسی و سکون نون و کاف فارسی م خوشه تمیق المیم بجه بزم

بفتح اول فارسی ه یا نا جو می تنیق الهاء تنیق انه ف ه بنو لاج پاف و خجک
ه لیکه ا پنجه گریه ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم و هزه ملینه و ضم کاف
فارسی سکون را و همله و فتح موحده م بید شک تنسین الواو و تنیق الفوقانی
پوست ف بضم اول فارسی و سکون واو و فوقانی م جگه تنیق الشین المعجمه
پویش ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و واو و فتح موحده فارسی ثانی ع ه
تنیق الکاف پویک ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده فارسی ثانی
ع ه ه پویشک ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول فتح شین معجمه م کریه تنیق اللام
پویشک ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول فتح موحده فارسی م فوکل ه سپاری تنیق الواو
پویشک و موحده فارسی و سکون هر دو واو م ه ه و آواز ه بفتح الفاع پویش
بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و فاع ه ه پویشک ف بضم
فارسی و ثانی مجهول و فتح ثون م خربونه و هندی وانه و دیگر سیوا که درون سان مضمول
و بوسیده باشد تنیق التختانی پوت بنهماری ه و تخم خا و اثر گونه م حریکی
پوش و رندی بضم اول فارسی و سکون واو و کشین مجامه و فتح وال همله و سکون
را و همله و فتح موحده و سکون فون و کشال همله ثانی و شیا ف ست که از این
و در خدی آرند و ان نبایست که همچنان بگویند و شیا ف میسازند طب بی ال
ما میثا عن الثعلب یا بزر الن یا یا حاضض یا عصاره ما میثا پوی ه بضم اول فارسی
و ثانی مجهول ف سری هندیت که ریشها مثل انگور پریاره مید و اند بیدیه و غریه
ست و از تره پانی خورش تنسین الهاء و تنیق الالف پلسا بفتح اول فارسی
و اظهار ها و سکون لام سین همله م سیوه مشهور هندیت تنیق الدال الموهله
پرده بفتح اول فارسی و اظهار ها و سکون او همله و فتح ها و ثانی و رخت هندیت
م تنیق الواو همله پنهان بفتح اول فارسی و سکون ثانی و ضم فون

و اگر خوانند که
شیت نزد اطمینان
خوانند و هیچ و
طیب بود و دیدار
سبب و دیدار
و سدری و سفت
خوانند و هر
درد و درد
عی الحام
سبب هر درد

و سکون و او هم می تنیق الکاف پسرک بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح نیم
 و زار معجمه سکون کاف م ناز پشتم تنیق اللام بکسر اول فارسی
 و سکون ثانی و فتح کاف و سکون راز جمله و ضم میم و سکون و او و ای و سکون
 تنیق الهماء و پشتم بفتح اول فارسی و سکون ثانی با نون و الف و فتح نون
 ثانی م بوزنه و میون که با نون تنیق التختانی پشتمی که بفتح اول فارسی و انطا
 ثانی و سکون فو قانی و میندی و فتح کاف و کسر او جمله م شنب یانی و ف ناک سفید
 پی و ف بفتح اول فارسی و کسر ثانی ع خنظل تنیق الیاء التختانی و تنیق الیاء
 پیایانسا که بکسر اول فارسی با تختانی و سوجه و الف ثانی و ف نون و سین جمله
 قسمی از بانسا تنیق الواحد که بکسر اول فارسی است ترش که از بوزنه و میون و شنب
 سازند تنیق الدال الهماء مثل امر و ف بکسر اول فارسی تختانی و لام نوعی نام و
 است تنیق الهماء الهماء پیای که بکسر اول فارسی و تختانی و الف م میوه هندی است
 که ترشیش بر شنی خرا و میندی ماند و از تخم او چه و بنی یعنی نقل خواجیه بهم می رسید بیلا
 که بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح سوجه فارسی ثانی و لام الف و ضم میم و سکون
 و او و فلفلسویه نیم حرف بکسر اول فارسی و سکون ثانی و ضم میم و زار و معجمه طلب
 که سوال که در آهار وید تنیق الشین المعجمه پشتم بکسر اول فارسی و سکون
 تختانی و شین معجمه م برگ خرا بیکلوش و ف بکسر اول فارسی سکون ثانی و لام تخم
 کاف فارسی و او و مجهول ع اذان الفیل و ف و گویند و فارسی کلی است که بر
 کنار ایشان نقطه های سیاه باشد تنیق الکاف پشتم و ف بکسر اول فارسی سکون
 ثانی و فتح فو قانی که می است که جاها و کاغذ تبا و ساز و پنجیک بکسر اول فارسی ثانی
 مجهول و فتح جیم فارسی ع عشقه و بلالاب تنیق اللام پشتم و ف بکسر اول فارسی و
 سکون ثانی و فتح سوجه فارسی و ف فلفل و راز و نیز نام و رخت مشهور هندی است

است و سر
جوز الفی شاکسته
نادرست و
مینیت امین
ست و از اینجا
با طرف برسد
دور آمدن
قوی نامزد
وصال حلوا
نامرئیش کنونی

در خرد و حیرت
از گفتار او
بهر لب بجا
صانع اصف
بیایه کمال
چرخ چرخ
چرخ چرخ

بیتیل و کسر اول فارسی سکون ثانی و فتح فوقانی و فتح تنیق النون تمیق
 بفتح اول فارسی و سکون تحتانی و ضم غین معجم سکون نون م سدات تمیق
 الواو سیله کسر اول فارسی و سکون ثانی و ضم لام ع اراک تمیق و کسر اول
 فارسی و سکون ثانی و ضم نون و و غ ترش نخته م کسک تروت تمیق الحاء
 پیچوف کسر اول فارسی و ثانی مجهول و فتح جیم فارسی م سحک پیکه و کسر اول
 و ثانی مجهول و فتح لام شوه ابرشیم تنیق تحتانی پی و فتح اول و سکون ثانی ع عصب
 ترقیم التاء الفوقانی و تنیق و تنیق الالف تال کماراه بفتحانی و
 و لام و فتح میم و کاف اظهار و الف ثانی و ر و مهله و وای مشهور بنیست تا بنا
 و بفتحانی و الف و خفاء نون و موحده و مس تمیق الموحده تا کوب بربری
 بفتحانی و ضم کاف و سکون و او م فرنیون تمیق الفوقانی تا سمصت بربری
 بفتحانی و الف و کسرین مهله و سکون میم و فتح صا و مهله و سکون فوقانی و ترش
 تسبیح تا غندست بربری بفتحانی و الف و فتح غین معجم و سکون
 نون و فتح و ال مهله و سکون سین مهله فوقانی ثانی م عاققه
 تمیق الحاء المعجمه تاخ بفتحانی و الف و سکون طایر معجم و رختی ست که چوب ترا
 نیزم سازند آتش آن از هنرهای دیگر نیست مانند و آنرا تاخ نیز گویند تمیق الدال
 الممهله تا ردت بفتحانی و الف و فتح را و مهله م کسه که برگ و دیگر حیوانات
 بحسب تمیق الواو الممهله تا رف بسکون را و مهله و رختی شبیه بد رخت خرا
 که از آن آبی حاصل کنند که این در و در و اکثر در ملک هندوستان شود و در آن
 برگ آن از هر یک کثر بیشتر و بر پنهان کتابها بر آن نویسند و هندوان و زین
 انسان نیز گوش خود پاره ساخته برگ آن و رخت پیچیده در آن ننهند تا لفسفیر
 بفتحانی و کسر لام و سکون سین مهله و کسر ف و سکون تحتانی و کسرین مهله ثانی و
 و کسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم فارسی م سحک پیکه و کسر اول

بیتیل و کسر اول فارسی سکون ثانی و فتح فوقانی و فتح تنیق النون تمیق
 بفتح اول فارسی و سکون تحتانی و ضم غین معجم سکون نون م سدات تمیق
 الواو سیله کسر اول فارسی و سکون ثانی و ضم لام ع اراک تمیق و کسر اول
 فارسی و سکون ثانی و ضم نون و و غ ترش نخته م کسک تروت تمیق الحاء
 پیچوف کسر اول فارسی و ثانی مجهول و فتح جیم فارسی م سحک پیکه و کسر اول
 و ثانی مجهول و فتح لام شوه ابرشیم تنیق تحتانی پی و فتح اول و سکون ثانی ع عصب
 ترقیم التاء الفوقانی و تنیق و تنیق الالف تال کماراه بفتحانی و
 و لام و فتح میم و کاف اظهار و الف ثانی و ر و مهله و وای مشهور بنیست تا بنا
 و بفتحانی و الف و خفاء نون و موحده و مس تمیق الموحده تا کوب بربری
 بفتحانی و ضم کاف و سکون و او م فرنیون تمیق الفوقانی تا سمصت بربری
 بفتحانی و الف و کسرین مهله و سکون میم و فتح صا و مهله و سکون فوقانی و ترش
 تسبیح تا غندست بربری بفتحانی و الف و فتح غین معجم و سکون
 نون و فتح و ال مهله و سکون سین مهله فوقانی ثانی م عاققه
 تمیق الحاء المعجمه تاخ بفتحانی و الف و سکون طایر معجم و رختی ست که چوب ترا
 نیزم سازند آتش آن از هنرهای دیگر نیست مانند و آنرا تاخ نیز گویند تمیق الدال
 الممهله تا ردت بفتحانی و الف و فتح را و مهله م کسه که برگ و دیگر حیوانات
 بحسب تمیق الواو الممهله تا رف بسکون را و مهله و رختی شبیه بد رخت خرا
 که از آن آبی حاصل کنند که این در و در و اکثر در ملک هندوستان شود و در آن
 برگ آن از هر یک کثر بیشتر و بر پنهان کتابها بر آن نویسند و هندوان و زین
 انسان نیز گوش خود پاره ساخته برگ آن و رخت پیچیده در آن ننهند تا لفسفیر
 بفتحانی و کسر لام و سکون سین مهله و کسر ف و سکون تحتانی و کسرین مهله ثانی و
 و کسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم فارسی م سحک پیکه و کسر اول

۸۹

انشار فوقانی
 دجانه او
 زنگوش برده
 و گویند سوسانی
 دجانه سیمان
 زنگوش است
 دجانه
 گویند سرکمان
 بابت

و کسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم فارسی م سحک پیکه و کسر اول
 و ثانی مجهول و فتح لام شوه ابرشیم تنیق تحتانی پی و فتح اول و سکون ثانی ع عصب
 ترقیم التاء الفوقانی و تنیق و تنیق الالف تال کماراه بفتحانی و
 و لام و فتح میم و کاف اظهار و الف ثانی و ر و مهله و وای مشهور بنیست تا بنا
 و بفتحانی و الف و خفاء نون و موحده و مس تمیق الموحده تا کوب بربری
 بفتحانی و ضم کاف و سکون و او م فرنیون تمیق الفوقانی تا سمصت بربری
 بفتحانی و الف و کسرین مهله و سکون میم و فتح صا و مهله و سکون فوقانی و ترش
 تسبیح تا غندست بربری بفتحانی و الف و فتح غین معجم و سکون
 نون و فتح و ال مهله و سکون سین مهله فوقانی ثانی م عاققه
 تمیق الحاء المعجمه تاخ بفتحانی و الف و سکون طایر معجم و رختی ست که چوب ترا
 نیزم سازند آتش آن از هنرهای دیگر نیست مانند و آنرا تاخ نیز گویند تمیق الدال
 الممهله تا ردت بفتحانی و الف و فتح را و مهله م کسه که برگ و دیگر حیوانات
 بحسب تمیق الواو الممهله تا رف بسکون را و مهله و رختی شبیه بد رخت خرا
 که از آن آبی حاصل کنند که این در و در و اکثر در ملک هندوستان شود و در آن
 برگ آن از هر یک کثر بیشتر و بر پنهان کتابها بر آن نویسند و هندوان و زین
 انسان نیز گوش خود پاره ساخته برگ آن و رخت پیچیده در آن ننهند تا لفسفیر
 بفتحانی و کسر لام و سکون سین مهله و کسر ف و سکون تحتانی و کسرین مهله ثانی و
 و کسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم فارسی م سحک پیکه و کسر اول

کوهک بود
 از آن که زیاد
 خوانند و بهشت
 زیاد و خوش
 ناسند و بهشت
 پادشاهی که در
 دهنده و بهشت
 خوانند و بهشت
 خوشگست در
 سوره و بهشت
 ۹۰
 کوهک بود
 از آن که زیاد
 خوانند و بهشت
 زیاد و خوش
 ناسند و بهشت
 پادشاهی که در
 دهنده و بهشت
 خوانند و بهشت
 خوشگست در
 سوره و بهشت
 ۹۰
 کوهک بود
 از آن که زیاد
 خوانند و بهشت
 زیاد و خوش
 ناسند و بهشت
 پادشاهی که در
 دهنده و بهشت
 خوانند و بهشت
 خوشگست در
 سوره و بهشت
 ۹۰

تخم سپندان که اسپند تالیسپیتره بفوقانی و الف و کسر لام و سکون تحتانی و
 سین که همزه و فتح موحده فارسی و فوقانی مشدده و وای هندلیست تا مریفتح میهم
 کل حماض تمیق الغین المجهه تاغ و بفوقانی و الف م درخت تاخ و تخم مرغ
 تمیق الکاف تا تینک و بفوقانی و الف و سکون را و همزه و فوقانی ثانی و اول
 ع عنکبوت تا شک و بفوقانی و الف و فتح شین معجم مسکع زید تا فاشک و
 بفوقانی و الف و فتح فا و شین معجم دیو و جیر ع ارضه تارک و بفوقانی و الف و او
 خروکا و جوانه تمیق اللام تا ک و م درخت تا ط تا سول و تا نبول م بفوقانی و
 الف و ضم میم و او و بول در لغت اول و سکون نون و ضم موحده و سکون و او
 برگ نبول که یان واک بیل ب ای گویند ای ۲ ص فوئل کات آ که
 محمود ل فر نفل تا و ل و فتح وا و م تا و ک تمیق النون تا رین بفوقانی و الف
 و کسر را و همزه و سکون تحتانی و نون و بی نون نیز آ بیکه از و رخت تا ط حاصل شود
 و آن شرتی بود که نشا اش پاد و سر آرد تمیق الوا و تا هوف بفوقانی و الف و ضم
 با م شراب عراقی تمیق الهاء تا رچه بفوقانی و الف و او همزه و ضم جیم فارسی و او
 ببول و فتح موحده م هلیون تا لانه و بفوقانی و الف و لام الف و فتح نون و او
 از شفتا الو تمیق التحتانی تا لگی و بفوقانی و الف و سکون لام و کاف فار
 م کشنیر صحرای تنسیق الباء الموحده و تمیق الدال تبر و ف بفتح فوقانی و
 موحده و سکون را و همزه و فتح را و جیم نبات و شکر سفید و نوعی از نمک سخت از شکر
 نمک سنگ قسمی از انگور در غایت شیرینی و صبر این گویند تمیق الوا و الم همزه تا شمر
 و بفتح اول و ثانی و الف و کسر شین معجم و سکون تحتانی م بن سون چن بجمع بکسر
 اول و سکون موحده و زر و طلا و سونا تمیق النون تبر خون و بفتح اول و ثانی
 و سکون را و همزه و ضم خا و معجم و سکون و او ع عتاب و گویند جوی است سرخ رنگ

و در این کتاب که در این باب است

91

دانشگاه تهران - تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۶۱ - تلفن ۸۸۸۸۸۸۸۸

چهارمین باب در بیان ترکیب کلمات و اجزاء

و تیره و طینه با و کسر و هم سکون تختانی که تر و تینق الزاء البججه تر از ف بفتح اول
 و ثانی و الف و حث و ثنوب بر تیره بفتح اول و سکون ثانی و ضم موصده م و ثانی
 و ضایر و باد رنگ بضم اول م تر و تینق السین الممله ثمر فاق بضم اول سکون
 ثانی و ف و الف هم کلمات و سمار و فتح تریس ع بضم اول و سکون ثانی و کسر سیم
 با قلامی مصری و شامی و جهال طح ای ۲ ق مجلی بفتح در محلل خ سفید فیر ترک
 ش و دو در مص حکم صغر ل برنج کابلی و شیخ ترکی و گویند نو درج یار و وزن
 با قلامی البویاتی تینق النشین البججه تر و ثنوب بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین و هم
 هم نوعی از رد و آلو تینق الفانوف و بفتح اول و سکون ثانی و فاکشک سیه
 و قرا قرت و ع سقل تینق الکاف تراب لک الک ع بها و الف و کسر لام م هم سمل الفار
 و سبب لکما ترابک و بضم اول سکون ثانی و فتح موصده نوعی از انکو و بفتح اول
 و موصده فارسی قرا قرت ترابک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی ثانی و
 مملاتی جانو ریسیت که دریا و لاله و نهر و غیره صوفی گویند ترابک و بضم اول و سکون
 ثانی و ضم فوقانی ثانی م کبک تر و ک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح اول ممل م کما
 گندم خوراک ترابک و بفتح اول ثانی و سکون نو ن فتح ال سیه سکون ثانی م ترابک تراب
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی و الف و کاف م بازیه تینق النون ترابان بفتح
 اول و ثانی و الف و کسر تختانی با سیم و الف ثانی که هنس ترابان یو مالی بضم اول و سکون
 ثانی باد و موصده و و الف م غاف و ترخان بفتح اول و سکون ثانی با خا و
 و الف نوعی از سبزی که مانند پودنه بانان بخورند ترخون و بفتح اول و سکون ثانی
 و ضم خا و سحر و سکون و اوع بقم و عاقر قمر حاتر بخان بضم اول و ثانی و سکون نون
 با جیم کف و باد و بخوبیه ترخیم و بفتح اول و ثانی و سکون نون و جیم کسر
 و سکون تختانی نمی ست که بر خا و تر و خراسان و بخا و قریشی نشیند طمع سی

۹۳
 طینش گرم و در
 بافتند ال در
 و در در جنگل
 و اندکی تا باض
 و تینق گاهی است
 مشهور که از آن
 سوسن پیچید
 خوانند و گویند
 روغن کبیر
 گرم و بیاض
 باشند آن را

کاف و حث و ثنوب بر تیره بفتح اول و سکون ثانی و ضم موصده م و ثانی و ضایر و باد رنگ بضم اول م تر و تینق السین الممله ثمر فاق بضم اول سکون ثانی و ف و الف هم کلمات و سمار و فتح تریس ع بضم اول و سکون ثانی و کسر سیم با قلامی مصری و شامی و جهال طح ای ۲ ق مجلی بفتح در محلل خ سفید فیر ترک ش و دو در مص حکم صغر ل برنج کابلی و شیخ ترکی و گویند نو درج یار و وزن با قلامی البویاتی تینق النشین البججه تر و ثنوب بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین و هم هم نوعی از رد و آلو تینق الفانوف و بفتح اول و سکون ثانی و فاکشک سیه و قرا قرت و ع سقل تینق الکاف تراب لک الک ع بها و الف و کسر لام م هم سمل الفار و سبب لکما ترابک و بضم اول سکون ثانی و فتح موصده نوعی از انکو و بفتح اول و موصده فارسی قرا قرت ترابک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی ثانی و مملاتی جانو ریسیت که دریا و لاله و نهر و غیره صوفی گویند ترابک و بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی ثانی م کبک تر و ک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح اول ممل م کما گندم خوراک ترابک و بفتح اول ثانی و سکون نو ن فتح ال سیه سکون ثانی م ترابک تراب بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی و الف و کاف م بازیه تینق النون ترابان بفتح اول و ثانی و الف و کسر تختانی با سیم و الف ثانی که هنس ترابان یو مالی بضم اول و سکون ثانی باد و موصده و و الف م غاف و ترخان بفتح اول و سکون ثانی با خا و و الف نوعی از سبزی که مانند پودنه بانان بخورند ترخون و بفتح اول و سکون ثانی و ضم خا و سحر و سکون و اوع بقم و عاقر قمر حاتر بخان بضم اول و ثانی و سکون نون با جیم کف و باد و بخوبیه ترخیم و بفتح اول و ثانی و سکون نون و جیم کسر و سکون تختانی نمی ست که بر خا و تر و خراسان و بخا و قریشی نشیند طمع سی

[illegible]

بیت المقدس
آریزه و فلسفه
شک نوعی است
که از گوزن
حاصل شود
چون گوزن
افنی خورد و پاش
و با نه لرز
طبعه حیل او
برابری کند

97

و قد راجع فی
کتاب آن خدیو
به شرح بیانی
موسی بنید مردان
است و این پنج
نوع خاص است که
در کتاب

تفسار یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسرین محل یا تختانی م تاسیاف مفتح سداب
کوهی تمیق الفوقانی بفتح اول و سکون ثانی م مشکوکیان تمیق الحاء
المهمله تفتح ع بضم اول و ثانی مشدود و الف سبب شیرین مع ح ب
دا ترش ب بی ۲ پنخوش مع ح ب ق مقوی و باغ ح حلو ش از شراب و یقویه
صل ل سفجل تمیق الراء المهمله نفور بفتح اول و ضم ثانی و سکون او
م خاک ع طین تمیق الضاد المهمله تفتح الراء ع بضم اول و ثانی مشدود و الف
و ضم حار مهمله م بابونه تمیق النون تفتح الحین ع بکسر حیم هریر و ج تمیق الواو
نفور بضم اول و ثانی م آب و هن تمیق المها لفتة ف بفتح اول و سکون
ثانی و فتح نون م برده نمکبوت تمیق التختانی تفتح ارنی م خوبانی تفتح بری
م زعفرورف کیل تفتح پاریسی م شفتا لو تفتح مائی م ترخ تنسیق الکاف
تمیق الهاء تقدع بکسر اول و سکون قاف و فتح وال مهمله ف کشینز تقرع ع کبر
اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله م که و یاف زیره رومی تنسیق و تمیق الکاف
تک ف بفتح اول و سکون کاف گیاهی است که در میان آب برود و در مصر
از آن کاغذ سازند ع بری و گویند گیاهی است که در گندم زار برود و از گیاه گندم سخت تر باشد
تمیق المها لفتة ف بفتح اول و ثانی بزر و سگرین گا و و گا و نمیش که بهت پس از خشک شدن
بهت خوشتر تنسیق الکاف الفارسی تمیق الراء المهمله مگر بفتح اول و کاف فارسی سازند
تکس ف بفتح اول و ثانی فارسی هسته انگور تمیق الکاف الفارسی تکرک بفتح اول
و ثانی فارسی و سکون راء مهمله ف ثاله اول و لا تنسیق اللام و تمیق الکاف
تلخ خوک و تلخ خبکوک ف نام تره است ع تر خشکون تلخک ف گیاهی است
لغایت تلخ و گویند خنظل تلخک ف بضم اول و سکون لام م لوبیا و یکسر اول
و سکون ثانی م زعفرورف تنسیق اللام تل ه بکسر اول و سکون ثانی ف بکشد

ایمان علی بن ابی طالب
ایمان حسن بن علی بن ابی طالب
ایمان حسین بن علی بن ابی طالب
ایمان علی بن ابی طالب

[illegible]

و سکون ثانی و ضم اول مملع عنکبوت تینق الاء منسته ف لفتح اول و ثانی و
سکون سین مملع و فتح فوقانی م بافته عنکبوت تنسیق الواو و تینق الالف
توتیا بضم اول و سکون واو و کسر فوقانی با تحتانی و الف انواصیت بهریش
هندیست که آنرا توتیای سبز گویند و هندی نیلا تهوتته و هر یا تهوتتا مانند
بعد از آن کرمانی که بیایسی توتیای سفالک و هندی که ری گویند طب ای
ال شادنج تینق الجید و توج ف بضم اول و سکون واو م بی توج ف بضم
اول و ثانی مجهول و فتح تحتانی بیار ایست که بر هر رخت که پی از خشک
کنند عشقه تینق الدال المهمله توبال الحدید بضم اول و سکون ثانی و
موجده فارسی و الف و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح حاء کله و کسر ال مملع
سکون تحتانی و ف براده آهن توتیا زرد و ف سنگ بصری که هر یاق پیر
توج طب ای ۲ گویند بی ۲ تودون بضم اول و سکون واو م توت
تینق الراء المهمله توت بضم اول و سکون ثانی کیا جیست ترش مزه
ترشده ساک چو کا تینق الزاء المعجمه توتیا بهریش نیلا تهوتته تینق الواو الفاد
توت و ف بضم اول و ثانی مجهول و ثا و فارسی پوست و خنیت که بر کمان و طلا
نیر و حنای زین اشال آن کشتند تینق السین المهمله توبال النحاس بضم
نون مشدود و حاء مملع و الف و سین مملع و ف براده مس طحی ۳ تینق الضا
المعجمه توت حاضع بضم اول و سکون ثانی و توت ترش و سیاه طب
ای ۲ گویند و گویندی افی ملینخ سیاه بزرگ ش از رب او یکو قیه ص
جلیجین ل اجاص تینق الغین المعجمه توج ف بضم اول و سکون ثانی
پیزلیست که آتش آن دیر ماند م تاغ و تاج تینق الکاف توتک و بضم
اول و ثانی مجهول و فتح فوقانی ثانی جانوریست که سخن آسوزد و طوطی

نوع و رنگ و بوی
چوب و چینی
طیاسای
هندی و ابریک
است مسام
و از چوب و سنگ و فلز
رنگ و بوی و شکل

96

سایه صلیبی
هنری السوره
فایست و گوند
مقتل است
و گویند سر دوز
ست دراز
سبوس
برز قوطی
سبوس
سبوس

[illegible]

سردار و گویا
هندی سوزنده
و آن در نوع
است استانی
دشمنی دور
پناه گندرا
شوق گویند
سر دوشکست
در وجه اول
سلطان زین

94

[illegible]

درین تینق الواء المهمله تیرف بکسر اول و سکون ثانی م شکوفه خرماع طلع و تمام نوعی انوار و نیز نام زکس تینق الزاء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی و هم کاف و او جهول کشک مینو تینق السین المهمله تین طایس ع بکسر اول سکون ثانی و نیز و فتح را و همله و موحده و تحتانی الف موحده و ثانی سین مملو و نیز و تحتانی طایس ع از این مع رفق مجلی متضج مینج در تیری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یا پس ربلی بش ده وانه تا بست وانه و از شراب او و دو قیقه ص از یا پس با و ام یا گردگان یا کجین ل در انضاج حب صندو بر یا زیت شکر تینق اللام تعالی بکسر اول و سکون ثانی باغین معجمه و الف ع سکر العشره شکر کوهی تینق الواء و تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفازون و هم ال

درین تینق الواء المهمله تیرف بکسر اول و سکون ثانی م شکوفه خرماع طلع و تمام نوعی انوار و نیز نام زکس تینق الزاء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی و هم کاف و او جهول کشک مینو تینق السین المهمله تین طایس ع بکسر اول سکون ثانی و نیز و فتح را و همله و موحده و تحتانی الف موحده و ثانی سین مملو و نیز و تحتانی طایس ع از این مع رفق مجلی متضج مینج در تیری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یا پس ربلی بش ده وانه تا بست وانه و از شراب او و دو قیقه ص از یا پس با و ام یا گردگان یا کجین ل در انضاج حب صندو بر یا زیت شکر تینق اللام تعالی بکسر اول و سکون ثانی باغین معجمه و الف ع سکر العشره شکر کوهی تینق الواء و تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفازون و هم ال

۹۹
نکته در این است که تینق الواء المهمله تیرف بکسر اول و سکون ثانی م شکوفه خرماع طلع و تمام نوعی انوار و نیز نام زکس تینق الزاء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی و هم کاف و او جهول کشک مینو تینق السین المهمله تین طایس ع بکسر اول سکون ثانی و نیز و فتح را و همله و موحده و تحتانی الف موحده و ثانی سین مملو و نیز و تحتانی طایس ع از این مع رفق مجلی متضج مینج در تیری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یا پس ربلی بش ده وانه تا بست وانه و از شراب او و دو قیقه ص از یا پس با و ام یا گردگان یا کجین ل در انضاج حب صندو بر یا زیت شکر تینق اللام تعالی بکسر اول و سکون ثانی باغین معجمه و الف ع سکر العشره شکر کوهی تینق الواء و تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفازون و هم ال

جهول و سکون و او هم نم درختی ست هندی که خوب او آهوس ست تینق التختا تیند و بکسر اول هندی و سکون ثانی و کسر ال مملو هندی و فتح جراتینا و بکسر اول و ثانی مجهول و کسر او معجمه م تینیل تر قید الشاء المستکله و تینیق و تینق الالف ثانیایو ثانی بمثلثه و الف و کسفا و سکون سین مملو و تحتانی م صمغ سداب کوهی طح محرق ق مفر ش یکد انگ ص لعایتیل حرف و چهار دانگ وزن آن کثیرا گویند فرعیون تینق الواء المهمله تینق ع بمثلثه و الف و کسفا و موحده و سکون لام و فتح حار مملو و صیم هم بسفایج نام ع بکسر صیم هم لوبیا و دو و می کی پهل تینق السین المهمله السقیس یونانی بمثلثه و الف و کسر لام و سکون سین مملو و کسفا و سکون تحتانی و سین مملو ثانی م حرف با بلی ثانی ع بمثلثه و الف و کسر صیم هم بسفایج تینق النحاء المعجمه و تینق الواء المهمله تخیر ع بفتح اول و کسفا و معجمه و سکون تحتانی ف کنجاره و کسلی تینیق الدال المهمله و تینیق التختانی هندی ع بفتح اول و سکون

درین تینق الواء المهمله تیرف بکسر اول و سکون ثانی م شکوفه خرماع طلع و تمام نوعی انوار و نیز نام زکس تینق الزاء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی و هم کاف و او جهول کشک مینو تینق السین المهمله تین طایس ع بکسر اول سکون ثانی و نیز و فتح را و همله و موحده و تحتانی الف موحده و ثانی سین مملو و نیز و تحتانی طایس ع از این مع رفق مجلی متضج مینج در تیری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یا پس ربلی بش ده وانه تا بست وانه و از شراب او و دو قیقه ص از یا پس با و ام یا گردگان یا کجین ل در انضاج حب صندو بر یا زیت شکر تینق اللام تعالی بکسر اول و سکون ثانی باغین معجمه و الف ع سکر العشره شکر کوهی تینق الواء و تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفازون و هم ال

و سین معجمه شد و سکون واو و کسر کاف و سکون لام و کسر میم تانی و سکون سر را
صاد و ممله و کسر او و ممله ف گلزار تنسيق الواو و تمیق الشین المعجمه کوش
را بی نظیر اول و سکون واو و کسر میم و سکون شین معجمه ف پوده گو می تمیق المیم
ثومع بضم اول و سکون تانی میم ف سیرا بسن طحی ۴۴ ف مفتح ملطف ف
بزرگ دانه شش بسته دانه ص ترشی در وغن و گوشت فربل ثوم بری تمیق الصا
ثوم الحیثیه ع بضم اول و سکون تانی و ضم میم و سکون لام و فتح حاء ممله و تختانی
مشدود و خفاء را هم استوردیدون ف سیر و تانی تنسيق الیاء المختل و تمیق اللامش
ع کسر اول و سکون تختانی و لام هم نوعی اثر شفاف پیدا کبابی اش کیشقال تا
یفش ل علق تر قیوم الحیم و تنسيق الالف و تمیق الجیم
با ذر ه س ر ج ع بحیم و الف و سکون واو
و فتح را و سکون الحیم ف گا و زهره و آن مجر البقر است که کای و عن تمیق الواو الممله حاء
ع بحیم الف و ضم را و ممله و فتح نون مشدود و سکون ها و را و ممله تانی جوازه و سلق الماغ
ان نبات است که در آب وید و نیلوفر ماند و اندکی از آب پیدا باشد طب
قابض ل بطباط جاف و بحیم و الف و فتح عین معجمه صینه وانه مرغان ع ح
جا و شیر بحیم و الف و سکون واو و کسر شین معجمه و سکون تختانی و را و ممله ف گا و شیر
و آن صمغ درختی است طحی ۴۴ ف مفتح ملطف در محلل مغشی خبز زعفران
نازه و تر که رود در آب حل شود و اول که متلاخ بر آید سفید باشد و بعد از آن از
خشکی زرد گردد و هنگام گذارش بشیوایدش بنیدرم ص مرا حوزل سکینج و ورن
و بارز و یکینم وزن بالین التین باد و وزن صمغ زیتون تمیق الذام المعجمه
جا و ز بحیم و الف و کسر او و سکون تختانی که کای ردین تمیق السیر الممله
باسوس بحیم و الف و ضم سین ممله و سکون واو و سین مه تانی غ شخاش زردی جاسر

دافع کریم بنیاد
کلیف واداد و
سربران و
ستارهای
مستعدی
بنیاد
سفر حج
سفر حج

۱۰۱
دانش آموزان به نام
معلم گزیده شده
دقت بیا
و کتابت اسقف
از نسل سید
سید انیس
باب دوم
شبهه
و کلام
در باب

در باب ششاد دارگریما در باب زرد الکرباب ماند کن و طلبیاب و اقتصاد

بجیم الف وفتح میم سکون کاف وفتح نیم ثانی سکون ثانی میم ثانی سکون ثانی حمله و بیسلی جادوس
ع ییم والف وفتح واد سکون او حمله و بیسلی حمله ف کادوس باجراط ای ۲ ق قابض
موصف کس روغن بادام یا شیرین روغن کنجد یا روغن گاوول از روغن تمینق الشیلین المجهز
ف تخم کنان تمینق الکاف جامه عذوق سنبری که شبیه بابریشم در میان آب
بهر سه تمینق اللام جال و فتح اراک و جیم فارسی م شمشیر از طائر جایی پل
و جیم الف و کسر تخم ثانی و فتح موحده فارسی و اظهار با م جوز بودا تمینق النون
جاسن جیم الف و لغیم میم سکون نون م فم درخت هند لیست سطر تخم مانند
یا کور سیاه گرد باشد و دراز و بالیده کاپلید ای ق قابض تمینق الواو جان ا
ف بسکون نون و دال حمله الف و ضم او حمله و سکون و اوع تریاق تمینق لها
جاسع جیم الف و کسر میم و فتح سین حمله و خفا را با م باقلا ی قبطی و در سبیل
باشد تمینق التختانی جادی ع جیم والف و کسر دال حمله و سکون تخم ثانی م غفر
جالی و جیم الف و کسر لام ع اراک و درخت پیلوق بلین جایی تیری و جیم الف
و کسر تخم ثانی و فتح موحده فارسی و فوقانی مشد و کسر او حمله م کسبانه جایی
جیم الف و تخم ثانی مجهول ه کلج جنیلی و جیم فارسی شیش خشکی است که از جانب خطا
می آید و آنرا در آب جوشانیده چون قوه بخورند و آنرا صالی بصاد حمله نیز
گویند تمینق الباء الموحده و تمینق الجیم جیلانج بلکس اول و سکون حمله
و فتح لام و سکون نون و کسر نیم ثانی م جیلانجک جیلانجک ف جبر سنگ
و آن ثم تخم زرد خارست و پنجه وی تربیز زردست و گویند تخم تربیز سیاه است
س نیمه دم تا یک درم ل خرق تمینق القاف جبن طرب ع عتیق ع لغیم اول و
ثانی و کسر نون و ف پیر تر و کمنه طرب یعنی ترب ای عتیق یعنی کهن
ج ی ۲ ق ترا و مخدی ص غسل یا قیندا لغیم تمینق النون حبسین ع بلکسر

صلو صالم
منه من شفق
تازه گرم و تابان
دلا دلم حین
نک نیک
دخند
درخشند
هر ایش زاده
شود و روشن
کم و مستقیم
امضای سر را

۱۰۲

رفع در پیش
بر جبین او
که خستید
سخت نیاید
گلگاه خوشتر

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

وسکون ثانی و کسین ممله و سکون تختانی ع ج ص ف کج تمینق الماه قبه
 ف بفتح اول و ثانی و خفاء و هام رب ترنج و امثال آن تنسيق و تمینق الثام
 المشکله جیشیع بفتح اول کشره و سکون تختانی و مشکله ثانی و ف و حست جوز خرا
 تنسيق الخاء المجهه و تمینق الحیدم الفارسی خج فارسی بفتح اول سکون
 خا و جیم فارسی م شیب پره کلان که مانند غلیو از می باشد و سترگون خود را
 از درختان آویند و نمویار به طر با کثر تمینق النون حجج ف بفتح اول کثانی
 و سکون جیم م چا کسو تنسيق الدال المهمله و تمینق الموحده جرب
 ع بفتح اول و سکون ال ممله حار النجیع ف خرکه تمینق الراء المهمله خرا
 ع بفتح اول و سکون ال ممله و او و الف را و ممله م ز و و ماه فرین ماه پیرین که
 نرسی طحی ۳ ق تریاق و قوی مخرج دل خ خطائی که بعد از سکون بنحی نماید
 نیرم تانیم شقال ص کشیزه خشک ل در تریاق سوزن ز و و تمینق التختانی ج
 ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی ف بزغاله یعنی حلوان تنسيق الراء المهمله
 و تمینق الالف جراسیاع بفتح اول و ثانی و الف و کسین ممله و تختانی و الف ف الوبالو
 جریح الماع بکسر ه و جیم و تختانی و سکون الممله اول و ممله ثانی و سکون م جیم و الف و مخرج
 ع قرة العین و کفر ل بی تمینق الموحده جرب ف بفتح اول و فتح ثانی م و ا ج تمینق القوقا
 جریوشت بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون و او ف باد نجان کوی تمینق
 المشکله جریث ع بکسر اول و ثانی مشد و سکون تختانی و ف ما و ای تمینق
 الدال الممله جراع بفتح اول و ثانی و الف ف تلخه و ثیری طحی ۲ ق
 در عرق خ فربص خس و خیار تمینق الراء المهمله جرا و البصر سکون الم
 و فتح موحده و سکون حاء و ممله و ممله ثانی اریان و ریایان ف تلخ و ریایان
 جریح بکسر ه و جیم و سکون حاء و ممله ع با قلا جریح بکسر اول و سکون ثانی

و سکون ثانی و کسین ممله و سکون تختانی ع ج ص ف کج تمینق الماه قبه
 و سکون جیم م چا کسو تنسيق الدال المهمله و تمینق الموحده جرب
 و سکون ال ممله حار النجیع ف خرکه تمینق الراء المهمله خرا
 و سکون ال ممله و او و الف را و ممله م ز و و ماه فرین ماه پیرین که
 نرسی طحی ۳ ق تریاق و قوی مخرج دل خ خطائی که بعد از سکون بنحی نماید
 نیرم تانیم شقال ص کشیزه خشک ل در تریاق سوزن ز و و تمینق التختانی ج
 و سکون ثانی و فتح تختانی ف بزغاله یعنی حلوان تنسيق الراء المهمله
 و تمینق الالف جراسیاع بفتح اول و ثانی و الف و کسین ممله و تختانی و الف ف الوبالو
 جریح الماع بکسر ه و جیم و تختانی و سکون الممله اول و ممله ثانی و سکون م جیم و الف و مخرج
 ع قرة العین و کفر ل بی تمینق الموحده جرب ف بفتح اول و فتح ثانی م و ا ج تمینق القوقا
 جریوشت بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون و او ف باد نجان کوی تمینق
 المشکله جریث ع بکسر اول و ثانی مشد و سکون تختانی و ف ما و ای تمینق
 الدال الممله جراع بفتح اول و ثانی و الف ف تلخه و ثیری طحی ۲ ق
 در عرق خ فربص خس و خیار تمینق الراء المهمله جرا و البصر سکون الم
 و فتح موحده و سکون حاء و ممله و ممله ثانی اریان و ریایان ف تلخ و ریایان
 جریح بکسر ه و جیم و سکون حاء و ممله ع با قلا جریح بکسر اول و سکون ثانی

و سکون ثانی و کسین ممله و سکون تختانی ع ج ص ف کج تمینق الماه قبه

[illegible]

[illegible]

۱۰۷
مغیبت شهنشاه
شکوه گویند
دبند و سکه
لاوده خوانند
و طبقت گرم
و شکست
و گونشت وی
جهت افتاد

جسٹانواع گوید کہ المساکیر تصنف علفست دانش پشلا گویند بهمن دی بیاسی می

[illegible]

دیکھو

مستوی است

در مشاكت او

فوائد

پہاڑی کھجور

گل گوشت

وہابیہ کی زندگی

...

1914

卷之四

3

卷之五

۱۰۰

11

در اول فصل ششتم در بیان سکون و سماع ل جبهه الحضر یا جوزهندی یا فندقی تینق الفی حاصل
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 بضم اول ثانی مجهول کسر موحده و سکون ثانی فتح نون هم طارکاد و انکه لاهک
 بضم اول ثانی مجهول و لام الفی فتح هم عنکبوت تینق اللام جوزه الابل بضم اول و فتح نون هم
 و سکون موحده فتح با و سکون لام ثانی هه یوز جوزه الکامل بفتح کاف و سکون او و فتح ثانی هم جوزه الفی
 جوزه الفی بضم اول و کسر ثانی کوز لیا هه یوز و طاب بی هه یوز مخدر متشی متشی متشی
 متشی یک قیطر ص قطن جمل و بضم اول و سکون ثانی هم غلیو از تینق الفی
 جوزه جیم بکسر زیا و همزه و فتح جیم و سکون نون و ضم طال و سکون هم عین نام مشهور
 و بشیر کز کل گندم گویند تینق النون جوده ان بفتح اول و سکون ثانی با و ال
 همزه الفی نوعی از کاف و جیم و ان مرغان و نوعی از بید و نوعی از انار که در آن
 ان خشک بی آب است تینق لواء جوزه الفی بفتح سین همزه شده و سکون او
 همزه و او مجهول و کوز کلاغ که درخت سرست طح ای سم گویند بی
 و قابض و طابس خون خخ تازه شش نیدرم تا نیم شغال ص سسل ل نیموزن
 پوست انار یا نیموزن کوز و نیموزن ابل و نیموزن گزمازک تینق الفی جوزه ال
 و بفتح اول و سکون ثانی با و ال همزه و الفی فتح نون هم جوده ان جوزه الفی
 بکسر او همزه شده و فتح نون ثانی شده هه یوزها جولا هه بضم اول و ثانی مجهول
 و لام الفی و انهار با جولا هه بفتح لام الفی و با و اول و جوله و بفتح لام انهار با
 و جوله بفتح لام و با و اول هم عنکبوت تینق الفی جوزه الفی بضم نون و همزه
 و سکون لام و فتح کاف هه یوزین طح بی هه یوز متشی یکد رم تا و و درم در
 قالج و لقوه ص رب السوس و صمغ مال خربق سفید جوزه بکسر با و سکون نون
 و کسر ال همزه و نازکیل هه یوزین کسور ان تینق الفی و تینق الواء و هه یوز

در اول فصل ششتم در بیان سکون و سماع ل جبهه الحضر یا جوزهندی یا فندقی تینق الفی حاصل
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 بضم اول ثانی مجهول کسر موحده و سکون ثانی فتح نون هم طارکاد و انکه لاهک
 بضم اول ثانی مجهول و لام الفی فتح هم عنکبوت تینق اللام جوزه الابل بضم اول و فتح نون هم
 و سکون موحده فتح با و سکون لام ثانی هه یوز جوزه الکامل بفتح کاف و سکون او و فتح ثانی هم جوزه الفی
 جوزه الفی بضم اول و کسر ثانی کوز لیا هه یوز و طاب بی هه یوز مخدر متشی متشی متشی
 متشی یک قیطر ص قطن جمل و بضم اول و سکون ثانی هم غلیو از تینق الفی
 جوزه جیم بکسر زیا و همزه و فتح جیم و سکون نون و ضم طال و سکون هم عین نام مشهور
 و بشیر کز کل گندم گویند تینق النون جوده ان بفتح اول و سکون ثانی با و ال
 همزه الفی نوعی از کاف و جیم و ان مرغان و نوعی از بید و نوعی از انار که در آن
 ان خشک بی آب است تینق لواء جوزه الفی بفتح سین همزه شده و سکون او
 همزه و او مجهول و کوز کلاغ که درخت سرست طح ای سم گویند بی
 و قابض و طابس خون خخ تازه شش نیدرم تا نیم شغال ص سسل ل نیموزن
 پوست انار یا نیموزن کوز و نیموزن ابل و نیموزن گزمازک تینق الفی جوزه ال
 و بفتح اول و سکون ثانی با و ال همزه و الفی فتح نون هم جوده ان جوزه الفی
 بکسر او همزه شده و فتح نون ثانی شده هه یوزها جولا هه بضم اول و ثانی مجهول
 و لام الفی و انهار با جولا هه بفتح لام الفی و با و اول و جوله و بفتح لام انهار با
 و جوله بفتح لام و با و اول هم عنکبوت تینق الفی جوزه الفی بضم نون و همزه
 و سکون لام و فتح کاف هه یوزین طح بی هه یوز متشی یکد رم تا و و درم در
 قالج و لقوه ص رب السوس و صمغ مال خربق سفید جوزه بکسر با و سکون نون
 و کسر ال همزه و نازکیل هه یوزین کسور ان تینق الفی و تینق الواء و هه یوز

در اول فصل ششتم در بیان سکون و سماع ل جبهه الحضر یا جوزهندی یا فندقی تینق الفی حاصل
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 بضم اول ثانی مجهول کسر موحده و سکون ثانی فتح نون هم طارکاد و انکه لاهک
 بضم اول ثانی مجهول و لام الفی فتح هم عنکبوت تینق اللام جوزه الابل بضم اول و فتح نون هم
 و سکون موحده فتح با و سکون لام ثانی هه یوز جوزه الکامل بفتح کاف و سکون او و فتح ثانی هم جوزه الفی
 جوزه الفی بضم اول و کسر ثانی کوز لیا هه یوز و طاب بی هه یوز مخدر متشی متشی متشی
 متشی یک قیطر ص قطن جمل و بضم اول و سکون ثانی هم غلیو از تینق الفی
 جوزه جیم بکسر زیا و همزه و فتح جیم و سکون نون و ضم طال و سکون هم عین نام مشهور
 و بشیر کز کل گندم گویند تینق النون جوده ان بفتح اول و سکون ثانی با و ال
 همزه الفی نوعی از کاف و جیم و ان مرغان و نوعی از بید و نوعی از انار که در آن
 ان خشک بی آب است تینق لواء جوزه الفی بفتح سین همزه شده و سکون او
 همزه و او مجهول و کوز کلاغ که درخت سرست طح ای سم گویند بی
 و قابض و طابس خون خخ تازه شش نیدرم تا نیم شغال ص سسل ل نیموزن
 پوست انار یا نیموزن کوز و نیموزن ابل و نیموزن گزمازک تینق الفی جوزه ال
 و بفتح اول و سکون ثانی با و ال همزه و الفی فتح نون هم جوده ان جوزه الفی
 بکسر او همزه شده و فتح نون ثانی شده هه یوزها جولا هه بضم اول و ثانی مجهول
 و لام الفی و انهار با جولا هه بفتح لام الفی و با و اول و جوله و بفتح لام انهار با
 و جوله بفتح لام و با و اول هم عنکبوت تینق الفی جوزه الفی بضم نون و همزه
 و سکون لام و فتح کاف هه یوزین طح بی هه یوز متشی یکد رم تا و و درم در
 قالج و لقوه ص رب السوس و صمغ مال خربق سفید جوزه بکسر با و سکون نون
 و کسر ال همزه و نازکیل هه یوزین کسور ان تینق الفی و تینق الواء و هه یوز

الحفظه
 سيقول
 در اول
 انست
 گویند
 فغان
 بپارس
 السعير
 سيقول
 في اول
 الف
 فتح
 جيم
 فارسي
 ثاني
 و در
 ممله
 الف
 و فار
 و كونه
 تنسيق
 الجيم
 الفارسي
 تنسيق
 الالف
 چينده
 الفتح
 اول
 و كسير
 جيم
 فارسي
 ثاني
 و تحتاني
 مجهول
 و خفاء
 نون
 و ال
 هندی
 و ساير
 پر و در
 شتره
 هندیست
 بدرازی
 خيل
 و راز
 و هيات
 توري
 و ناخو
 ست
 تنسيق
 الواو
 و حروف
 بضم
 اول
 و ثاني
 فارسي
 پستان
 تنسيق
 الدال
 الممله
 و تنسيق
 الالف
 و چدر
 و البقم
 اول
 فارسي
 و وال
 ممله
 و سکون
 راز
 ممله
 با و او
 م
 ستنی
 صبر
 تنسيق
 الواو
 الممله
 و تنسيق
 الالف
 چر آتياه
 بکسر
 اول
 فارسي
 باله
 ممله
 و الف
 و کسر
 تحتانی
 و فوقانی
 مع
 قصب
 النهر
 و تنسيق
 الدال
 الممله
 چرخند
 ف باول
 فارسي
 ر و ده
 گو سپند
 را گویند
 که بگوشت
 پر کرده
 باشند
 هم
 کلمه
 تنسيق
 الواو
 ف
 چرخند
 الفتح
 اول
 فارسي
 و سکون
 ثاني
 و راز
 و جيم
 مخبر
 تنسيق
 الشين
 المعجمه
 و
 چرخند
 الفتح
 اول
 فارسي
 و سکون
 ثاني
 و کسر
 موهده
 و سکون
 ضمين
 معجمه
 چرخند
 تنسيق
 الغين
 المعجمه
 چرخند
 الفتح
 اول
 فارسي
 و سکون
 ثاني
 م
 جانور
 پرند
 شکاری
 تنسيق
 الکاف
 چرخند
 الفتح
 اول
 فارسي
 و سکون
 ثاني
 و فتح
 موهده
 و سکون
 م
 مشير
 و قياغه
 ملائی
 چرخند
 الفتح
 اول
 و سکون
 ثاني
 مرغیست
 که خود را
 از دست
 آويزد
 و چرخند
 الفتح
 اول
 فارسي
 و ضم
 ثاني
 و سکون
 واو
 م
 نان
 تنسيق
 اللام
 و
 الفتح
 اول
 فارسي
 و سکون
 ثاني
 و ضم
 ضمين
 معجمه
 و سکون
 واو
 م
 جريش
 تنسيق
 الجيم
 چرخند
 الفتح
 اول
 فارسي
 و ثاني
 و الف
 و سکون
 ضمين
 معجمه
 و فتح
 لام
 م
 کرم
 مشبه
 چرخند
 الفتح
 اول
 فارسي
 و سکون
 ثاني
 و فتح
 ضمين
 معجمه
 و سکون
 نون
 و فتح
 وال
 ممله
 ر و ده
 گو سپند
 که بگوشت
 پر کرده
 باشند
 هم
 کلمه
 تنسيق
 التختانی
 چرخند
 جيم
 بکسر
 اول
 فارسي
 و فتح
 ثاني
 و سکون
 واو
 و خفاء
 نون
 و کسر
 جيم
 و نقل
 خواصه
 تنسيق
 الواو
 المعجمه
 و تنسيق
 الدال
 الممله
 و چرخند
 الفتح
 اول
 فارسي
 و سکون
 ثاني
 جانور

بیارے
 ننگان گندم
 گویند گرم شکم
 دریا اول سیو
 لادہ بیاری
 تنیان برج
 گویند باعتدل
 مردک تشنگی
 فروشانہ
 سیمالکوسن

115

بازماند است
از کمال آن
و از کمال آن
است گم
نقشست درو
و در جیب
بازماند است

ما تملح که در بابستان و هو اگر م بیشتر هر سد و بسیار و را که تینق الزاء المعجم
 حرف تفتح اول فارسی و سکون ثانی م میمون تینق الفین المعجم و تفتح و کمال
 فارسی سکون ثانی م خاریشت تینق الکاف و حرکت و کمال اول فارسی و سکون
 ثانی م خاریشت تنسیق و تینق الشین المعجم چشم ک و تیش و تفتح اول
 فارسی باکاف فارسی م باو و تینق الکاف و چشم ک و تیش و تفتح اول فارسی و سکون
 م و تفتح سیم م چاکو تینق المیه چشم م و تفتح اول فارسی و ثانی و الف و چشم
 و م باضافه خا و حجه یابین شین الف و چشم و بحذف الف م چاکو تینق الف
 چشم کا و تفتح اول فارسی باکاف فارسی م باو و تنسیق الفین المعجم و تینق
 الدال المعجمه و تفتح و تفتح اول فارسی سکون ثانی پرند لایت شین و و که
 اشتباه دارد و التینق الزاء المعجمه تینق و تفتح اول فارسی و تفتح ثانی و سکون
 نون و تفتح و ال مملع سلق تینق الزاء المعجمه و تفتح اول فارسی و ثانی و سکون
 ز و حجه م گیاره و تفتح و تینق الفین المعجمه و تفتح اول فارسی و تفتح ثانی و سکون
 تینق الکاف و تفتح و تفتح اول فارسی و ثانی و تفتح و تفتح اول فارسی و سکون
 سکون و او و تفتح و تینق الطاء و تفتح اول فارسی و ثانی و سکون
 ز و حجه یابال مملع و الف و تفتح و مملع م جل بک و سوال و تفتح و تفتح اول فارسی
 و سکون ثانی و تفتح نون م کجشک تنسیق و تینق الکاف و تفتح و تفتح
 اول فارسی و کاف و الف و تفتح و او و سکون کاف ثانی پرند لایت الکجشک
 اندک بزرگتر و خوش آواز و در م جل ع قبه و الو الملیح و در عاق و حجه یابال
 سرخاب و تینق التاج کاسه و تفتح اول فارسی و ثانی و الف و تفتح
 سین مملع م خاریشت تینق التانی یکری و تفتح اول فارسی و سکون
 و کسر و مملع نوی از زیاده اش تنسیق الکاف الفارسی و تینق الزاء المعجم

مکتبہ اسلامیہ
کراچی



۱۱۱
 و در آن آن دانه
 و در مشاجره
 را به این
 شادانه و در
 حجر الدم و خورشید
 از آن جهت
 چون آب بر
 سنگ سوده
 شعله آب را
 بر آن گذاشت
 و در آن

سرست فاعل انشائي مقول فاعل مقول انشائي
 پودنه كوي و گویند برگ سپندان شتی طح ی ۲ گویند باق ملطف مفتح
 محل ملقطخ تازه و ترش تار و درم ص نفع با طباشیرل حالو با سبانی بهیم
 لام و سکون و او با بیم هم تنگاتینق البی حاج ع جاد و مله الف و ف تار
 که تنجیلین ازان حاصل میشود تمیق الواء الموهله حافر الحار ع ف سم خر حافر
 ع جاد و مله الف و کسراف ثمه کفر طب ی ق مجفف خ از حیوانیکه منجورند
 ص روغن ل قرن حافر المهر ع بفتح بیم و سکون با م سوخجان و لعبت بربری
 ال سیسالمیوس تمیق الشین المعجله حافر حار الحش ع ف هم گوهر تمیق
 اللام حافط الاطفال و حافظ النحل ع م فریون تمیق النون حافر البون
 ع ف کسر هم تمیق الموحده و تمیق الالف جبا قاسانی بفتح اول مسوده
 و الف و قاف و الف ثانی م جند قوی حب الترسا بضم نو قانی و سکون را و مله
 با شین معرب تخم ترشنگ که چو که کیج حبه الخضاع بفتح خا و معرب و سکون ضا
 معرب یا با و مله م فریون بطرف دن و بن طح ی ۲ گویند با گویند هم ق مد
 بهی خ هم برگ ستر تازه ص کثیر ال منفرد و مغز بادام حبه السوداء بفتح اول
 و ثانی ششده هم نو قانی و فتح سین مله مشد و سکون و او با و ال مله ف
 سیاه و احب الالاف حار مله و سکون فون و فتح کاف بالام و الف م حاب
 حقیق الضاع بفتح اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح فاد و فو قانی
 م جز بگوش حقیق الضاع بفتح فاد و فون و روابه ترکیب حقیق المار ع با بیم
 غنوه و الف محدوده و با پودنه ای تمیق الموحده حب الزبيب ع
 بفتح زا و معرب و کسر مسوده و سکون ثانی و فتح موزیه و کله کیج طب ای ال
 تنق پیچدرم ص کثیر احب الحلب ع کسر بیم و سکون حار و مله و فتح لام ف
 پیوندیم که سیاه طح ی ۲ گویند مع گویند بل بقا با م تلخ تمیق القوا

درین مجاز گویند که
رام گویند
و بهندوی
لاکل کبیران
نیز خوانند
از دست در
و درجه دست
در یک در
و مقوی است
و درین مجاز
مرازم

114

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰



حب القلتع بکثاف و سکون لام ف ماش هندی که کلتی دگویند بنه اول
 تخم بلوس تینق الحیدر حب لکخ ع ف عروس در برده طب مع
 گویند ی اگویند ۳ خ بزرگ سنج کوهی یاستانی ص ورق گل سنخ
 غلب الثعلب تینق الحاء الممله حب التسلع ع بکثاف و سکون نیم سین ممله و
 ف یویند ی تینق الحاء المجله حب الطنج ع تخم ترنوبل شونیزا حب صنوبر حرق التینق
 مرشک تینق الال المله حب الشاوع لفتح تراو مله شد شونیزا نیم و الف و ال مله و تخم ترنوبل حرق
 ق مفتع ملطف مفتع سهل بلغم و مر و سفراخ بابلی نوشک و دمشقال ص شکر ل
 بر جیر و غرول و تخم ترب و در ضا و عوق النسا تیطح حب الفقع ففتح فاقاف و سکون ال مله
 ف تخم بنجکشت حب الیهود ع بفتح تختانی و ضم با و سکون و او م حب گل کتخ
 الراء الممله حب الصنوبر صفرا ع بفتح صاد ممله شد و و لون و سکون و او
 و فتح موده ثانی و کسر او مله و صاد ممله ثانی باغین معجمه الف و او مله ثانی ف
 تخم کاج و تاثره جنده کزنج طاح ی ۲ حب الصنوبر کبار ع بکثاف و فتح با
 موده و الف و چاغوزه که چلکوبا و نوجا طاح و اگویند ۲ گویند مع ح ب
 ق بهی مشی سدرم تاخیزرم ص باقند خورون ک حب حلب مقشر یاغیزون
 باو ام مقشر یاغیزر تخم خریزه یاغیزر جوز هندی یاغیزر بادام کوهی یا حب صنوبر صفرا
 حب المزعج بفتح هرو عین ممله و سکون هرو و او مله و تخم و ال که موه سیر
 حب الحصف ع بفتح عین ممله و سکون صاد ممله و فتح فاقاف و سکون و ملاف حلهک الیغیر
 بغین معجمه الف و او مله شد شونیزا نیم تاسطح ی ل حب حلب یاغیزر بادام تخم فنج
 ع سکون لام و فتح موده و فاقاف و باوین تینق الزاء المجله حب الخریز ع
 بفتح عین ممله و کسر او مله و سکون تختانی و ذرا و جتهانی م ص باوین تخم کندر حب اوز
 بفتح و او سکون و ازمع شونیزا نیم لسان العصاره تینق السین الممله حب الال

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

مشکلات را
پس از این
تجربیات و کوشش
قوت باطنی را دارد
است و گویند
باراد و در دست
دعا که گویند
گرم است و در
یکسره و در
در دود و در
شکل

لام وفتح واو ولام نینسون جمع بفتح اول ثانی شد و فاف سرخه که گوییم درستی تنیق
 التختانی خبری ع بضم اول با سوره و الف و کسر او جمله و سکون تختانی با فتح
 او جمله و الف مقصوره طائر لیت ف جز ط گشت اوج و حجاب الکشری ع
 بسکون لام و ضم کات و یسم شد و فتح شله و او جمله و الف مقصوره و ف تخم او
 طاح ی خ بزرگ زدی مائل ش چهار و م ص غاب یا بزر قلعو ناجی جستانی
 ع یکسر سین جمله و سکون سین جمله ثانی با فوقانی و الف و سکون ثانی م
 ف زانه قافله الیای کس و اسه جی الماعی ع بر او جمله و الف کسیرین جمله و تختانی م
 بر خجاسی جی تر خجانی ع بضم فوقانی و او جمله و سکون نون یا جیم و الف و سکون
 ثانی و تختانی ف بالگو جی خراسانی ع بضم خا و حجه و او جمله و الف و سکون سین جمله و الف
 و سکون ف تر خراسانی جی مقدر جی کوا بضم صا و جمله و سکون عین جمله و فتح تختانی
 و کسر او جمله م شا مسفرم ف خم ریحان جی قرقلی بضم فا و کسر لام ف بالنگوی خ
 و باو بنویز جی کرویانی یکسر کات و سکون او جمله یا بیم و الف و کسر نون م شا مسفر
 ف تخم ریحان که نیاز بگو جی جی بطلی بفتح نون و سکون سوره ثانی و کسر ط او جمله
 ف بود و ثانی تنسیق الشاء الشله و تنیق الالف عشر ماسرانی بفتح اول
 و سکون شله و فتح او جمله و یسم و الف ف بود و تنسیق الجیم و تنیق الالف
 جیم الراجاع بفتح اول جیم و ضم را و جمله و کسر او جمله شد و ثانی با حاء و جمله ثانی و الف
 ف سنگ سیاتینق الموحده حجر الیشبع بفتح تختانی و سکون شین معوف
 سنگ یشبع ستر تنیق فوقانی جج ایت ع بضم نمره و فتح موحده شد و او سکون
 فوقانی که کبر الخمر کحوت ع بسکون لام و ضم حاء و جمله ثانی و سکون واو و ف
 سنگ بر مای و آن سنگیست که بر مای یا بند در جانی که داغ ست تنیق الجیم
 حجر الاسفنج ع یکسر نمره و سکون سین جمله و فتح فا و سکون نون و جیم و سکون

مدد و ندان را
 سکن کن
 و این جریست
 شد و شله
 و تنیق شله
 آنکه بزرگ زدی
 مائل ش چهار
 و م ص غاب
 یا بزر قلعو
 ناجی جستانی
 ع یکسر سین
 جمله و سکون
 سین جمله
 ثانی با فوقانی
 و الف و سکون
 ثانی م
 ف زانه قافله
 الیای کس و اسه
 جی الماعی ع
 بر او جمله و الف
 کسیرین جمله و
 تختانی م
 بر خجاسی جی
 تر خجانی ع
 بضم فوقانی
 و او جمله و
 سکون نون یا
 جیم و الف و
 سکون
 ثانی و تختانی
 ف بالگو جی
 خراسانی ع
 بضم خا و حجه
 و او جمله و
 الف و سکون
 سین جمله و
 الف
 و سکون ف
 تر خراسانی
 جی مقدر جی
 کوا بضم صا
 و جمله و
 سکون عین
 جمله و فتح
 تختانی
 و کسر او
 جمله م شا
 مسفرم ف
 خم ریحان جی
 قرقلی بضم
 فا و کسر
 لام ف
 بالنگوی خ
 و باو بنویز
 جی کرویانی
 یکسر کات و
 سکون او
 جمله یا بیم
 و الف و کسر
 نون م شا
 مسفر ف
 تخم ریحان
 که نیاز بگو
 جی جی بطلی
 بفتح نون و
 سکون سوره
 ثانی و کسر
 ط او جمله
 ف بود و
 ثانی تنسیق
 الشاء الشله
 و تنیق
 الالف عشر
 ماسرانی
 بفتح اول
 و سکون
 شله و فتح
 او جمله و
 یسم و الف
 ف بود و
 تنسیق
 الجیم و
 تنیق
 الالف
 جیم
 الراجاع
 بفتح اول
 جیم و ضم
 را و جمله
 و کسر او
 جمله شد و
 ثانی با حاء
 و جمله
 ثانی و الف
 ف سنگ
 سیاتینق
 الموحده
 حجر
 الیشبع
 بفتح
 تختانی و
 سکون
 شین
 معوف
 سنگ
 یشبع
 ستر
 تنیق
 فوقانی
 جج
 ایت ع
 بضم
 نمره و
 فتح
 موحده
 شد و
 او
 سکون
 فوقانی
 که
 کبر
 الخمر
 کحوت
 ع
 بسکون
 لام و
 ضم
 حاء و
 جمله
 ثانی و
 سکون
 واو و
 ف
 سنگ
 بر مای
 و آن
 سنگیست
 که
 بر مای
 یا بند
 در جانی
 که
 داغ
 ست
 تنیق
 الجیم
 حجر
 الاسفنج
 ع
 یکسر
 نمره و
 سکون
 سین
 جمله و
 فتح
 فا و
 سکون
 نون و
 جیم و
 سکون

تنیق الجیم حجر الاسفنج ع یکسر نمره و سکون سین جمله و فتح فا و سکون نون و جیم و سکون

در میان سنگ یا بند حجر المافروج ع بفتح هنزه و سکون فاء و نون را و همزه و سکون او
 بفتح سنگی است که از بلاد روم خیزد و سنگی بود که بر روی آب یا استند حجر الفضه
 تمیق الدال المهمله حجر المودع بفتح تحتانی و ضم واو و سکون واو و ف
 سنگ جهودان که بریتون ماند و خطوط بسیار بر دست طامع گویند ب ای
 ق مفتتخ زیتونی شکلش نمدرم ص سنگجبین سفیر علی ل بهت نفیس مس
 حجر لادر و دوع باللام و الف و سکون زار و معجمه و فتح واو و سکون را و همزه و سکون لاجر
 تمیق الواو المهمله حجر المامع بفتح هنزه و سکون حاء و همزه و فتح میم و سنگی است
 بلون بسد و از جمله شوم قناله ایست حجر البقرع بفتح موحده و قاف و سنگی است
 که در زهره گا و بهر سده و آن پازیر است ع جا و زهره و ف گا و زهره و کای و زهره و
 ع بضم موحده و لام تانی و سکون واو و سنگ بلور حجر الطورع بضم طاء و همزه و
 م حجر الدیم حجر القرقع بفتح قاف و میم و براق القرقع چند رنگ است که شب در افروز
 ماه یا بند در بلاد عرب حجر القیشورع بفتح قاف و سکون تحتانی و ضم نون و همزه و سکون
 واو و در او همزه و نوعی از کفدر یا حجر النسرع بفتح نون و شد و سکون سین و همزه و زهره و
 م التکته که گرنجوا حجر النمرع و بفتح نون و شد و کسر میم و سنگی است که در او
 بهر سده حجر التارع بفتح نون و شد و الف و سنگ حقیق و وی مختلفه الالوان
 می باشد طاب ای ۳ ق و در او جحف خنایر و مندریل قرع عسیر لاند مال
 جمله اعضا و تعلیق و رسته بسته بران حامله بل نافع عسیر لادت حجر النورع بفتح
 نون و شد و سکون واو و قریش شاتمیق السین المهمله حجر اناعاطس
 یونانی بفتح هنزه و نون و الف و غین و حجره دانی و کسره طاء و همزه و سنگی
 که چون بسایند برنگ خون ماند حجر التیس ع بفتح تحتانی و شد و سکون تحتانی
 و ف پازیر شهابکاره و بازیر حیوانی و آن از بز صحرایی حاصل میشود که خورشید

در میان سنگ یا بند حجر المافروج ع بفتح هنزه و سکون فاء و نون را و همزه و سکون او
 بفتح سنگی است که از بلاد روم خیزد و سنگی بود که بر روی آب یا استند حجر الفضه
 تمیق الدال المهمله حجر المودع بفتح تحتانی و ضم واو و سکون واو و ف
 سنگ جهودان که بریتون ماند و خطوط بسیار بر دست طامع گویند ب ای
 ق مفتتخ زیتونی شکلش نمدرم ص سنگجبین سفیر علی ل بهت نفیس مس
 حجر لادر و دوع باللام و الف و سکون زار و معجمه و فتح واو و سکون را و همزه و سکون لاجر
 تمیق الواو المهمله حجر المامع بفتح هنزه و سکون حاء و همزه و فتح میم و سنگی است
 بلون بسد و از جمله شوم قناله ایست حجر البقرع بفتح موحده و قاف و سنگی است
 که در زهره گا و بهر سده و آن پازیر است ع جا و زهره و ف گا و زهره و کای و زهره و
 ع بضم موحده و لام تانی و سکون واو و سنگ بلور حجر الطورع بضم طاء و همزه و
 م حجر الدیم حجر القرقع بفتح قاف و میم و براق القرقع چند رنگ است که شب در افروز
 ماه یا بند در بلاد عرب حجر القیشورع بفتح قاف و سکون تحتانی و ضم نون و همزه و سکون
 واو و در او همزه و نوعی از کفدر یا حجر النسرع بفتح نون و شد و سکون سین و همزه و زهره و
 م التکته که گرنجوا حجر النمرع و بفتح نون و شد و کسر میم و سنگی است که در او
 بهر سده حجر التارع بفتح نون و شد و الف و سنگ حقیق و وی مختلفه الالوان
 می باشد طاب ای ۳ ق و در او جحف خنایر و مندریل قرع عسیر لاند مال
 جمله اعضا و تعلیق و رسته بسته بران حامله بل نافع عسیر لادت حجر النورع بفتح
 نون و شد و سکون واو و قریش شاتمیق السین المهمله حجر اناعاطس
 یونانی بفتح هنزه و نون و الف و غین و حجره دانی و کسره طاء و همزه و سنگی
 که چون بسایند برنگ خون ماند حجر التیس ع بفتح تحتانی و شد و سکون تحتانی
 و ف پازیر شهابکاره و بازیر حیوانی و آن از بز صحرایی حاصل میشود که خورشید

در میان سنگ یا بند حجر المافروج ع بفتح هنزه و سکون فاء و نون را و همزه و سکون او
 بفتح سنگی است که از بلاد روم خیزد و سنگی بود که بر روی آب یا استند حجر الفضه
 تمیق الدال المهمله حجر المودع بفتح تحتانی و ضم واو و سکون واو و ف
 سنگ جهودان که بریتون ماند و خطوط بسیار بر دست طامع گویند ب ای
 ق مفتتخ زیتونی شکلش نمدرم ص سنگجبین سفیر علی ل بهت نفیس مس
 حجر لادر و دوع باللام و الف و سکون زار و معجمه و فتح واو و سکون را و همزه و سکون لاجر
 تمیق الواو المهمله حجر المامع بفتح هنزه و سکون حاء و همزه و فتح میم و سنگی است
 بلون بسد و از جمله شوم قناله ایست حجر البقرع بفتح موحده و قاف و سنگی است
 که در زهره گا و بهر سده و آن پازیر است ع جا و زهره و ف گا و زهره و کای و زهره و
 ع بضم موحده و لام تانی و سکون واو و سنگ بلور حجر الطورع بضم طاء و همزه و
 م حجر الدیم حجر القرقع بفتح قاف و میم و براق القرقع چند رنگ است که شب در افروز
 ماه یا بند در بلاد عرب حجر القیشورع بفتح قاف و سکون تحتانی و ضم نون و همزه و سکون
 واو و در او همزه و نوعی از کفدر یا حجر النسرع بفتح نون و شد و سکون سین و همزه و زهره و
 م التکته که گرنجوا حجر النمرع و بفتح نون و شد و کسر میم و سنگی است که در او
 بهر سده حجر التارع بفتح نون و شد و الف و سنگ حقیق و وی مختلفه الالوان
 می باشد طاب ای ۳ ق و در او جحف خنایر و مندریل قرع عسیر لاند مال
 جمله اعضا و تعلیق و رسته بسته بران حامله بل نافع عسیر لادت حجر النورع بفتح
 نون و شد و سکون واو و قریش شاتمیق السین المهمله حجر اناعاطس
 یونانی بفتح هنزه و نون و الف و غین و حجره دانی و کسره طاء و همزه و سنگی
 که چون بسایند برنگ خون ماند حجر التیس ع بفتح تحتانی و شد و سکون تحتانی
 و ف پازیر شهابکاره و بازیر حیوانی و آن از بز صحرایی حاصل میشود که خورشید

نوعی که در این کتاب مذکور است

از آنجایی که گیرند و آنرا پاد زهر و باد و هره و بار هره خوانند و آن بلون مار بود و امتیانش
 آنست که چون در آب نیمواند از ندر حرکت آید حجر مثانه بفتح میم و مثانه و الف
 و فتح نون و سنگی است که در مثانه آدمی بهر سده پتهری حجر ششویع بفتح میم و
 سکون شین معجزه و کسرا و فتح تحتانی میشود و کلس نوره که چون کالی تنیق التخت
 حجر از بیع بفتح اول ثانی و سکون را و همله و فتح هنره و سکون را و همله ثانی و فتح میم
 و کسرا نون و کل از بی ط ب ی اق سهل خ سببر مائل بسفیدی باندک کبونی
 و پس از سنگستن چهارده و مانند و پنج باشد و بعد از ترک کردن بوی طفل یا بوی گل خوش
 و بدش نمیدرم تا نیم شقال ص مفصول ل یکینم وزن حجر لازم در حجر اعرابی بفتح
 هزه و سکون عین همله بار و همله ثانی و الف و کسرا موحده و شکر سنگ بشیر
 سنگ زخم حجر البنی بفتح لام میشود و موحده و کسرا نون و سنگ شیرین چون
 اورا آب بسایند بشیر ناند حجر جرمی بفتح موحده و سکون حا و همله ثانی و کسرا همله
 م مر جان که سوزگاو و پربال حجر جیشی بفتح حا و همله ثانی و موحده و کسرا شین معجزه
 و سنگیست سببر رنگ مانند پشم حجر حدیدی بفتح حا و همله ثانی و کسرا همله
 و سکون تحتانی و کسرا همله ثانی و خامین اوندل حدیدی حجر خرفی بفتح حا و همله ثانی
 که در تفتان سنگ مصریت مانند خرف و زرد از هم بشکافد و صفایج بر یکدیگر دارد
 حجر روشنائی بضم را و همله ثانی و واد و بول و سکون شین معجزه نون و الف و کسرا
 هنرم قریشیا حجر علی بفتح سنگی است که چون بسایند رطوبت بی نهایت
 شیرین بود و بقوت شادانه باشد حجر قبطی بکسرا قاف و سکون موحده و کسرا
 همله و سنگیست مصری بنیایت سست در آب که داخل شود و گاه از آن
 مصرکتان پلان شوند حجر هندی و نوعی از شادانه نیست تلخیص الدال
 الهمله و تنیق الفوقانی حرکت بضم اول و الف و همله ثانی و

نوعی که در این کتاب مذکور است

۱۳۳

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

نوعی که در این کتاب مذکور است

ان گونم خوانند
 و اول چون
 چشم بین
 گشتند یاور
 قوت دهد
 دیون نهره
 بش بسکه
 طلا گشتند
 گویند سگ
 جیح جانوران
 سافغ دهد
 ۱۲۴
 چون کارس
 طعنه کرد در او
 درین بنده بود
 در دهان کلبه
 پوست خنجر
 در خنجر بخت
 کس تیغ
 را خنجر

استقو لو قدر یون ف زکلی ارد تمیق الهاء خشیشه و و دیه یضم وال سکون او
 و کسر وال جمله ثانی و فتح تحتانی شد و ثانی و خضار با م استقو لو قدر یون تمیق
 التحتانی خشیخ خراسانی و رینه خراسانی تنسیق الصاد المهمله
 و تمیق الجیم خصاصة الاستفیع ع بفتح اول با صاد و جمله و الف و ضم فوقانی
 و سکون لام و کسره و سکون سین و جمله و فتح فا و جیم م حجر الاستفیع تمیق المیم
 حصص ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر و جمله و غوره انگوره کچی و کاکر طبل
 ی ۳ ق قابض خ صادق المحفوظه بن و واد قیه ص انیسون و غسل یا انگلیس
 ل حاض اربع یارباس تمیق الهاء حصص ع بکسر سیم و فتح تحتانی شده و
 نام طعاعی ست تنسیق و تمیق الصاد المجهه حضع ع بضم اول و فتح ضا
 معجمه و سکون ضا و جمه ثانی و ف بلل و رسوت طمع ح ب گویند ح ۲ ب ق
 محلل بانک قبض و حابس م خ بهت و درهما کلی و بهت موی هندی ص جرس
 ل فیله هرج با فو فل و صندل مسادی یا یا میثایا اقا قیاد و عرفان تنسیق الفاء
 و تمیق الالف خضار ع بضم اول با فا و الف ممدوده م پروی و لوح تنسیق
 اللام و تمیق للوحده طبلاب ع بفتح اول و سکون لام و فتح موحده بالام
 ثانی و الف و موحده ثانی م لبلاط حلبیب ع بفتح اول و سکون ثانی و کسره
 و سکون تحتانی م سونجان هندی طاح ی ۲ گویند ۳ تمیق المثلثه
 حلیث ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی و ثلثه با فو قانی
 و انگوره و هینگ طاح ی ۴ گویند ۳ ق بلطف بهی خ شلق و سفید که
 ز و جل شودش نیم شغال ص اشق و جوز بو او گویند انبر باریس ل محرو
 که بسیار جوشانیده باشد یا جاوشیر و کینج تمیق الواء المهمله حلاک الشعر
 ع بفتح اول و لام شد و و الف و ضم قاف و فتح شین مجر میشد و سکون عین جمله

ان گروم و خیر
بر اول چون
شش میں
کستند یاورا
فوت دهد
چون نهره
شش بر سر
طللا کنند
گویند گ
میت جانوران
رافع دهد

174

جوت خانوس
 طعاصر اگر دوا
 برینیند فایدا
 ادر حاکم کسها
 بوستخ
 از فویدال
 سرتیون
 فویدال

وزن آن چند گویند و وزن اوست الفیل و نیم وزن طح لفظی و نیم وزن محمود
 تمیق النون خا و مجنون بفتح میم سکون جیم و ضم نون و سکون واو و
 و سیم یعنی ورق نیل تمیق الهاء خا و الغول ع بضم غم و سکون لام و ضم غین
 بفتح او مجهول و فتح لام م الی فلسا و شدکار و شرطه و کسبه کسرا و سکون ثانی
 و فتح طاء و همزه و خفاء با و ضم را و همزه و سکون واو و کسر میم و فتح تحتانی مشدود میم
 خذر روس ف کامل و جو بر هیه خطی ع ف گندم که گیهون طاح مع ری
 ق منضم میان سرخ و سفید نرم بسیار قریه تمیق التحتانی جند قوی ع بفتح او
 و سکون ثانی و فتح دال و همزه و ضم قاف و سکون او و کسراف ثانی و فتح اندوه
 قو ق و وید است و آن سبز و لیت بری طاح ی گویند ق لطف مدخ
 بستانی ش و و در م ص هند بال طبعه تمیق الواو و تمیق الفوقانی حوت
 ع بضم اول و سکون ثانی ع سبک ف مایه میم بفتح تمیق الواو الهمزه و ضم نون
 ف بضم اول و سکون ثانی و کسرا و همزه و همزه و سکون سین و همزه و فتح فاء و سکون
 نون یا و ال همزه الف و را و همزه ثانی م بستان افر و ز حور و فتح اول و سکون ثانی
 میم سکون او و الف و ترندی تمیق الکاف حوک بفتح ک و سکون ثانی و کاف م بار و
 تمیق الیهم حو جیم بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون جیم و کسره و کال ک کمال
 تمیق الهاء حوا و بضم اول و سکون ثانی یا و الف و فتح نون و با و دو ثلثه
 او راق و طریقین ه سنس کوهی تمیق التحتانی خواری ع بفتح اول و ثانی
 و الف و کسرا و همزه و تحتانی فآ و گندم از خرینجه سید ابر و روی بفتح اول و سکون
 ثانی و از اجمعه م حور می که گویند کرا با صغ اوست طاب ی ق محففت سن
 یکشقال ل و لب تمیق الیاء التحتانی و تمیق الهم حیظیل کسرا و سکون
 تحتانی و فتح ضا و حور و سکون الهم حو تمیق الیهم العالم ع بفتح اول و ضم ثانی مشدود

۱۲۹
 گل داغویں
 دہندہ دس
 مٹی خوان
 خامیست کرد
 سرور خشک
 طین ازمی
 گلی است
 قورنگ دل
 دی طین
 خواست
 در

است حلال
 ایلیم سیرا
 گویند
 باب الف
 اظفار الطیب
 مرقوم ظلف
 هم چار پای
 کبریا شکار
 عرب آن را
 ظلف گویند
 خامه سمن
 ۱۳
 و سکون لام با عین مملو و الف و فتح لام ثانی گویند نوعی از سرخ مروست و آن در
 ورا که از سرخ و لای روی کار آید و بنجر به رسیده و بزبان هندی شندی زرد گل است طب
 سیاق با و خ بستانی ش از آب و بنجر بر مص طین ارینی یا پودنل عصا
 کا هو یا عنب الثعلب تمیق الماء جمیع بفتح اول و ثانی مشد و فخر و هاف ماره
 سانپ و ناگ طح ی اق ملطف خ افی تمیق التحتانی حیات الموتی بفتح
 اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و سکون لام و فتح میم و سکون واو و فتح فوقانی
 ثانی و الف مقصوده م نظر ان توفیر الماء المعجم و تنسيق و تمیق الالف
 خراف نجا و محبه و الف و را و مملو م سنگ سخت خا مال و الف میم و الف ثانی لام
 و فتح الف ثالث مد و دم ماذریون تمیق الموحده خاق الذبیع نجا و محبه و یکسرون
 و ضم قاف و کسر الف جمعه مشد و سکون تحتانی و موحده م خرب سیاه فخال نگی آن
 کشنده گرگ است که لنگی طح ی ۳ خاق الطبع بسکون لام و فتح کاف
 و سکون لام ثانی ف فلوس مایی که کلام تمیق الموحده الفارسی خاصیت
 یکسرون مملو و سکون موحده فارسی م سیب تمیق الفوقانی خا ریشیت
 ف بسکون را و مملو و ضم موحده فارسی و سکون شین معجم منفذه مایی
 تمیق الدال المملو خا و ف بسکون دال مملو م غلیو از تمیق الوا
 المملو خا شتر ف یکسرون مملو و ضم شین معجم و فوقانی و سکون را و مملو ثانی
 جنس از خا که شتر آنرا بر غبت بخور و آنرا شتر خا نیز گویند قانون النسخ یکسرون
 و ضم قاف و فتح نون ثانی مشد و کسر میم نوعی از ماذریون و آن کشنده پلنگ
 و گرگ و سگ و نوک است و مانند آن طح ی ۲ گویند ب ی ۲ خایه گیر
 بفتح تحتانی و فخر و کس کاف فارسی سکون تحتانی ع ریتا تمیق الزام المعجمه
 خایه زین ف بفتح تحتانی و فخر و کس را و مملو و تحتانی مجهول و را و معجمه خایکینه

اظفار الطیب
 مرقوم ظلف
 هم چار پای
 کبریا شکار
 عرب آن را
 ظلف گویند
 خامه سمن
 ۱۳
 و سکون لام با عین مملو و الف و فتح لام ثانی گویند نوعی از سرخ مروست و آن در
 ورا که از سرخ و لای روی کار آید و بنجر به رسیده و بزبان هندی شندی زرد گل است طب
 سیاق با و خ بستانی ش از آب و بنجر بر مص طین ارینی یا پودنل عصا
 کا هو یا عنب الثعلب تمیق الماء جمیع بفتح اول و ثانی مشد و فخر و هاف ماره
 سانپ و ناگ طح ی اق ملطف خ افی تمیق التحتانی حیات الموتی بفتح
 اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و سکون لام و فتح میم و سکون واو و فتح فوقانی
 ثانی و الف مقصوده م نظر ان توفیر الماء المعجم و تنسيق و تمیق الالف
 خراف نجا و محبه و الف و را و مملو م سنگ سخت خا مال و الف میم و الف ثانی لام
 و فتح الف ثالث مد و دم ماذریون تمیق الموحده خاق الذبیع نجا و محبه و یکسرون
 و ضم قاف و کسر الف جمعه مشد و سکون تحتانی و موحده م خرب سیاه فخال نگی آن
 کشنده گرگ است که لنگی طح ی ۳ خاق الطبع بسکون لام و فتح کاف
 و سکون لام ثانی ف فلوس مایی که کلام تمیق الموحده الفارسی خاصیت
 یکسرون مملو و سکون موحده فارسی م سیب تمیق الفوقانی خا ریشیت
 ف بسکون را و مملو و ضم موحده فارسی و سکون شین معجم منفذه مایی
 تمیق الدال المملو خا و ف بسکون دال مملو م غلیو از تمیق الوا
 المملو خا شتر ف یکسرون مملو و ضم شین معجم و فوقانی و سکون را و مملو ثانی
 جنس از خا که شتر آنرا بر غبت بخور و آنرا شتر خا نیز گویند قانون النسخ یکسرون
 و ضم قاف و فتح نون ثانی مشد و کسر میم نوعی از ماذریون و آن کشنده پلنگ
 و گرگ و سگ و نوک است و مانند آن طح ی ۲ گویند ب ی ۲ خایه گیر
 بفتح تحتانی و فخر و کس کاف فارسی سکون تحتانی ع ریتا تمیق الزام المعجمه
 خایه زین ف بفتح تحتانی و فخر و کس را و مملو و تحتانی مجهول و را و معجمه خایکینه

جنس الفاسع بضم نون وصاد مملو الف وین مملو م ثوبال النحاس فیم سطح
 ی ۳ ق قابض مخفف اکالنج بسیار تنگ نشاید دم در کمال حد کثیرا و جعل در تنج
 تمینق الصاد الموهمله خست الرصاص ع بکسر و مملو و صاد مملو والف
 و صاد مملو ثانی ف یرم قلی طری ال سفید از یتینق الکاف خنبر و ک فضا یفتح اول
 و ثانی و سکون ز را و مجر و ضم و ال مملو و سکون و او و کاف و یا نو نیست نیمه
 بهجل که آنرا ایل شیراز خنبر و ک گویند تمینق الواو خنبر و و ف یفتح اول و ثانی
 و سکون ز را و مجر و ضم و ال مملو م خنبر و ک تمینق الهاء خست الفضة ع
 بکسر ف و فتح صاد و جمعه شده و ففار و ف یک لقره خ سبترنگ تنیق تحت
 جهازی بضم اول و ثانی مفتوح والف و کسر و را و مجر و سکون تحتانی و ف نوی
 از خطی طب را گویند مع ح ب ف یلین خ بری ش هبه سعال و شوال
 ال خطی تنیق الباء الموحدة الفارسی و تمینق الکاف خشک و یفتح
 اول و موهله فارسی و سکون کاف م نان بزرگ تنیق الشاء فوقانی و
 تمینق الجیم ختقرج و یفتح اول فوقانی و سکون ف و فتح را و مملو م خرف
 تمینق القاف ختقرج یفتح اول و سکون فوقانی و فتح را و مملو م خستین تمینق
 کاف ختم الملک ع یفتح اول سکون ثانی و ضم سیم و سکون لام و فتح سیم ثانی
 و کسر لام ثانی و ف کل مختمو تنیق الشاء المثلثه و تمینق الواو المملو
 خشار البقر ع بکسر خا و ثا و مثلثه والف و ضم مزه و سکون لام و فتح موهله و قاف
 و سیرین گا و کاه گوبر طح ر ق منفع محلل ش یقیر ط تنیق الدال
 و تمینق القاف خدر نق یفتح اول و دال مملو و سکون را و مملو و فتح نون و سکون
 قاف ع عنکیوت تمینق اللام خداع الرجال ع بضم اول و فتح ثانی والف
 ضم ین مملو و کسر را مملو شده با جیم الف م بزرگ النج تنیق الواو الموهمله

21

١٢

10

七



10

الشيخ

10

٥١

14

11/1/73

١١١

الحمد لله

١٠٠

بسم الله الرحمن الرحيم

۴۹

الکونین

۱۳۳۲

انکس

النشأ

10

الملك

و الف م جز بزرگ خردل ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح وال ممله رانی خط
 ح ی م ق محرق کاوی ملطف بستانی تازه فرسب رخ که بعد از کوفتن زرد شد
 ش و پیشقال و گویند ندرم ص صندل و کلاب و کافور و نک بندعی ل و دور
 حساب لرشاد و در وزن تخم شلغم خرغول و بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین
 و واد مجهول م گیاه باز تنگ و ریم آن هیچ و زبان سعدی سمرقند روف نام منع
 لسان الحمل که خوب کلان خراسانی البهبل که کسب تنیق النون خراسانی ع بفتح
 اول و ثانی و الف و کسر طاهله و سکون تختانی و زغازه کینچو اطح ای ۲
 ق ملحم ش جسته یرقان و ورم ص روغن بادام یا زیت ل زلوه خراسانی و
 بفتح اول و سکون ثانی و مدبره و فتح بانوعی از علف که اوها خراسانی ع بفتح اول
 و ثانی و الف و کسر طاهله و سکون تختانی و زلوه چونک و گویند خراسانی خرطمان
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و طاهله و الف م بنبویه که اکاسن سبل ل سبل
 خراسانی بفتح اول و سکون ثانی و کسریم یا تختانی و الف م چند سید تنیق الوا
 خرچک بفتح اول و سکون ثانی و فتح موصده و فتح جیم فارسی و ضم کاف که تخم گوانج
 خر و کسر اول و ضم ثانی م گل خیر و تنیق الها خربت و بفتح اول و سکون ثانی و
 فتح موصده و فوقانی و خفا یا م خربت خرزهره و بفتح اول و سکون ثانی و فتح زلوه
 و سکون یا و فتح را و ممله ثانی ع دقلی که کثیر خرسته و بکسر اول و ثانی و سکون
 سین ممله و فتح فوقانی م چونک خرغوله و بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین م
 و واد مجهول و فتح لام م خرغول خرغه و بضم اول و سکون ثانی و فتح قام توکر
 خرزه و بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون یا و فتح را و ممله م سفید موهه
 شکله خرزه و بضم اول و ثانی و واد مجهول و فتح سین ممله م تدر و خرزه و
 بضم اول و واد مجهول و انهار یا م خروس خره و بفتح اول و ثانی م گنجاره

و گویند بوسلار
 و در آن دق
 و حقوق و سون
 السفر الان
 چون با هم جمع
 کنند بدل او
 بود و گویند
 بدل آن رفت
 بود و در حاتم
 بود که از کرب

۱۳۳
 سید بنی
 عین القطره
 سید بنی
 باب الفین
 عافیت
 سید بنی
 سید بنی
 سید بنی

و گویند بوسلار
 و در آن دق
 و حقوق و سون
 السفر الان
 چون با هم جمع
 کنند بدل او
 بود و گویند
 بدل آن رفت
 بود و در حاتم
 بود که از کرب

کتابخانه کهنه‌خانه نوبت خوشی ریاضین و از جمله ارضانی قلعه داول گنجینه کهنه

الی هند باد و بفارسی جانور نیست که یا پهای باریک ارد و بر دو آب بهر دو خسته
 و شیبیه بدانه جو باشد کوچک تر از جو و گویند مرغیست سفید رنگ که بزرگ
 و کلنگ باشد تمیق الفافخسف و بفتح اول و ثانی و سکون فاف و ف ک و گان ه
 اخر و تمیق القاف خسق بکسر اول و سکون ثانی م مصفر تمیق الکاف
 خشک و بفتح اول و ثانی ع خشک ه گوهر و بکسر اول و سکون ثانی م مصفر
 تمیق الواو خسوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم و او مجهول خمسته خسو دارد
 بضم اول م حو لنجان تمیق الفافخسته م تخم میوه یا مانند شفتالو و زرا خشک
 ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف با و ال مهله و الف و فتح ثون م تخم مصفر تمیق
 التحتانی خضری و م نوعی از شراب یکپیده تمیق الشین المعجه و تمیق
 الفوقانی خشک پشت و لاک پشت تمیق الزا و ال مهله خشک بضم اول و
 و سکون شین معجه یا کاف و الف ف آردی که از روی نخاله گرفته شده بن چننا آتا
 اخشیسار و بفتح اول و کثرانی و سکون تحتانی و نون بهین مهله و الف نوعی
 از مرغابی که پشت آن سیاه و میان سرش سفیدی باشد تمیق الزا و ال المعجه
 خشب الشونیز و بفتح اول و ثانی و ضم موحده و شین معجه مشد ثانی و و او مجهول
 و کسرون و سکون تحتانی چوب سیاه و انه گویند سیسار و ن تمیق الشین
 المعجه خشک شاش و ف کوکناره بهر نظر ابيض یعنی سفیدی او و اسود
 یعنی سیاه بی ۳ گویند م گویند دخ سفید تازه فر برش از سفید او و دود
 یا بنجر دم و از سیاه بنجر دم عی غسل یا قند یا عصاه لسان الحمل یا از یانه ل انهم
 و ام قشعر تمیق الفافخشیف و بفتح اول و کثرانی و سکون تحتانی ف برق
 ینق اللام خشک بفتح اول و ثانی م مقل تمیق النون خشک بنجین بضم اول و سکون
 نی و فتح کاف و سکون نون و ضم جیم و کسر موحده و سکون تحتانی م غسل خشک

کین نیلوفر
هندیست
دعاشورخان
این قول را
تغذیه کرد
در این چند روز
فایده فرشت
کل خداوند
ناده را گویند
خاستنش

13

وینجی شکر و شیرینی
کوتله گوشت
ماشا ارار خا
قور ارسان و
کیم شیری خوشه
ویسبانی و شیرین

که از کوهستان فارس غیر طح ی ل یلمیزن غسل ثنیق الواو خشوع لغت
اول ضم ثانی مخرای زبون تینیق الها خشکانه ف بضم اول و سکون ثانی
و کاف بالنون و الف و فتح نون ثانی نان بی نا خورش تنسلیق الصا و المهد
تینیق الموحده فخصی الکلب بضم اول مخی ست مانند خصیة الثعلب فلفظ
بضم اول و سکون ثانی طح و گویند مع ف مبین شیخین فرب که از وی موی
آیدش یکشقال تاد و شقال و گویند بخرم ص آمدن بوزیدان با تخم بزوز یا تخم
بزجیر یا تخم یاخیر یا تخم سپست یا ستفقور یا شقال تینیق الواو المهدله خصیة
بضم اول و سکون ثانی سین المهدله خصی الفرس هم جلیوب تینیق الواو
خصیة الیل ف خاییز کوی خصیة العجایل بفتح عین مهله و جیم و الف کسجه
و سکون تحتانی ف خایگوساله تینیق الها خصیة بضم اول و سکون ثانی و فتح
تحتانی ف خایه پیلری طح گویند ب ی خ خاییز و کس فرب تنسلیق
الصا و المعجه و تینیق الفاء خضف بفتح اول و ضا و حجه و خریره ناریه
و خریره خور و خضلاف بفتح اول و سکون ثانی بالهم و الف م درخت شقل
تنسلیق الطاء المهله و تینیق الواو المهمله خط طح بکسر اول و فتح طاء و
م و تینیق الفاء خطاف بضم اول یا ثانی مشد و الف ف پرستو که کنهیا
پت دیوری ا ح ی ا ق مفتت حصاة ل سگین گا و تینیق النون خطبان
بفتح اول و ثانی با سوجه و الف م خطبیا نا تینیق التحتانی خطمی بفتح اول
و سکون ثانی و کسجه کل مشهور است طب و گویند ق ملین منضج محلل خ سبر
مانده کوی سفید کل ص شل لکنار لیلو فرب یاخیزی تنسلیق الفاء و تینیق الجیم
خضف بفتح اول و سکون فاجیم م خردل بری خضف ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
را و صلیح بقدره و تینیق الشین المعجه خفاش و بفتح اول و ثانی مشد

۱۳۹
 مقوی باد بود
 چون مصدق
 خانات است
 مقیم فرما
 بود فی اسرار
 زبان فارسی
 و یاد کرد
 گوشت
 مقصد بعض
 التفسیر

والفت م شبر هندی همگا در طح رخ بزرگ ص شخاش تمینق الفاصه
ف بفتح اول گیا ای هست که آتش زوگیر و آتزا بر زیر سنگ آتش زنه نهاد
نچماخ بزنده تا آتش بگیرد و میده مع مخ تنسیق اللام و تمینق الدال المهمله
حکدع بفتح اول سکون لام ف موش کور و انگشت برگ که چکچو در تمینق الواو
المهمله حکدع بضم اول و فتح ثانی مشدوم جنسی هست مانند کرسنه تمینق الفاصه
خلاف ع بکسر اول و دختت بید ط ب ی ق محفف خ کنا حشیه سینه باشد
ش از آب اویست مشقال ص گلاب یا برنج خوش ل گل جنا و گل کرم
القاف خلوق ع بفتح اول ضم ثانی و سکون واو م زعفران تمینق اللام
خلال طیل بکسر اول م دختت ا طیر لیل خلال ع بفتح اول و غوره خسره
خل الغصل ع ف سرکه پیاز و شتی خل ع بفتح اول و ثانی مشدوف سرکه طاب
ی ۳ گویند ی ای ۳ ق ملطف مقطع خ خل غمر ص سکر و غن با دم و لغمر
و سکون ثانی و خاکستر تمینق الواو خلوف بضم اول و ثانی م الو تمینق
الفاصله حکدع بفتح اول و ثانی مشدوف و خفا و با ف شراب ترش تمینق التختانی مثال
ماسولی بکسر اول م از خر خلبای بفتح اول و ثانی با موصه و الف و کسختانی مجهول
م قته و بیرز و تنسیق المیم و تمینق الفوقالی خسته انگشت ف بفتح
اول و سکون میم و کاف فارسی که مینها الو تمینق الواو المهمله خمر الحار ع بفتح اول
و سکون ثانی و ضم باو مهمله م شخا خمر ع بفتح اول و سکون ثانی ف شراب تلوی
که داکمه در طح ی ۲ ق ملطف خ ریجانی معتدل القوام زرد رنگ خوشبوی آنکه
او به در و کند و میان نو و کمن ش هفتا اود و مشقال ص فوا که ترش آن نمید
تمینق بفتح اول و کسرتانی و سکون تحتانی م فطیر ط ب ۲ ا ق منفع خ معتدل
ملح ص چنجبین تمینق القاف خسته اراق ع بفتح اول و سکون ثانی ف خج مسجل

فغان را بفرمود
غباران را
دردمان برزند
که دندان را
بریزاند گویند
شیرخشت
زقوم دگرند
اکنه هست
دگویند
ماه یون است
و غالب است

۱۳.

چشم زخمی
ست که خندان
رفت چرخ
ز رخ آن
مشق شود
الفاظ کیه داده
بکای روی
نخاست

آری ما می
و این که
ای که
بدرستی
اجرای
که در
است
که در
که در
که در

از این جهت که

دادار دلجو
 بتر خوا
 حفا سطور
 قمار ایشان
 سیام را
 گویند فتن
 بسته را گویند
 گرم و خشکست
 در دود در
 وید
 بادام

مفتی محمد رفیع الدین صاحب دہلی دارالافتاء

در دست راست فکله اول در دست چپ فکله ثانی که فکله ثانی را فکله اول میگویند
 و سکون ثانی ف شفتا لوه ال و وطب را گویند یا قاصع موهخ و غیره
 زود از جدا شود و یک کفخی بخیل میبایست شش تنیق الوله الممله خوش نظر
 بضم اول و ثانی مجهول و سکون شین معجمه و فتح نون و طار معجمه م کلکه و گویند سرخ
 تنیق الصاد الممله و حوص بفتح اول م ورق مقل در ورق نخل و ورق نایل
 سابعین نام خوانند تنیق العین الممله و حوج افع بفتح اول و سکون ثانی کبر
 حار معجمه ثانی و فتح هنو و سکون قاف و فتح راء معجمه م سافج هندی تنیق الکاف
 خواتیم الملك ع و گل مخموم و نیز ختم الملك گویند بخود داو و یا تختانی خود
 و فتح اول و ثانی و سکون زار معجمه و ضم دال معجمه داو و مجهول م خبر و دکل
 و بضم اول و سکون ثانی مع خیر تنیق اللام حوالت بفتح اول و ثانی
 و الف م دو و که از چراغ حاصل میشود مرکب تنیق النون حوالت بفتح اول
 و ثانی و الف و نون م حفص و حوالت بضم اول و ثانی مجهول و کسر لام و سکون
 نون باجم و الف که کلیمین طح سی گویند مرق ملطفه سیخ سرخ سطر
 کم گره ش نیم درم تا یک درم ص کثیر او چیزهای چرب و صندل و کافور یا ابریشم
 ل و نقل یا قرفه و در و گرده و قوت باه یک نیم وزن و اچینی و نیمون برگ
 قریض خون سیا و نشان بضم اول و سکون ثانی و کسوف و سین معجمه یا تختانی
 و الف و ضم داو یا شین معجمه و الف ثانی ع دم الانوین و گویند بقهر و وجه شمشیر آنکه
 چون فراسیاب سیاوش کشت جائیکه خون او ریخته و در آنجا این نبات رسته
 که هیوا و کمی تنیق الواو و قولوف بضم اول و ثانی مجهول و فتح لام و ضم لام
 ثانی و سکون و او ثانی را زیاده بری تنیق الهاء و حوالت بضم اول و ثانی
 سعد و الف و فتح جیم فارسی و نقاء با و کسر کاف فارسی یا تختانی و الف که
 بانسا و حوالت بضم اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی م کلستان فرد و خوش

در دست راست فکله اول در دست چپ فکله ثانی که فکله ثانی را فکله اول میگویند
 و سکون ثانی ف شفتا لوه ال و وطب را گویند یا قاصع موهخ و غیره
 زود از جدا شود و یک کفخی بخیل میبایست شش تنیق الوله الممله خوش نظر
 بضم اول و ثانی مجهول و سکون شین معجمه و فتح نون و طار معجمه م کلکه و گویند سرخ
 تنیق الصاد الممله و حوص بفتح اول م ورق مقل در ورق نخل و ورق نایل
 سابعین نام خوانند تنیق العین الممله و حوج افع بفتح اول و سکون ثانی کبر
 حار معجمه ثانی و فتح هنو و سکون قاف و فتح راء معجمه م سافج هندی تنیق الکاف
 خواتیم الملك ع و گل مخموم و نیز ختم الملك گویند بخود داو و یا تختانی خود
 و فتح اول و ثانی و سکون زار معجمه و ضم دال معجمه داو و مجهول م خبر و دکل
 و بضم اول و سکون ثانی مع خیر تنیق اللام حوالت بفتح اول و ثانی
 و الف م دو و که از چراغ حاصل میشود مرکب تنیق النون حوالت بفتح اول
 و ثانی و الف و نون م حفص و حوالت بضم اول و ثانی مجهول و کسر لام و سکون
 نون باجم و الف که کلیمین طح سی گویند مرق ملطفه سیخ سرخ سطر
 کم گره ش نیم درم تا یک درم ص کثیر او چیزهای چرب و صندل و کافور یا ابریشم
 ل و نقل یا قرفه و در و گرده و قوت باه یک نیم وزن و اچینی و نیمون برگ
 قریض خون سیا و نشان بضم اول و سکون ثانی و کسوف و سین معجمه یا تختانی
 و الف و ضم داو یا شین معجمه و الف ثانی ع دم الانوین و گویند بقهر و وجه شمشیر آنکه
 چون فراسیاب سیاوش کشت جائیکه خون او ریخته و در آنجا این نبات رسته
 که هیوا و کمی تنیق الواو و قولوف بضم اول و ثانی مجهول و فتح لام و ضم لام
 ثانی و سکون و او ثانی را زیاده بری تنیق الهاء و حوالت بضم اول و ثانی
 سعد و الف و فتح جیم فارسی و نقاء با و کسر کاف فارسی یا تختانی و الف که
 بانسا و حوالت بضم اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی م کلستان فرد و خوش

در دست راست فکله اول در دست چپ فکله ثانی که فکله ثانی را فکله اول میگویند
 و سکون ثانی ف شفتا لوه ال و وطب را گویند یا قاصع موهخ و غیره
 زود از جدا شود و یک کفخی بخیل میبایست شش تنیق الوله الممله خوش نظر
 بضم اول و ثانی مجهول و سکون شین معجمه و فتح نون و طار معجمه م کلکه و گویند سرخ
 تنیق الصاد الممله و حوص بفتح اول م ورق مقل در ورق نخل و ورق نایل
 سابعین نام خوانند تنیق العین الممله و حوج افع بفتح اول و سکون ثانی کبر
 حار معجمه ثانی و فتح هنو و سکون قاف و فتح راء معجمه م سافج هندی تنیق الکاف
 خواتیم الملك ع و گل مخموم و نیز ختم الملك گویند بخود داو و یا تختانی خود
 و فتح اول و ثانی و سکون زار معجمه و ضم دال معجمه داو و مجهول م خبر و دکل
 و بضم اول و سکون ثانی مع خیر تنیق اللام حوالت بفتح اول و ثانی
 و الف م دو و که از چراغ حاصل میشود مرکب تنیق النون حوالت بفتح اول
 و ثانی و الف و نون م حفص و حوالت بضم اول و ثانی مجهول و کسر لام و سکون
 نون باجم و الف که کلیمین طح سی گویند مرق ملطفه سیخ سرخ سطر
 کم گره ش نیم درم تا یک درم ص کثیر او چیزهای چرب و صندل و کافور یا ابریشم
 ل و نقل یا قرفه و در و گرده و قوت باه یک نیم وزن و اچینی و نیمون برگ
 قریض خون سیا و نشان بضم اول و سکون ثانی و کسوف و سین معجمه یا تختانی
 و الف و ضم داو یا شین معجمه و الف ثانی ع دم الانوین و گویند بقهر و وجه شمشیر آنکه
 چون فراسیاب سیاوش کشت جائیکه خون او ریخته و در آنجا این نبات رسته
 که هیوا و کمی تنیق الواو و قولوف بضم اول و ثانی مجهول و فتح لام و ضم لام
 ثانی و سکون و او ثانی را زیاده بری تنیق الهاء و حوالت بضم اول و ثانی
 سعد و الف و فتح جیم فارسی و نقاء با و کسر کاف فارسی یا تختانی و الف که
 بانسا و حوالت بضم اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی م کلستان فرد و خوش

بسم الله الرحمن الرحيم

فتح فلیق استفتح اول و سکون ثانی و کسر خا و سحر ثانی و فتح قاف و کسر لام و
 سکون تحتانی و قاف و فتح همزه و سکون سین و همزه و فتح فوقانی و قاف و فتح
 ف و ثانی مجهول کسر ال و همزه و ضم خا و سحر ثانی و راء و همزه و او مجهول ثانی
 اظهار هم گل تاج خروس و حی ناه و ضم اول و ثانی مجهول تحتانی با نون و الف
 و اظهار با هم خراطین تنسيق الیاء القحطانی و تمینق الالف غیر بو افتح اول و
 سکون تحتانی و کسر او و همزه و فتح موحده و او و مشدده و الف و قاف و ضمنا تمینق
 غیر و فتح اول و سکون ثانی و ضم راء و همزه و سکون و او و جیم و خمیزی خیشفوح
 بکسر اول و سکون ثانی و شین و همزه و همزه و سکون او و پنجه انه تمینق الدال الهمزه
 خیشف بکسر اول و سکون ثانی و دال و همزه و خودیکه عبارت از جو و گندم و نخود و غیر
 باشد تمینق الواو الهمزه خیار جنبه و خیار جنبه بکسر اول با ثانی و الف و راء و همزه و فتح
 هم فطی و سکون نون و فتح موحده و سکون راء و همزه ثانی و لغت اول و فتح شین
 و همزه و لغت ثانی و گریالا و ملتاس و دهن و بیڑا و باند و پوری و باند و گری
 طمع و حب و ق و محل و ملین و سهل و صفاخ و هندی و سطر سیاه رسیده و عسل
 و فلو و و پوشتش و براق و رقیق باشد و وقت استعمال از قلم پیر و ن آرنده و
 پنجه و ق و پانزده و درم و روغن با و ام و مصطکی و انیسون و عناب یا آب و تر و
 ال و تخمین و سه وزن آن و پوزی و دانه و اندکی ترید تمینق الواو الهمزه خیار ف
 بکسر اول با ثانی و الف و راء و همزه با و رنگ و کیمیا و طب و تمینق النون غیر
 ف بکسر اول و سکون ثانی مجهول و ضم زاء و همزه و الف و نون و همزه و
 طح و مع ی و ق مفتت حصاة ش و و درم و خافشل و نج غلیق تمینق
 الواو خیار کد و ف بکسر اول با ثانی و الف و کسر راء و همزه و فتح کاف و ضم و ال همزه
 و سکون و او و هند و دانه و تر و پوزب و خطمی و خیلوف بکسر اول با ثانی و ضم لام

بسم الله الرحمن الرحيم
 و کسر لام و
 سکون تحتانی و
 قاف و فتح همزه و
 سکون سین و همزه و
 فتح فوقانی و قاف و
 فتح ف و ثانی مجهول
 کسر ال و همزه و ضم
 خا و سحر ثانی و راء و
 همزه و او مجهول ثانی
 اظهار هم گل تاج
 خروس و حی ناه و ضم
 اول و ثانی مجهول
 تحتانی با نون و الف
 و اظهار با هم خراطین
 تنسيق الیاء القحطانی
 و تمینق الالف غیر بو
 افتح اول و سکون
 تحتانی و کسر او و
 همزه و فتح موحده و
 او و مشدده و الف و
 قاف و ضمنا تمینق
 غیر و فتح اول و
 سکون ثانی و ضم راء
 و همزه و سکون و او
 و جیم و خمیزی
 خیشفوح بکسر اول
 و سکون ثانی و شین
 و همزه و همزه و
 سکون او و پنجه انه
 تمینق الدال الهمزه
 خیشف بکسر اول و
 سکون ثانی و دال و
 همزه و خودیکه عبارت
 از جو و گندم و نخود
 و غیر باشد تمینق
 الواو الهمزه خیار
 جنبه و خیار جنبه
 بکسر اول با ثانی و
 الف و راء و همزه و
 فتح هم فطی و سکون
 نون و فتح موحده و
 سکون راء و همزه
 ثانی و لغت اول و
 فتح شین و همزه و
 لغت ثانی و گریالا
 و ملتاس و دهن و
 بیڑا و باند و پوری
 و باند و گری طمع
 و حب و ق و محل و
 ملین و سهل و صفاخ
 و هندی و سطر سیاه
 رسیده و عسل و
 فلو و و پوشتش و
 براق و رقیق باشد
 و وقت استعمال از
 قلم پیر و ن آرنده
 و پنجه و ق و
 پانزده و درم و
 روغن با و ام و
 مصطکی و انیسون و
 عناب یا آب و تر و
 ال و تخمین و سه
 وزن آن و پوزی و
 دانه و اندکی ترید
 تمینق الواو الهمزه
 خیار ف بکسر اول
 با ثانی و الف و راء
 و همزه با و رنگ و
 کیمیا و طب و
 تمینق النون غیر
 ف بکسر اول و سکون
 ثانی مجهول و ضم
 زاء و همزه و الف و
 نون و همزه و
 طح و مع ی و ق
 مفتت حصاة ش و
 و درم و خافشل و
 نج غلیق تمینق
 الواو خیار کد و
 ف بکسر اول با
 ثانی و الف و کسر
 راء و همزه و فتح
 کاف و ضم و ال
 همزه و سکون و او
 و هند و دانه و
 تر و پوزب و خطمی
 و خیلوف بکسر اول
 با ثانی و ضم لام

بسم الله الرحمن الرحيم
 و کسر لام و
 سکون تحتانی و
 قاف و فتح همزه و
 سکون سین و همزه و
 فتح فوقانی و قاف و
 فتح ف و ثانی مجهول
 کسر ال و همزه و ضم
 خا و سحر ثانی و راء و
 همزه و او مجهول ثانی
 اظهار هم گل تاج
 خروس و حی ناه و ضم
 اول و ثانی مجهول
 تحتانی با نون و الف
 و اظهار با هم خراطین
 تنسيق الیاء القحطانی
 و تمینق الالف غیر بو
 افتح اول و سکون
 تحتانی و کسر او و
 همزه و فتح موحده و
 او و مشدده و الف و
 قاف و ضمنا تمینق
 غیر و فتح اول و
 سکون ثانی و ضم راء
 و همزه و سکون و او
 و جیم و خمیزی
 خیشفوح بکسر اول
 و سکون ثانی و شین
 و همزه و همزه و
 سکون او و پنجه انه
 تمینق الدال الهمزه
 خیشف بکسر اول و
 سکون ثانی و دال و
 همزه و خودیکه عبارت
 از جو و گندم و نخود
 و غیر باشد تمینق
 الواو الهمزه خیار
 جنبه و خیار جنبه
 بکسر اول با ثانی و
 الف و راء و همزه و
 فتح هم فطی و سکون
 نون و فتح موحده و
 سکون راء و همزه
 ثانی و لغت اول و
 فتح شین و همزه و
 لغت ثانی و گریالا
 و ملتاس و دهن و
 بیڑا و باند و پوری
 و باند و گری طمع
 و حب و ق و محل و
 ملین و سهل و صفاخ
 و هندی و سطر سیاه
 رسیده و عسل و
 فلو و و پوشتش و
 براق و رقیق باشد
 و وقت استعمال از
 قلم پیر و ن آرنده
 و پنجه و ق و
 پانزده و درم و
 روغن با و ام و
 مصطکی و انیسون و
 عناب یا آب و تر و
 ال و تخمین و سه
 وزن آن و پوزی و
 دانه و اندکی ترید
 تمینق الواو الهمزه
 خیار ف بکسر اول
 با ثانی و الف و راء
 و همزه با و رنگ و
 کیمیا و طب و
 تمینق النون غیر
 ف بکسر اول و سکون
 ثانی مجهول و ضم
 زاء و همزه و الف و
 نون و همزه و
 طح و مع ی و ق
 مفتت حصاة ش و
 و درم و خافشل و
 نج غلیق تمینق
 الواو خیار کد و
 ف بکسر اول با
 ثانی و الف و کسر
 راء و همزه و فتح
 کاف و ضم و ال
 همزه و سکون و او
 و هند و دانه و
 تر و پوزب و خطمی
 و خیلوف بکسر اول
 با ثانی و ضم لام

مانند / بنظر / بایک / و بخت / از / سینه / از / بخت / مسطور

م غیر وضوح بکسر اول شمر ثانی عاقل بر تنیق المله خیار زده بکسر اول ثانی الف
فتح را و جمع و خفا را و کله ای طاب و تنیق التختانی غیر لان بکسر اول ثانی مجهول فتح را
بار و المله و کسر فتح و جوده لام و کسر اول المله و سکون تختانی ثانی ف و جوده ای خیری و کسر
اول و سکون ثانی و کسر اول المله نام کلی است و در آنکه میان آن سیاه باشد و آنرا همیشه
نیز گویند تر قیمة الدال الممهله و تنسيق الالف و تنیق الدال الممهله
و ا و بدل المله و الف و فتح را و المله و سکون دال مهله ثانی و اسکند و تنیق الالف
المهله و کسیر و بعضی موحده و سکون را و المله غیبت بهر رنگ که متفق
درختان را سوراخ کند و آنرا بشیرازی نمک و بگیلانی دار کوب گویند و دستخار
ف و سکون شین مجهله یا جاره و الف و خبث الحدید و آغ سرف و سکون شین
و فتح سین مهله جانوریست که در میان سران جند پرتو باشد و مانع بگیل و جل و سر
و خوش آواز بود و تنیق الزاء المجهله و الپوزف و سکون لام و ضم موحده فارسی
و و او مجهول و زاء و جرمه م فرست و ک تنیق السین الممهله اسف و سکون
سین مهله م سلاب و تخوان ماهی تنیق الصاد الممهله و ا و ص و ض و ز و ح و
بکسر اول مهله و فتح صاد مهله و ضم سین مهله و سکون و او و صاد مهله ثانی و لغت اول و
فتح میم و سکون نون و ضم صاد مهله و سکون و او و لغت ثانی م و ا و پی تنیق
الکاف و ا و یک بکسر اول مهله و فتح میم و سکون کاف م نوعی از م و تنیق اللام
و ا و فلفل بکسر اول مهله و ف و سکون لام و کسر اول ثانی و سکون لام ثانی فی فلفل و ا
و پیل طحی ۳ ق ماطف منقشی رخ سبزی که بطعم فلفل بودش نیز در ص
صنخ عربی یا صندل و گلاب زنجبیل یا زرنما و یا فلفل و ا و زغال و کسر اول
مهله یا نون و با و الف و درخت القم و درختال و سکون شین مجهله یا جاره و الف و لام
ع خبث الحدید و اول لفتح و ا و ف و ر و غن کتان تنیق المیم و ا و م و ففتح را و مهله

علم فی انش
 یا معنی از
 سبیل الطیب
 است اند
 خال کو
 گیند گوست
 در یک در
 شکست
 در دو در
 میل در
 ۱۲۳
 وزن آن سبیل
 یک سبیل
 کو سبیل
 آن مفلح
 است قف
 الضیاعین
 رواش
 سبیل

سکون هم ف اما تمینق النون و النون کالفتح فوقانی و سکون و او و نون و
 پنج خط السلاطین م جمال گوشه کی جزو دایر بر نیان و یکسر او ممل و فتح موصده فار
 و سکون را ممله ثانی و کسرون با تختانی و الف ف چوب بقم و ایشیشان کسیر
 را و ممله شین و کسرون تختانی و فتح شین معجمه ثانی عین ممله و الف ثانی که کمال
 طح ای ۲۰ ق قاضی خ گران سرخی مائل خوشبو سطرندک تلخ شش یکدرم دو و
 ص دو تو یار ازین ل اسارون یا نقره الطرفا یا چهار دانگ وزن آن زرا و نذر
 نیموزن آن درونج یار ایکست سعد دارقن یکسر او ممله و فتح قاف و شفتا تمینق
 الحاء و ایریزه و فتح موصده فارسی سکون را و ممله و فتح زاو معجمه و نفسا را م
 فرشته رک و ادرکیسه یکسر او ممله و کاف و سکون تختانی و فتح سین ممله م بسبب
 و گویند طاکیسفر و الکه و الفتح کاف و انهار باع عنب و انگور و البوزه و
 بسکون لام و ضم موصده فارسی و او مجهول و فتح زاو معجمه فرشته رک تمینق
 التختانی و اوروی یکسر ال ممله ثانی و تختانی و ضم را و ممله و سکون و او و کسرون
 سکون تختانی ثانی م هو فاریقون و اریوی و بسکون را و ممله و ضم موصده
 و او مجهول ع عود و اریوی ع یکسر او ممله و صا و ممله و سکون تختانی و کسرون
 و ال چینی طح ی ۳۰ گویند ق ططف مفتوح مد و قوی ل و کبد و مده و مبیخ
 سیلانی خوشبو مرغ نیز طعم شیرینی آئینش یکدرم ص اسارون ل پوست سیلانی و
 کبابه یا ابل یا زرب یا خولجان تمینق الباء الموحده و تمینق کالاف و باع ضم
 اول با موصده مشد و الف و کد و تمینق الموحده و باب بضم اول یا ثانی و الف
 و موصده ثانی م سبل سبتر تمینق الواو الممله و یو و الفتح اول و ضم ثانی و سکون او
 با و ال ممله ثانی و الف و را و ممله م تمینق السین الممله و لبس ع یکسر اول
 و سکون ثانی و سین ممله و و شایب خرمائی طح رخ بصری آتش ندریده که

سکون هم ف اما تمینق النون و النون کالفتح فوقانی و سکون و او و نون و
 پنج خط السلاطین م جمال گوشه کی جزو دایر بر نیان و یکسر او ممل و فتح موصده فار
 و سکون را ممله ثانی و کسرون با تختانی و الف ف چوب بقم و ایشیشان کسیر
 را و ممله شین و کسرون تختانی و فتح شین معجمه ثانی عین ممله و الف ثانی که کمال
 طح ای ۲۰ ق قاضی خ گران سرخی مائل خوشبو سطرندک تلخ شش یکدرم دو و
 ص دو تو یار ازین ل اسارون یا نقره الطرفا یا چهار دانگ وزن آن زرا و نذر
 نیموزن آن درونج یار ایکست سعد دارقن یکسر او ممله و فتح قاف و شفتا تمینق
 الحاء و ایریزه و فتح موصده فارسی سکون را و ممله و فتح زاو معجمه و نفسا را م
 فرشته رک و ادرکیسه یکسر او ممله و کاف و سکون تختانی و فتح سین ممله م بسبب
 و گویند طاکیسفر و الکه و الفتح کاف و انهار باع عنب و انگور و البوزه و
 بسکون لام و ضم موصده فارسی و او مجهول و فتح زاو معجمه فرشته رک تمینق
 التختانی و اوروی یکسر ال ممله ثانی و تختانی و ضم را و ممله و سکون و او و کسرون
 سکون تختانی ثانی م هو فاریقون و اریوی و بسکون را و ممله و ضم موصده
 و او مجهول ع عود و اریوی ع یکسر او ممله و صا و ممله و سکون تختانی و کسرون
 و ال چینی طح ی ۳۰ گویند ق ططف مفتوح مد و قوی ل و کبد و مده و مبیخ
 سیلانی خوشبو مرغ نیز طعم شیرینی آئینش یکدرم ص اسارون ل پوست سیلانی و
 کبابه یا ابل یا زرب یا خولجان تمینق الباء الموحده و تمینق کالاف و باع ضم
 اول با موصده مشد و الف و کد و تمینق الموحده و باب بضم اول یا ثانی و الف
 و موصده ثانی م سبل سبتر تمینق الواو الممله و یو و الفتح اول و ضم ثانی و سکون او
 با و ال ممله ثانی و الف و را و ممله م تمینق السین الممله و لبس ع یکسر اول
 و سکون ثانی و سین ممله و و شایب خرمائی طح رخ بصری آتش ندریده که

سکون هم ف اما تمینق النون و النون کالفتح فوقانی و سکون و او و نون و
 پنج خط السلاطین م جمال گوشه کی جزو دایر بر نیان و یکسر او ممل و فتح موصده فار
 و سکون را ممله ثانی و کسرون با تختانی و الف ف چوب بقم و ایشیشان کسیر
 را و ممله شین و کسرون تختانی و فتح شین معجمه ثانی عین ممله و الف ثانی که کمال
 طح ای ۲۰ ق قاضی خ گران سرخی مائل خوشبو سطرندک تلخ شش یکدرم دو و
 ص دو تو یار ازین ل اسارون یا نقره الطرفا یا چهار دانگ وزن آن زرا و نذر
 نیموزن آن درونج یار ایکست سعد دارقن یکسر او ممله و فتح قاف و شفتا تمینق
 الحاء و ایریزه و فتح موصده فارسی سکون را و ممله و فتح زاو معجمه و نفسا را م
 فرشته رک و ادرکیسه یکسر او ممله و کاف و سکون تختانی و فتح سین ممله م بسبب
 و گویند طاکیسفر و الکه و الفتح کاف و انهار باع عنب و انگور و البوزه و
 بسکون لام و ضم موصده فارسی و او مجهول و فتح زاو معجمه فرشته رک تمینق
 التختانی و اوروی یکسر ال ممله ثانی و تختانی و ضم را و ممله و سکون و او و کسرون
 سکون تختانی ثانی م هو فاریقون و اریوی و بسکون را و ممله و ضم موصده
 و او مجهول ع عود و اریوی ع یکسر او ممله و صا و ممله و سکون تختانی و کسرون
 و ال چینی طح ی ۳۰ گویند ق ططف مفتوح مد و قوی ل و کبد و مده و مبیخ
 سیلانی خوشبو مرغ نیز طعم شیرینی آئینش یکدرم ص اسارون ل پوست سیلانی و
 کبابه یا ابل یا زرب یا خولجان تمینق الباء الموحده و تمینق کالاف و باع ضم
 اول با موصده مشد و الف و کد و تمینق الموحده و باب بضم اول یا ثانی و الف
 و موصده ثانی م سبل سبتر تمینق الواو الممله و یو و الفتح اول و ضم ثانی و سکون او
 با و ال ممله ثانی و الف و را و ممله م تمینق السین الممله و لبس ع یکسر اول
 و سکون ثانی و سین ممله و و شایب خرمائی طح رخ بصری آتش ندریده که

به نیت سحر
سایده زن
سفوف خسته
و شب سوم
دوهم مرد
بادی بخت
کرد آستن
شد اما شرط
آنکه بعد از
۱۳۴

تجربان
فی الجبل
فمنع من خلفه
بدر ابر
تحت
غسل جفت
طاهر است

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

و امثال ان تمینق الهاء و ده ف بفتح هـ و دال ممله و خفاء یا بمعنی و دند لور
تنسیق الراء الممهله و تمینق الالف درخت ریشاف بفتح اول ثانی و سکون
خا و جم و کسر فوقانی و دراء مهله ثانی و تحتانی مجهول یا شین مجرمة الف و درخت بر
درختک و انا ف بفتح اول و ثانی و سکون خا و جم و ففتح فوقانی و کسر کاف و ال
مهله ثانی بابون و الف و رخی ست که بهر جانب که آفتاب بگردد برگهای آن
رو بجانب آفتاب کنند و گویند درخت و قواق و سورج که می تمینق الموحده و
در و اب بفتح اول سکون ثانی بادل مهله ثانی و الف و موحده و سشنویه
و کسر فوقانی و در مهزه و سکون قافا فوقانی ثانی و الف و موحده ساکنه و فتح حمزه
فارسی و دراء مهله ثانی و سکون سین مهله و فوقانی ثالثه و الهل تمینق الجیم
در ارجع بضم اول و ثانی مشدده بالالف و جیم و تراج و تیت ط مع ف گو
و تعوی و ماغ و اراش بفتح اول و ثانی و الف و فتح شین مجرمة نوعی از لبلاب
در تخ و بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی و در ارج تمینق الخا
المعجمه و ارا ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر و و سکون تحتانی و خا و جم و ف جوب
تمینق الراء الممهله و در و ارف بفتح اول و سکون ثانی بادل مهله ثانی و الف و دراء مهله
ثانی و درخت پسته و سیمید ارط و ورق او بی ۲ ف قابض مجلی و روی
بضم اول و سکون ثانی و کسر ال مهله ثانی و ضم تحتانی مشدده و سکون لام و
و فتح خا و جم و سکون میم و دراء مهله ثانی و دردی شراب طحی خ از شراب
کس و در و بطا بفتح اول و ضم ثانی و سکون و و و فتح سوحده با طاء مهله و الف و
توت سکل تمینق السین الملهله و افس شتامی بفتح اول ثانی و الف و کسر
و سکون سین مهله و شفتا و تمینق الشین المعجمه و در ش ف بفتح اول و ثانی

بقول: فهاجیه سلمت منکم ویرقان دردی بن بلغم ریاد و خون و فاساد و دافع

و سکون سین مجمره نوعی از خیال که آنرا کلونده و درستی نیز گویند تمینق العین
المهمله در جمع بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون عین جمله ف
شاخل که از هر تمینق الفاء و خف و بضم اول و سکون ثانی و ضم خا و مجمره
ضم زبوسیه تمینق اللام و راز و نبال بفتح اول و ثانی و الف و راز و مجمره ضم
وال جمله و سکون نون با موحده و الف ثانی و لام ف گا و و گا و میش در وی اول
بضم اول و سکون راز و مهمله و کسر ال مهمله ثانی و ضم تحتانی مشدد و سکون لام
و فتح خا و مجمره و در وی سرکه طح ی ق مخفف مخ کنه صی و غن کل ل
شب با سرکه یا شراب تمینق المیم و راز و ف بفتح اول و ثانی و الف و راز و مجمره
و ضم و ال مهمله ثانی و سکون میم ف م سگ که کته تمینق النون و تحت گچکان
ف بفتح اول و ثانی و سکون خا و مجمره و کسر فوقانی و ضم کاف فارسی و سکون
لام و فتح جیم فارسی با کاف الف و نون که در تحت هوا و رن بفتح اول و ثانی و سکون
م زبوا چونک تمینق الفاء و تحت سینه و بضم سین مهمله و سکون نون و
فتح موحده و خفا و با جانور نیست که در تحت با سواخ کند و سبز رنگ باشد م
سبز که کفناس در ده ف بضم اول و سکون ثانی و فتح و ال مهمله ثانی که در
شراب و آب و روغن و اشغال آن در کاله و در کاله ف بفتح اول و سکون
ثانی با کاف فارسی و الف و فتح لام و لغت اول و ضم کاف فارسی با لام و الف
و فتح لام ثانی و لغت ثانی میخ و در نه ف بفتح اول و ثانی و سکون میم و فتح نون
و خفا و با جهری اخوان و زونه ف بفتح اول و ضم ثانی و و او مجهول و فتح نون
کیا بی هست که شبیه بگردد باشد م در و خ عقبری در ده ف بفتح اول و ثانی مشدد
و تخفف و م شکینه تمینق التحتانی و رنج عقربی غ بفتح اول و ضم ثانی و سکون
و او فتح نون و سکون جیم و فتح عین مهمله و سکون قاف و فتح زبوا که کسر موحده

عقوبی در او اند
طویل است
و از قول مناج
ضبط است
میان هجاء
خیار شهنشروم
قیام انعام
نظم است
و گفته شد
عقید مد گوشت

12

2

4

100



20

10

10

57



3

وقد ثبت مولد کثیر در سراسر این در نزد بزرگواران و قضا و قدر و این

ع بضم اول با ثانی مشدود الف عین مملو ف هندی وانه تمینق الکاف فک
ف بفتح اول و ثانی ویم سکون کاف م پنیتر و لیک بفتح اول و کسری ثانی سکون
تحتانی ف تکرار چون گل بریزد آن ثم حاصل شود تمینق الکاف الفارسی لیک
ف بفتح اول ثانی و سکون نون و کاف فارسی م غلاف خوشه خرمای تمینق اللام
و لدال بفتح اول سکون ثانی با و ال مملو ثانی و الف و لام ف خالشت ه س
تمینق النون و الفین بضم اول ففتح ثانی و کسره و سکون تحتانی و نون ف مایه
بزرگ سیاه رنگ که برش بچوک مانع خنجر بر الحرف خوک ای تمینق الهام و
ف بفتح اول و ثانی ویم و خفاء م پنیتر و کاف بفتح اول ثانی م گره و صحرای
و بکسر اول م دل تمینق المیم و تمینق الجیم و م الدجاج ع بفتح اول ویم
سیم مشدود و ال مملو مشدود ثانی با جیم و الف و جیم ثانی ف خون ماکیان خ ماخوذ
از طایر سلیتمینق السین المملو و م التیس ع بفتح اول ویم میم مشدود و کسره ثانی
مشدود و سکون تحتانی و سین مملو ف خون بزرگویی خ ماخوذ از بزرگویی چهار ساله
در وقتیکه انگور رنگ گیر و حلقش بر بند خون اول و آخر بگیرند و آنچه متوسط باشد
بستانند و در یک سنگین کنند تا سر شود پس ترها ساخته خشک سازند و آب
محافظت نمایند و در جای تناک نهند تمینق العین المصله و م الضفیع ع
بفتح اول و ثانی مشدود و فتح ضا و معجم مشدود و سکون فا و فتح دال مملو ثانی سکون
عین مملو ف خون غوک ع ارضفیع زرو و سبتر تمینق العین المعجمه و مانع ع
بکسر اول با ثانی و الف عین معجمه ف مغر سره بهیجا ط ب دق ملین معجمه
و مانع و مبی خصه صا مغر سره مانع کج شک و بره بسیار مبی ستخ ماخوذ از مرغهای کوی
و از سواشی مغر بره و گوساله ص پودنه و لفل و خول و وار چینی و سکره ل مغر ساق
تمینق القاف و مسق ع بکسر اول سکون ثانی و فتح سین مملو و سکون قاف

بکسر قاف
نوعی از کرات
ای کندیاد
بفتح اول و
ثانی بکسر
و آن ثم درخت
خار دارد است
اقایع عصاره
دست فروع

۱۵

بکسر اول
و مبی خصه
صا مغر سره
مانع کج شک
و بره بسیار
مبی ستخ
ماخوذ از مرغهای
کوی و از سواشی
مغر بره و گوساله
ص پودنه و لفل
و خول و وار چینی
و سکره ل مغر
ساق

بکسر اول با ثانی و الف عین معجمه ف مغر سره بهیجا ط ب دق ملین معجمه و مانع و مبی خصه صا مغر سره مانع کج شک و بره بسیار مبی ستخ ماخوذ از مرغهای کوی و از سواشی مغر بره و گوساله ص پودنه و لفل و خول و وار چینی و سکره ل مغر ساق تمینق القاف و مسق ع بکسر اول سکون ثانی و فتح سین مملو و سکون قاف

لہذا میں قویٰ ضعیف سمیت دعا الیٰ اعظمیٰ دیکھ کر ۱۳۴۲ھ

۱۲۔ حضرت ابو موسیٰ بن عبد بن عمرو بن ابی سفیان بن غنیمہ بن زید بن کلاب بن مرہ بن کعب بن لؤی بن غالب بن فہر بن مالک بن النضر بن کنانہ بن خزیمہ بن معدی کدہ بن عدنان بن آدم علیہ السلام

فصل اول در بیان احوال و سیرت حضرت علی علیه السلام

۱۵۱
 دوست و فرست
 که او را اسیر کردند
 و بیان آن نمودند
 قصص
 هر بنی که بیان
 او حق را قلم است
 او راست باشد
 و بیاریانی خوانند
 قصص الشجر
 بیاریانی
 میخوانند

[illegible]

[illegible]

سازمان

بفتح لام شد و سکون و اواف روغن بادام تل روغن سسته شفتالو تمینق
السین المله و دهن الخربس و فتح لوز شد و ثانی و سکون را و مهله و کسیر
و سکون سین مهله و روغن برگس و قوی و مرغ و روغن سین تمینق
المهله و دهن الخربس و سکون لام و کسیر خا و سحر و سکون را و مهله و فتح واد و سکون
عین مهله و روغن بیدار خیر و روغن بادام تل و روغن خشکدانه تمینق القاف
و دهن الزنبق بفتح ز و سحر و سکون نون و فتح موهده و روغن گل و زنج
ال روغن یاسمین یا روغن یوسن و دهن الخلق بفتح خا و سحر و ضم لام و روغن
و عفران تمینق الادم و دهن الکل و فتح حاو و مهله و روغن کنجد و روغن شیر
و تلون کاتیل و بیدار تل و طاح واد و دهن السعیر بفتح سین مهله و شد و واد و سکون
را و مهله و فتح جیم و روغن ابی و دهن التفاح و بدل و دهن قفاح و دهن بنو
باشد و دهن الفجل و بیدار و سکون جیم و روغن ترب و مولی کاتیل و طاح و
ال روغن بیت کس و دهن السابیل و نون شد و ثانی و الف و سکون را و مهله
و کسیر و سکون تختانی و روغن جوز هنری و روغن گردگان تمینق المسک
و دهن الخرق و سکون لام و ضم قاف و سکون را و مهله و ضم طار و مهله و روغن خشکدانه
و روغن الخیر تمینق النون و دهن الف بفتح اول و اطار ثانی و الف و کسیر و سکون
نون و دهن شهور و زیت و نیز نام یا سیاه و دهن البان و سکون لام و سحر
الف و روغن کائن و روغن بندق و دهن الباسان و سکون لام و فتح موهده
و لام ثانی و سین مهله و الف و روغن بلسان خ تازه قوی بوی و بوزن آن
و دهن داوی یا نیموزن و دهن نارچیل و دانگ نیموزن آن زیت کهن گویند که
ببلسان کوفته در روغن را زنی بچو شانند یا روغن گا و یک و دان مریخته بشنند
و در روغن زیت و ده و در روغن نارچیل یا نیموزن عصاره ترب یا هم مخلوط کرده

١٢

پیشانی

دفاع

پیشانی
درست درم

مجلس شورای اسلامی
۱۳۵۷

پارسی‌ها

19

10

100



13

5

1

نیم از یک کلمه که در این کتاب است

سجده شامند تا بر وزن آید و در ظرف آید بگیند نگاه دارند و گویند که زیر هر کس نیست نشسته
 نزد یک تشکافش شیشه آویند که در و بچکد طح ی آ گویند ۳ و همین السون بضم
 ممله مشدود و او مجهول بفتح سین ممله ثانی م ر و غن سکون ل ر و غن ف و غن ل و غن ل
 بفتح نون مشدود و سکون سین ممله و سکون ممله و سکون تحتانی م ر و غن نسیرین ل
 ر و غن باو ام و همین بضم اول و سکون ثانی ف ر و غن طح رق ملین خ تازه تنیق
 الها و هان ف بفتح اول و انما ثانی و الف و فتح نون و خا و با و بی الف نیز م ر و غن
 نو عیست سبزرنگ تلخ و از کان س حاصل شروع و هیچ و هین الاخره ف بیکون
 لام و فتح هه و سکون نون و کسیریم و فتح را و ممله ف ر و غن کز دل ر و غن خسکه انه
 تنیق التحتانی و ها کلمی بفتح اول و انما ثانی و الف و فوقانی و کسراف و سکون
 تحتانی م گل و با و ی و هین الخیری بکسر و مجهول و سکون تحتانی و کسراف ممله ف
 ر و غن خیری ل ر و غن حنا و هین السولی بکسر سین ممله مشدود با و او و الف و کسراف
 ف ر و غن کتان و هین السولی بفتح سین ممله و سکون لام م او با و تنیق التحتانی
 و تنیق الالف و یا قوه ایونانی بفتح اول و کسراف و تحتانی و الف و ضم قاف
 و سکون و او با و ال ممله و الف ثانی ف شراب شخاش که با پوست بنزد و یو یا
 ف بکسر اول و ثانی مجهول و او با و حده فارسی ع عنکبوت و گیاهی است که بعلی
 آنرا چند قوتی خوانند تنیق الفوقانی و یو سیست بکسر اول و ثانی مجهول و او
 مجهول و کسیریم و سکون سین ممله کسیریم و حده فارسی سکون سین ممله ثانی و فوقانی
 م چند قوتی تنیق الراء الممله و دینار بکسر اول و سکون ثانی با نون و الف و او
 ممله م تخم کشوث و یو و ا بکسر اول و تحتانی مجهول و او مجهول با و ال ممله ثانی و
 الف و بیدار است و آن منور بر نهی است ف درخت مانو و خنده طح ی
 تنیق السین الممله و یفر و حبس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و را و ممله

بکسر اول و ثانی مجهول و او با و حده فارسی ع عنکبوت و گیاهی است که بعلی آنرا چند قوتی خوانند تنیق الفوقانی و یو سیست بکسر اول و ثانی مجهول و او مجهول با و ال ممله ثانی و الف و بیدار است و آن منور بر نهی است ف درخت مانو و خنده طح ی تنیق السین الممله و یفر و حبس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و را و ممله

۱۵۵
 بکسر اول و ثانی مجهول و او با و حده فارسی ع عنکبوت و گیاهی است که بعلی آنرا چند قوتی خوانند تنیق الفوقانی و یو سیست بکسر اول و ثانی مجهول و او مجهول با و ال ممله ثانی و الف و بیدار است و آن منور بر نهی است ف درخت مانو و خنده طح ی تنیق السین الممله و یفر و حبس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و را و ممله

در این کتاب است

شماره کتاب ۱۵۵
 سال ۱۲۰۰
 در این کتاب است

بعضی از اینها را که در بعضی کتب آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است

و کسر موحده و سکون موحده ثانی و زحمت بر تنسيق و تميق الموحده ذر با س ع
 بعضی از اینها را که در بعضی کتب آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است
 اللام ذر با ل ع بعضی اول با ثانی و الف و لام ف کاسه پشت و سنگ پشت تنسيق
 الواو الممهله و تميق الفوقانی ذر ت ع بعضی اول ف ت زو ماله شده و سکون ثانی
 لا غلبه جوی ط ب ی تميق الجدید ذر ا ی ج ع بفتح اول ثانی و الف و کسر اول و
 ثانی و سکون تحتانی و حیوانی ست از کس بزرگتر بقدر زینور سرخ لیکن باریکتر و
 نقطه سیاه بر آن آن هم قاتل ست که بندلی ط ح ی خ ذهی نگ ف مفسر ع
 نشی یک طسوج ص شیر تاره و روغن بادام و جلاب طلعین مفتوم و باید که آنها را در کوزه
 کنند و سر کوزه به گشته کتان بسته سرگون بر بخار سر که جوشان گذارند تا خنوق
 بگیرند طلیثوث یا گرم سبز که در زحمت صنوبر می باشد تميق الفا ذرق الحظاف
 بفتح اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح فاعر حمه و طاء و محله و الف و کسر طاء
 محله ثانی و سکون تحتانی و قاف سگین سیتوک تميق القاف ذر ق بفتح الی
 و ثانی م جند قوق و نیز اطلاق می کنند بر لیشکل و سگین تميق القاف ذر قانی
 ع بفتح اول ثانی و الف و کسر نون ف ناک سفید تمسيق الفاء و تميق الواو
 الممهله ذر ف ک بفتح کسر اول و سکون فا و فتح کاف تخم کرفس کوی تميق القاف
 ذر ف رومی یکسر اول و سکون ثانی و کسر و محله م نوعی از سداب بری ست تمسيق
 اللام و تميق الواو ذر لو بضم اول و لام و سکون واو و چونک تمسيق النون
 و تميق الواو الممهله ذر نیا الفاعر بفتح اول و نون و ضم موحده و سکون لام
 با فا و الف ف بازنگ تميق اللام ذر نیا خیل ع بسکون لام و فتح فاعر حمه
 سکون تحتانی و لام م لویه التیس تمسيق الواو و تميق الفوقانی ذر ناک
 حبات ع بضم اول و سکون واو و فتح مثله و لام الف و مثله ثانی و فتح حار محله

بعضی از اینها را که در بعضی کتب آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است
 بعضی از اینها را که در بعضی کتب آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است
 بعضی از اینها را که در بعضی کتب آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است
 بعضی از اینها را که در بعضی کتب آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است

بعضی از اینها را که در بعضی کتب آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است

فاندر بعضی از اینها را که در بعضی کتب آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است و بعضی را که در بعضی کتب دیگر آمده است

در تمام این موارد

در سوم و پنجم
اورا در دود
مردمشک
گفته اند کتیرا
بنیان هند
قطعه ای از سی
کشور را در وقت
گویند که فرست
کتان را بفرست

۱۵۸

نظایر این
و منتهی
از این شهر
بسیار است
که در آنجا
است

—



10

51

12

1



24

Gr...



100

و در وقت که بکبریا نشسته
با قدرتی که با او نیست

از او ندر جرج و بوزن وی ورق گل سرخ سنبل و بعضی گویند رشک و بلبل شیر زعفران
 تنیق الزاء المجر را از ف بسکون را از جیم خاریشت را از و بکسر او و سکون
 تختانی م درخت اشتراک تنیق السین المجر را از ع بفتح اول و بفر ساکنه ف
 سری موثر تنیق الفاء را از ف بلسانه تنیق الکاف را از ک بفتح میم
 سکون کاف م هر کبی است از باز و پو است انار و زاج سیاه و صمغ و دوشابا بل
 و گویند از باز و پو است انار و زبیب و در و دوا پینی طب ی گویند ج ق قاقین
 خ انچه سرخی زندش نیم منقال ص ل ال قاقیا یا سوا القضا یا جلنار یا آله او
 ف بفتح و او و سکون کاف م شراب صاف ج را از ق تنیق الکاف الفارسی را از ک
 و بخار و نون ف از زیر تنیق اللام رال ه م قی تنیق المیم را از با ف م بسکون
 را از جیم یا تختانی و الف و میم م را از یانه تنیق النون را از ن بکسر ال مملو ف زعفران
 را از س ف بفتح سین مملو م زنجیل شلی و گویند فیلا کش و را سنا طح ی گویند
 مرق مقطع لطف مفرج سبز تازه مش یک منقال ص مملو حاما یا سکره خیس
 ال پر سیا و ج را از ف درخت انگوزه را یسین ه بکسر تختانی و سین مملو م نام درخت
 هندی نیست تنیق الو او را بوف بضم موحده نام کلی است را صوف بضم سین مملو
 م موش خرباع ابو عرس ه نیولا تنیق الهاء را از ف بفتح و خفا و با م گیا ای بود
 مانند سیر که آنرا بریان کرده بخورند را و ج ف بسکون و او و فتح جیم فارسی م نوعی
 از انگور را و سه بسکون و او و فتح سین مملو م اشتراک را و ماره ف بسکون و او
 با میم و الف و فتح و ال مملو م انگوزه ح طلیت تنیق التختانی را و بوی ف بسکون
 و ال مملو و ضم موحده و او و مجهول و تختانی مجهول ج عود را از ق بکسر او و جوف
 گل تنیق را از یانج شامی روی بسکون را از جیم یا تختانی و الف و فتح نون و کسر جیم
 باشین جیم و الف و کسر میم و سکون تختانی و فتح و او و ضم را و مملو ثانی و سکون و او و ثا

مستوفی
و مستوفی
و مستوفی
و مستوفی

گرم است در
درجه اول و ثانی
حدود درج
که هر زعفران
را گویند
گفته اند که او
ست از انواع
نبات بنیره
ماند و بنفوی
اورا ساگو

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

کف کل
نان مشهور
گلزار
گل آناه گفتند
اصل گلشنی
کدو آفتاب
ترتیب یافته
باشد آفرین
گلوی اندر
کنج گوشتش

چهارم پنجم ششم هفتم هشتم نهم دهم یازدهم

تینیق النون ر قون ع بفتح اول وضم ثانی و سکون او و نون م حنا تینیق الی
 ر قعه بضم اول و سکون ثانی و فتح عین ممله م اسم مخفی است سرخ رنگ هر دو را
 که بیکر کنند آنرا ر قعه خوانند مثل انجبار و ثنبویه و خاما و اقطی تینیق الکاف
 و تینیق الموحدة الفارسی رکت هسپه بفتح اول و کاف و سکون فوقانی
 وضم موحده فارسی و انظار بار و سکون موحده فارسی ثانی و خمر زهر و سرخ م
 لال کثیر تینیق الی کاسه ف بضم اول و فتح ثانی و الف و فتح سین ممله و مجرم
 خاریت تینیق المیه و تینیق الدال الممله رابع بفتح اول و یحکم
 و فاکستره که طح ی ق بجفت خ خاکستر بلوطش نیم در ص جلاب
 و روغن گل تینیق الی راء المله رمان البرج بضم اول و فتح ثانی مشد و الف
 وضم نون و سکون لام و فتح موحده و را و ممله مشد و رشتی است که بد رخت انا
 ماند که بکتر از و حب فلفل و انه لیست فاش بنج او مست تینیق السین الممله
 ریاس ف بفتح اول و ثانی و الف م مصطلک تینیق الضاد المجهه رمان محض
 ع بضم اول و ثانی مشد و الف و سکون با ح و ممله و الف ثانی و کسر سیم ثانی
 و سکون ضاد و مجوف الی ترش طب ی گویند مع ری خ بزرگش دهاقه
 از شراب اوص رمان حلویاز بنجیل مریا یا حلوا علی سل یا قندیل محصر تینیق اللام
 رمان السعال ع بضم سین ممله مشد و یعین ممله و الف م خشناش رمل ع
 بفتح اول و سکون ثانی و ف رگ ی ای که ریت تینیق المیه و م بکسر اول و ف
 مغر و خاک تینیق الوا و رمان حلوی بضم ط و ممله و الف انار شیرین طب را گویند
 مع ح ق مقوی تلخ رسیده الی سی ش در و قی از شراب اوص رمان محض
 با او یا بیداز و تینیق النون و تینیق الالف رگیناف بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی با نون ثانی و الف م شفتک تینیق الدال الممله

تینیق النون
 ر قون ع
 بفتح اول
 و سکون ثانی
 و فتح عین
 ممله م
 اسم مخفی
 است
 سرخ رنگ
 هر دو را
 که بیکر
 کنند
 آنرا
 ر قعه
 خوانند
 مثل
 انجبار
 و ثنبویه
 و خاما
 و اقطی
 تینیق الکاف
 و تینیق
 الموحدة
 الفارسی
 رکت
 هسپه
 بفتح اول
 و کاف
 و سکون
 فوقانی
 وضم
 موحده
 فارسی
 و انظار
 بار
 و سکون
 موحده
 فارسی
 ثانی
 و خمر
 زهر
 و سرخ
 م
 لال
 کثیر
 تینیق
 الی
 کاسه
 ف
 بضم اول
 و فتح
 ثانی
 و الف
 و فتح
 سین
 ممله
 و مجرم
 خاریت
 تینیق
 المیه
 و تینیق
 الدال
 الممله
 رابع
 بفتح اول
 و یحکم
 و فاکستره
 که
 طح
 ی
 ق
 بجفت
 خ
 خاکستر
 بلوطش
 نیم
 در
 ص
 جلاب
 و روغن
 گل
 تینیق
 الی
 راء
 المله
 رمان
 البرج
 بضم اول
 و فتح
 ثانی
 مشد
 و الف
 وضم
 نون
 و سکون
 لام
 و فتح
 موحده
 و را
 و ممله
 مشد
 و رشتی
 است
 که
 بد
 رخت
 انا
 ماند
 که
 بکتر
 از
 و حب
 فلفل
 و انه
 لیست
 فاش
 بنج
 او
 مست
 تینیق
 السین
 الممله
 ریاس
 ف
 بفتح اول
 و ثانی
 و الف
 م
 مصطلک
 تینیق
 الضاد
 المجهه
 رمان
 محض
 ع
 بضم اول
 و ثانی
 مشد
 و الف
 و سکون
 با ح
 و ممله
 و الف
 ثانی
 و کسر
 سیم
 ثانی
 و سکون
 ضاد
 و مجوف
 الی
 ترش
 طب
 ی
 گویند
 مع
 ری
 خ
 بزرگش
 دهاقه
 از شراب
 اوص
 رمان
 حلویاز
 بنجیل
 مریا
 یا
 حلوا
 علی
 سل
 یا
 قندیل
 محصر
 تینیق
 اللام
 رمان
 السعال
 ع
 بضم سین
 ممله
 مشد
 و یعین
 ممله
 و الف
 م
 خشناش
 رمل
 ع
 بفتح اول
 و سکون
 ثانی
 و ف
 رگ
 ی
 ای
 که
 ریت
 تینیق
 المیه
 و م
 بکسر اول
 و ف
 مغر
 و خاک
 تینیق
 الوا
 و رمان
 حلوی
 بضم ط
 و ممله
 و الف
 انار
 شیرین
 طب
 را
 گویند
 مع
 ح
 ق
 مقوی
 تلخ
 رسیده
 الی
 سی
 ش
 در
 و
 قی
 از
 شراب
 اوص
 رمان
 محض
 با او
 یا
 بیداز
 و
 تینیق
 النون
 و
 تینیق
 الالف
 رگیناف
 بفتح اول
 و سکون
 ثانی
 و کسر
 کاف
 فارسی
 و سکون
 تحتانی
 با نون
 ثانی
 و الف
 م
 شفتک
 تینیق
 الدال
 الممله

۱۶۳
 خوانند که
 و ملک
 و حای را
 گویند
 مصطلک
 در سر و
 خفا
 خفا
 ست
 و فاطر
 قوت
 گرداند
 و فی
 یا باز
 دارد
 گشت
 در

تینیق النون ر قون ع بفتح اول وضم ثانی و سکون او و نون م حنا تینیق الی

[illegible]

کند و
پایین الگویند
گرم و خشکت
درست درجه
کمیکمباری
حرف و الواو
گوید که کز جود تو
بزدلی گویند
کنان نمودج
کنکره گویند

۱۶۳

نیز خورشید
طبیعتش است
بر دست دراز دارد
که عروس
سوزنده عشق
چرخ برآورد
خاکستر

ثانی و فتح موحده ثانی و سکون کاف ع عنب الثعلب ر و د ک ف بضم اول
 ثانی مجهول و فتح دال موحده ثانی و سکون کاف ع عنب الثعلب ر و د ک ف بضم اول
 و شفت خوانند و از پوشتش پوستین سازند ر و شفت و بضم اول و ثانی
 مجهول و فتح شین موحده ثانی و سکون کاف ع عنب الثعلب ر و د ک ف بضم اول
 تمینق النون ر و بیان ع بضم اول و ثانی مجهول بکسر موحده با تحتانی و الف
 و نون م و اریان و بلخ و ریای که چند نگارین و بضم اول و ثانی مجهول با تحتانی
 مفتوحه و بجهت تمینق الواو ر و نجوف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم جیم و
 سکون و ا و ثانی ع ارض تمینق الهاء و و چه بضم اول و ثانی مجهول و فتح جیم
 و اظهار با ف نیله گ و و ر و س انگزده و بضم اول و سکون ثانی و سین م و
 فتح م و و سکون نون و ضم کاف فارسی و سکون زار و موحده و فتح دال مطلق
 عنب الثعلب چه ر و س و و باه و انگزده و ا و انگور و وین بجهت بضم اول و ثانی
 مجهول و فتح تحتانی و کسوف و موحده فارسی و سکون تحتانی ثانی و کسوف جیم فارسی
 و سکون تحتانی ثالث و فتح کل موحده ناگیس تمینق التحتانی ر و باه ترکی با اظهار
 و ضم فوقانی و سکون ر و م و کسوف م و خاریشت ر و ی و بضم اول و سکون
 ثانی ع صفه کالسی تمینق الهاء و تمینق الواو الموحده بجم الفار بفتح اول و
 سکون ثانی و ضم جیم و سکون لام با ف و الف م سم الفار ف مرگ موش
 ه سنکسیا تمینق التحتانی ر و شعی ع بفتح اول و سکون ثانی و کسوف جیم
 آ و ده که از کنج سازند طح و تمینق الیاء التحتانی و تمینق الالف ریثاه
 بکسر اول و سکون تحتانی و فتح فوقانی هندی و اظهار با ع بندوق هندی
 بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون با کاف و الف و ضم خیم بکشت تمینق
 الفوقانی بکسر یونانی بکسر اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون سین م و

میرزا حسن خان
ابراہیم خان
اسلم خان
سلطان خان
میرزا حسن خان
میرزا حسن خان
میرزا حسن خان
میرزا حسن خان

140

بسم الله الرحمن الرحيم

✓

کتابخانه

کتابخانه

بود و بود

١٠٠

م

بدرماد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

چندین بیت از کماله

و بهائی بھول و اظہار با خاک مشورتیمیق التختانی رسیف بکسل اول و ثانی
 و کسین مملہ و سکون تختانی م نوعی از انگو رست تدقیقہ انواع المعجمہ
 و تنسیق الالف و تمیق الجیدہ زاج ع نبر او معجمہ الف و جیم و زاک
 بہشگری و آن انواع باشد سفید و اشب و قلقد لیس و سنج و سوری و سبز
 قلقد و زرد و زرافلطار و سبز زاک سیاه نیز نامند و بہ ہندی کیس خوبند
 و زاک زرد و رہندی کسیر سیس زاک ملک و زاک ترکی را نیز ہندی کیسینند
 طحی ۳ ق قابض حرق مفتح مصری براق زرد و زیندہ و پاک و نوص شیر
 مانہ زنان و سکہ باشکرل شہار زاج ف بکسر او مملہ زرشک تمیق الجیدہ
 الفارسی زاج ف بکشین معجمہ سکون جیم فارسی م زاج تمیق القاف اوق
 بضم ہمزہ و سکون و اوق سیما تمیق اللام زاخل بکسر فار معرف و خت
 ز قوم گویندہ و خت آگ ز زال ف بہر و ز او معجمہ بہر و الف م مرغی سیاہ
 پای کوتاہ کہ بر زمین نشیند نتواند برخواست و بصریوک اند تمیق الجاء زاف
 ف بفتح اول و الف و فتح فا و خفا ہام خارشیت تنسیق و تمیق الوحده
 زبل الذئب ع بفتح اول موحده و ضم لام و کسر ال معجمہ مشدودہ و سکون تختانی
 و موحده ثانی ف سرگین گرگ خ کہ از بالایی خارج گیرند و سفید و در دستخوان
 و موی یا بند و از زبل سگ کہ از استخوان خورده باشد زبل کلب بیدع
 بفتح اول و کشتانی و سکون تختانی ف موزیم شمشط گوشت اوج را و دانا و
 بی ۲ ق ملین مفتح ش رہ در ص خیا و الیک بنر یا خسل عتاب یا موزیم
 منقی تمیق الدال المملہ زبایدع بفتح اول و ثانی و الف ف تراوش خصیہ
 سستی جانور نیست گر با سہ زباب و سیدہ و شاخ طح ۳ مع ری خ قدری
 از و ہر سر جوالہ مذی کردہ قیرن آتش از اندا گردان نشود و جید رست آتش

بہشگری و آن انواع باشد سفید و اشب و قلقد لیس و سنج و سوری و سبز قلقد و زرد و زرافلطار و سبز زاک سیاه نیز نامند و بہ ہندی کیس خوبند و زاک زرد و رہندی کسیر سیس زاک ملک و زاک ترکی را نیز ہندی کیسینند طحی ۳ ق قابض حرق مفتح مصری براق زرد و زیندہ و پاک و نوص شیر مانہ زنان و سکہ باشکرل شہار زاج ف بکسر او مملہ زرشک تمیق الجیدہ الفارسی زاج ف بکشین معجمہ سکون جیم فارسی م زاج تمیق القاف اوق بضم ہمزہ و سکون و اوق سیما تمیق اللام زاخل بکسر فار معرف و خت ز قوم گویندہ و خت آگ ز زال ف بہر و ز او معجمہ بہر و الف م مرغی سیاہ پای کوتاہ کہ بر زمین نشیند نتواند برخواست و بصریوک اند تمیق الجاء زاف ف بفتح اول و الف و فتح فا و خفا ہام خارشیت تنسیق و تمیق الوحده زبل الذئب ع بفتح اول موحده و ضم لام و کسر ال معجمہ مشدودہ و سکون تختانی و موحده ثانی ف سرگین گرگ خ کہ از بالایی خارج گیرند و سفید و در دستخوان و موی یا بند و از زبل سگ کہ از استخوان خورده باشد زبل کلب بیدع بفتح اول و کشتانی و سکون تختانی ف موزیم شمشط گوشت اوج را و دانا و بی ۲ ق ملین مفتح ش رہ در ص خیا و الیک بنر یا خسل عتاب یا موزیم منقی تمیق الدال المملہ زبایدع بفتح اول و ثانی و الف ف تراوش خصیہ سستی جانور نیست گر با سہ زباب و سیدہ و شاخ طح ۳ مع ری خ قدری از و ہر سر جوالہ مذی کردہ قیرن آتش از اندا گردان نشود و جید رست آتش

بہشگری و آن انواع باشد سفید و اشب و قلقد لیس و سنج و سوری و سبز قلقد و زرد و زرافلطار و سبز زاک سیاه نیز نامند و بہ ہندی کیس خوبند و زاک زرد و رہندی کسیر سیس زاک ملک و زاک ترکی را نیز ہندی کیسینند طحی ۳ ق قابض حرق مفتح مصری براق زرد و زیندہ و پاک و نوص شیر مانہ زنان و سکہ باشکرل شہار زاج ف بکسر او مملہ زرشک تمیق الجیدہ الفارسی زاج ف بکشین معجمہ سکون جیم فارسی م زاج تمیق القاف اوق بضم ہمزہ و سکون و اوق سیما تمیق اللام زاخل بکسر فار معرف و خت ز قوم گویندہ و خت آگ ز زال ف بہر و ز او معجمہ بہر و الف م مرغی سیاہ پای کوتاہ کہ بر زمین نشیند نتواند برخواست و بصریوک اند تمیق الجاء زاف ف بفتح اول و الف و فتح فا و خفا ہام خارشیت تنسیق و تمیق الوحده زبل الذئب ع بفتح اول موحده و ضم لام و کسر ال معجمہ مشدودہ و سکون تختانی و موحده ثانی ف سرگین گرگ خ کہ از بالایی خارج گیرند و سفید و در دستخوان و موی یا بند و از زبل سگ کہ از استخوان خورده باشد زبل کلب بیدع بفتح اول و کشتانی و سکون تختانی ف موزیم شمشط گوشت اوج را و دانا و بی ۲ ق ملین مفتح ش رہ در ص خیا و الیک بنر یا خسل عتاب یا موزیم منقی تمیق الدال المملہ زبایدع بفتح اول و ثانی و الف ف تراوش خصیہ سستی جانور نیست گر با سہ زباب و سیدہ و شاخ طح ۳ مع ری خ قدری از و ہر سر جوالہ مذی کردہ قیرن آتش از اندا گردان نشود و جید رست آتش

پیشینه پاره عالم گرام باولنده دهر بنده دولت بیخیزد یاست انجمله کعبه

زید ع بفتح اول و ثانی و مسکه و شیرازی نمشک م مکس طرح راق منضج محلل
مرخی تازه ماخوذ از شیر میش من شکر یا ربوب حامض در وزن شسته زرب جبر
ع بفتح اول و ثانی و سکون راو جمله و فتح جیم هم همین نام سنگی است تمینق الوام
المهمله زید البحر ع بفتح اول و ثانی و ضم ال مهمله و سکون لام و فتح موحده و سکون
حار مهمله و راو مهمله ف کفدر یا ه سمند پیلین طح ای ۲ گویند که گویند دق مجلی
خ در وی زردی مائل بش یکد انگ تا دو دانگ من کیتراور وزن کدول
بحر القیشور یا بورق ارنی زید البحر ع بسکون لام و فتح موحده و کسر حار مهمله
و سکون تحتانی و پیزیست که گرد بر گردنی جمع میشود مانند یخ و میان بیتا
و گیاه پیدا کنند بحر السیوس بود شکل زید البحر است بسیار سوراخ زید البحر ع بفتح قاف
و میم هم بحر القمر زید القوار ع بسکون لام و فتح قاف و واو و الف و کسر راو مهمله
و سکون تحتانی و کف آئینه کاچ لون تمینق اللام زبل ع بکسر اول سکون
ثانی و گیرن لید طح دق معصن زبیب اهل ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی و ضم موحده ثانی و سکون لام و فتح جیم و موحده ثالث هم میخج تمینق الواو
زبان گاؤف بفتح اول و ثانی و الف و سکون باکاوت فارسی و الف و واو
مجمول هم گاو زبان تمینق الهاء زبان بهه و بفتح موحده ثانی و راو مهمله و خاو
هم بار تنگ زبوره و بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و فتح وال جماع کرات
هم گندان تسیق و تمینق الجیه زجاج ع بضم اول باجم و الف و جیم ثانی و
لمینه و شیشه کاچ طح ای ۲ گویند باق ملطف مجلی سفید شفاف صفا
نش نیرم نزج و بضم اول هم قراقروت تمینق اللام زبجمل بفتح اول سکون
نی و ضم میم و سکون واو و لام هم تخم کشوث تسیق الدال المهمله و تمینق
راء المهمله زروار ع بفتح اول و سکون دال مهمله باواو و الف و راو مهمله و جدار

طبع و رویداد
دفاعیت
مقوی اعضا
دفاع اخلاط
ثلثه و در مناف
برای آب و بیاض
و گرسه آن شیر
را بچمن آن
نوشند و سحر
و اخلاط ثلثه

142

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

ف ماه پر دین که نرسبی تفسیق الراء المهمله و تینق الالف زیر کسریانی

بفتح اول کسر او مهمله سکون تختانی بار اوله ثانی و الفع بقله الحما تینق
الموحده زر شبع بفتح اول سکون ثانی و فتح نون سکون موحده و
سور کسرتانی که برنی سینی طح ی ۲ ق ملطف مخ تازه خوشدوش بنیدرم
جلاب میگرم یا صندل و اریچی یا کباب یا مال یا قشتر تینق الفوقا
زیرین درخت است بفتح اول و کسرتانی شد و سکون تختانی و نون و فتح دال
و او مهمله ثانی و سکون خا و حجه فوقانی هر دخت اترج و گویند درختی است در
ولایت گازرون مشهور همین نام ص حسب الاسل تنطوریون باریک یا تخم
خیا زره یا حسب لاترچ یا نیموزن زعفران تینق الجیمیر زراج بفتح اول تا
والف م زر شک زرا و در هر ج بفتح اول و ثانی و الف و فتح و او و سکون نون
و کسرتان مهمله و ضم سیم و فتح دال مهمله ثانی و سکون حار و فتح را و مهمله ثانی نیم را و
طح ی ۲ گویند ۲ ق ملطف بفتح مقطع مخ فریز عرفانی شش کینقال تا در دم
ص عمل ایند باریس ل زر نباد و قسط دو و دانگ وزن آن بسیار نیموزن
ریوند و گویند یک نیموزن زر را وند طویل زر غنچ بفتح اول و سکون ثانی و ضم
معجم و سکون نون م طلیعینی کیا هیست بغایت بدو که ازین و سته ب
بیازند و برگش برگ سداب ماند طب در ناز گنج بفتح اول و سکون ثانی
و ضم کاف فارسی و سکون نون م زر غنچ زر شبع و بک اول ثانی و سکون نون ع
زریلر بفتح اول سکون ثانی و کسرتان سکون تختانی و لام م سائینق الجیمیر زراج
و سکون جیم فارسی م بک تینق الخاء المعجمه زر غنچ سرخ بفتح اول
و سکون ثانی و کسرتان و سکون تختانی و کسرتان و ضم سیم مهمله
و سکون او مهمله ثانی و خا و معجمه ثانی مینسل تینق الدال المهمله زر سوم

ف ماه پر دین که نرسبی تفسیق الراء المهمله و تینق الالف زیر کسریانی
بفتح اول کسر او مهمله سکون تختانی بار اوله ثانی و الفع بقله الحما تینق
الموحده زر شبع بفتح اول سکون ثانی و فتح نون سکون موحده و
سور کسرتانی که برنی سینی طح ی ۲ ق ملطف مخ تازه خوشدوش بنیدرم
جلاب میگرم یا صندل و اریچی یا کباب یا مال یا قشتر تینق الفوقا
زیرین درخت است بفتح اول و کسرتانی شد و سکون تختانی و نون و فتح دال
و او مهمله ثانی و سکون خا و حجه فوقانی هر دخت اترج و گویند درختی است در
ولایت گازرون مشهور همین نام ص حسب الاسل تنطوریون باریک یا تخم
خیا زره یا حسب لاترچ یا نیموزن زعفران تینق الجیمیر زراج بفتح اول تا
والف م زر شک زرا و در هر ج بفتح اول و ثانی و الف و فتح و او و سکون نون
و کسرتان مهمله و ضم سیم و فتح دال مهمله ثانی و سکون حار و فتح را و مهمله ثانی نیم را و
طح ی ۲ گویند ۲ ق ملطف بفتح مقطع مخ فریز عرفانی شش کینقال تا در دم
ص عمل ایند باریس ل زر نباد و قسط دو و دانگ وزن آن بسیار نیموزن
ریوند و گویند یک نیموزن زر را وند طویل زر غنچ بفتح اول و سکون ثانی و ضم
معجم و سکون نون م طلیعینی کیا هیست بغایت بدو که ازین و سته ب
بیازند و برگش برگ سداب ماند طب در ناز گنج بفتح اول و سکون ثانی
و ضم کاف فارسی و سکون نون م زر غنچ زر شبع و بک اول ثانی و سکون نون ع
زریلر بفتح اول سکون ثانی و کسرتان سکون تختانی و لام م سائینق الجیمیر زراج
و سکون جیم فارسی م بک تینق الخاء المعجمه زر غنچ سرخ بفتح اول
و سکون ثانی و کسرتان و سکون تختانی و کسرتان و ضم سیم مهمله
و سکون او مهمله ثانی و خا و معجمه ثانی مینسل تینق الدال المهمله زر سوم

اول الفحان از دین که نرسبی تفسیق الراء المهمله و تینق الالف زیر کسریانی

بفتح اول وسكون ثاني وضم تخاني وسكون واو م كل شقاق تينيق الواو زر و خوف

بفتح اول وسكون ثاني ووال ممله وفتح فارجه وسكون واو م گياهي ست که گلش
 زر و خوشبو ست زر و ف بفتح اول وضم ثاني م زالو تينيق الهاء نذ اتقع بضم اول
 و ثاني وال ف وفتح فار خفاء هاف شتر گاؤ و و پلنگ زر ده ف بفتح اول وسكون ثاني
 وفتح وال مله م زردي ميان تخم مرغ زر نيك ف بفتح اول وسكون ثاني وکسرون
 وسكون تخاني وفتح لام م ريواس تينيق التختاني زر جامي ف بفتح اول وسكون
 ثاني باجيم وال ف وکسريم وسكون تخاني م نوعي الزانگور زر دک ريکي ف بفتح
 اول وسكون ثاني وفتح وال ممله وکسر کاف وراء مهله ثاني و تخاني
 مجهول وکسر کاف فار سه م شقاق زر قوري رومي بفتح اول
 وسكون ثاني وضم قاف وسكون واو وکسر واء مهله م جل الغراب تينيق العين
 المهله و تينيق الدال المهله زعفران الحد يدع بفتح اول وسكون عين مهله وفتح فا ورا
 مهله وضم نون وسكون لام وفتح حاء مهله وکسر وال مهله وسكون تخاني ووال مهله
 ثاني ف يرم آهن طح ي تينيق الواء المهله زرع ورج بضم اول وسكون ثاني وضم
 واء مهله وسكون واو وراء مهله ثاني ف كيل طاب ي ۲ ق قابض رخ سرخ رسیده
 شق سدرم تا پندرم ص راز يانيل بغير تينيق النون زعفران بفتح اول وسكون
 ثاني وفتح فا وراء مهله وال ف و نون ک کيسر طح ي ۲ اق محلل مفتع شفع مفرح
 مقوي ل نوم رخ تازه سرخ تير بوي ش نير دم تا کير دم ص انيسون زر رشک
 يا جارش سفر حل قسط بوزن دي وکنيوزن آن پوست سيلو تينيق العين
 المعجده و تينيق الواء المهله زعفران بفتح اول وعين معجده وال ف وراء مهله م شاخ
 و رخت انگور غيغ بفتح اول وکسري ثاني وسكون تخاني ف مرو سفيد و تخم کتان
 و السی تينيق الحاف زغاک ف بفتح اول ثاني وال ف وکاف م شاخ و رخت انگور

بفتح اول وسكون ثاني وضم تخاني وسكون واو م كل شقاق تينيق الواو زر و خوف
 بفتح اول وسكون ثاني ووال ممله وفتح فارجه وسكون واو م گياهي ست که گلش
 زر و خوشبو ست زر و ف بفتح اول وضم ثاني م زالو تينيق الهاء نذ اتقع بضم اول
 و ثاني وال ف وفتح فار خفاء هاف شتر گاؤ و و پلنگ زر ده ف بفتح اول وسكون ثاني
 وفتح وال مله م زردي ميان تخم مرغ زر نيك ف بفتح اول وسكون ثاني وکسرون
 وسكون تخاني وفتح لام م ريواس تينيق التختاني زر جامي ف بفتح اول وسكون
 ثاني باجيم وال ف وکسريم وسكون تخاني م نوعي الزانگور زر دک ريکي ف بفتح
 اول وسكون ثاني وفتح وال ممله وکسر کاف وراء مهله ثاني و تخاني
 مجهول وکسر کاف فار سه م شقاق زر قوري رومي بفتح اول
 وسكون ثاني وضم قاف وسكون واو وکسر واء مهله م جل الغراب تينيق العين
 المهله و تينيق الدال المهله زعفران الحد يدع بفتح اول وسكون عين مهله وفتح فا ورا
 مهله وضم نون وسكون لام وفتح حاء مهله وکسر وال مهله وسكون تخاني ووال مهله
 ثاني ف يرم آهن طح ي تينيق الواء المهله زرع ورج بضم اول وسكون ثاني وضم
 واء مهله وسكون واو وراء مهله ثاني ف كيل طاب ي ۲ ق قابض رخ سرخ رسیده
 شق سدرم تا پندرم ص راز يانيل بغير تينيق النون زعفران بفتح اول وسكون
 ثاني وفتح فا وراء مهله وال ف و نون ک کيسر طح ي ۲ اق محلل مفتع شفع مفرح
 مقوي ل نوم رخ تازه سرخ تير بوي ش نير دم تا کير دم ص انيسون زر رشک
 يا جارش سفر حل قسط بوزن دي وکنيوزن آن پوست سيلو تينيق العين
 المعجده و تينيق الواء المهله زعفران بفتح اول وعين معجده وال ف وراء مهله م شاخ
 و رخت انگور غيغ بفتح اول وکسري ثاني وسكون تخاني ف مرو سفيد و تخم کتان
 و السی تينيق الحاف زغاک ف بفتح اول ثاني وال ف وکاف م شاخ و رخت انگور

۱۶۱

بفتح اول وسكون ثاني وضم تخاني وسكون واو م كل شقاق تينيق الواو زر و خوف
 بفتح اول وسكون ثاني ووال ممله وفتح فارجه وسكون واو م گياهي ست که گلش
 زر و خوشبو ست زر و ف بفتح اول وضم ثاني م زالو تينيق الهاء نذ اتقع بضم اول
 و ثاني وال ف وفتح فار خفاء هاف شتر گاؤ و و پلنگ زر ده ف بفتح اول وسكون ثاني
 وفتح وال مله م زردي ميان تخم مرغ زر نيك ف بفتح اول وسكون ثاني وکسرون
 وسكون تخاني وفتح لام م ريواس تينيق التختاني زر جامي ف بفتح اول وسكون
 ثاني باجيم وال ف وکسريم وسكون تخاني م نوعي الزانگور زر دک ريکي ف بفتح
 اول وسكون ثاني وفتح وال ممله وکسر کاف وراء مهله ثاني و تخاني
 مجهول وکسر کاف فار سه م شقاق زر قوري رومي بفتح اول
 وسكون ثاني وضم قاف وسكون واو وکسر واء مهله م جل الغراب تينيق العين
 المهله و تينيق الدال المهله زعفران الحد يدع بفتح اول وسكون عين مهله وفتح فا ورا
 مهله وضم نون وسكون لام وفتح حاء مهله وکسر وال مهله وسكون تخاني ووال مهله
 ثاني ف يرم آهن طح ي تينيق الواء المهله زرع ورج بضم اول وسكون ثاني وضم
 واء مهله وسكون واو وراء مهله ثاني ف كيل طاب ي ۲ ق قابض رخ سرخ رسیده
 شق سدرم تا پندرم ص راز يانيل بغير تينيق النون زعفران بفتح اول وسكون
 ثاني وفتح فا وراء مهله وال ف و نون ک کيسر طح ي ۲ اق محلل مفتع شفع مفرح
 مقوي ل نوم رخ تازه سرخ تير بوي ش نير دم تا کير دم ص انيسون زر رشک
 يا جارش سفر حل قسط بوزن دي وکنيوزن آن پوست سيلو تينيق العين
 المعجده و تينيق الواء المهله زعفران بفتح اول وعين معجده وال ف وراء مهله م شاخ
 و رخت انگور غيغ بفتح اول وکسري ثاني وسكون تخاني ف مرو سفيد و تخم کتان
 و السی تينيق الحاف زغاک ف بفتح اول ثاني وال ف وکاف م شاخ و رخت انگور

از و سکون اول و فتح ثانی و الف و لام و کولید تمینق النون و عین و
 بفتح اول ثانی و سکون نون م غلیو از و جیل تمینق الفاء و تمینق الفوقانی زفت
 و بضم اول و سکون فاء و فوقانی و دالی ست چسپنده که از صنوبر بی برهیل
 شود و آن بیه قسم است رومی و یاسین و طرب طحی ۲ ق محلل لمج مجلی قریح
 براق صاف یا کالاسک ش از وی یکدرم تا دو درم ص کثیرا یا اسفیدان و کافور
 جا و شیر و عسل البطم و صوم و قطر ان تمینق القاع و زیت اندلسی بکسر اول و ثانی
 سکون تحتانی و بغیر تحتانی نیز آورده و فتح را و حجه ثانی و فاء ثانی و عین تمینق القاف
 و تمینق المیم و قوم بفتح اول و ضم قاف و سکون داد و میمه سینده و تنویر
 الکاف تمینق الواو حله کتاب و بفتح اول کاف و الف و صوره م سیاهی
 و دات و دایع مرکب هر تمینق الکاف فارسی و تمینق الواو حله ز کالاف
 بضم اول کاف فارسی و الف و لام و الف ثانی و صوره م کتاب تمینق اللام
 ز کال و بضم اول و کاف فارسی الف و لام م انکشت نا افرخته و کولید بن سکا
 تمینق الهاء ز کال و بضم اول با ثانی فارسی و الف و فتح لام و فاء و اعر مداد
 تمینق اللام و تمینق الکاف ز لوک بفتح اول و ضم لام و سکون داد و کاف م
 ز الو تمینق الواو ز لوف بفتح اول و ضم لام و سکون و او م ز الو تمینق الهاء
 ز لوف بکسر اول و فتح ثانی شد و فاء و لام جا و زیت مانند الخ که در هوای گرم
 بخانه و صحرایا و کند تمینق المیم و تمینق الحجیمه الفارسی زج بفتح اول و
 سکون میم و صیم فارسی و پشگری و بکسر اول و فتح ثانی شد و م غیبت که از ابرغ
 گویند تمینق الدال الممله زمر و بضم اول و ثانی در ارمه شده و سکون ال ممله
 و پتان بی ۲ ق محفت خ بنر شفاف کنه ش یکفراط ص مشک ل
 مر جان تمینق الغین المعجمه ز باروغ و بفتح اول و ثانی و الف و ضم را و جمله سکون

از و سکون
 بفتح اول
 و سکون نون
 م غلیو از
 و جیل
 تمینق الفاء
 و تمینق
 الفوقانی
 زفت
 و بضم اول
 و سکون فاء
 و فوقانی
 و دالی ست
 چسپنده که
 از صنوبر بی
 برهیل
 شود و آن
 بیه قسم
 است رومی
 و یاسین
 و طرب طحی
 ۲ ق محلل
 لمج مجلی
 قریح
 براق صاف
 یا کالاسک
 ش از وی
 یکدرم تا
 دو درم ص
 کثیرا یا
 اسفیدان و
 کافور
 جا و شیر
 و عسل
 البطم و
 صوم و
 قطر ان
 تمینق
 القاع و
 زیت
 اندلسی
 بکسر اول
 و ثانی
 سکون
 تحتانی
 و بغیر
 تحتانی
 نیز آورده
 و فتح را
 و حجه
 ثانی و
 فاء ثانی
 و عین
 تمینق
 القاف
 و تمینق
 المیم و
 قوم
 بفتح اول
 و ضم
 قاف و
 سکون
 داد و
 میمه
 سینده و
 تنویر
 الکاف
 تمینق
 الواو
 حله کتاب
 و بفتح
 اول کاف
 و الف و
 صوره م
 سیاهی
 و دات و
 دایع
 مرکب هر
 تمینق
 الکاف
 فارسی و
 تمینق
 الواو
 حله ز
 کالاف
 بضم اول
 کاف
 فارسی و
 الف و
 لام و
 الف
 ثانی و
 صوره م
 کتاب
 تمینق
 اللام
 ز کال و
 بضم اول
 و کاف
 فارسی
 الف و
 لام م
 انکشت
 نا افرخته
 و کولید
 بن سکا
 تمینق
 الهاء ز
 کال و
 بضم اول
 با ثانی
 فارسی و
 الف و
 فتح لام
 و فاء و
 اعر مداد
 تمینق
 اللام و
 تمینق
 الکاف ز
 لوک بفتح
 اول و ضم
 لام و
 سکون
 داد و
 کاف م
 ز الو
 تمینق
 الواو ز
 لوف بفتح
 اول و ضم
 لام و
 سکون و
 او م ز
 الو
 تمینق
 الهاء
 ز لوف
 بکسر اول
 و فتح
 ثانی شد
 و فاء و
 لام جا و
 زیت
 مانند الخ
 که در
 هوای گرم
 بخانه و
 صحرایا و
 کند
 تمینق
 المیم و
 تمینق
 الحجیمه
 الفارسی
 زج بفتح
 اول و
 سکون
 میم و
 صیم
 فارسی و
 پشگری
 و بکسر
 اول و
 فتح
 ثانی شد
 و م غیبت
 که از
 ابرغ
 گویند
 تمینق
 الدال
 الممله
 زمر و
 بضم اول
 و ثانی
 در ارمه
 شده و
 سکون
 ال ممله
 و پتان
 بی ۲ ق
 محفت
 خ بنر
 شفاف
 کنه ش
 یکفراط
 ص مشک
 ل
 مر جان
 تمینق
 الغین
 المعجمه
 ز باروغ
 و بفتح
 اول و
 ثانی و
 الف و
 ضم را و
 جمله
 سکون

از و سکون اول و فتح ثانی و الف و لام و کولید تمینق النون و عین و بفتح اول ثانی و سکون نون م غلیو از و جیل تمینق الفاء و تمینق الفوقانی زفت و بضم اول و سکون فاء و فوقانی و دالی ست چسپنده که از صنوبر بی برهیل شود و آن بیه قسم است رومی و یاسین و طرب طحی ۲ ق محلل لمج مجلی قریح براق صاف یا کالاسک ش از وی یکدرم تا دو درم ص کثیرا یا اسفیدان و کافور جا و شیر و عسل البطم و صوم و قطر ان تمینق القاع و زیت اندلسی بکسر اول و ثانی سکون تحتانی و بغیر تحتانی نیز آورده و فتح را و حجه ثانی و فاء ثانی و عین تمینق القاف و تمینق المیم و قوم بفتح اول و ضم قاف و سکون داد و میمه سینده و تنویر الکاف تمینق الواو حله کتاب و بفتح اول کاف و الف و صوره م سیاهی و دات و دایع مرکب هر تمینق الکاف فارسی و تمینق الواو حله ز کالاف بضم اول کاف فارسی و الف و لام و الف ثانی و صوره م کتاب تمینق اللام ز کال و بضم اول و کاف فارسی الف و لام م انکشت نا افرخته و کولید بن سکا تمینق الهاء ز کال و بضم اول با ثانی فارسی و الف و فتح لام و فاء و اعر مداد تمینق اللام و تمینق الکاف ز لوک بفتح اول و ضم لام و سکون داد و کاف م ز الو تمینق الواو ز لوف بفتح اول و ضم لام و سکون و او م ز الو تمینق الهاء ز لوف بکسر اول و فتح ثانی شد و فاء و لام جا و زیت مانند الخ که در هوای گرم بخانه و صحرایا و کند تمینق المیم و تمینق الحجیمه الفارسی زج بفتح اول و سکون میم و صیم فارسی و پشگری و بکسر اول و فتح ثانی شد و م غیبت که از ابرغ گویند تمینق الدال الممله زمر و بضم اول و ثانی در ارمه شده و سکون ال ممله و پتان بی ۲ ق محفت خ بنر شفاف کنه ش یکفراط ص مشک ل مر جان تمینق الغین المعجمه ز باروغ و بفتح اول و ثانی و الف و ضم را و جمله سکون

بسم الله الرحمن الرحيم

واو و ضین مجیم سا م و غ تمینق النون و تمینق الموحده زنجیل الرطب بفتح
 اول و سکون نون و فتح جیم و کسر موحده و سکون تخمائی و ضم لام و فتح راء موحده مشدده
 و سکون طاء موحده و موحده ثانی که اگر ک و ا و ا تمینق الدال الموحده زنجیل بفتح
 اول و سکون ثانی و دال موحده و تحت موحده تمینق الواو الموحده زنجیل بفتح
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون راء موحده انبر بار لیس زنجیل بفتح اول و سکون
 ثانی و فتح جیم و الف زنجیل طاح ی م ق حاد اکال خ ما خوذ از معدن مس سیما
 منیص قی کردن باب گرم و شیر تازه و روغن و شوربای چرب ال قلیسیا و نیوزن
 زنجیل ی و یخ زنجیل بفتح اول سکون نون و فتح جیم و سکون قاف شکسته
 اینک طح ی م گویند ب اف مغسل ص روغن زرد و آب گرم ل م و یخ زنجیل
 زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی یا موحده و الف لا نیلا لوتو تار زنجیل
 بفتح اول و ضم ثانی و سکون و ا و م بن خوشه خرا و حیون ز الو تمینق الثاء زنجیل
 بفتح اول سکون ثانی و فتح جیم و سکون راء موحده و فام شکسته تمینق القاف
 زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف و کلیست که آنرا استون
 گویند طح اص ی ر تمینق اللام زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده
 و سکون لام انبر بار لیس زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و کسر موحده
 و سکون تخمائی و لام که سونکه و سندی طح ی م ق م قش و مقش
 و بی خ چینی زردی بایل ش و دوم ص سل اقیر ص کافورل دار و فضل و فلفل
 عاقر قضا تمینق المسیح زنجیل العجم سکون لام ثانی و فتح عین موحده و جیم موحده
 زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و جیم موحده تمینق النون زنجیل بفتح اول
 و سکون ثانی و تحتانی و الف و نون ثانی م ناخواه اجو این دن بضم اول م
 خندوس تمینق الواو زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و ا و موحده

و ا و ضین مجیم سا م و غ تمینق النون و تمینق الموحده زنجیل الرطب بفتح اول و سکون نون و فتح جیم و کسر موحده و سکون تخمائی و ضم لام و فتح راء موحده مشدده و سکون طاء موحده و موحده ثانی که اگر ک و ا و ا تمینق الدال الموحده زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و دال موحده و تحت موحده تمینق الواو الموحده زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون راء موحده انبر بار لیس زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و الف زنجیل طاح ی م ق حاد اکال خ ما خوذ از معدن مس سیما منیص قی کردن باب گرم و شیر تازه و روغن و شوربای چرب ال قلیسیا و نیوزن زنجیل ی و یخ زنجیل بفتح اول سکون نون و فتح جیم و سکون قاف شکسته اینک طح ی م گویند ب اف مغسل ص روغن زرد و آب گرم ل م و یخ زنجیل زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی یا موحده و الف لا نیلا لوتو تار زنجیل بفتح اول و ضم ثانی و سکون و ا و م بن خوشه خرا و حیون ز الو تمینق الثاء زنجیل بفتح اول سکون ثانی و فتح جیم و سکون راء موحده و فام شکسته تمینق القاف زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف و کلیست که آنرا استون گویند طح اص ی ر تمینق اللام زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون لام انبر بار لیس زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و کسر موحده و سکون تخمائی و لام که سونکه و سندی طح ی م ق م قش و مقش و بی خ چینی زردی بایل ش و دوم ص سل اقیر ص کافورل دار و فضل و فلفل عاقر قضا تمینق المسیح زنجیل العجم سکون لام ثانی و فتح عین موحده و جیم موحده زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و جیم موحده تمینق النون زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و تحتانی و الف و نون ثانی م ناخواه اجو این دن بضم اول م خندوس تمینق الواو زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و ا و موحده

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب الفبای عربی و الفبای فارسی و الفبای ترکی

در قاطع که صاخ مصری که از کوه بیت المقدس گیرند ش چهار و ده ص صغ عربی یا
 عنابل فودنج و پرسیا و شان و نیموزن مرز نجوش تمیق القاف و و اوق
 بضم اول با ثانی و الف و ضم نمره و سکون و او ثانی و قاف و سیما و و
 بضم اول و سکون ثانی و فتح خرمای جنگلی تمیق الفون و و ان لفتح اول و
 و الف و نون م یهین تمیق التحتانی و و فی بضم اول و سکون ثانی و کسر
 الفون و سکون تحتانی م ز الو تمیق الهاء و تمیق الالف نه گریاف لفتح
 اول و سکون ثانی و و را و مهله و کس کاف فارسی با تحتانی و الف م کیما هست
 که هر گاه و ورق او آدمی بخورند بیزند تمیق الهاء المهله نهرة الملح و لفتح اول
 و سکون ثانی و فتح را و مهله و ضم فوقانی و سکون لام و کسر یهم سکون لام ثانی
 و و و مهله و ثانی است که در نیل مصر بر روی آب پیدا شود و در آبهای ستیا
 و نه براتیر و بدیخ زعفرانی منقش شود گزنده تمیق الواو المهله نهرة الملح و سکون
 لام و فتح هاء و مهله و جیم و سکون را و مهله و خراز الصخر نهرف لفتح اول و سکون
 ثانی و سمه و پس تمیق السین المهله نهرة النحاس و بضم فوقانی و فتح فون
 مشد و با حاء و مهله و الف و خیریت که چون مس بگذارد و آب بکشد از نمد کفی پیدا
 گردد و آنرا بدین نام خوانند خ سفید تمیق الکاف و زک و لفتح اول و سکون ثانی
 و کاف م شیر زنان و شیر ماده حیوان نوزائیده که پیوسته تمیق المیه نهرف بضم
 فتح اول و سکون ثانی و یهم م و و نه و تمیق الیاء التحتانی و تمیق الالف
 زیره که بکسل اول و سکون تحتانی با و مهله و الف و سکون تمیق الموحله نهرف و
 و لفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون و او و ضم نون و سکون لام
 و فتح کاف و سکون لام ثانی و موحده م زیتون بری تمیق الفوقانی نهرف
 و لفتح اول و سکون ثانی و فوقانی و و غن زیتون طح رخ تر ص

در قاطع که صاخ مصری که از کوه بیت المقدس گیرند ش چهار و ده ص صغ عربی یا
 عنابل فودنج و پرسیا و شان و نیموزن مرز نجوش تمیق القاف و و اوق
 بضم اول با ثانی و الف و ضم نمره و سکون و او ثانی و قاف و سیما و و
 بضم اول و سکون ثانی و فتح خرمای جنگلی تمیق الفون و و ان لفتح اول و
 و الف و نون م یهین تمیق التحتانی و و فی بضم اول و سکون ثانی و کسر
 الفون و سکون تحتانی م ز الو تمیق الهاء و تمیق الالف نه گریاف لفتح
 اول و سکون ثانی و و را و مهله و کس کاف فارسی با تحتانی و الف م کیما هست
 که هر گاه و ورق او آدمی بخورند بیزند تمیق الهاء المهله نهرة الملح و لفتح اول
 و سکون ثانی و فتح را و مهله و ضم فوقانی و سکون لام و کسر یهم سکون لام ثانی
 و و و مهله و ثانی است که در نیل مصر بر روی آب پیدا شود و در آبهای ستیا
 و نه براتیر و بدیخ زعفرانی منقش شود گزنده تمیق الواو المهله نهرة الملح و سکون
 لام و فتح هاء و مهله و جیم و سکون را و مهله و خراز الصخر نهرف لفتح اول و سکون
 ثانی و سمه و پس تمیق السین المهله نهرة النحاس و بضم فوقانی و فتح فون
 مشد و با حاء و مهله و الف و خیریت که چون مس بگذارد و آب بکشد از نمد کفی پیدا
 گردد و آنرا بدین نام خوانند خ سفید تمیق الکاف و زک و لفتح اول و سکون ثانی
 و کاف م شیر زنان و شیر ماده حیوان نوزائیده که پیوسته تمیق المیه نهرف بضم
 فتح اول و سکون ثانی و یهم م و و نه و تمیق الیاء التحتانی و تمیق الالف
 زیره که بکسل اول و سکون تحتانی با و مهله و الف و سکون تمیق الموحله نهرف و
 و لفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون و او و ضم نون و سکون لام
 و فتح کاف و سکون لام ثانی و موحده م زیتون بری تمیق الفوقانی نهرف
 و لفتح اول و سکون ثانی و فوقانی و و غن زیتون طح رخ تر ص

الفبای عربی و الفبای فارسی و الفبای ترکی

لیکن حق
 درشت که کوی
 در زبان نیست
 در نفوس در
 قوی قلب
 بشا که از زبان
 نمی رسد چنان
 در پیش
 در کتب
 تمام فاضل
 قلمی بی بیان

فصل در زینب کهن روغن خروع بار و غن ترب در او ویتقاله از بلج تمیق
 الجیم الفارسی نزع ف بکسر اول و سکون ثانی و جیم ف م نوعی از نامور
 که بغایت نازک و خوش لذت باشد تمیق الراء المصله زیتار ج بفتح اول
 و سکون ثانی با فوقانی و الف و راء مصله ف ثقل و دروی زیت زیرک
 بکسر اول و سکون ثانی م اسپرک تمیق الزام العجیه زیر بکسر اول و سکون
 ثانی و ضم فوقانی و سکون و او و ضم نون و سکون لام و فتح حاء مصله و مصله
 و سکون شین بجمع م زیتون الکلب تمیق الضاد العجیه زیتون الاض بکسر
 لام و فتح حاء و سکون راء مصله و ضاد بجمع م هاذیون تمیق القاف زیر ق ع
 بکسر اول و سکون ثانی و فتح مصله و ف حیوه و صباب که پاره طح سی محرق
 گویند ب د ق مفسد خ زنده که مستعمل نگریده باشند و بغایت همبده و از
 که پاش و در بر آید و بغایت کثیر بیان نامهای بسیار دارد تمیق الکاف یک
 ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و سکون کاف م روده گو سپند که
 و گوشت با مصلح پر کرده قاق سازند م کله زیرک ف بکسر اول و سکون ثانی
 و فتح راء مصله م فولاد و هر درار تمیق الکاف الفارسی یک ف بکسر اول و
 سکون ثانی و کاف فارسی م مانوری حقیق حبه خاکستری رنگ که زیر هر دیار
 سرخ است و کو چکتر از کونج شک خانگی بود و آواز من بغایت خوش و حریز تمیق
 النون زیت السودان ج بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و فتح سین مصله
 شد و سکون او با دال مصله و الف و ر و غن بجرک یعنی روغن بادام کوی
 زیت الهوان بفتح م و راء با جیم و الف م زیت السوان زیتون ج بفتح اول و
 سکون آن و ضم فوقانی و سکون و او و حقیقت شهر طاس سیده او مع ج
 سی و ناریه ب ی او گویند اطراف هر برگ او دل و آنچه از سین و ناریه است

تقدیمی بیان
تمام خاصه تقویت
در کتب بیان
شیخ الریاض
فی رسد عیانی
بشایه کاردیان
نقویه قلب
و در نفوس
و در بیان

میتو سیر
که کاروان
خوشی آید
در بزم
فی بزم
بیت
ب لاله
مهرت
انور
بزم نشو
بجو

از ازیته اتفاق گویند نیز چون کس اول و سکون ثانی و زاء و حجابی و ضم قاف
و سکون و اوق نوعی از درخت خجک که برینید در میان کس اول و ثانی بانون و
الف ه اجازت تینیق التختانی زیت بجای بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و
همه کاف و کسر موحده و سکون تختانی آسانی م زیت شامی ترقیع الزام الفاء
و تنسیق الالف و تینیق الزام الفارسی تراژف بهر و زلف فارسی گیاره است که
لی تخم وید و رعایت بهرگی باشد و چند آنکه از اکثر نخواهد نرم شود و نیز ف
موحده و سکون تختانی و زاء فارسی ثانی م لوی ماوران تینیق الکاف تراژ و ک
ف بضم زاء و حجاب فارسی ثانی و سکون و اوق فتح سیم و سکون کاف م لوبیاع لب
تینیق الحارثه و ف بفتح زاء فارسی ثانی و خفاء یا م تراژ زالف بفتح لام م تلک و نیم
تنسیق الذین المجهه و تینیق المعاء زعار و زغالف بفتح اول و فارسی و غین مجله
والف و فتح را و همه در لغت اول و فتح لام در لغت ثانی م ثان از زن و سرخی کتیرا
بر روی خود مانند تنسیق الواو و تینیق الزاء الفارسی تراژف بضم اول و فار
و سکون و اوق و زاء فارسی ثانی م خارشیت تینیق الکاف تراژ و ک ف بفتح اول
فارسی و سکون ثانی و فتح زاء و همه و سکون کاف پرند ه ایست سرخ فام بقدر شکلی
تنسیق التختانی و تینیق المعاء زویه کس اول فارسی و تختانی مجهول و فتح و اوق خفاء
م سیاب ترقیع السین الممهله و تنسیق تینیق الالف ساء لاند بهرین
مهله الف و لام و الف ثانی و فتح سیم و سکون نون و فتح و ال همه بار و همه الف
ثالث م نوعی از عضا ماتست که چهار پای دارد و در کان نوسا و پیا ربود و ذنب
وی کوتاه بود و شیرش و آن بزرگ و همین نژاد سیاه برهن باشد و گردن وی
باریک بود و لون وی ابلق زرد و سیاه بود و گوشت چون آتش اندازند نشود
و چون او را شک از خند کارگرفته شود و از جمله سموم قتال است تا خند را برنج خنق الف

کز نه در دست
 رو بسته و زو گدا
 خوشی شش
 سفید بود بول
 آن نوزن آن
 ابریشم سوزنه
 چهار دانگ
 وزن آن پوسه
 اتجرا گویند
 برل

پیارے کسانِ اقبال دوستِ تاریخ
دو زبانِ آن بیدارِ آن
برودہ بہت ان پلیر
لویندہ صبح
سنت و سہنیا
ان کا روبرو

ورا و مجمه م سنگه که بدان کار و شیر تیر کنند تمینق السین الممله سارس ه بفتح
 ممله و سکون سین ممله ثانی م جانو و شهور و نند لیت ساسا لیوس سین ممله ثانی و
 الف ثانی و کسر لام و ضم تختانی و سکون وادوم انجدان رومی و کاشم رومی ط
 ح ی ۲ خردل سفید یا انجدان طیب ساس ف بسین ممله و الف ه
 که مثل کرسیت خور که خون آدمی بخورد و ساویس ف بکسر او و سکون تختانی م
 تخاله سیکوین ف بضم تختانی و سکون وادوم انجدان تنسيق الشیش البجه
 سایه خوش ف بفتح تختانی و خفار با و ضم فار مجمه و وادوم و له و شین مجره و زشت ر
 تمینق الصاد الممله سام برص ع بکسر سم و فتح مزه و سکون موده و فتح
 را و ممله و سکون صاد ممله ف مازنگ و چلیا سه سیکلی و چیکلی و نکلی طح
 ی ق مفسخ انچه در لبایتین باشد ص ر و غ زرو و غسل آب گرم ف بفتح تمینق
 الغین المجهه ساغ ف بسکون غین معجمه نام غیست مانند سار تمینق الکاف
 ساینک ف بکسر موده و سکون تختانی و فتح زا و مجره و سکون کاف م ساینک
 سار شک و سار شک ف بفتح را و ممله و سکون خا و مجره و لغت اول و سکون
 شین مجره و لغت ثانی م پشه سارک ف بفتح را و ممله م سار و ستاه برک ف
 بفتح تختانی و خفار با و فتح موده و را و ممله م گیا هیست که چون شتر بخورد و بخواب
 ر و تمینق اللام سال ه بسکون لام ع سار تمینق المیه ساسم ف بفتح
 سین ممله ثانی و سکون میم م آبنوس سام ف م آتش تمینق النون ساخن
 ف بکسر خا و مجره و سکون نون ع صا روج سا و اوران بدال ممله و الف ثانی
 و فتح واد و را و ممله و الف ثالث م سواد القصاة و سیک که اوران گویند چیر لیت
 مانند صمغ که در اندرون یخ گردان که محو ف شده باشد یا بند و گویند و زبان
 و زشت بکر کهن میباشد و اوران آب خوانند طب ی ۲ ف قابض خ

گویند و بدیدان
خیزد الماسی
فرز آن را بایز
ست و در دامن
خفاش گویند
فرز آن خیزد
گویند و بدیدان

۱۷۹
آن بند انجمن
ملک بریان
هندو لاکه
گویند جمع درختی
ست دان در
پله است کدور
زمین هندوستان
بسیار باشند
گرم است درجه
اول و خشک
نت در دره

بلام فخره
 ساق و دوله
 دست نشین
 در دودرجه
 باب المیم
 فاذیریاون
 در وقت مینیس
 را گویند گوم
 شکست در
 به به پندام
 ۱۸۰

باطل سیرخی شی و دووانگ من زعفران ل فیلزهرج یا و دووانگ وزن آن پنج
 یا آله و اما قیاسا طریون بفتح طاء ممله و سکون را ممله و ضم تحتانی و سکون و او
 م نضی الثعلب ساگون و بفتح کاف فارسی و سکون و او درخت مشهور بهندلیست
 که برگهاش گویش فیل ماند و درختی بسن گش چون بسو بان سالیون و بکسر لام
 و ضم تحتانی و سکون و او م تخم کرفس کوهی سانبه لرون و بسکون نون و فتح ممله
 و اظهار با و سکون را ممله و ضم لام و او مجهول ع ملح مجین و اندرانی سان و
 سوانگی که بدان کار و غیره تین کنند که آنرا نشان نیز خوانند ساوان و با و او الف
 ثانی غله الیست مشهور ف شامخ تمیق الواو ساروف بضم را ممله و سکون و او
 م صارج و با و مجهول م جانویست سیاه نگ که دریند بهرسد و مانند طوطی سخن
 گوید و آنرا شاد و شادک نیز گویند ساوف زرخا ص که شکسته و ریزه ریزه باشد
 ع قراضه و نیز بوته خاردار سفید رنگ که درالیش یک گز باشد و آنرا چون بهمه
 بسوزند و نیز در میان کرم پیله بگذارند تا پیله بران تنز تمیق الها ساروف بفتح
 و ال ممله و فخار با ع سارج ساروف بضم را ممله و سکون و او فتح نون م زانکه
 سانه بکسر نون و فتح قاف پر سیا و شان تمیق التحتانی ساوچی و بکسر فوقانی
 هند و بی اظهار با و سکون تحتانی ف قسمی از شالی سرخ بهندلیست ساجی و بکسر
 و فتح ساری و بکسر او م سار سالی بکسر لام م انجمن رودنی و کاشم رودنی
 تنسيق الموحل و البلم و تمیق الالف سبع الشعر بفتح اول و سکون موهده
 و ضم عین ممله و شین بهیچ شده و فتح عین ممله ثانی بار و ممله و الف م افیتون
 تمیق الفوقانی سبکت و بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون فوقانی
 م برش تمیق الحیم سبع بفتح اول و موهده و سکون جیم و فتح طاب
 تمیق الخاء المعججه سبع بکسر اول و فتح ثانی و سکون خا و معجه م نمک

ساق و دوله
 دست نشین
 در دودرجه
 باب المیم
 فاذیریاون
 در وقت مینیس
 را گویند گوم
 شکست در
 به به پندام
 ۱۸۰

ساق و دوله
 دست نشین
 در دودرجه
 باب المیم
 فاذیریاون
 در وقت مینیس
 را گویند گوم
 شکست در
 به به پندام
 ۱۸۰

تمت

۱۸۱
 از او شش
 سار تلو و عاصه
 امین و شیان
 امین و تیر گورین
 طبعش سرد
 و خشک در
 یکدیگر فایده
 آید و صفت
 باری آنم

تمتینق الکاف سبک و ففتح اول مخم ثانی هم شیرو و فتح که با هم میانیند و ثانی نیزه زده کرده در آن بریزند و آنرا در وزاغ و شیراز نیز خوانند تمینق اللام مخم ثانی و ففتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم ثانی و لام ف زعفران تمینق الخاء المعجمه و تمینق السین المهمله مخم ثانی و ففتح اول کسرتانی و سکون تحتانی و مخم نون و سکون او سین مهمله ثانی هم ازخر تمینق الدال المهمله و تمینق الموحده سداب نیمه و دال مهمله الف بوحده سالون ساتری ط تر آن جی ۲ و خشک آن ۳ گویند ترا و ۳ گویند هم قی مقطع محل و ملطف مد غشی سبج رخ بستانی بهتر نیز بوی که نزدیک درخت انجیر رسته باشد شش سه و دم صا نیسون یا بقوله الحق قاف لغنا و ففتح یاسید تمینق الواو المهمله سدع کبک اول و سکون ثانی و در اوله و ف درخت کنار کبیر کار و که طب یاق قابض رخ سبزه بن ورق شش سه و دم صا کثیرا تمینق الخاء سنپایه و ففتح اول و سکون ثانی با موحده فارسی الف فتح تحتانی و خفاء با چریده که در گوش و دم هزار پاییه سده و ففتح اول ثانی و ختی هست که در از المر و مار و از دیگر بلا و ایران در توران بیشتر شود مثابه بزرگ باشد که تنه او بشواری در بغل چهار کس در آید و برگهایش تر بنام بویه که بداران ازان نگذارند و نادر است سوار و سیاه آن درخت آرام تواند گرفت و بجدی بدو در بود که برگ از دیگر برگهای آن بلندتر و ساقش بجایت سوزن بود و بران درخت چغری گردمانند خرطیله که از چرم ساخته باشند بهر سده و برایشه باشد و در ایام بهار در میان آن خرطیله آبی بهر سده و در تپه بنجد که دو مانند هفتی که آنرا بهوض منع در سیاهی کنند سیاهی را رنگین و شفاف سازند و آنرا پیشه خانه و پیشه اردیشه غال و سار خلدار و سار شکدار و باز بن کرم دلا شکدار و غال پیشه کنجشک و کجک و در داز نیز خوانند ع شجر البق تمینق الخاء ثانی سدی و ففتح اول و سکون ثانی و تحتانی مجهول بلغت اهل مدینه خلا و غوره خرا

طایفہ العسل
 کرم ابو مصطفیٰ
 سید محمد زور
 آپ سید محمد زور
 قاضی ملت بریدو
 ملک بانڈو
 سید علی بانڈو
 داکٹر خاندان

147

1946

فہرست

ادایف

15

32

سید

10

21

سینا الکیمیاء فی الطب

وفتح میم و سکون را در جمله ثانی و زاء و جمعه م سرخ مرو و سر و نازف بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر و او و نون و الف م سر و نو و سرسته تمینق السین لهمله سطر ع بفتح
 اول و ثانی و سکون خا و ی و ح و سین مملوف کیل و او آن چو کیست سیاه رنگ
 که بر ساحل دریائی جزریا بند و آن نه داده است و گویند پیشور اطح ی ۲۱ بفتح
 محفف خ سیاه بزرگ که بعد از شکستن فسققی بودش نیم مثقال تا دو درم ص
 شیخ ارمنی پادشاه بلوط و شکر سرخ ل تخم شبرم یک شوش سرخینوس یونانی بفتح
 اول و سکون ثانی و کسر خا و ی و ح و سکون تحتانی و ضم نون و سکون و او و م شطیح
 سر س و بکسر اول و سکون ثانی و دخت مشهور رهنندی بر منفعت است ع لیه التیش
 تمینق الشین لهمله سطر س بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم و سکون شین معجمه
 خوابی تمینق الفاس شرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین معجمه و سکون فا
 و سر سون تمینق القاف سرق بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون قاف
 و ساگ بهتر اطاب و ۲۱ ف ملین ص نمک و ابازیر ل اسپانیا تمینق الکاف
 سربک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون کاف م اسفاناخ رومی ع سر
 تمینق الکاف الفارسی سربک بفتح اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی
 م آزاد و دخت تمینق النون سر سون و بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین مملوف ثانی
 و سکون و او و نون و ف سرف سگرین گران و بفتح اول و سکون ثانی و کسر
 کاف فارسی و سکون تحتانی و نون و فتح کاف فارسی ثانی و سکون را و مملوف ابال
 مملوف الف م جبل سرون و بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و م شلخ جیلون کثیر
 سیرانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون و او و م سفند و تمینق
 الو او سر و بفتح اول و سکون ثانی و او و مجهول و دختیت مشهور ط مع ح
 ب دی ۲ گویند گویند ی ۲۱ ف قایض خ سبترانه ص مملوف ل نیون

کسر و او و نون و الف م سر و نو و سرسته تمینق السین لهمله سطر ع بفتح
 اول و ثانی و سکون خا و ی و ح و سین مملوف کیل و او آن چو کیست سیاه رنگ
 که بر ساحل دریائی جزریا بند و آن نه داده است و گویند پیشور اطح ی ۲۱ بفتح
 محفف خ سیاه بزرگ که بعد از شکستن فسققی بودش نیم مثقال تا دو درم ص
 شیخ ارمنی پادشاه بلوط و شکر سرخ ل تخم شبرم یک شوش سرخینوس یونانی بفتح
 اول و سکون ثانی و کسر خا و ی و ح و سکون تحتانی و ضم نون و سکون و او و م شطیح
 سر س و بکسر اول و سکون ثانی و دخت مشهور رهنندی بر منفعت است ع لیه التیش
 تمینق الشین لهمله سطر س بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم و سکون شین معجمه
 خوابی تمینق الفاس شرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین معجمه و سکون فا
 و سر سون تمینق القاف سرق بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون قاف
 و ساگ بهتر اطاب و ۲۱ ف ملین ص نمک و ابازیر ل اسپانیا تمینق الکاف
 سربک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون کاف م اسفاناخ رومی ع سر
 تمینق الکاف الفارسی سربک بفتح اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی
 م آزاد و دخت تمینق النون سر سون و بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین مملوف ثانی
 و سکون و او و نون و ف سرف سگرین گران و بفتح اول و سکون ثانی و کسر
 کاف فارسی و سکون تحتانی و نون و فتح کاف فارسی ثانی و سکون را و مملوف ابال
 مملوف الف م جبل سرون و بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و م شلخ جیلون کثیر
 سیرانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون و او و م سفند و تمینق
 الو او سر و بفتح اول و سکون ثانی و او و مجهول و دختیت مشهور ط مع ح
 ب دی ۲ گویند گویند ی ۲۱ ف قایض خ سبترانه ص مملوف ل نیون

۱۸۵
 کنند سبک
 بصره و مملوف
 شیخ ارمنی پادشاه
 مملوف الف م جبل
 سیرانی بفتح اول
 از نو سار
 کنند چه بکار
 همین پیش از
 گویند و ی ۲۱
 یا حسین است
 فخرش نظر

گویند گویند ی ۲۱ ف قایض خ سبترانه ص مملوف ل نیون

[illegible]

تنسيق الحاء الممهله سطر اول وثاني دالف وها ومله م هر بنا نيکه بر ر
 زمين گسترده شود و اوريدن نام خوانند تنسيق السين الممله سطر مليوس يوناني
 لفتح اول و سکون ثاني بار اول ممله و الف و کسر ط و ممله ثاني و ضم تخاني و سکون اول
 و سين ممله ثاني ف نياني ست که ادر ايج نيست و بر روی آب پيدا شود و قرش
 مانند ورق باد خنوبه بود و کوهک تراز و دواز لعاغ هنر گتر طب و سطیون نيا
 بضم اول و سکون ثاني و ضم تخاني و سکون و او م کلنا تنسيق الكاف سطر اول
 و سطواک سرياني لفتح اول و سکون ثاني بار اول ممله و الف و کاف و لغت اول
 و با و اول لغت ثاني م زرباد تنسيق النون سطر و نيون يوناني لفتح اول و سکون
 ثاني و ضم ر ممله و سکون و او و کسر نون و ضم تخاني و سکون و او و نون ثاني ف
 چوبک شان تنسيق العين الممهله و تنسيق الدال الممله سجع بضم اول
 و سکون عين ممله و وال ممله و موها طح ي اگو نيداق مجفف در رفقت نشي
 مقوی مانع دول و صنف خ کوفی فربه خوشبوی بستاني سفيد بعد از ان شیرازی
 بعد از ان هندی که چون سیاهی از و خراشد سفید و فربه بود و ش یکدر مصل منند
 و صندل و انیسون و گویند خس و خیارک و اچيني و روج تنسيق الواء الممهله
 سطر اول و سکون ثاني و فتح فوقاني و سکون ر و ممله سا نهر تنسيق ال
 المعجم و تنسيق الدال الممله سطر اول و غنن م م سکون و او و دال ممله
 م م م سطر تنسيق الواء الممله سطر ر و م م فتح اول و سکون ثاني و فتح م م م
 م م م سطر سطر اول و فتح ثاني جانور است که سیاهی ابلق بر پشت ان
 باشد و چون کسی قصد گرفتن آن کند خود را چنان بچیناند که آن سیاه را نکشند
 و ساهی تنسيق الفا و تنسيق الجيم الفارسی سطر اول و سکون فا
 و جيم فارسی م خريزه نارسیده تنسيق الدال الممله سطر اول و فتح اول و سکون فا

از ان درین

کتابخانه عمومی
شعبه کتب خطی
کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی

سید الشہداء علی بن ابی طالب

613

مستطاب

مستش
راپا پارسه
نموده الگو گون
سود

مشکل

10

وضم و او مجهول و وال ممله من سكون و اربع قطاه سفند سفید بفتح اول
 و ثانی و سکون نون و کسر ال ممله فتح سین ممله ثانی و کسر فار ثانی و تختانی مجهول
 ه اسپند تمینق الوا الممله سفر ف بضم اول و ثانی و سکون راء ممله من سكون
 ه ساهی تمینق السین الممله سفار یکوس یونانی بفتح اول و ثانی و الف کسر
 و ال ممله و سکون تختانی و ضم کاف و سکون و او و سین ممله ثانی ف نوعی
 از پیاز بری طح می تمینق اللام سفال ف بکسر اول و فتح فابالف و لام ممله
 ه شمیری و پوست گردگان و بادام و پسته و فندق و پوست انار خشک شده
 و اشال آن را نیز گویند سفر جل بفتح اول و ثانی و سکون راء ممله و فتح جیم سکون
 لام ف آبی ه بی طب بی ق فالض و جابس خون و مقوی ل و حده ف
 بزرگ رسیده س ده ورم از آب و ص طب یا غسل ل کشری تمینق النون
 سفند و لیون یونانی بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم و ال ممله و سکون و او
 و کسر لام و ضم تختانی و سکون و او و نون ثانی ف زیره بری تمینق الهام سفی
 ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و خوار با هم خرمچه مار سیده تنسیق
 القاف و تمینق الالف سقمونیاع بفتح اول و سکون قاف و ضم میر سکون
 و او و کسر نون با تختانی و الف صغی ست مسهل از زیتو عا شست ف محمود و ط
 ح ی سگویند ف مسهل صغراخ الطالکی صافی سبک برنگ آبشیم و بالیدن
 دست خور و شو و سفید بود و چون در آب حل کنند مانند شیر ماندش یک قیراط
 نادر و دانگ ص همچون ساختن بآب به ترش و سید و کلاب که در فنج کمرده
 باشد سماق و از و قرص تنک سازند و در سایه خشک کنند و قدر شربت بیشتر
 از همچون ندانند و بعد از آنکه در پی سید یا پیاز زدک شوی کرده باشند ص
 کثیرا یا مسطرک و انیسون و نشاسته بر وغن با و ام و و و قو و اگر محمود را با فنج

پارسی ادا
باش گویند
طبیعت مصطفی
گرم خشکست
در دود و جرب
مقل عصاره
قسطار گویند
چون قطارین
و آب آن را
نهند آن را

تھیں گوئیہ
راگنم نکوشت
درود و جبر
مغناش
بیج ازادی
کماز و خست
سب القفل
البرق و قنیہ

[illegible]

مسامی همزوج کنندق متقی سنگلبین ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و
 ضم کاف فارسی و کسر موحده و سکون تحتانی هم بکسبجین تنسيق الهاء سکاست و کاسته
 سکاسته کاسته بضم اول و ثانی و الف و در همه لغات و سکون بین مهملاتی و فتح فوقانی
 و خفاء و اور لغت اول و فتح سین مهمل و لغت ثانی و سکون شین بجه و فتح فوقانی در
 لغت ثالث و فتح شین بجه و لغت رابع هم رکاسته سنگنبویه و می لغت اول و سکون
 ثانی و فتح سین مهمل ثانی و سکون نون و ضم موحده و سکون و او و فتح تحتانی ف
 تخم پستان و گویند پنج چنگشت تنسيق الکاف الفارسی و تنسيق الموحده
 سکاست ف بفتح اول و سکون کاف فارسی بالام و الف موحده حیلونیست شبیه
 بسک که در ریاهم سدم چند بیدستره او و بالا و تنسيق الواو المهلله سگرف
 بضم اول و ثانی هم رکاسته سنگنکورت بفتح اول و ثانی فارسی و سکون نون و
 کاف فارسی ثانی و سکون و او و غناب لغت تنسيق الکاف سک ف بفتح
 اول و ثانی فارسی و سکون کاف و پنجر اسک ف بفتح اول و کلب و کتا تنسيق
 الواو سک کاف بفتح اول و سکون ثانی فارسی بالام و الف و و او و مجهول م
 سکاست تنسيق الهاء سک کاف بفتح اول و ثانی فارسی و فتح لام و خفاء هم گبین
 سک سکرنه ف بضم اول و ثانی فارسی و سکون را و مهمل و فتح نون و هم رکاسته
 تنسيق تحتانی سک لبی و سکلابی و سکلاوی بفتح اول و سکون ثانی فارسی در
 در همه لغت و در همه و کسر موحده و سکون تحتانی و لغت اول و لام و الف و
 کسر موحده و لغت ثانی و کسر او و لغت ثالث هم بیدستر تنسيق اللام و تنسيق
 الالف سابق المسامی بکسر اول و سکون لام و ضم قاف و سکون لام ثانی باسیم
 و الف ممد و در جبار النهر تنسيق الفوقانی سلاجست و بفتح اول و ثانی و الف
 و کسر جیم و سکون فوقانی هم قسمی از سلا رس سلت ع بکسر اول و سکون لام ف

بیماری از کس
خود را طبیعت
دی معتدل
بود در گرس
دشمن لطیف
بود و بعضی از این
گرم خشکست
در اول در
دگرگویندند
سوم در
۱۹۲

چهارم بهر هفت سکونات بضم اول و فتح ثانی و سکون حار مهمله با و الف و سنگ شیت
که که هوا طمع و صرطیخ بزرگ ص و رو تمینق الدال المهمله سلسله بفتح
اول سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی و سکون دال مهمل سلسی تمینق الواو المهمله
سکون بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و واو مهمل و نوعی از ماهی هست در نیل مصر
تمینق السین المهمله سلسله بکسر اول و ثانی و الف و واو مهمل و فتح را مهمله ثانی
و سکون سین مهمله ثانی م میوه سالیه تمینق الطاء المهمله سکیط یونانی بفتح اول
و کسر ثانی و سکون تحتانی و طاء مهمل و روغن زیت تمینق القاف سکون ع بکسر
اول و سکون ثانی و قاف و جقد رطاح ی اف محلل لطیف مجلی خ شیرین
سفید ص سرکل شلغم سکون بفتح اول و سکون ثانی و فتح میمه که کثیر تمینق الکاف
سکون ع بضم اول و فتح ثانی و سکون کاف ف کبک بجه تمینق المیه سکون ع بفتح
اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون میم و شلغم طح ر ف مدخ بستانی تازه ص
تو ابل ل جز سکون بفتح اول و ثانی م درخت سفیلان تمینق الها سلسله بفتح اول
و ثانی و الف و فتح حار مهمله و خفا و ف بول بزرگویی است که بهنگام تهج بر سنگ
کرده باشد و سنگ سیاه گردد مانند قیر تنک سلسله بفتح اول و ثانی و لام و الف
و فتح قاف شیرۀ انگور و گویند در و بسلخ الحیج بفتح اول و سکون ثانی و ضم خا حجه
و سکون لام و فتح حار مهمله و تحتانی مشدوف پوست افکنده مار و کینجلی طابی
خ ماخوفا را در ز سفید سکیط بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح خا حجه و پوت
درختی است که کیلی کینلا طح ی گویند م ف محفف ملطف در مفرج و مقوی
دل و معده و سنج سطر اندک تلخ تمام غصص و چون بشکنند بر یونده کمی ماند و دراز
قصه سور شش مانند قرفه چیده ش یکدم ص کثیر الکال دار چینی یا اسازون
تمینق التحتانی سلق بری ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف و فتح موحده

بیماری از کس
خود را طبیعت
دی معتدل
بود در گرس
دشمن لطیف
بود و بعضی از این
گرم خشکست
در اول در
دگرگویندند
سوم در
۱۹۲

بیماری از کس
خود را طبیعت
دی معتدل
بود در گرس
دشمن لطیف
بود و بعضی از این
گرم خشکست
در اول در
دگرگویندند
سوم در
۱۹۲

نویسه شده است در این کتاب

و کسر اول مملعه شده و سکون تختانی م نوعی از حاض سلق جیلی ع بفتح جیم و موصده
 و کسر لام م طیم و طح و تنسيق المیع و تنیق الالف شک صیداع بفتح
 اول میم و کاف و همزه ملینه با و فتح صاد مملعه و سکون تختانی با و ال مملعه الف
 و چشمه بود و نزد یک بهرینه صید از زمین خام و مانند ریگ لاهی کویچک بود و بحر
 فصل بهار که هنگام پیمان آبهاست صیدش نتوان کرد و نریش خورم میگو
 ع بضم اول فتح ثانی و سکون تختانی با کاف ف مای خور و تنیق الخاء المعجمه
 سمار و ف بفتح اول ثانی و الف و ضم را و مملعه و سکون و او و خا و معجم سمار و ف
 تنیق الواو المهدله ستم الحار ع بفتح اول و ضم ثانی شده و سکون لام و کسره
 مملعه با میم ثانی و الف و او مملعه و خمره ستم الفاع بفتح اول و ضم ثانی شده و
 سکون لام با فاف و الف ف مگر هوش که سبیل که است ستم و سمند و ف بفتح اول
 و ثانی و سکون نون و ضم و ال مملعه و رفعت اول و سکون و او و رفعت ثانی حیوان
 شهور که و آتش تو که کند که بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و جانور است مشهور
 که در کستان بسیار می باشد مطنطنک طح ی تنیق الغین المعجمه سمار و ف
 بفتح اول و ثانی و الف و ضم را و مملعه و سکون و او و ف کلاه ماران که لکن و هبل
 و کشته تنیق القاف سمار و ف بضم اول ثانی و الف و قاف ف تری و تنم
 سمار طاب و گویندای ۲ ق قابض مقوی معده تازه و سحر ص صطک ل
 حاض اربع یاز شک یا خطی بر سیاوشان و بفتح اول که غله کنکشی سمسق بفتح
 اول و سکون ثانی و فتح سین مملعه ثانی ع آذان الفات تنیق الکاف سمار و ف
 و بفتح اول و ثانی و الف و ضم را و مملعه و سکون و او م کبوتر ستم السک بفتح اول
 و ضم ثانی شده و فتح سین مملعه شده ثانی و میم ثانی م مای ستم ع بفتح اول
 و ثانی ف مای و جیلی زمین ط تازه و اب ۲ گویند ۲ و کسودح ی ف

نویسه شده است در این کتاب
 ۱۹۳
 نظردن بود و ک
 همچنین ذکر کرد
 در یافتن لادیم
 و گویند همدن
 چه که از گویند
 گرم و خشکست
 در چهار درجه
 خنثی
 و در زار گویند
 تنیق بود و است
 گفته شد

بسم الله الرحمن الرحیم

در باب اول
بزرگداشت
سنگ بخت
توسعه
و با هم
و تقوی
و در انفس
یا در بطن
عکس
سوی
۱۹۳

مغنی و بیخ صحیح و قریب پوست کوچک فلوس متوسط و خودی و بزرگی
و لاغری و منزه از بدوی و سکونش آب شیرین سنگریزه یا ربی بر تابه بریان کرده
عسل روغن بادام و فلفل بعد از درخت بخیل مربی و شراب ل طعم تنیق اللام
سما قیل بفتح اول ثانی و الف و کاف و سکون تحتانی و لام هم سماق بسمند
و بسمند و ف بفتح اول ثانی و سکون نون و ضم دال ممله و رفعت اول و سکون
واو و رفعت ثانی هم بسمند و تنیق المیه بسمع بکسر و ر و سین ممله و سکون هریم
ف کجده تل طاح را گویند ۲ ق محلل ملین بیخ تازه بزرگ دانه نش یک کف ص
بریان کردن و باطل خوردن ل بزرگ تان و تلمیس و در حاجین بخر بادام با خست
عسل سمع بفتح اول سکون ثانی و ف نه و شین ک بس تنیق النون بسمند و سین
بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون و ضم دال ممله و سکون را و ممله و کسر موحده فار
واظهار باو تحتانی مجهول و نون و کف دریا بسمند و نون و بفتح اول و ضم ثانی و
دال ممله شده و سکون را و ممله و ضم لام و واو مجهول و طحیظ ف نکدر یا مستحق
بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون سین ممله ثانی و فتح سیم ثانی و ضم حمله
و سکون واو م آذان الفار سمع بفتح اول ثانی و ف روغن گاو و گاو و طح
اق منضج محلل ملین خ تازه ص جمیع مقویات موده انا مرزل مسکه و بضم اول و فتح ثانی
ف کل سه برگ سمور بیون یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و را و ممله و کسر
و ضم تحتانی و سکون واو ثانی و ف کرفس بری شین ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی و ف چربی گوشت طاح رخ ماخوذا از حیوان سنگل ص بخیل محلل ملین
بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و ضم تحتانی و سکون واو مسمنه و هر ترکیبی که
بدن را خمر بکند آنرا سمنه خوانند تنیق الها سمنه ع بفتح اول و ثانی و الف و فتح
نون و خفا و هام جانوری حقیر سمنه ع بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م حبت

در طب سینه

بنوں کے بارے میں

سید محمد علی

بسم الله الرحمن الرحيم

معاون

14

۱۸

دوافع

ایم وی سی



برای

190

...

5

6

11



...

11

1

1

2



1997, 1998, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 2674, 2675, 2676, 2677, 2678, 26

بسم الله الرحمن الرحيم

ف نقل خواجہ چروغی سمف بکسل اول فتح ثانی م رنگ سبز که بزودی آب
 بهر سه تمیق التحتانی سمانی بفتح اول و ثانی و الف و کسرتون ف غلیظت
 دریایی که او را قاتل الرعد خوانند بدان سبب که چون آواز رعد بشنود میگوید
 بری بکسر بر و سین ممله سکون و هر دو میم و فتح موحده و کسرت ممله شد و م میلند
 ف تخم زرد خارتسبیق النون و تمیق الالف ستاع بفتح اول و نون الف
 ههون ترو و طح ی ف سسل سواخ مکی حجازی که بابرگهای سور و ماند و بر
 از هر دو طرف الملسی خضرش مالک بزودی و پاک از چوب جنسش در مطبوخ از
 چهارم تا هفت درم و کوفته تا سه درم ص بلبله زرد و بنفشه و ورق گل و صمغ عربی
 و کثیرا با اجاص ترهندی ل از یکی کیوزن نیم سنا و بخدی یا صری یاد و در
 سنا و دیگر و گویند بسفلیج و شاه تره سنگه با لایه بکسل اول و مخا و ثانی و فتح کاف فاری
 و انهار با الف و را و ممله ثمریست خا و در هند لیست بشکل فندق که در آب باران
 و بالایی ترا و سه خا باشد تمیق الموحده سنبلیطی بضم اول و سکون
 ثانی و ضم موحده و لام و کسرت ممله شده و سکوت ثانی و موحده ثانی که هر طح
 ی ۲ گویند مفتح محلل مقوی باغ و دلخ سکوی تازه سبک خوشبوی چون
 سعد و اشتر کوچک خوشه مجفف زبان چون بخایند بولیش در دهان درنگ کند
 نش نمیدرم ص کثیرا یا طباشیر ل و دوزن آن از خربا کیوزن سافج هندی
 مصطکی سنبلیطی بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده و لام و سکون لام
 ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث و میوه درخت سلیدار و گل لسان العنبر
 سنجاب و بکسل اول و سکون ثانی با جیم و الف جانوریست مشهور که اندک
 از پوست کلان تر باشد و از پوستش پوستین سازند گرمی وی کمتر از سموم است
 طح ی تمیق الفوقانی سنبلیطی بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون

چون آب
 سبب که
 میگوید
 میلند
 در مطبوخ
 در هند
 بکسل اول
 سنبلیطی
 بضم اول
 سکون
 ثانی
 و ضم
 موحده
 و لام
 و سکون
 لام
 ثانی
 و فتح
 کاف
 و سکون
 لام
 ثالث
 و میوه
 درخت
 سلیدار
 و گل
 لسان
 العنبر
 سنجاب
 و بکسل
 اول
 و سکون
 ثانی
 با جیم
 و الف
 جانوریست
 مشهور
 که اندک
 از پوست
 کلان
 تر باشد
 و از پوستش
 پوستین
 سازند
 گرمی
 وی کمتر
 از سموم
 است
 طح ی
 تمیق
 الفوقانی
 سنبلیطی
 بفتح
 اول
 و سکون
 ثانی
 و ضم
 موحده
 و سکون

بسم الله الرحمن الرحيم

همه در این راه خوانند = سندروس و نبات دار گویند اورینج کدو و نیلانیست میس

و فوقانی از زیر اسکناس پشت بفتح اول سکون ثانی و کاف فارسی و ضم موحده
فارسی و سکون شین بحجم م لاگ پشت که کچو اتمینق الحیو سبناوچ بعضم
اول سکون ثانی با موحده و الف بفتح و ال مهله سکون میم و سبناوچه که کز
که بر و اقرا ز با نیز کنند طایبی سق مفرح تینق الحاء المعجه سنج بفتح
اول ثانی و سکون خا بحجم م نمک تینق الدال المهمله سنج و سکون اول
سکون ثانی و کسر جیم و سکون ال مهله م غیلر سنسنا بفتح اول و سکون ثانی
باسین مهله ثانی و الف و های تیری تینق الراء للمهمله سنج بفتح ال
و سکون ثانی و فتح جیم و سکون فار و و مهله م زنجر سنسند بفتح اول و سکون
ثانی و ضم و ال مهله م سنسند روس شد و رة بکسر اول و خفا و ثانی و ضم و ال مهله و سکون
و اوم سرخ سنسکیر بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و کسر سم و تحتانی
بهمول جانوزیست پزنده سنگین سار و بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف فار
و سکون تحتانی و نون ثانی با سین مهله ثانی و الف نام طائر لیست سیاه رنگ
که بر پشتش نقطه ها سپید باشد م سار و سنسورج بکسر اول و فتح ثانی و سکون
و اوف گربه بلی طاح و تینق الزاء المعجه سنسرف بعضم اول کسر ثانی و زاء معجه
م سیاه و انه سنسوز بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی و کسر و و سکون تحتانی
و زنجیل و سنسوز تینق السین للمهله سنسند روس و بفتح اول و سکون ثانی
و فتح و ال مهله و ضم و ال مهله و و اومهمول و سین مهله ثانی م صفیست شبیه که بر او
روغن کمان از و سازند طحی آگونی داق مجفف خ صافی ش نیم شقال
ص بوزیدان ل که با واک سنسند و قس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم
و ال مهله و سکون و اوم کسر قاف م سرخ سنسکر و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
کاف فارسی و و ال مهله و سکون کاف ثانی م نگر تینق اللام سنسلف بعضم اول و سکون ثانی

گرم هست
در دوطول
و شکست
در دوم در
قافض است
بنیوفر
پایه است
نیو بزرگ
گویند
۱۵۱

است که در این کتاب
که در این کتاب
که در این کتاب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

عالمی شمس
مرکز است
از آن در هر
محال است
در هر محال
و این محال
است که
محال است
محال است
محال است
محال است

۱۹۷
 نیل گالا
 چوانیست
 که هندو در
 خوانند
 پاسپالو
 افروزیست
 هندو
 در حرف
 سخن گفته

[illegible]

و الف و ضم هاء ثانی و واو مجهول و کسر لام و دوای هندیت طح ق ملین
 سنگ بصری بفتح اول و سکون ثانی و کسکاف فاصی فتح موحده و صاد ممله
 و کسر و ممله ف تو تیار سفالک کعبه یاسنی ف بکسر اول ثانی م ریم آهن
 تنیق الواو و تنیق کالاف سوناة بضم اول و او مجهول بانون الف
 ف زر و طلائع تنیق الموحدة الفارسی سوپ ک بضم اول و سکون واو و صو
 فارسی ف آب تنیق الفوقانی سوادا لقضات بفتح اول ثانی و الف و ضم
 و ال ممله و سکون لام و ضم قاف و فتح ضا و مجر مشد و و الف فوقانی م بازو
 ما جو بیل تنیق الجیم سورج بضم اول و سکون ثانی و فتح را و ممله و سکون جیم
 ف نوعی از کفدر یا تنیق الخاء المجهول سوخ ف بضم اول و سکون ثانی و ظاهر
 م نیاز تنیق الدال المهمله سوادا السند و سوادا السند بفتح اول و ثانی
 و الف و ضم و ال ممله و کسر سین ممله شد و ثانی و سکون نون با و ال ممله و لغت
 اول و کسر کاف و لغت ثانی نوعی از سیلونه است از سیلونه السوادا گویند دل صد
 سو سفید ف بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی و فتح موحده فارسی سکون
 نون م شیر گیاه و دوهی تنیق الراء الممله سوادا و النهر بفتح اول و ثانی و الف
 و ضم و ال ممله و فتح نون مشد و سکون با و را و ممله م کشت بر کشت سوسمار
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی یا سیم و الف م با و نویست ش شکل
 را سوع ضب کوه سویق الشعیر بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم
 قاف و فتح شین مجر مشد و کسر سین ممله و سکون تحتانی ثانی ف بست جو
 ه ستور کوی طای ای احد قد سفید تنیق السین المهمله سوسع
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی ف ممله م مری طح ی گویند مع
 گویند اب ف مقوی دل و حلال لطف و محلی خ بنج زر و تنگ ش یکشتقال

و الف و ضم هاء ثانی و واو مجهول و کسر لام و دوای هندیت طح ق ملین
 سنگ بصری بفتح اول و سکون ثانی و کسکاف فاصی فتح موحده و صاد ممله
 و کسر و ممله ف تو تیار سفالک کعبه یاسنی ف بکسر اول ثانی م ریم آهن
 تنیق الواو و تنیق کالاف سوناة بضم اول و او مجهول بانون الف
 ف زر و طلائع تنیق الموحدة الفارسی سوپ ک بضم اول و سکون واو و صو
 فارسی ف آب تنیق الفوقانی سوادا لقضات بفتح اول ثانی و الف و ضم
 و ال ممله و سکون لام و ضم قاف و فتح ضا و مجر مشد و و الف فوقانی م بازو
 ما جو بیل تنیق الجیم سورج بضم اول و سکون ثانی و فتح را و ممله و سکون جیم
 ف نوعی از کفدر یا تنیق الخاء المجهول سوخ ف بضم اول و سکون ثانی و ظاهر
 م نیاز تنیق الدال المهمله سوادا السند و سوادا السند بفتح اول و ثانی
 و الف و ضم و ال ممله و کسر سین ممله شد و ثانی و سکون نون با و ال ممله و لغت
 اول و کسر کاف و لغت ثانی نوعی از سیلونه است از سیلونه السوادا گویند دل صد
 سو سفید ف بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی و فتح موحده فارسی سکون
 نون م شیر گیاه و دوهی تنیق الراء الممله سوادا و النهر بفتح اول و ثانی و الف
 و ضم و ال ممله و فتح نون مشد و سکون با و را و ممله م کشت بر کشت سوسمار
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی یا سیم و الف م با و نویست ش شکل
 را سوع ضب کوه سویق الشعیر بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم
 قاف و فتح شین مجر مشد و کسر سین ممله و سکون تحتانی ثانی ف بست جو
 ه ستور کوی طای ای احد قد سفید تنیق السین المهمله سوسع
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی ف ممله م مری طح ی گویند مع
 گویند اب ف مقوی دل و حلال لطف و محلی خ بنج زر و تنگ ش یکشتقال

و الف و ضم هاء ثانی و واو مجهول و کسر لام و دوای هندیت طح ق ملین
 سنگ بصری بفتح اول و سکون ثانی و کسکاف فاصی فتح موحده و صاد ممله
 و کسر و ممله ف تو تیار سفالک کعبه یاسنی ف بکسر اول ثانی م ریم آهن
 تنیق الواو و تنیق کالاف سوناة بضم اول و او مجهول بانون الف
 ف زر و طلائع تنیق الموحدة الفارسی سوپ ک بضم اول و سکون واو و صو
 فارسی ف آب تنیق الفوقانی سوادا لقضات بفتح اول ثانی و الف و ضم
 و ال ممله و سکون لام و ضم قاف و فتح ضا و مجر مشد و و الف فوقانی م بازو
 ما جو بیل تنیق الجیم سورج بضم اول و سکون ثانی و فتح را و ممله و سکون جیم
 ف نوعی از کفدر یا تنیق الخاء المجهول سوخ ف بضم اول و سکون ثانی و ظاهر
 م نیاز تنیق الدال المهمله سوادا السند و سوادا السند بفتح اول و ثانی
 و الف و ضم و ال ممله و کسر سین ممله شد و ثانی و سکون نون با و ال ممله و لغت
 اول و کسر کاف و لغت ثانی نوعی از سیلونه است از سیلونه السوادا گویند دل صد
 سو سفید ف بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی و فتح موحده فارسی سکون
 نون م شیر گیاه و دوهی تنیق الراء الممله سوادا و النهر بفتح اول و ثانی و الف
 و ضم و ال ممله و فتح نون مشد و سکون با و را و ممله م کشت بر کشت سوسمار
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی یا سیم و الف م با و نویست ش شکل
 را سوع ضب کوه سویق الشعیر بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم
 قاف و فتح شین مجر مشد و کسر سین ممله و سکون تحتانی ثانی ف بست جو
 ه ستور کوی طای ای احد قد سفید تنیق السین المهمله سوسع
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی ف ممله م مری طح ی گویند مع
 گویند اب ف مقوی دل و حلال لطف و محلی خ بنج زر و تنگ ش یکشتقال

وایمنند قافیه پیرایه من گویند سال بابی اعمار کنند مضرب کبرو

خوارک سونم که بهضم اول و ثانی مجهول و فغا و لون و فتح فوقانی هندی و اظهار با
ع و زجیل تمیق التختانی سوبدی و بهضم اول سکون ثانی و موهده و کسر اول
معلمه سارع زرد و روان طائر لیست سوبدی بهضم اول و سکون ثانی و کسر اول
معلمه و نوعی از زجاج سرخ است که مزاج کفشگر آن خوانند طاحی سوم بلدی
بهضم اول و ثانی مجهول و میم و فتح موهده و کسر اول و دای مشهور بهند لیست
بهضم اول و ثانی مجهول و لون ساکن باسیم و الف و کسر اول و اظهار باهم قرشیش
و تمیق التختانی و تمیق الالف سه گاه بهضم اول اظهار با و الف با کاف فارسی
و الف ثانی و تنکا سه گاه بهضم اول و کسر ثانی و سکون ثانی و فتح جمیع بانون و
م و دخت بهند لیست و کونیز لفل سفید تخم اوست سحر اول بهضم اول و ضم ثانی
و د و او مجهول بار او معلمه و الف و دخت مشهور بهند لیست که بالی صیغه مار کرد و چوب
لر و تمیق الزام المعلمه سرف که اول و سکون ثانی م گاو و تمیق الکاف
که کوکب و بکسر اول و ضم ثانی و کاف و د و او مجهول و فتح با و سکون کاف
بانی م خا خسا که گوهر و تمیق اللام سگ و فتح اول و ضم ثانی و کاف و
م و خست که چون سیوه پخته شود و سرخ گردد و ف قابض تمیق التختانی سندی
بهضم اول سکون ثانی و کسر اول معلمه و تختانی مجهول و کسر موهده و سکون تختانی
م دای بهند لیست طاب و ف دافع حرارت اگر خنجر اسلیمه بر قضیب طلا کنند
هرز نیکه مقاربت نمایند فریخته گردد و چون کوفته پارچه نیز نموده با بول انسان شسته
و ساخته بر بدن عرق دمی بر بندند این رخ بار و تمیق التختانی و تمیق الالف
سیا بهضم اول و تختانی م سنا سیبیا بکسر اول و سکون ثانی و کسر موهده با تختانی
نی و نام ماهی مشهور است در نواحی بیت المقدس سیبیا بکسر اول و سکون ثانی
مین معلمه ثانی و سرب تمیق الموهده سیبیا بکسر اول با ثانی و الف و موهده

دیر و بیضا
خندان از
کویندین
قاندین
الایچه خرد
عاشقش
گرمست در
درماد خنک
در دوم جرد
سردی ازین

۲۰۰
سودید و منعم
ست
هل بقار
سلمان
مست
جوانان گرامی
اولاد خود را
برای تحصیل
باید

دی چون
مجلس کتبی
قافیه
در این مجلس
اشکات
و در آن
پایان

مجلس است یلیکونج دیوانی در دربار اعلیٰ در دربار اعلیٰ در دربار اعلیٰ

یا فطر سالیون تینیق الکاف عیسکر و عیسک سبک و سبک و ف بکسر اول
و سکون ثانی و کسرین ممله ثانی و سکون و او ممله و کاف و رفعت اول و کسر
سین ممله ثانی و رفعت ثانی و کسر کاف اول و رفعت ثالث و کسر لام و رفعت
رابع م کرم گندم خوار تینیق الکاف الفارسی سماهنگ و بکسر اول و سکون
ثانی یا سیم و الف و فتح با و سکون نون و کاف فارسی م فتاوری تینیق اللام
سبیل و الف و ثانی و لام و ف یا سین و بکسر اول سیم هندی ست
ف شغال سبیل و بکسر اول سکون ثانی یا سیم و الف و فتح با و سکون ثانی و ضم نا و محبه
و سکون و اوج تشی و ساهی سبیل و بکسر اول و فتح ثانی و اظهار با و ضم ن
ممله ثانی و سکون نون و ضم موهده م سینبر تینیق النون سبیل و الف و فتح
اول و سکون ثانی و ضم موهده و سکون و او و فتح سین ممله ثانی و سکون نون
م سبیل و سکون و بکسر اول و سکون ثانی یا سین ممله ثانی و الف و ضم با و
ممله و سکون و او و ف و سبیل و اینه طحی و سبیل و بکسر اول و سکون
ثانی و فتح سین ممله یا ثانی یا موهده و الف م حب الف و سبیل و بکسر اول و
سکون ثانی و ضم سین ممله ثانی و سکون و او و ف و سبیل و اینه طحی و سبیل و بکسر اول و
خون و او و ف و سبیل و اینه طحی و سبیل و بکسر اول و سکون ثانی و فتح کاف و او ممله و الف
ع بنو البنج سبیل و بکسر اول و ثانی ممله بالام و الف شیر که از فوار سید
ممله سیند بالون و بکسر اول و ثانی ممله و خوار نون و فتح دال ممله و اظهار با
و الف و ضم لام و او و ممله م کسنگ تینیق الود و سبیل و بکسر اول و فتح
ثانی و سکون سین ممله ثانی و ضم را و ممله و سکون و او و م کرم گندم خوار سبیل و
بکسر اول و ثانی ممله و او و ممله م سبیل و اینه طحی و بکسر اول یا ثانی و الف
و اظهار با و دال ممله و الف ثانی و فتح نون و کلوی سبیل و بکسر اول و سکون

ماریچور مسطور
هندو
کلیا پاری
کلیندیش
کلیترو گوند
کلیسی سیتی
کراسی مری
دیوانی طلوع
رند بیست

11

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دروساً لمن يتفكر فيها

[illegible]

و کسر جیم فارسی و سکون عین مع فتح نون م جانور باشد که شکار نیست تمیق الخصال
 سنی و کسر اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون ثانی و ثانی ثانی م ریم آهن بی
 و کسر اول م سنگ ترفیم الثعین المعجمه و تمیق لالف و تمیق القوق
 شاه درخت و فتح اول و سکون ثانی و اظهار با و فتح و ال ممله و را و ممله و سکون
 خا و معجمه نو قالی م درخت صنوبر تمیق الجیم شاه رخ بفتح و ال ممله و نون
 و سکون جیم م شاد و و حجر الدم طناش سقا و ای ۲ و شسته اوب گونید
 ۲ ق قابض محقق جابن رخ م مدسی که از حدس پهن تر باشد و بسیار رخ سیاه
 مایل و و سکون و موصول من نیم مشقال من حصاره زرشک ل نیم وزن آن رو
 سوخته و چهار دانگ وزن آن تو تیا می کرانی یا حجر مضططیس سوخته شاه رخ
 ع بسکون یا و فتح نو قالی و را و ممله و شاه تره بیت پایره طح ای ۲ گویند
 ب ا ق مفتح منقی و مسل صفر اخ سبز تازه تلخ منق از آب انیسون طرا و و شکست
 رطل و شک و مضطبوخ تا و ده ورم و در غیر مضطبوخ تا هفت ورم ص کیمو و رطل
 ل نیم وزن سنار یکی و چهار دانگ وزن بلبله زرد و در تپهای کهنه شکال و ج ع
 بشین معجمه و الف و را و ضم لام و سکون و ا و ف شاه آوز و رسیده تمیق
 لحاء المعجمه و شلخ و سکون خا و درخت و شاخ حیوانات و عطریات که اگر گریه
 حاصل شود ع ز باد شاخ و ف بیم و الف ثانی که غله سافو تمیق الدال الممله کینه
 و سکون کان و فتح جیم و سکون نون و و ال ممله م م تمیق الراء الممله
 شاد و سکون را و ممله م شغال م جانور یکمانند طوطی سخن گوید و از اشارت
 و شد و نیز گویند شانه سرف بفتح نون و خفا و و فتح سین ممله ع در به شاه انجیر
 و یا اظهار با و فتح همزه و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری
 تمیق الطاء الممله شاه بلوط یا اظهار با و ضم موهده و لام و سکون و او و

و کسر جیم فارسی و سکون عین مع فتح نون م جانور باشد که شکار نیست تمیق الخصال
 سنی و کسر اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون ثانی و ثانی ثانی م ریم آهن بی
 و کسر اول م سنگ ترفیم الثعین المعجمه و تمیق لالف و تمیق القوق
 شاه درخت و فتح اول و سکون ثانی و اظهار با و فتح و ال ممله و را و ممله و سکون
 خا و معجمه نو قالی م درخت صنوبر تمیق الجیم شاه رخ بفتح و ال ممله و نون
 و سکون جیم م شاد و و حجر الدم طناش سقا و ای ۲ و شسته اوب گونید
 ۲ ق قابض محقق جابن رخ م مدسی که از حدس پهن تر باشد و بسیار رخ سیاه
 مایل و و سکون و موصول من نیم مشقال من حصاره زرشک ل نیم وزن آن رو
 سوخته و چهار دانگ وزن آن تو تیا می کرانی یا حجر مضططیس سوخته شاه رخ
 ع بسکون یا و فتح نو قالی و را و ممله و شاه تره بیت پایره طح ای ۲ گویند
 ب ا ق مفتح منقی و مسل صفر اخ سبز تازه تلخ منق از آب انیسون طرا و و شکست
 رطل و شک و مضطبوخ تا و ده ورم و در غیر مضطبوخ تا هفت ورم ص کیمو و رطل
 ل نیم وزن سنار یکی و چهار دانگ وزن بلبله زرد و در تپهای کهنه شکال و ج ع
 بشین معجمه و الف و را و ضم لام و سکون و ا و ف شاه آوز و رسیده تمیق
 لحاء المعجمه و شلخ و سکون خا و درخت و شاخ حیوانات و عطریات که اگر گریه
 حاصل شود ع ز باد شاخ و ف بیم و الف ثانی که غله سافو تمیق الدال الممله کینه
 و سکون کان و فتح جیم و سکون نون و و ال ممله م م تمیق الراء الممله
 شاد و سکون را و ممله م شغال م جانور یکمانند طوطی سخن گوید و از اشارت
 و شد و نیز گویند شانه سرف بفتح نون و خفا و و فتح سین ممله ع در به شاه انجیر
 و یا اظهار با و فتح همزه و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری
 تمیق الطاء الممله شاه بلوط یا اظهار با و ضم موهده و لام و سکون و او و

و کسر جیم فارسی و سکون عین مع فتح نون م جانور باشد که شکار نیست تمیق الخصال
 سنی و کسر اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون ثانی و ثانی ثانی م ریم آهن بی
 و کسر اول م سنگ ترفیم الثعین المعجمه و تمیق لالف و تمیق القوق
 شاه درخت و فتح اول و سکون ثانی و اظهار با و فتح و ال ممله و را و ممله و سکون
 خا و معجمه نو قالی م درخت صنوبر تمیق الجیم شاه رخ بفتح و ال ممله و نون
 و سکون جیم م شاد و و حجر الدم طناش سقا و ای ۲ و شسته اوب گونید
 ۲ ق قابض محقق جابن رخ م مدسی که از حدس پهن تر باشد و بسیار رخ سیاه
 مایل و و سکون و موصول من نیم مشقال من حصاره زرشک ل نیم وزن آن رو
 سوخته و چهار دانگ وزن آن تو تیا می کرانی یا حجر مضططیس سوخته شاه رخ
 ع بسکون یا و فتح نو قالی و را و ممله و شاه تره بیت پایره طح ای ۲ گویند
 ب ا ق مفتح منقی و مسل صفر اخ سبز تازه تلخ منق از آب انیسون طرا و و شکست
 رطل و شک و مضطبوخ تا و ده ورم و در غیر مضطبوخ تا هفت ورم ص کیمو و رطل
 ل نیم وزن سنار یکی و چهار دانگ وزن بلبله زرد و در تپهای کهنه شکال و ج ع
 بشین معجمه و الف و را و ضم لام و سکون و ا و ف شاه آوز و رسیده تمیق
 لحاء المعجمه و شلخ و سکون خا و درخت و شاخ حیوانات و عطریات که اگر گریه
 حاصل شود ع ز باد شاخ و ف بیم و الف ثانی که غله سافو تمیق الدال الممله کینه
 و سکون کان و فتح جیم و سکون نون و و ال ممله م م تمیق الراء الممله
 شاد و سکون را و ممله م شغال م جانور یکمانند طوطی سخن گوید و از اشارت
 و شد و نیز گویند شانه سرف بفتح نون و خفا و و فتح سین ممله ع در به شاه انجیر
 و یا اظهار با و فتح همزه و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری
 تمیق الطاء الممله شاه بلوط یا اظهار با و ضم موهده و لام و سکون و او و

و کسرتون م حنا تنسيق و تنيق الموحدة ه شبع الفتح اول موحدة مشددة
 ف نراج بلور و زراک سفید ه پیشگری طح ی ۳ گویند و ف قابض محففت
 نخ یانی سفید ناکل بزرگی ص سکه و شیر تازه و شکو و اوبات ل نکات تخ و شکو
 نیموزن شبان قریب ف بعض اول ثانی و الف و لون و کسر فار در مصله سکون
 تختانی موحدة ثانی م مرغ کو چاک شبیه بابا بشه و هرگاه بزرگ نشیند چنان معلوم
 شود که قوت بر خاستن در پیردن ندارد و همین که کسی قصد گرفتن او کند پیرده اندک
 و در تر نشیند و هر چند که بیشتر برون و بیشتر فته بدینند شب تاب ف الفتح اول سکون
 با فوقانی و الف م کرکلی که در شب و دن نماید از طرفی ف که به بندش مگو گویند تنيق الفوقا
 شبت ع کسر اول و ثانی ه سوط مضج منوم خ منبر تازه نگفته گل شد و دو دم ص ص اصری
 قرطی الیمو یل سیکم ل نیمون تخم جان یا بابونه تنيق الراء المصله شبانوف الفتح
 و ثانی و الف و خض و لون و الفتح و او سکون را مصله م شب پره شب تاب ف الفتح اول سکون
 با تختانی و الف م تری صبره گکی و اطح ی ق سهل صفر تنيق الزا و معجده شبانوف الفتح
 و ثانی مشد و الف را و معجده مشد شبانوف و الفتح اول سکون تا فتح هنر و سکون فاضله
 مصله و او مبول را و معجده م شب تاب شبانوف الفتح اول سکون تا فتح هنر و سکون
 کان فار تختانی مبول م بخیر خست بز الدیج ه خراسا اجون کی جز و بزرگ آن سببی شاد
 ف بد هنر و کسر او تختانی مبول م رفی است که شبها خود را بیا اشتیخ و خست زید و حق و
 وادامی که چند قطره خون از گلویش نچکه خاموش نشود و تنيق الطاء المصله
 شبطی ط الفتح اول و کسرتانی و طاء مصله با موحدة ثانی و الف و طاء مصله ثانی
 ف کشته شبطی الفتح اول و ضم ثانی و سکون و او ک مچلی و رو و تنيق الغین
 المعجده شب چراغ ف الفتح جیم و او مصله و الف و غین معجده گوهری که در شب
 رو شنانی و دید گویند کاوی از دریا بر می آید شبها و گوهر زرد که از دریا بر آید

ایده محزون درود
در دیست
از وادی ماه
خفتن سگ ارباب
بود یک روز کار
گویند و بخیر
نیک سپید
از برون
سے آند و دوم
را فراغش کند
۲۰۶
مناجرت از حضرت
بر پادشاه
کسی است
رفضی از کمال
بسیار حج و عمره
و زیارت
و دعا و روزه
و غیر اینها

بر زمین می نهد و بر تنهی آن چرامی کند تمیق الکاف شبان از یک شبان فرود
ف الفتح اول و ثانی بالالف و نون و کسر فا و راء مهمله و تحتانی مجهول و فتح موصوفه ثانی
و سکون کاف در لغت اول و فتح واو و در لغت ثانی م مرجع شبان فریب شب چنگ
بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و راء مهمله و الف و فتح ضین معروف کرم تثلیث
شب نیزک بکسر خا رجحه و تحتانی مجهول و فتح زار معروف تره نیزک ع شاد تمیق
الکاف الفارسی شبرنگ و الفتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و خطا و نون و
کاف فارسی م گلی مست خورو و سیاه رنگ بانگ زر روی در و سنگ سیاه براق که
آتش بد نیز خوراند و طب می تمیق المید شبرم بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله
و سکون جیم شمی از یو عات مست و بسو لاطح ای ۲ ق سهل صفر سبک
که رنگ ساقش نائل بزمی باشد ش داگلی و گویند خیرم تا یکدرم ص در سر که
یاد شیر تاز خیسانیدن ل میوزن باز ریون یا قضا الحار تمیق اللفون شکون
بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واو و نون م شب چراغ تمیق
شبان فروغ بفتح اول و ثانی و الف و نون و فتح فا و کسر راء مهمله و تحتانی مجهول
و واو مجهول م شبان فریبک تمیق الها شبره ف بفتح اول و ثانی مشدده و الف
و فتح راء مهمله و خطا و بام شبر و شب الا شکاره بفتح اول و ضم ثانی مشدده و سکون
لام و فتح همزه و سکون سین مهمل کاف الف و فتح قاف قلیه و شامی شیوه بفتح اول
و ضم ثانی و سکون واو و فتح قاف م خا هنر شب بفتح اول و ثانی م سنگ رنگ
شب یازده تحتانی و الف و فتح زار و رجحه و همکا و تمیق التحتانی شبوی ف بفتح اول
و ضم ثانی مشدده و واو مجهول و تحتانی مجهول م کلید است کبود و سفید و دیگر الوان
که شب بوی در شبیبی ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر موصوده ثانی
ف برگ بزرگ بفتح ق مخدر کیف تمیق الموحدة الفارسی و تمیق الزاء

در رسیدن به نفع است اخلاط افزاینده که نفع کمیند مضر برای انسان

شبهه ف بفتح اول ضم موحده فارسی شده و واو مجهول و زائ مجسم شبهه تمینق
 الکاف شبرک ف بفتح اول زائ فارسی شده و را ممله چمکا و تمینق الراء
 شبهه ف بفتح اول زائ فارسی شده و را ممله خفا و راه چمکا و شبهه ف بفتح
 اول و کسر زائ فارسی فتح شین مجتمعی که سیست که اکثر زائ باستان در جایها
 پیشین می گذرم و دیگر غله را بیفتد و آنرا ثاباه سازد تمینق الراء الفوقانی تمینق الراء
 المله شخارف بضم اول و فوقانی و سکون را و ممله باخا و معجده الف و را ممله ثابا
 مجسمی از فار که شتر آنرا بر غبت تمام می کند شتر موز ف بضم سیم و سکون و او م
 اشتر موز تمینق الراء المعجده شخارف بغین معجده الف و را ممله مجسم و خت نکند
 تمینق النون شتر و دان ف بفتح و ال ممله و سکون نون با و ال ممله ثانی و الف
 و نون ثانی نوعی از مزاج مصر است تمینق الواو شتر گاؤف بحاف فارسی الف
 و واو مجهول م فراقه که سر آن بستر شتر ماند و گویند بسر گاؤ کوهی ماند و سینه و شتر شخ
 همه بگا و ماند شاخش از شاخ گاؤ کوچکتر و دیگر و پوستش چون پوست پلنگ
 پر خال و درم بد هم آمو و دندان پندان خرم اند و گردن و دستها بسیار دراز و
 پایها کوتاه و گویند زانو ندارد و گویند که چون نافه حبشه با گاؤ کوهی جمع شود این
 اول شود و در ولایت توبه بهر ستمینق الراء شتر ف بفتح اول و ثانی و خفا و
 انگور تمینق التختانی شتر پای ف موحده فارسی الف تحتانی مجهول م گیا هیست
 که بر کش چون پای شتر ماند تمینق الجیم و تمینق الموحده شجرة الدب بفتح
 اول و سکون جیم و فتح را و ممله و ضم فوقانی و دال ممله شده م درخت زعرور
 تمینق الفوقانی شجرة الحیات بسکون لام و فتح را و ممله و تحتانی آمده و الف م
 و درخت سرو تمینق المشکله شجرة البراغیث بسکون لام و فتح موحده و را ممله و
 و کسر عین مجسم و سکون تحتانی م درخت غافتم تمینق الراء المعجده شجرة الوز

وگران و می
و بنامیت
مغوی دل و
جمع اعضا
مشقی طعام
ودافع فساد
باد و مضار
شیر و آن
بطبع و بلین
در کشتی

۲۰۸

سوی و نام
نخل گشت
و شکست
نیکی و در چرخ
از بسبب این
است که
نخل از سبب
رخصت خاک و آب

[illegible]

بسكون لام وفتح هاء ف دخت اسهر كثر ان لسان العصفافير ست
 تمنيق الغين الميمله شجرة الضفادع بفتح ضاد معجمه شد و بانا الف
 وكسر وال ميمله م كس ويران تمنيق الفاشجرة الميمله
 بسكون لام وفتح ضاد معجمه باطامهله والف وكسر طاء ميمله تاني
 وسكون تحتاني م با ميران تمنيق القاف شجرة البق بسكون
 لام وفتح موحده م سفيدار ف دخت پشه شجرة البق بسكون
 لام وفتح موحده و هام قنار بری ف شوره شجرة الدبق بكسر
 وال ميمله مشدده وسكون موحده م دخت پستان شجرة البق
 ع بكسر نون مشدده وسكون موحده ف دخت كنار تمنيق
 الكاف شجرة آبله مالک وبهزه ملينه با وفتح بهزه وكسر موحده
 وسكون تحتاني بايم الف وكسر لام ف نوعي از اشنان تمنيق الميم شجرة ابرام
 بكسر بهزه وسكون موحده بار او ميمله والف وكسر با وسكون تحتاني ف نچنگشت شجرة البق
 بفتح وال ميمله مشدده ف شنگار شجرة رستم بضم را ميمله ثاني وسكون سين ميمله وضم فوقا
 م زرا وند طویل شجرة مريم بفتح ميم وسكون را ميمله وفتح تحتاني م بخور مريم تمنيق الحاء
 شجرة الكه بد بهزه وكسر كاف وفتح لام م شجرة السد شجرة السد بفتح اول و ثاني و را ميمله
 وضم فوقاني و لام مشدده و بالف تقدیری و اظهار هاء ف دخت ديودار شجرة بارق
 با موحده والف وكسر او ميمله ثاني وفتح وال ميمله م بلبل شجرة حره بضم حاء ميمله وفتح را
 ميمله مشدده ثاني ف آزاد و دخت ه نيب تمنيق تحتاني شجرة موسی بضم ميم وسكون
 واو با سين ميمله والف مقصوده ف دخت سگل بدان سبب موسی عليه السلام
 نسبت كرده اند كه گویند كه موسی عليه السلام آتش ازان دخت بدید تمنيق
 الحاء الميمله و تمنيق الموحده ف شحم الذب ع بفتح اول وسكون ثاني وضم ميم

[illegible]

14

و در فتنه
و فساد صفا
و خون بیاورد
سوزش اعضا
و ضرب و سقط
که بسینه رسیده
باشند و اوج
یفه نیت
و کمالی اوج
خسته که بسیر
باشد

ان ليلى
صفر اتر
دفعه پنج
و دفعه دو
ادامه پیر
بدن است
در دست
الاسی
خام و
مضج

۲۱
جایگاه انواع
جایگاه طبیبان
جایگاه راجیان
جایگاه وراثت
جایگاه وراثت
جایگاه وراثت
جایگاه وراثت
جایگاه وراثت

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

تجربہ حاصل ہو

ر و دست ع زعر و تہنیک الکاف الفارسی شریک لفتح اول و ثانی و سکون
 انون م خر و زہ تلخ غنظل تہنیک النون شریک لفتح اول و سکون ثانی و
 کسر موحده و سکون تحتانی و ثون ف درخت قطران حبشی ست از شجرہ صنوبر
 طحی ۲ قابض ش کیثقال ص اسندل اہل تہنیک تحتانی شریک ف
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و کسر فوقانی و سکون تحتانی م تخم ریحان
 کو چتر شری بفتح اول و کسر ثانی و درخت غنظل تنسیق الشین المہملہ
 و تہنیک اللام شش قائل بفتح اول و سکون شین سحر ثانی با قاف الف و ضم
 قاف ثانی و سکون لام م شش قائل تہنیک الہا ششترہ بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر فوقانی و فتح را مہملہ م فوہہ جیمہ تنسیق الطاء المہملہ و تہنیک الہاء
 شطریہ بکسر اول و سکون طاء مہملہ و کسر را مہملہ و فتح تحتانی م نوعی از صفت
 تنسیق العین المہملہ و تہنیک الواو المہملہ شتاریرع بفتح اول با عین مہملہ
 و الف و کسر را مہملہ و سکون تحتانی و طاء مہملہ ثانی ف خیار زہہ لکڑی شولجیا
 ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم را مہملہ و سکون لام و کسر جیم موحده و الف و
 پرسیا و شان شعاع بفتح اول و سکون ثانی ف سوی ہ بال طایح ۳۰۲ ف
 خ سوی آدمی معتدل کہ سوختہ باشند صوف شعیع بفتح اول و کسر ثانی و سکون
 تحتانی ف جو ط ب ی اگو نید ۲ ق محلل مجلی خ سفید تازہ بزرگ دانہ فرہ
 ش از آبل و صد ورم ص ابازیر کرمل ماش تہنیک النون شعاع المجر بفتح اول
 و سکون ثانی و ضم را مہملہ و سکون لام و کسر جیم و سکون نون ف پرسیا و شان
 تہنیک الہا شعاع الصفا لیمع بفتح اول و ثانی و سکون واو و ضم را مہملہ مشد
 با قاف و الف و کسر لام و فتح موحده ف زعفران تہنیک تحتانی شعیع رومی ۳۰۳
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر را مہملہ و ضم را مہملہ ثانی و سکون او و کسر

تجربہ حاصل ہو
 دست سبب
 بلج شریک
 مدافع سداو
 و بجز سداو
 سبب
 شریک
 شریک
 شریک

۲۱۱
 بعضی فارسی
 ابتدا گویند
 شریک
 بسیار شریک
 شریک
 باشد و نشان
 و از نشان
 رویند باشد
 در کتب ہند
 کاویہ

کتابت در کتب
 و بار و توی
 و بار و توی
 و بار و توی
 و بار و توی

مرگ موش تمینق الجیم شکنج ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و جیم م نوعی از
 شکو پنج کس اول و ضم ثانی و واد و بول و فتح با و سکون نون م خا خشک تمینق
 الدال المهمله شکنج ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و واد و بول م خا خشک
 تمینق الکاف شکا نک ف بفتح اول و سکون ثانی و دال ف و فتح نون م سنگ لانه
 مرغان شکنج ف بفتح اول ع سم الفار و مرگ موش کافی و نیز طائر عک تمینق
 الکاف الفارسی شکر برک ف بفتح اول و ثانی و سکون راء و ممل و فتح موحده
 و سکون راء مهمله ثانی و کاف فارسی جنبی از شکر بار صافی ع غیر هره تمینق المیم
 شکر بار دام ف بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله با موحده و الف و دال مهمله و الف
 ثانی م خوبانی تمینق تحتانی سکاعی ع بضم اول و ثانی و الف عین مهمله و الف
 مقصوره ف با و آورد طاح ی ۳ گویند ای ۲ ق محلل خ سترانه ش و درم
 ص ل تنسیق الکاف الفارسی و تمینق الراء المهمله شکا نک ف بفتح اول
 و کاف فارسی الف م شغال بضم اول م زکال تمینق اللام شکال ف بفتح اول و ثانی و کاف
 و الف لام م شغال بضم اول م زکال تنسیق اللام و تمینق الکاف شکا نک ف بفتح اول و سکون
 اللام یا کاف الف م زلوه چونک تمینق الراء المهمله شکا نک ف بفتح اول و ثانی و سکون
 صبیح یا فاد الف و راء ممل ع اصل السوس و ملشی و شکلی ف بفتح اول و ثانی و سکون
 قسری شفتا لوم شفتا نک تمینق الکاف شکا نک ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و واد و بول
 و کاف شاکه دران شکا نک شکو ف بفتح اول و سکون ثانی و دال ف و فتح نون م خا خشک
 ثانی م زلوه چونک تمینق اللام شل ف بفتح اول و سکون ثانی و ثمر لیست شکا
 مانده بی بطعم تلخ و تند فی الجملة آنرا سفر جل هندی خوانند م بل و بل گویند شکا
 ثمر لست طاح ۳ راشلیل ف بفتح اول و سکون تحتانی م شکلی تمینق المیم
 شکیم ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون یم ف شکم طاح ۳ راشکم

باب در بیان
و جابجاییست
و ایضا
و نوشتن
فصل در بیان
گرامر و ادب
و بیانی
و شرح

۲۱۳
گنج حرم و
بازار دوم بطبع
کرد و گران
و جانیست
و امیل و بوز
و نسا و صفا
و بلغم کمر
و سر و لاله
و صفا و یاطبع
و سر و لاله
و بونی

ایمان و یقین

سودست و
مقوی اعضا
و عمری و داف
فساد صفراء
بلغم و خون و
قرا و بطبع
شیرین بطبع
سرد و تر و
گرا و بی حی
تفاخ و بلغم و

۲۱۴
دورنخ فسا و سفا
و حسن و بابر
سفینت و سفا
سفر و سفا
و سفا و سفا
مطالعہ کتب و سفا
پیشانی و سفا
کف و سفا

[illegible]

وفتح صاد مهملة وراء مهملة نوکی از برنج باسطی چه می شود که بیضا ع بفتح اول و سکون
 ثانی و فتح کاف و همزه ملیده با و فتح سوجه و سکون تحتانی با صاد مجهول با و و شود
 بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی بالا م و الف م برنج باسطی تنقیح الموحده که شش
 بفتح اول و سکون ثانی م عمل تنقیح الفوقانی شوات و فتح و ضم اول با ثانی و الف جا
 است پرند مانند مرغابی که هم در آب و هم در خشکی زندگانی کند و گویند پرند است سرخ رنگ
 که هر زمان برینگی و یعنی برآید م بوقلمون تنقیح الدال المهملة شوات و فتح و ضم
 اول با ثانی و الف و دال مهملة م شوات تنقیح الراء المهملة شوات بضم اول و الف
 مجهول با غین مجمره و الف و راء مهملة زاک سفید تنقیح الزاء المعجمة شوات و فتح
 بضم اول و ثانی مجهول و فتح راء مهملة و خطا و فتح کاف فارسی ع ا ش هر درخت جهاد
 شوشمیر بضم اول و سکون ثانی و شین مجهله شے و کسیر و سکون تحتانی ع قاطعه صفا
 شوشیر بضم اول و سکون ثانی و کسیر و سکون تحتانی و سیاه دانه طحی ۲ ق
 مقطع مجلی محلل مدرش نیم شقال تاد و در م ص کتیر او کاسنی ل صمغ زیتون یا تخم
 ترو تیزک تنقیح الطاء المهملة شوقط بفتح اول و سکون ثانی و فتح حاء مجهول
 خرشته ازن تنقیح العین المهملة شوع بفتح اول و سکون ثانی و ف درخت بان
 تنقیح الکاف شواک و بفتح اول و ثانی و الف و فتح لام ه مرغی است که هر زمان
 بنگه نماید ابو فراس شوشک و بضم اول و سکون ثانی و فتح شین محته ثانی م
 جانوده تیر شوکه الحاک ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم فوقانی و سکون لام
 و کسیر و مهملة و سکون لام ثانی م نوخ ایلو یون تنقیح النون شوکه الدین ع
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم فوقانی و فتح و دال مهملة شده و ضم و سکون
 نون م که شوکران بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و راء مهملة و الف م تفت
 شیر و گویند که تخم بنگ روی و در س طب ی ۲ ق مخدرخ شیر و شمشیر م

من شرب صفتی بزر البنج و تخم القحاح تنقیق الواو شوشون بضم ه و شوشین مجمره و سکون
 هر دو و الواو هم از وزن تنقیق الها شکوه بفتح ملام و سکون ثانی و فتح کاف هم سکون
 تنقیق التختانی شوشه ف بکسر اول و ثانی هم مثبت هر سوا تنقیق الها و تنقیق
 الواو حده شهاب بفتح اول بابا و الف هم رنگ سرخی که مرتبه اول از گل
 کار بره کشند و در عربی شیر نیک باب آنجه تنقیق الجیم شهدا بفتح ملام و بفتح اول
 و سکون ثانی با و ال مملکه و الف و فتح نون هم شهدانه ف تخم رنگ طحی و فتح
 جحف خلیستانی ش س در م ص بریان نمودن ل بوزن آکن کنجد و نیم وزن
 فلفل تنقیق الها شهدانه ف بفتح اول و سکون ثانی با و ال مملکه و الف و
 فتح نون هم شهدا بفتح ملام و بفتح اول و ثانی و سکون نون با کاف
 فارسی و الف و فتح نون هم شهدا تنقیق الیاء التختانی و تنقیق الالف
 شیباف بکسر اول و سکون تختانی با موحده و الف هم افحی شیر گیاف بکسر اول
 و سکون ثانی و را مملکه و کسر کاف فارسی با تختانی ثانی و در و و تنقیق الفوقا
 شیرشت بکسر اول و سکون ثانی و را مملکه و کسر خا و مجمره و سکون شوشین مجمره
 ثانی نمیشد که در خراسان چون شب نم بر درخت سیاه چوب که درختش
 بی بر و بغایت صلب باشد بنشیند طمع و ح ق مسهل صفراخ شفاف
 مانند صمغش از بیفت و در م تاسی و در م ل یک نیم وزن آن ترنجبین یا کوبند
 آن تنقیق الجیم شیر آلمج بکسر اول و سکون ثانی و کسر را و مملکه و بد مجمره و سکون
 سیم و فتح لام و سکون هم چون شیر آلمج چون آلمه را در شیر خسیانیده باشند آنرا
 بدین نام خوانند و طبیبی که گویند رخ باید که چند روز آلمه را در شیر خسیانیده
 باشند یک شقال شیر بکسر اول و سکون ثانی و فتح را و مملکه و در غل
 کنجد و شیرین هر میوه تایل طح سق کمین فوا که قابض ص نیست مغسول

شیرنج بفتح زاء مجهول و راء مجهول و طحی شیطی و کسرة اول و سکون تحمائی
 و فتح طاء ممل و راء ممل و شیطی و هـ چیتا طحی و سق مجلی شیطی و هـ سندی ش
 یک شقال ص مصلک یاور و یاصندل ل فوه یا یجکبر یا عقر و حاتنق الحاء
 المهملة شیخ و کسرة اول و سکون ثانی و حاء ممل و در منه طحی و سگویند
 ح ۱۲ ی ان مقطع محلل و از منی ش نیدرم ص ترس یا شرب ریاس یا شرب
 ارج یا بنفشه ل برنگ یا فنتین تنیق الراء المهملة شیرنج بفتح زاء
 و سکون خا و معجمه و کسرة ثانی و سکون تحمائی ثانی و راء ممل و ثانی و
 بیخست زرد رنگ که از هندوستان و کشمیر خیزد و هر فی طحی ش و ان
 انیدرم تنیق الزاء المعجمه شیطیة العجز و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 موحده و ظم فوقانی و سکون لام و فتح عین ممل و ضم جیم و سکون و اوم اش
 شیراز کسرة اول و سکون ثانی و فتح راء ممل و الف ع ریحان شیطیة کسرة اول
 و سکون ثانی و کسرة نون و سکون تحمائی ثانی و متون تنیق السین المهملة
 شیر کسرة اول و ثانی مجهول و راء ممل و فتح میم و کاف فارسی ع عکبوت
 تنیق القاف شیر و ق کسرة اول و سکون ثانی و راء ممل و ضم زاء معجمه و
 سکون و ا و وفات و شیرنج تنیق الکاف شیر خشک بضم خا و معجمه و سکون
 شین معجمه ثانی و فید خشک و بید الکبیر نمیت یعنی نعمت است که چون شنیدم
 در خراسان درخت بید نشیند طحی گویند مع ب ح ق بلین و سق شیرین ش
 و درم ل ترنجبین شیطی و کسرة اول و سکون ثانی و کسرة ثانی و معجمه ثانی و
 فتح تحمائی ثانی و گویند کسرة شیطی و کسرة اول و سکون ثانی و کسرة ثانی و معجمه
 ثانی و فتح تحمائی ثانی و متون تنیق المیم شیطی و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 لام و ضم آن و سکون میم گویند و انما ص صلب گرد است که بعضی سیاه بعضی

شیرنج بفتح زاء مجهول و راء مجهول و طحی شیطی و کسرة اول و سکون تحمائی
 و فتح طاء ممل و راء ممل و شیطی و هـ چیتا طحی و سق مجلی شیطی و هـ سندی ش
 یک شقال ص مصلک یاور و یاصندل ل فوه یا یجکبر یا عقر و حاتنق الحاء
 المهملة شیخ و کسرة اول و سکون ثانی و حاء ممل و در منه طحی و سگویند
 ح ۱۲ ی ان مقطع محلل و از منی ش نیدرم ص ترس یا شرب ریاس یا شرب
 ارج یا بنفشه ل برنگ یا فنتین تنیق الراء المهملة شیرنج بفتح زاء
 و سکون خا و معجمه و کسرة ثانی و سکون تحمائی ثانی و راء ممل و ثانی و
 بیخست زرد رنگ که از هندوستان و کشمیر خیزد و هر فی طحی ش و ان
 انیدرم تنیق الزاء المعجمه شیطیة العجز و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 موحده و ظم فوقانی و سکون لام و فتح عین ممل و ضم جیم و سکون و اوم اش
 شیراز کسرة اول و سکون ثانی و فتح راء ممل و الف ع ریحان شیطیة کسرة اول
 و سکون ثانی و کسرة نون و سکون تحمائی ثانی و متون تنیق السین المهملة
 شیر کسرة اول و ثانی مجهول و راء ممل و فتح میم و کاف فارسی ع عکبوت
 تنیق القاف شیر و ق کسرة اول و سکون ثانی و راء ممل و ضم زاء معجمه و
 سکون و ا و وفات و شیرنج تنیق الکاف شیر خشک بضم خا و معجمه و سکون
 شین معجمه ثانی و فید خشک و بید الکبیر نمیت یعنی نعمت است که چون شنیدم
 در خراسان درخت بید نشیند طحی گویند مع ب ح ق بلین و سق شیرین ش
 و درم ل ترنجبین شیطی و کسرة اول و سکون ثانی و کسرة ثانی و معجمه ثانی و
 فتح تحمائی ثانی و گویند کسرة شیطی و کسرة اول و سکون ثانی و کسرة ثانی و معجمه
 ثانی و فتح تحمائی ثانی و متون تنیق المیم شیطی و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 لام و ضم آن و سکون میم گویند و انما ص صلب گرد است که بعضی سیاه بعضی

شیرنج بفتح زاء مجهول و راء مجهول و طحی شیطی و کسرة اول و سکون تحمائی
 و فتح طاء ممل و راء ممل و شیطی و هـ چیتا طحی و سق مجلی شیطی و هـ سندی ش
 یک شقال ص مصلک یاور و یاصندل ل فوه یا یجکبر یا عقر و حاتنق الحاء
 المهملة شیخ و کسرة اول و سکون ثانی و حاء ممل و در منه طحی و سگویند
 ح ۱۲ ی ان مقطع محلل و از منی ش نیدرم ص ترس یا شرب ریاس یا شرب
 ارج یا بنفشه ل برنگ یا فنتین تنیق الراء المهملة شیرنج بفتح زاء
 و سکون خا و معجمه و کسرة ثانی و سکون تحمائی ثانی و راء ممل و ثانی و
 بیخست زرد رنگ که از هندوستان و کشمیر خیزد و هر فی طحی ش و ان
 انیدرم تنیق الزاء المعجمه شیطیة العجز و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 موحده و ظم فوقانی و سکون لام و فتح عین ممل و ضم جیم و سکون و اوم اش
 شیراز کسرة اول و سکون ثانی و فتح راء ممل و الف ع ریحان شیطیة کسرة اول
 و سکون ثانی و کسرة نون و سکون تحمائی ثانی و متون تنیق السین المهملة
 شیر کسرة اول و ثانی مجهول و راء ممل و فتح میم و کاف فارسی ع عکبوت
 تنیق القاف شیر و ق کسرة اول و سکون ثانی و راء ممل و ضم زاء معجمه و
 سکون و ا و وفات و شیرنج تنیق الکاف شیر خشک بضم خا و معجمه و سکون
 شین معجمه ثانی و فید خشک و بید الکبیر نمیت یعنی نعمت است که چون شنیدم
 در خراسان درخت بید نشیند طحی گویند مع ب ح ق بلین و سق شیرین ش
 و درم ل ترنجبین شیطی و کسرة اول و سکون ثانی و کسرة ثانی و معجمه ثانی و
 فتح تحمائی ثانی و گویند کسرة شیطی و کسرة اول و سکون ثانی و کسرة ثانی و معجمه
 ثانی و فتح تحمائی ثانی و متون تنیق المیم شیطی و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 لام و ضم آن و سکون میم گویند و انما ص صلب گرد است که بعضی سیاه بعضی

سرخ در میان کشت گندم روید و گویند یا حسین جنگلی است طحی ۳ و گویند ح ۱
 می ۲۲ ملطف مجلی محلل مسکوح اوکن فریه ص کز به خشک ل جند قوقی و در و نغ
 قو با گندم شیمف بکسر اول و سکون ثانی مایه ای است غلو س و ارم ح پنه
 تنمیق النون شیان بکسر اول با ثانی و الف ف پیر سیادشان تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین معجبه ثانی و سکون و اوم تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی بار امله و الف و فتح موحده و خشخاش شیر و بکسر اول و سکون
 ثانی و فتح ر امله نوعی از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانف بکسر اول و سکون
 ثانی بالام الف و فتح فون م عذاب شیلونف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام م
 سکون و ا و فتح فون م الاک پشت شیه ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح بیلم م
 از اگور تنمیق التختانی شیان خوزی بکسر اول با ثانی و الف و کسر ف و ضم معجبه
 و ا و مجهول و کسر زار معجبه و سکون تختانی م پوش در بندی شیخ جسته ف بکسر
 اول و سکون ثانی و کسر خار معجبه و فتح ح امله ثانی و موحده و کسر شین معجبه ثانی
 فاضل سیاه ترقیم الصاد المهمله و تنسیق الالف و تنمیق الموحده
 صاب بصاد ممله و الف و موحده م غفل و گویند قاء الحارست و گویند از پیو عا
 و گویند و یو دارست تنمیق الفاصحا یون القاف بضم موحده و سکون و ا و ضم
 فون و سکون لام با قاف و الف و فام جوبک اثنان تنمیق النون صابون
 بضم موحده م طحی ای مقعر محرق مخمنه ص قے کردن باب گرم و روغن
 کنجد و خوردن شور باب چرب باروغن و مرغ ل بوره و اثنان تنمیق اله و صاب
 بکسر ح امله و فتح تختانی م حرف زردک هرگاه و تنسیق الباء الموحده و
 تنمیق الداء الممله صبا بضم اول با موحده و الف و امله م تمسندی صبر
 بفتح و کسر اول و سکون موحده ها ایوا و مسبر طحی ۲ گویند ۳ محفف مدلل

سرخ در میان کشت گندم روید و گویند یا حسین جنگلی است طحی ۳ و گویند ح ۱
 می ۲۲ ملطف مجلی محلل مسکوح اوکن فریه ص کز به خشک ل جند قوقی و در و نغ
 قو با گندم شیمف بکسر اول و سکون ثانی مایه ای است غلو س و ارم ح پنه
 تنمیق النون شیان بکسر اول با ثانی و الف ف پیر سیادشان تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین معجبه ثانی و سکون و اوم تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی بار امله و الف و فتح موحده و خشخاش شیر و بکسر اول و سکون
 ثانی و فتح ر امله نوعی از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانف بکسر اول و سکون
 ثانی بالام الف و فتح فون م عذاب شیلونف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام م
 سکون و ا و فتح فون م الاک پشت شیه ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح بیلم م
 از اگور تنمیق التختانی شیان خوزی بکسر اول با ثانی و الف و کسر ف و ضم معجبه
 و ا و مجهول و کسر زار معجبه و سکون تختانی م پوش در بندی شیخ جسته ف بکسر
 اول و سکون ثانی و کسر خار معجبه و فتح ح امله ثانی و موحده و کسر شین معجبه ثانی
 فاضل سیاه ترقیم الصاد المهمله و تنسیق الالف و تنمیق الموحده
 صاب بصاد ممله و الف و موحده م غفل و گویند قاء الحارست و گویند از پیو عا
 و گویند و یو دارست تنمیق الفاصحا یون القاف بضم موحده و سکون و ا و ضم
 فون و سکون لام با قاف و الف و فام جوبک اثنان تنمیق النون صابون
 بضم موحده م طحی ای مقعر محرق مخمنه ص قے کردن باب گرم و روغن
 کنجد و خوردن شور باب چرب باروغن و مرغ ل بوره و اثنان تنمیق اله و صاب
 بکسر ح امله و فتح تختانی م حرف زردک هرگاه و تنسیق الباء الموحده و
 تنمیق الداء الممله صبا بضم اول با موحده و الف و امله م تمسندی صبر
 بفتح و کسر اول و سکون موحده ها ایوا و مسبر طحی ۲ گویند ۳ محفف مدلل

در میان کشت گندم روید و گویند یا حسین جنگلی است طحی ۳ و گویند ح ۱
 می ۲۲ ملطف مجلی محلل مسکوح اوکن فریه ص کز به خشک ل جند قوقی و در و نغ
 قو با گندم شیمف بکسر اول و سکون ثانی مایه ای است غلو س و ارم ح پنه
 تنمیق النون شیان بکسر اول با ثانی و الف ف پیر سیادشان تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین معجبه ثانی و سکون و اوم تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی بار امله و الف و فتح موحده و خشخاش شیر و بکسر اول و سکون
 ثانی و فتح ر امله نوعی از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانف بکسر اول و سکون
 ثانی بالام الف و فتح فون م عذاب شیلونف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام م
 سکون و ا و فتح فون م الاک پشت شیه ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح بیلم م
 از اگور تنمیق التختانی شیان خوزی بکسر اول با ثانی و الف و کسر ف و ضم معجبه
 و ا و مجهول و کسر زار معجبه و سکون تختانی م پوش در بندی شیخ جسته ف بکسر
 اول و سکون ثانی و کسر خار معجبه و فتح ح امله ثانی و موحده و کسر شین معجبه ثانی
 فاضل سیاه ترقیم الصاد المهمله و تنسیق الالف و تنمیق الموحده
 صاب بصاد ممله و الف و موحده م غفل و گویند قاء الحارست و گویند از پیو عا
 و گویند و یو دارست تنمیق الفاصحا یون القاف بضم موحده و سکون و ا و ضم
 فون و سکون لام با قاف و الف و فام جوبک اثنان تنمیق النون صابون
 بضم موحده م طحی ای مقعر محرق مخمنه ص قے کردن باب گرم و روغن
 کنجد و خوردن شور باب چرب باروغن و مرغ ل بوره و اثنان تنمیق اله و صاب
 بکسر ح امله و فتح تختانی م حرف زردک هرگاه و تنسیق الباء الموحده و
 تنمیق الداء الممله صبا بضم اول با موحده و الف و امله م تمسندی صبر
 بفتح و کسر اول و سکون موحده ها ایوا و مسبر طحی ۲ گویند ۳ محفف مدلل

[illegible][illegible]

اول وفتح راهمه ثانی ف ج و اسک هجین کش سه عدد یا پنج یا هفت جانور
تنسيق العين المهملة وتنسيق الراء المهملة متعقرون بصم اول و
سكون عين مهملة وفتح فوقانی و سكون راهمه فصحی از پ و نه بری ست ف او
و کاکو ته طحی سق مفتوح و ملطف و غشیه خم کو چک و رق ش نیم شقیال
یا کدر م صی سر که ل فو تیح تنسيق الغین المعجمه وتنسيق النون مقبین
بفتح اول و سكون غین معجمه و کسر موحده و سكون تحانی می گنج تنسيق القاف
و تنسيق الراء المهملة متعقرون بفتح اول و سكون قاف و راهمه طائری سب
شکاری ف جیح طحی تنسيق السین المهملة متعقرا یس بفتح اول و قاف
و کسر تحانی و سكون سین مهمله گکری تنسيق وتنسيق اللام متصل عم بفتح
هر دو صاد مهمله و سكون هر دو لام م مک و عقیق ه هو کا اصل غم یکسر اول و کسرت
که فسون نمی پذیر و تنسيق النون صكون عم بفتح اول و ضم ثانی و سكون واه
م خنوب بطی تنسيق المیم وتنسيق الموحدة لا صمغ السداب بفتح اول و
سكون میم و ضم غین معجمه و سین مهمله شدد و بادال و الف ل دو وزن حلیت
تنسيق المثلثة صمغ الموحث ع بفتح اول و سكون ثانی و ضم غین معجمه و سكون
لام و فتح میم ثانی و سكون حاد مهمله و ضم راهمه و سكون واه حلیت تنسيق الدال
المهملة صمغ القنار بفتح قاف و مثلثة و الف کثیر صمغ عسفید بفتح اول
و سكون ثانی و کسر غین معجمه و فتح سین مهمله و کسر فابا تحانی مجبول ه گوند و رخت
کر بری تنسيق الراء المهملة صمغ الصنوبر بفتح صاد مهمله شدد و ثانی و نون و فتح
سوحده صمغ اتینج صمغ الکنگر سكون لام و فتح کان و سكون نون و فتح کاف فارسی
ل یخ و ارشیشعان و درستی کردن جز الف تنسيق التاء المهملة صمغ اللوز ع
بفتح لام شدد و سكون واه صمغ بادام خرسفید یا خوزار و رخت جوان ل صمغ عربی

ورم اللسان
آوس زبان
جفتان
اللسان
اوراض زبان
آامس زبان
ورم اللسان
قینے آاس
ار حلق بعبه
نحتنه الصخر
سعال

اول وفتح را و همزه ثانی و ج و واسک هجین گشت سه عدد و اینج یابفت جانور
تنسيق العين المهملة وتنسيق الراء المهملة صغیر بصنم اول و
سکون عین مهملة وفتح فوقانی و سکون را و همزه فوعی از پ و د و ب و ی است و او
و کا کو تے ط ح ی س ق مفتوح و ملطف و غشے خ کو چک و رق ش نیم مشغال
ناکید رم ص سکر ک ل فو ت ج تنسيق الغین المعجمه وتنسيق النون صغیرین
بفتح اول و سکون عین معجمه و کسر موحده و سکون تحتانی مکنج تنسيق القاف
و تنسيق الراء المهملة صغیر بفتح اول و سکون قاف و را و همزه طاری سب
شکار ص ی ج یح ط ح ی تنسيق السین المهملة متفائیل بفتح اول و قاف
و کسر تحتانی و سکون سین مهملة گشتی تنسيق وتنسيق اللام متصل ع به فتح
هر و صا و هملة و سکون هر و و لام م مکة و عقیق ه و صا و ص ل غ بکسر اول فایست
که افسون نمی پذیر و تنسيق النون صغیر بفتح اول و ضم ثانی و سکون واد
م خرو ب بطنی تنسيق المیم وتنسيق الموحده صغیر السد اب بفتح اول و
سکون میم و ضم غین معجمه و سین مهملة شدد و بادال و الف ل دو وزن حلیت است
تنسيق المشددة صغیر الموحث ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین معجمه و سکون
لام و فتح میم ثانی و سکون حاد مهملة و ضم را و هملة و سکون واد و حلیت تنسيق الدال
المهملة صغیر القفا و بفتح قاف و مشددة و الف کثیر صغیر عسفید بفتح اول
و سکون ثانی و کسر غین معجمه و فتح سین مهملة و کسر فای تحتانی مجبول ه گوند و جت
کر هر ی تنسيق الراء المهملة صغیر الصنوبر بفتح صا و هملة شدد و ثانی و نون و فتح
موحده م را اینج صغیر الکنز بکون لام و فتح کان و سکون نون و فتح کان فارسی
ل ن ج و ار شیشان و ور قے کردن جز الف تنسيق التاء المهملة صغیر اللوز ع
بفتح لام شدد و سکون واد و صغیر باد ام خ سفید ما خوار و درخت جوان ل صغیر عربی
بفتح لام شدد و سکون واد و صغیر باد ام خ سفید ما خوار و درخت جوان ل صغیر عربی

وکثیره و تنقیق الصفا الممهله صمغ الاجاص بسکون لام و کسر ميم و باجميم مشدود
 و الف م صمغ آلو ق مفت مدخل خم ماخوذ از درخت کمن تنقیق الطاء الممهله
 صمغ الباط کيسر موحده بالام و الف ت از سنگ ساخته و آن چيزی است که از
 رخام سنگ سازند و گویند که از معدن بهر سرد و نام مکی است که از صبر و قشر
 خون سیا و شان و علك و انزروت و صمغ عربی از هر یک جز فی و اصل مرجان و
 شاج از هر یک نیم جز و کوفته بخته آب صمغ عربی بپوشند و بر دیواری زنده و بکنند
 تا خشک شود و هر چند کهنه شود و نیکو بود تنقیق الغین الممهله صمغ و ففتح اول
 و سکون ثانی و غین معجمه صمغ جمیع و می ف از دو شکم هر گوند طحی گویند مع
 ق مغزی قابض و طابس خم عربی شفاف سفید صاف بی چوب زد و دگر از زنده و
 آب تنقیق الفاء صمغ الحرف بسکون لام و فتح حاء مهمله و سکون داء مهمله و فتح شیز
 معجمه مکنکری تنقیق المیم صمغ البطم بسکون لام و ضم موحده و سکون طاء مهمله و
 سیم ثانی مسقط ح می ۲ ش یک درم صمغ صمغ و کشری ال کشری تنقیق النون
 صمغ اگر تون ففتح زای معجمه مشدود و سکون تخانی و ضم نو قانی و سکون واد ح
 اسطرکل عصاره طریش یا شونیز تنقیق التختانی صمغ الجوز المر صمغ بسکون
 لام و فتح جیم و سکون واد و کسر زای معجمه و ضم راء مهمله مشدود و سکون واد و کسر سیم
 و سکون تخانی ف که با صمغ الکشری بسکون لام و ضم کاف و فتح میم مشدود و سکون
 شکله و فتح راء مهمله و الف مقصوره و فتح و رخت امر و دخ از درخت کمن ش
 و و شقال صمغ عربی کيسر غین معجمه و فتح غین مهمله و راء مهمله و کسر موحده هر گوند
 و رخت لیکر طمع گویند مکی گویند بی ش و و شقال صمغ کثیر و شراب صندل
 و گلاب صمغ بادام و حب الاسس تنقیق النون و تنقیق الراء الممهله
 صندل احر و ففتح اول و سکون نون و فتح و ال مهمله و کسر لام و فتح همزه و سکون

حاء مملو وفتح تميم وسكون را و هملاف صندل سرخ هر رکت چندن طب ی ۲ گویند
 سر اول فوخل صنوبر صغار عم بفتح اول و ثانی وسکون و او ففتح موحده و کسر را و هملاف و صا
 مملو ثانی باغین مغجوه و الف هم درخت چیده طعم ح گویند ح ای گویند ال زفت
 صنوبر کبابج کبک کاف با موحده و الف ف درخت چلقوره طح اساق مسنخ
 تازه نیرگ سفیدش پانزده عدد ص جوارش سفیر جل ل و وزن او خشتا شش
 تنسيق الضاد المعجمة صندل ابيض عم بفتح اول وسکون ثانی وفتح وال مملو
 و کسر لام وفتح همزه وسکون تخم ثانی وفتح تخم ثانی وسکون ضاد معجم صندل سفید
 هم چندن طب ی ۲ گویند ۳ گویند راق مقوی دل خ مقاصری ش نیم شقال ص
 جلاب شکر طبر زول اشتد با فوخل تنسيق الواو و تنسيق الضاد المعجمة صون
 الارض بضم اول وسکون و او و ضم فاو وسکون لام وفتح همزه وسکون را و هملاف و
 ضا و معجمه م فراسیون تنسيق الفاکه و ف عم بضم اول وسکون ثانی و فاق شهم ط
 ح ی سرق مسخن مجفف اکال ل شقر تنسيق الهاء صوطه بضم اول وسکون ثانی
 وفتح طار مملو و لام و فاف بان نوک از چقدر رتقیم الضاد المعجمة و تنسيق
 الالف و تنسيق اللام ضال عم بضاد معجمه و الف و لام ف کتاب تنسيق النون ضا
 ع بضاد معجمه و الف و لون ف شش هم میندی تنسيق الباء المعجمة و تنسيق الهاء
 صعبه و جاع بفتح اول موحده و عین مملو و همزه و همزه و ففتح عین مملو ثانی وسکون را و
 مملو با جیم و الف ف کفتار طگوشه اوج ی ۲ تنسيق الموحده و حسب عم بفتح
 اول وسکون موحده ف بچه سوسمار که اول سے زاید او را حل سے گویند و بعد
 از ان غیداق خوانند و بعد از ان مطبخ و بعد از ان حصص و چون تمامی رسد ضب
 گویند طح ی ق شکل او مجله خ متوسط حصص تنسيق الراء المهملة ضب
 بفتح اول و ثانی وسکون را و هملاف و رخت جزو با تنسيق الراء المهملة و تنسيق الواو

حاء مملو وفتح تميم وسکون را و هملاف صندل سرخ هر رکت چندن طب ی ۲ گویند
 سر اول فوخل صنوبر صغار عم بفتح اول و ثانی وسکون و او ففتح موحده و کسر را و هملاف و صا
 مملو ثانی باغین مغجوه و الف هم درخت چیده طعم ح گویند ح ای گویند ال زفت
 صنوبر کبابج کبک کاف با موحده و الف ف درخت چلقوره طح اساق مسنخ
 تازه نیرگ سفیدش پانزده عدد ص جوارش سفیر جل ل و وزن او خشتا شش
 تنسيق الضاد المعجمة صندل ابيض عم بفتح اول وسکون ثانی وفتح وال مملو
 و کسر لام وفتح همزه وسکون تخم ثانی وفتح تخم ثانی وسکون ضاد معجم صندل سفید
 هم چندن طب ی ۲ گویند ۳ گویند راق مقوی دل خ مقاصری ش نیم شقال ص
 جلاب شکر طبر زول اشتد با فوخل تنسيق الواو و تنسيق الضاد المعجمة صون
 الارض بضم اول وسکون و او و ضم فاو وسکون لام وفتح همزه وسکون را و هملاف و
 ضا و معجمه م فراسیون تنسيق الفاکه و ف عم بضم اول وسکون ثانی و فاق شهم ط
 ح ی سرق مسخن مجفف اکال ل شقر تنسيق الهاء صوطه بضم اول وسکون ثانی
 وفتح طار مملو و لام و فاف بان نوک از چقدر رتقیم الضاد المعجمة و تنسيق
 الالف و تنسيق اللام ضال عم بضاد معجمه و الف و لام ف کتاب تنسيق النون ضا
 ع بضاد معجمه و الف و لون ف شش هم میندی تنسيق الباء المعجمة و تنسيق الهاء
 صعبه و جاع بفتح اول موحده و عین مملو و همزه و همزه و ففتح عین مملو ثانی وسکون را و
 مملو با جیم و الف ف کفتار طگوشه اوج ی ۲ تنسيق الموحده و حسب عم بفتح
 اول وسکون موحده ف بچه سوسمار که اول سے زاید او را حل سے گویند و بعد
 از ان غیداق خوانند و بعد از ان مطبخ و بعد از ان حصص و چون تمامی رسد ضب
 گویند طح ی ق شکل او مجله خ متوسط حصص تنسيق الراء المهملة ضب
 بفتح اول و ثانی وسکون را و هملاف و رخت جزو با تنسيق الراء المهملة و تنسيق الواو

حاء مملو وفتح تميم وسکون را و هملاف صندل سرخ هر رکت چندن طب ی ۲ گویند
 سر اول فوخل صنوبر صغار عم بفتح اول و ثانی وسکون و او ففتح موحده و کسر را و هملاف و صا
 مملو ثانی باغین مغجوه و الف هم درخت چیده طعم ح گویند ح ای گویند ال زفت
 صنوبر کبابج کبک کاف با موحده و الف ف درخت چلقوره طح اساق مسنخ
 تازه نیرگ سفیدش پانزده عدد ص جوارش سفیر جل ل و وزن او خشتا شش
 تنسيق الضاد المعجمة صندل ابيض عم بفتح اول وسکون ثانی وفتح وال مملو
 و کسر لام وفتح همزه وسکون تخم ثانی وفتح تخم ثانی وسکون ضاد معجم صندل سفید
 هم چندن طب ی ۲ گویند ۳ گویند راق مقوی دل خ مقاصری ش نیم شقال ص
 جلاب شکر طبر زول اشتد با فوخل تنسيق الواو و تنسيق الضاد المعجمة صون
 الارض بضم اول وسکون و او و ضم فاو وسکون لام وفتح همزه وسکون را و هملاف و
 ضا و معجمه م فراسیون تنسيق الفاکه و ف عم بضم اول وسکون ثانی و فاق شهم ط
 ح ی سرق مسخن مجفف اکال ل شقر تنسيق الهاء صوطه بضم اول وسکون ثانی
 وفتح طار مملو و لام و فاف بان نوک از چقدر رتقیم الضاد المعجمة و تنسيق
 الالف و تنسيق اللام ضال عم بضاد معجمه و الف و لام ف کتاب تنسيق النون ضا
 ع بضاد معجمه و الف و لون ف شش هم میندی تنسيق الباء المعجمة و تنسيق الهاء
 صعبه و جاع بفتح اول موحده و عین مملو و همزه و همزه و ففتح عین مملو ثانی وسکون را و
 مملو با جیم و الف ف کفتار طگوشه اوج ی ۲ تنسيق الموحده و حسب عم بفتح
 اول وسکون موحده ف بچه سوسمار که اول سے زاید او را حل سے گویند و بعد
 از ان غیداق خوانند و بعد از ان مطبخ و بعد از ان حصص و چون تمامی رسد ضب
 گویند طح ی ق شکل او مجله خ متوسط حصص تنسيق الراء المهملة ضب
 بفتح اول و ثانی وسکون را و هملاف و رخت جزو با تنسيق الراء المهملة و تنسيق الواو

[illegible]

جاء في كتاب الفقه في اللغة في باب الف

تحتاني وضمهم سيم بارادهملة والفت ونون م ركان في قيم الطاء المهملة و
 تنسيق الالف وتنسيق الراء المهملة طاليسق بطا ومهملة والفت وكسر
 لام وسكون تحتاني وسين مهملة وفتح فاء وسكون را ومهملة پرست بیج ویتون
 سندی وآن تشو سندی ست طمع گویدی سق قابض شریک مثقال ص
 عمل یارب السوس ل شبل الطیب ویموزن سافج یا مقل واهبل مساو س یا
 چهار ونگ وزن آن کون ویموزن اجمل یا بوزن او عذبه ویموزن بسا سه
 تنسيق السین المهملة طاكوس عم بضم همزة وسكون واو وده مورط گوشت وده را
 تنسيق الكاف طاك ف بفتح طاء معروف بار وخت نیمه فو بولی تنسيق المسبو
 طالم بفتح لام وفتح نون وفتح نون طالقون بكسر لام وضم قاف وسكون
 واو وفت نوع ست مصنوعي که مدبر کرده باشند بتوبال سخاسه که در کینه کا و خیسانید
 باشند تنسيق الهاء طار حلقه می نای بسكون را ومهملة وكسرة طاء ومهملة ثانی وفتح قاف
 م ح ب الملوک طار بقده یونانی بكسر را ومهملة وسكون تحتانی وفتح قاف م وند
 تنسيق الباء الواحد لا وتنسيق الالف طلقا بفتح اول وسكون موحده یا قاف
 والفت م خندروس تنسيق الحاء المعجمة طلق بفتح اول وكسرة ثانی وسكون تحتانی
 وحاء معجوف خنزیه وادویه که باب بچو شاند وینمیزد تنسيق الدال المهملة طلق
 بفتح اول وكسرة ثانی وسكون را ومهملة وفتح نون معجوف تیر و ست یعنی نبات مصری
 از جنس اول هر ابو ج ونگ سنگ را نیز بدین نام خوانند از جهت سختی و صلبی هر دو
 تنسيق الواو المهملة طبا بكسر اول با ثانی والفت نوع از انجیر سرخ بزرگ
 طبا تنسيق غم بفتح اول و ثانی والفت وكسرة ثانی وسكون تحتانی وده منسلو حن طبا
 می ۲ گو سندی ق قابض محقق سندی مل و موحده خم سفید سبک زوز و خوشنود
 سن و در آگ ص گلاب و گو سندی صطک و انیسون و گو سندی رب السوس نیموزن کاو

الباء نقصان
 حوزت بر جمع
 انبلا و حلت شمشیر
 گویدی طاقش کل
 وخت بالفتن از
 سماع وادن است
 فعل بوط
 ست جوان ششم
 است ممکنه
 ۲۲۵
 دهن از آل رن
 شود و در سر
 ادنی ای و داری
 خصیه ای که داری
 است که در جیش
 مشابه زن قالدیه
 از زل غلام و سینه
 صفت و در تنوم
 است و در تنوم

از آن که در کتاب الفقه در باب الف

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

طبعاً بیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و فتح فاعضه تحتانی
 ثانی و سکون و ا و فاعضه از حی العالم طین ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاعضه
 تحتانی و مجموع کلاب سی و بعضی شش یک در خم من میند بال از بعضی بعضی
 تنسيق التحتانی طبعاً روسی بکسر اول و سکون تحتانی و کسر قاف و سکون تحتانی
 ثانی و ا و فاعضه طین ا ر منی بفتح همزه و سکون راء و همزه و فتح میم و کسر نون
 ثانی و فاعضه ا ر منی گلی ست تیره رنگ طب سی خ و در می که بی رمل و بعد از
 سخن چون بر زبان نهند بحسب کلاب طین لاکه طین فارسی بفا و الف
 و سکون راء و کسر سین و همزه فاعضه کل سر شوی طب سی خ و فاعضه مش و شقال
 طین قمری بضم قاف و سکون موحده و فتح راء و همزه و کسر سین و همزه گلی ست
 سرخ گلگون که چون در دست بماند سرخه او در دست بماند و چون بشکند
 و رانده راون و سی رنگا و زرد بود و چون بر زبان نهند بغایت بچسبیدل طین
 مخموم طین نیشاپوری بکسر نون و سکون تحتانی و بشین معجمه و الف و ضم
 موحده و سکون و ا و کسر راء و همزه کل ماکول و کل خراسانی و آن را خام و بران
 کرده بخورند و بدان تنقل نمایند یک درم تا دو و شقال توقیم الظاء المعجمه
 و تنسيق الباء الموحده و تنسيق التحتانی طبعاً بفتح اول و سکون
 موحده و تحتانی مجهول فاعضه هرن و مرگ تنسيق الفاء و تنسيق الفاعضه
 بفتح طاء معجمه و سکون فاعضه راء و همزه و الف فاعضه بر سی تنسيق الظاء المعجمه
 طفیره العجزه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و همزه و ضم
 فوقانی و سکون لام و فتح مین و همزه و ضم جیم و سکون و ا و فاعضه خضک
 تنسيق الرها طفیره بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و همزه و فاعضه
 فاعضه بر سی تنسيق اللام و تنسيق الفاعضه ع بکسر اول و سکون لام

طبعاً بیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و فتح فاعضه تحتانی
 ثانی و سکون و ا و فاعضه از حی العالم طین ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاعضه
 تحتانی و مجموع کلاب سی و بعضی شش یک در خم من میند بال از بعضی بعضی
 تنسيق التحتانی طبعاً روسی بکسر اول و سکون تحتانی و کسر قاف و سکون تحتانی
 ثانی و ا و فاعضه طین ا ر منی بفتح همزه و سکون راء و همزه و فتح میم و کسر نون
 ثانی و فاعضه ا ر منی گلی ست تیره رنگ طب سی خ و در می که بی رمل و بعد از
 سخن چون بر زبان نهند بحسب کلاب طین لاکه طین فارسی بفا و الف
 و سکون راء و کسر سین و همزه فاعضه کل سر شوی طب سی خ و فاعضه مش و شقال
 طین قمری بضم قاف و سکون موحده و فتح راء و همزه و کسر سین و همزه گلی ست
 سرخ گلگون که چون در دست بماند سرخه او در دست بماند و چون بشکند
 و رانده راون و سی رنگا و زرد بود و چون بر زبان نهند بغایت بچسبیدل طین
 مخموم طین نیشاپوری بکسر نون و سکون تحتانی و بشین معجمه و الف و ضم
 موحده و سکون و ا و کسر راء و همزه کل ماکول و کل خراسانی و آن را خام و بران
 کرده بخورند و بدان تنقل نمایند یک درم تا دو و شقال توقیم الظاء المعجمه
 و تنسيق الباء الموحده و تنسيق التحتانی طبعاً بفتح اول و سکون
 موحده و تحتانی مجهول فاعضه هرن و مرگ تنسيق الفاء و تنسيق الفاعضه
 بفتح طاء معجمه و سکون فاعضه راء و همزه و الف فاعضه بر سی تنسيق الظاء المعجمه
 طفیره العجزه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و همزه و ضم
 فوقانی و سکون لام و فتح مین و همزه و ضم جیم و سکون و ا و فاعضه خضک
 تنسيق الرها طفیره بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و همزه و فاعضه
 فاعضه بر سی تنسيق اللام و تنسيق الفاعضه ع بکسر اول و سکون لام

طبعاً بیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و فتح فاعضه تحتانی
 ثانی و سکون و ا و فاعضه از حی العالم طین ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاعضه
 تحتانی و مجموع کلاب سی و بعضی شش یک در خم من میند بال از بعضی بعضی
 تنسيق التحتانی طبعاً روسی بکسر اول و سکون تحتانی و کسر قاف و سکون تحتانی
 ثانی و ا و فاعضه طین ا ر منی بفتح همزه و سکون راء و همزه و فتح میم و کسر نون
 ثانی و فاعضه ا ر منی گلی ست تیره رنگ طب سی خ و در می که بی رمل و بعد از
 سخن چون بر زبان نهند بحسب کلاب طین لاکه طین فارسی بفا و الف
 و سکون راء و کسر سین و همزه فاعضه کل سر شوی طب سی خ و فاعضه مش و شقال
 طین قمری بضم قاف و سکون موحده و فتح راء و همزه و کسر سین و همزه گلی ست
 سرخ گلگون که چون در دست بماند سرخه او در دست بماند و چون بشکند
 و رانده راون و سی رنگا و زرد بود و چون بر زبان نهند بغایت بچسبیدل طین
 مخموم طین نیشاپوری بکسر نون و سکون تحتانی و بشین معجمه و الف و ضم
 موحده و سکون و ا و کسر راء و همزه کل ماکول و کل خراسانی و آن را خام و بران
 کرده بخورند و بدان تنقل نمایند یک درم تا دو و شقال توقیم الظاء المعجمه
 و تنسيق الباء الموحده و تنسيق التحتانی طبعاً بفتح اول و سکون
 موحده و تحتانی مجهول فاعضه هرن و مرگ تنسيق الفاء و تنسيق الفاعضه
 بفتح طاء معجمه و سکون فاعضه راء و همزه و الف فاعضه بر سی تنسيق الظاء المعجمه
 طفیره العجزه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و همزه و ضم
 فوقانی و سکون لام و فتح مین و همزه و ضم جیم و سکون و ا و فاعضه خضک
 تنسيق الرها طفیره بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و همزه و فاعضه
 فاعضه بر سی تنسيق اللام و تنسيق الفاعضه ع بکسر اول و سکون لام

و قاف سم هـ ط ب ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة

اول و کسر ثانی و سکون تخانی تم ذکر لغام تنسيق الباء المتخانی و تنسيق النون
 طمان ع یفتح اول و تخانی و الف و نون و ناسمین بری که گل کو چاک دارد
 هـ جالی حے ط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 و تنسيق النون و تنسيق الالف فاقر شعا بعین ممله و
 الف و کسر قاف و سکون را و ممله و فتح شین و سکون سیم با عین ممله
 ثانی و الف م شکار فاقر ق ر جاع یفتح هـ و قاف و سکون هـ و را و ممله با حاء
 ممله هـ اگر که رابط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 غلیظ و بعد از شکستن در روش سفید باشد و در و انگ گونید و در م تا
 س در م ص یونج یارب السوس ل و غر غره و غج و در م ص هـ و م
 راسن یا دار لفضل و غسل و گویند شیطرخ تنسيق الحیو عجاج و سکون جیم
 و ندان فیل هـ با تسی و انت ط ب ی ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 از نشانه او ص رب الصنوبر ل ش ل خ تنسيق اللوام فاقول بضم قاف
 و سکون و او و لام ف و رخت ساج هـ سال تنسيق و تنسيق الباء الموحدة
 عجب یفتح اول و موحده و سکون موحده ثانی و کچو موحده یفتح و سکون
 ثانی و فتح عین ممله ثانی م شکر کانج ف کچو تنسيق الاء المهملة عجب یفتح
 اول و سکون ثانی و فتح با و سکون را و ممله و کسر عجب یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی م زعفران تنسيق الطاء المهملة عبطم یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی و طاء ممله و پسته تنسيق الساء الفوقانی و تنسيق المسمم
 بضم اول و سکون فوقانی و سیم ف زیتون کوس ط ح ی ا تنسيق التلیم
 و تنسيق الموحدة عجب یفتح اول و سکون جیم حب النیل عجم الزید عجب یفتح

و قاف سم هـ ط ب ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 اول و کسر ثانی و سکون تخانی تم ذکر لغام تنسيق الباء المتخانی و تنسيق النون
 طمان ع یفتح اول و تخانی و الف و نون و ناسمین بری که گل کو چاک دارد
 هـ جالی حے ط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 و تنسيق النون و تنسيق الالف فاقر شعا بعین ممله و
 الف و کسر قاف و سکون را و ممله و فتح شین و سکون سیم با عین ممله
 ثانی و الف م شکار فاقر ق ر جاع یفتح هـ و قاف و سکون هـ و را و ممله با حاء
 ممله هـ اگر که رابط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 غلیظ و بعد از شکستن در روش سفید باشد و در و انگ گونید و در م تا
 س در م ص یونج یارب السوس ل و غر غره و غج و در م ص هـ و م
 راسن یا دار لفضل و غسل و گویند شیطرخ تنسيق الحیو عجاج و سکون جیم
 و ندان فیل هـ با تسی و انت ط ب ی ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 از نشانه او ص رب الصنوبر ل ش ل خ تنسيق اللوام فاقول بضم قاف
 و سکون و او و لام ف و رخت ساج هـ سال تنسيق و تنسيق الباء الموحدة
 عجب یفتح اول و موحده و سکون موحده ثانی و کچو موحده یفتح و سکون
 ثانی و فتح عین ممله ثانی م شکر کانج ف کچو تنسيق الاء المهملة عجب یفتح
 اول و سکون ثانی و فتح با و سکون را و ممله و کسر عجب یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی م زعفران تنسيق الطاء المهملة عبطم یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی و طاء ممله و پسته تنسيق الساء الفوقانی و تنسيق المسمم
 بضم اول و سکون فوقانی و سیم ف زیتون کوس ط ح ی ا تنسيق التلیم
 و تنسيق الموحدة عجب یفتح اول و سکون جیم حب النیل عجم الزید عجب یفتح

و قاف سم هـ ط ب ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 اول و کسر ثانی و سکون تخانی تم ذکر لغام تنسيق الباء المتخانی و تنسيق النون
 طمان ع یفتح اول و تخانی و الف و نون و ناسمین بری که گل کو چاک دارد
 هـ جالی حے ط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 و تنسيق النون و تنسيق الالف فاقر شعا بعین ممله و
 الف و کسر قاف و سکون را و ممله و فتح شین و سکون سیم با عین ممله
 ثانی و الف م شکار فاقر ق ر جاع یفتح هـ و قاف و سکون هـ و را و ممله با حاء
 ممله هـ اگر که رابط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 غلیظ و بعد از شکستن در روش سفید باشد و در و انگ گونید و در م تا
 س در م ص یونج یارب السوس ل و غر غره و غج و در م ص هـ و م
 راسن یا دار لفضل و غسل و گویند شیطرخ تنسيق الحیو عجاج و سکون جیم
 و ندان فیل هـ با تسی و انت ط ب ی ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 از نشانه او ص رب الصنوبر ل ش ل خ تنسيق اللوام فاقول بضم قاف
 و سکون و او و لام ف و رخت ساج هـ سال تنسيق و تنسيق الباء الموحدة
 عجب یفتح اول و موحده و سکون موحده ثانی و کچو موحده یفتح و سکون
 ثانی و فتح عین ممله ثانی م شکر کانج ف کچو تنسيق الاء المهملة عجب یفتح
 اول و سکون ثانی و فتح با و سکون را و ممله و کسر عجب یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی م زعفران تنسيق الطاء المهملة عبطم یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی و طاء ممله و پسته تنسيق الساء الفوقانی و تنسيق المسمم
 بضم اول و سکون فوقانی و سیم ف زیتون کوس ط ح ی ا تنسيق التلیم
 و تنسيق الموحدة عجب یفتح اول و سکون جیم حب النیل عجم الزید عجب یفتح

اول و ثانی و ضمیم و فتح زائده و کسر موحده اول و سکون مختلای م
 زائده و کسر موحده اول و سکون مختلای م
 اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون و ال و همزة و اول و سکون
 ثانی و فتح لام و رفعت ثانی و شبر خفرت شده تنسيق الدال المهملة و تنسيق
 الالف بعد ثانی و یافعی اول و ثانی و سکون و ال و همزة و اول و الف م کنش
 عدس المانع بفتح اول و ثانی و ضمیم سین ممله و سکون لام با همزة و ال و همزة
 سبز بست مانند عدس که بر دست آب مثل رنگ پیدا می شود و تنسيق ال و
 المهملة عدس مرفیع اول و ثانی و کسر سین ممله و ضمیم و سکون و ال و همزة
 شنگ تلخی نیم وزن و زائده خطل و دو وزن عدس یا فونج جوی تنسيق السین
 المهملة عدس مرفیع اول و ثانی و سکون سین مملو و نبوسه مرفیع و سوسه مرفیع
 ح ب ی ا ب است او ح ا و قشره گویند ای ۳ قی تا بصل نفاخ خم سپید بین که
 زود نیمه شود و در آب سیاه نشود و در زائده و معتدل ماش یا باقی تنسيق
 الدال المعجمة و تنسيق الهاء عدس مرفیع اول و سکون و ال و همزة و فتح موحده و
 الحاء مرفیع و زائده الطرافه و حذلی مین تنسيق الواو المهملة و تنسيق
 الالف عطشیا بفتح اول و سکون و ال و همزة و فتح طار ممله و کسر نون و سکون
 تحتانی با شنگ و الف و ح ب ک اشنان ل زرا و نود طویل یا فونج یا زائده اتج عوفی
 حمرام بضم اول و ثانی و سکون و او و کسر نون و ضمیم و سکون و ال و همزة و سکون
 مملو ثانی مرفوعه در و ناس مرفیع و تنسيق الواو الحاء و عطف بفتح اول و سکون
 ثانی و فتح طار ممله و سکون موحده م خسک تنسيق الواو المهملة عارم مرفیع
 اول و ثانی و الف و ال و همزة ثانی م با نونه عر بفتح هیر و حین ممله و سکون
 هیر و ال و همزة سر و کوبی و و رخت دهل ط ح ۳ ی اق مطلق خم سرخ

[illegible]

شیم شقال ص بلوط و جوز الس و عرق الکافور ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم
قان و سکون لام باکات و الف و ضم فاد و سکون دا و ف زرباد و عرق الشجر
بضم اول و ثانی و سکون دا و ضم قان و فتح ثنین معجمه شده و جیم کدر
و گویند عرق الصباغین عرق الصفرة بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم
قان و کسر صاد ممله شده و سکون فاد و نون سست بزرگ و زرد و خوبه و
خوردوی مایه ران ف و از زرد و زرد و خوبه هر یک ملاحی گویند و محمل لطیف
مدرم سخت شکننده ش نیم درم ص قرص کافور ل نیم وزن مایه ران یا نیم وزن
عاقه قرصه تنیق السین المهمله عرق یابس ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر قان
باختانی و الف و کسر موحده و سکون سین مهمله زنگباری تنیق الضاد المعجمه
عروض ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم زنگ و سبزی که بر آب بهر سید
عروق ابض ع بضم اول و سکون ثانی و او و کسر قان و فتح همزه و سکون
موحده و فتح تخم ثانی م بوزید ان تنیق الفاع ص بفتح اول و سکون
ثانی و فتح صاد ممله و سکون فام کما فیطوس ف ماش و او و عرق نجد
بضم اول و ثانی ع قصب فی عروق الاصف ع بضم اول و ثانی و سکون
واو و ضم قان و سکون لام و در همزه و فتح صاد ممله پو سست پنج کنیر ط
ح حی خ بار یک ش نیم شقال ص عمل ل و راو و یه سپر چهار دانگ و وزن
آن حلیت یا سنگین تنیق القاف عروق ع بضم اول و ثانی و سکون
دا و ف نیم تنیق الکاف ع و سک ع بضم اول و ثانی و سکون واو و فتح
سین مهمله هر گرم بهر بولی تنیق المیم ع بضم یه بکسر اول و سکون ثانی و
کسر صاد ممله باد شجان عروق و اهرم ببال مهمله و الف و سکون را و ماله
و کسر با و فتح را و ماله ثانی ف نیم همک ع بضم اول و سکون ثانی

[illegible]

الف تفتح اول وثانی ف چیز سیست که
 زیادہ میشود و ظاہر میگردد و نزدیک زانو و سیم اسبب عظم شقیق ہر گہوے
 کا پر عروق الصباغین عضم اول و ثانی و سکون و او و ضم قاف و فتح
 صاد مہملہ موحده مشدودہ و الف و کسر غین معجمہ سکون تحتانی ف زرد و حیر
 تہنیق الہاء ع و سک در پردہ ف بضم اول و ثانی و سکون و او و فتح
 سین مہملہ و کسر کاف و فتح وال مہملہ و سکون را مہملہ ثانی و فتح موحده قاف
 و سکون را مہملہ ثالث و فتح وال مہملہ ثانی و فقاء ہام کالج تہنیق التختانی
 و فتح بری ففتح اول و سکون ثانی و فتح فا و کسر حیم و فتح موحده و کسر را مہملہ
 مشدودہ و سکون تحتانی م سافج تہنیق الراء المعجمہ و تہنیق الراء المہملہ
 و زیا الصغیر و کسر بضم اول و فتح را مہملہ و سکون تحتانی و ضم را مہملہ و فتح
 صاد مہملہ مشدودہ و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی ثانی و کسر را مہملہ و فتح و او و
 کاف و کسر با موحده و سکون تحتانی ثالث م قنطوریون و قیق و غلیظ
 تہنیق السین المہملہ و تہنیق الدال المہملہ غسل القصب و الطبر و فتح
 اول و سین مہملہ و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح قاف و صاد مہملہ و کسر
 موحده و فتح و او و طاء مہملہ و موحده ثانی و سکون را مہملہ و فتح زاء معجمہ
 و سکون وال مہملہ شیرہ نیشکر و شیرہ نبات ہر رس طح را غسل و او و کسر
 لام با وال مہملہ و الف و ضم ہمزہ و سکون و او م ادانی تہنیق اللام غسل
 ع بفتح اول و ثانی و ضم لام و فتح نون مشدودہ و سکون حاء مہملہ مشدودہ
 ہر ہو و مد طح می ۲ ق مدل بجلے او ساخ نہ صادق اکلا وۃ خوشبوی سپید
 ہر نہ مال ربیع بعد از ان صیفی ش و او قیہ و در محجون و او برابر او و تہ تاسہ
 برابر ص انار و ربوب فوا کہ و حماض ارج و ظل سفین شین تہنیق التختانی

و ان شاء اللہ تعالیٰ

الف تفتح اول و ثانی ف چیز سیست که
 زیادہ میشود و ظاہر میگردد و نزدیک زانو و سیم اسبب عظم شقیق ہر گہوے
 کا پر عروق الصباغین عضم اول و ثانی و سکون و او و ضم قاف و فتح
 صاد مہملہ موحده مشدودہ و الف و کسر غین معجمہ سکون تحتانی ف زرد و حیر
 تہنیق الہاء ع و سک در پردہ ف بضم اول و ثانی و سکون و او و فتح
 سین مہملہ و کسر کاف و فتح وال مہملہ و سکون را مہملہ ثانی و فتح موحده قاف
 و سکون را مہملہ ثالث و فتح وال مہملہ ثانی و فقاء ہام کالج تہنیق التختانی
 و فتح بری ففتح اول و سکون ثانی و فتح فا و کسر حیم و فتح موحده و کسر را مہملہ
 مشدودہ و سکون تحتانی م سافج تہنیق الراء المعجمہ و تہنیق الراء المہملہ
 و زیا الصغیر و کسر بضم اول و فتح را مہملہ و سکون تحتانی و ضم را مہملہ و فتح
 صاد مہملہ مشدودہ و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی ثانی و کسر را مہملہ و فتح و او و
 کاف و کسر با موحده و سکون تحتانی ثالث م قنطوریون و قیق و غلیظ
 تہنیق السین المہملہ و تہنیق الدال المہملہ غسل القصب و الطبر و فتح
 اول و سین مہملہ و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح قاف و صاد مہملہ و کسر
 موحده و فتح و او و طاء مہملہ و موحده ثانی و سکون را مہملہ و فتح زاء معجمہ
 و سکون وال مہملہ شیرہ نیشکر و شیرہ نبات ہر رس طح را غسل و او و کسر
 لام با وال مہملہ و الف و ضم ہمزہ و سکون و او م ادانی تہنیق اللام غسل
 ع بفتح اول و ثانی و ضم لام و فتح نون مشدودہ و سکون حاء مہملہ مشدودہ
 ہر ہو و مد طح می ۲ ق مدل بجلے او ساخ نہ صادق اکلا وۃ خوشبوی سپید
 ہر نہ مال ربیع بعد از ان صیفی ش و او قیہ و در محجون و او برابر او و تہ تاسہ
 برابر ص انار و ربوب فوا کہ و حماض ارج و ظل سفین شین تہنیق التختانی

الف تفتح اول و ثانی ف چیز سیست که
 زیادہ میشود و ظاہر میگردد و نزدیک زانو و سیم اسبب عظم شقیق ہر گہوے
 کا پر عروق الصباغین عضم اول و ثانی و سکون و او و ضم قاف و فتح
 صاد مہملہ موحده مشدودہ و الف و کسر غین معجمہ سکون تحتانی ف زرد و حیر
 تہنیق الہاء ع و سک در پردہ ف بضم اول و ثانی و سکون و او و فتح
 سین مہملہ و کسر کاف و فتح وال مہملہ و سکون را مہملہ ثانی و فتح موحده قاف
 و سکون را مہملہ ثالث و فتح وال مہملہ ثانی و فقاء ہام کالج تہنیق التختانی
 و فتح بری ففتح اول و سکون ثانی و فتح فا و کسر حیم و فتح موحده و کسر را مہملہ
 مشدودہ و سکون تحتانی م سافج تہنیق الراء المعجمہ و تہنیق الراء المہملہ
 و زیا الصغیر و کسر بضم اول و فتح را مہملہ و سکون تحتانی و ضم را مہملہ و فتح
 صاد مہملہ مشدودہ و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی ثانی و کسر را مہملہ و فتح و او و
 کاف و کسر با موحده و سکون تحتانی ثالث م قنطوریون و قیق و غلیظ
 تہنیق السین المہملہ و تہنیق الدال المہملہ غسل القصب و الطبر و فتح
 اول و سین مہملہ و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح قاف و صاد مہملہ و کسر
 موحده و فتح و او و طاء مہملہ و موحده ثانی و سکون را مہملہ و فتح زاء معجمہ
 و سکون وال مہملہ شیرہ نیشکر و شیرہ نبات ہر رس طح را غسل و او و کسر
 لام با وال مہملہ و الف و ضم ہمزہ و سکون و او م ادانی تہنیق اللام غسل
 ع بفتح اول و ثانی و ضم لام و فتح نون مشدودہ و سکون حاء مہملہ مشدودہ
 ہر ہو و مد طح می ۲ ق مدل بجلے او ساخ نہ صادق اکلا وۃ خوشبوی سپید
 ہر نہ مال ربیع بعد از ان صیفی ش و او قیہ و در محجون و او برابر او و تہ تاسہ
 برابر ص انار و ربوب فوا کہ و حماض ارج و ظل سفین شین تہنیق التختانی

عسل البنج لفتح لام ثانی و موحده و کسرتون م سیه سائر تنبیه الشبذ المعجمه
و تنبیه الراء المهملة عشر بضم اول و سکون شین معجمه و راء مهملة اتیو عاصه
ه و رخت الراء ط ی ۲۴ ف محرق ش از شکر او و و درم ص شستن و راء ب و
ل شبر تنبیه القاف عشق کبر اول و ثانی و سکون راء مهملة مروه سنگ
تنبیه الهاء عشقه کبر اول و ثانی و فتح قاف و نون از لبلاب تنبیه الصاد
المهملة و تنبیه الالف عصارة مامیتا بضم اول باصا و مهملة و الف و فتح
راء مهملة و همزه ملینة بابا میم و الف و کسرتون ثانی و سکون تحتانی باثنته و الف
ثالث م سیان مامیتا ط ب ی اخ ز و سبک ل حضض یا بوش و راء ب و
تنبیه الموحدة عصاب بضم اول باثانی و الف و موحده م شیطر عصب
ع لفتح اول و ثانی و ی ه ش تنبیه الفوقانی عصارة فافت بضم اول
باثانی و الف و فتح راء مهملة و همزه ملینة بابا عین معجمه و الف و سکون فاء و نون
ف فشره فافت تنبیه المثلثة عصارة ط انیت همزه ملینة بافتح ط و
مهملة و راء مهملة و الف و کسرتون ثانی و ثلثه ثانی ف فشره و الی
عصارة قرط تنبیه الهم عصارة البنج بضم فوقانی و سکون لام و فتح با و موحده
و سکون نون ف افشره بزر البنج عصارة عوج تنبیه الال المهملة عصا
خشاخ اسود و همزه ملینة با و فتح هر و نون معجمه و سکون شین معجمه اول و کسرتانی
و فتح همزه و سکون سین مهملة و فتح و او با و ال مهملة افیون تنبیه الراء المهملة
عصافه لفتح اول و سکون ثانی و فتح فاء و سکون راء مهملة خس و خشک ط ح
ی ۲۵ ف تحکیمه سرخ نوص روغن بنفشه ل زهره الملح یا آرد و سفر حل عصافه
ع بضم اول و سکون ثانی و ضم فاء و سکون و او ف کنجشک ه خاکی چرک و
بکیری ط ی ۲۶ ف زبردیدک تنبیه الناء المعجمه عصارة شجرة الجوز

۲۳۵
چوبت قبادا
دو طسوخ است
پوزن مار مر
والق و حانك
دونفراط است
پوزن پشت
من مده دو و طراط
است قباد و طراط

مفتوح ثلثين مع وجيم وراو مهمل وضم فوقاني وسكون لام وفتح جيم ثانی وسكون واو
 ف افشده ودرخت گردگان ل مرزنجوش تنمیق السین المهملة عصارة السوس
 بضم فوقانی وسین مهمل مشدود وسكون واو وسین مهمل ثانی م رب السوس
 ف بشیر از س آب خشک شده مهمل ط مع ح د عصارة انبر بارسی بفتح همزه
 وسكون نون وفتح موحده وسكون راو مهمل و موحده بالالف وكسر راو مهمل ثانی
 وسكون تحتانی ف افشده زرشك ل دو وزن آن زرشك تنقیص عصارة
 بحیة التیس كبیر لام وسكون حاء مهمل وفتح تحتانی وضم فوقانی وفتح فوقانی
 مشدود ثانی وسكون تحتانی ثانی ف افشده ودرخت سرس ح تازول افاقیا
 تنمیق الظاء المعجمة عصارة القوط بسكون لام وكسر قاف وسكون راو مهمل
 م افاقیا تنمیق اللام عصارة المثل بسكون لام وكسر سیم وسكون ثلثة ولام
 ثانی م رب السوس تنمیق النون عصارة افستین بفتح همزه وسكون فاء وفتح
 سین مهمل وسكون نون وكسر فوقانی وسكون تحتانی ونون ثانی ف افشده
 افستین ح ریوندل سه وزن آن از ورق آن عصارة شقائق النعمان بفتح
 ثلثین معجمة قاف بالالف وكسر تحتانی وضم قاف ثانی وفتح نون مشدود وسكون
 عین مهمل باسیم والفاء ثانی ف افشده لال عصارة بنجور مریم تنمیق الهمكا
 عصبه بضم وفتح اول وسكون ثانی وفتح موحده وخفاء هم ریحان سلیمان
 گویند بلال عصفیه بفتح اول وسكون ثانی وكسر فاء وسكون تحتانی وفتح
 راو مهمل خیر سی زر و تنمیق التحتانی عصبه الراعی بفتح اول و ثانی والفاء
 مقصوره وراو مهمل مشدود والفاء وكسر عین مهمل كسمة هلال ساك طبا
 سی گویند رخ بستانی سرخ مائل بسیاهی ص صندل غلب الثعلب تلسیق
 الصناد المعجمة وتنمیق الفوقانی عصات كبیر اول وضاد معجمة والفاء وفوقانی

ف هر وقتیکه خار ناک بود بدین نام خوانند تنهتو للسین المهملة عضن ضم اول
 وسکون ثانی وکسر واوله وکسرین ممله ف خطی بر تنهتو اللام عضل بفتح اول و ثانی
 م عضله و شکاک و ماهیک تنهتو الها عضایه بفتح اول و ثانی و الف و فتح
 تخانی م ضب تنهتو الطاء المهملة و تنهتو الموحدة عطب بضم اول
 و طاء مملک و نینه تنهتو الدال المهملة عطار و بضم اول با ثانی و الف و کسر راء
 مهمله م سبل بر تنهتو اللام عطل بفتح اول وسکون ثانی و فتح قاف بشیک
 تنهتو الطاء المعجمة و تنهتو المیم عظم بکسر اول وسکون ثانی و کسر لام ف
 و رخت نیل عظم بفتح اول وسکون ثانی ف استخوان هه با و ط ب می ۲ و بی
 بحفف نه سخت کا و اک ص بزرقطونال صدق تنهتو الها عضایه بفتح اول با
 و الف و فتح تخانی ف حیوانی ست سام بر ص آسا گوشه او را و ذکر ست و ماده
 او را و فرج تنهتو الها و تنهتو الصاد المهملة عقص بفتح اول وسکون فاء
 صا و مصلک ماز و هه با و چهل ط ب مگویند ای مگویند ۲ ق قابض و طابض خون
 نه سبز نه سوراخ ش یک ورم صلب صنوبر ل جفت بلوط و ثمره الطر فاء
 قرطوب الآس و قشور الرمان و بلبلج اصفر و دولی همه مانند یکدیگر اند و طبیعت
 ف تنهتو القاف و تنهتو الموحدة عقاب بضم اول یا قاف و الف و موحده ف
 آله هه کیده طاح می عقرب بفتح اول وسکون ثانی و فتح راء مملک کزوم هه
 بجهو ط ب می شکفته سنگ مشاء هم نران ضعیف و لاغز ماده باشد و شش
 او سبطین از سوخته او یک و انق من رواء اطللیت ل جنت حصات خون تیس
 عقید الغناب بفتح اول و کسر قاف وسکون تخانی و ضم و ال ممله وسکون لام
 و کسرین ممله و فتح نون ف و شاب انکو تنهتو الدال المهملة عقار بضم
 اول با ثانی و الف ف شراب بضم تنهتو القاف عقق م بفتح عینین وسکون

بجهو ط ب می شکفته سنگ مشاء هم نران ضعیف و لاغز ماده باشد و شش
 او سبطین از سوخته او یک و انق من رواء اطللیت ل جنت حصات خون تیس
 عقید الغناب بفتح اول و کسر قاف وسکون تخانی و ضم و ال ممله وسکون لام
 و کسرین ممله و فتح نون ف و شاب انکو تنهتو الدال المهملة عقار بضم
 اول با ثانی و الف ف شراب بضم تنهتو القاف عقق م بفتح عینین وسکون

نقل و بجزن و مکلفه من اس بر پیم من قنیزن پیر و الی پیر و الی پیر و الی پیر

[illegible]

علاج این
نوزن قبل درم هفتاد و پنج
مطلقه نوزن است
استوار در آن قضا
کسب دلت علی است
عالمات هندو نوزد
نزدیک بعضی است
علی است اما بر علی

۲۳۸

در زمین علی است
راستین سید در زمین
همین امر را بنویس
چون علی است و
نزدیک است و در زمین
من است

السلامة

مدینان

تفہیم لغت

کسر اول و سکون ثانی و کسر کاف با تخانی و الف و کسر سوحده م فلفونبا
 ست و آن نوے از این پنج است و زنگباری عکس لغت اول و ضم ثانی
 و سکون و او و کسر فاع خازرے هر جز تفتیق الطاء المهملة عکس الانباطع
 کسر اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون لام و فتح همزه و سکون نون و
 فتح سوحده و الف و ضم بطم مفر مفر و رخت خشک طح ہی اگر کیند باقی
 منفع محمل خ ز و معتدل القوام بقدر بلح صنفه باب طلیخ مور و صطک
 تفتیق القاف علق و فتح اول و ثانی و سکون قاف و ناز الوطاب ر ق جازر
 خون خ انچه در آب شیرین میباشد ص پاشیدن خاکستر بران عضول خراطین
 حلق و ضم اول و فتح ثانی و سکون تخانی و در و توت س گل طاب سے
 ق قابض خ تر و تازه می از پنج او و در م ص پنج ممال شکوفه اما تفتیق
 الکاف عکس کسر اول و سکون ثانی و هر صنفی که توان غایب تفتیق المیم
 علق مفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون میم و غطل و گویند و احم
 و هر چه بلخ بود آن را علقه خوانند عکس البطم کسر اول و سکون ثانی و ضم
 کاف و سکون لام ثانی و ضم سوحده و سکون طار و ملام سقر تفتیق التختانی
 عکس مفتح اول و ثانی و کسر سین ملام صبر تر عکس بغدادی مفتح سوحده
 و سکون غین و حجه با و ال ملام و الف و کسر و ال ملام ثانی م صطک م سفید
 لائل بند و سے تفتیق المیم و تفتیق الحیم و فتح اول و سکون میم و فتح لام
 و سکون جیم و فنوے از خروزه که گوشت او سرخ و سبز و راه پیمان با تخم
 خورند م خروزه رستانی تفتیق الال المهملة علق و فتح اول و سکون میم و
 فتح ز و مجرب کرس تفتیق الال المهملة علق و فتح اول و ثانی مشد و الف
 و مور و تفتیق النون و تفتیق الالف علق و فتح اول و سکون ثانی با قاف

کسر اول و سکون ثانی و کسر کاف با تخانی و الف و کسر سوحده م فلفونبا
 ست و آن نوے از این پنج است و زنگباری عکس لغت اول و ضم ثانی
 و سکون و او و کسر فاع خازرے هر جز تفتیق الطاء المهملة عکس الانباطع
 کسر اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون لام و فتح همزه و سکون نون و
 فتح سوحده و الف و ضم بطم مفر مفر و رخت خشک طح ہی اگر کیند باقی
 منفع محمل خ ز و معتدل القوام بقدر بلح صنفه باب طلیخ مور و صطک
 تفتیق القاف علق و فتح اول و ثانی و سکون قاف و ناز الوطاب ر ق جازر
 خون خ انچه در آب شیرین میباشد ص پاشیدن خاکستر بران عضول خراطین
 حلق و ضم اول و فتح ثانی و سکون تخانی و در و توت س گل طاب سے
 ق قابض خ تر و تازه می از پنج او و در م ص پنج ممال شکوفه اما تفتیق
 الکاف عکس کسر اول و سکون ثانی و هر صنفی که توان غایب تفتیق المیم
 علق مفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون میم و غطل و گویند و احم
 و هر چه بلخ بود آن را علقه خوانند عکس البطم کسر اول و سکون ثانی و ضم
 کاف و سکون لام ثانی و ضم سوحده و سکون طار و ملام سقر تفتیق التختانی
 عکس مفتح اول و ثانی و کسر سین ملام صبر تر عکس بغدادی مفتح سوحده
 و سکون غین و حجه با و ال ملام و الف و کسر و ال ملام ثانی م صطک م سفید
 لائل بند و سے تفتیق المیم و تفتیق الحیم و فتح اول و سکون میم و فتح لام
 و سکون جیم و فنوے از خروزه که گوشت او سرخ و سبز و راه پیمان با تخم
 خورند م خروزه رستانی تفتیق الال المهملة علق و فتح اول و سکون میم و
 فتح ز و مجرب کرس تفتیق الال المهملة علق و فتح اول و ثانی مشد و الف
 و مور و تفتیق النون و تفتیق الالف علق و فتح اول و سکون ثانی با قاف

تفتیق المیم و تفتیق الحیم و فتح اول و سکون میم و فتح لام و سکون جیم و فنوے از خروزه که گوشت او سرخ و سبز و راه پیمان با تخم خورند م خروزه رستانی تفتیق الال المهملة علق و فتح اول و سکون میم و فتح ز و مجرب کرس تفتیق الال المهملة علق و فتح اول و ثانی مشد و الف و مور و تفتیق النون و تفتیق الالف علق و فتح اول و سکون ثانی با قاف

[illegible]

عمر بن الخطاب و غيره من بني النخيلة استسبوا في مكة فقتلوا سنة ثمان مائة

مفتوح در حقوی و طع و دل نه مندی ش نیدرم تا یک نیم در مص و ورق گل سرخ
 ل در شکم بستن صندل زرد و در معاجین و دودانگ وزن آن و ارجین و دودانگ
 وزن آن زعفران و دودانگ وزن آن زراوند حرج و گویند مضطک و سنبل
 فانیق الهما و تنبیق النون همین یک کسر اول و سکون باو نون و صوف و ششم
 فانیق البیاء الفح و تنبیق الموح و عسب و بفتح اول و سکون تحانی و ضم سین
 مهمل و سکون و اوم اذان الفار و بار شاه زبور و عسل یا شیز نام خوانند
 حین الدب بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و وال مهمل مشدده و چشم خرس
 تنبیق الال المهمله عین الدب و سکون لام و ضم هر دو با و سکون هر دو و ال
 مهمل اسم نباتی است با فنیقه معروف است با اذان الفار و سنیق
 الاله المهمله عیون البقر و ضم اول و ثانی و سکون و او و ضم نون و سکون
 لام و فتح موحده و قاف و سکون راء مهمل و زوا و بل و غرب و اندلس اجاص است
 و گویند انور سیاه کلان که صادق اسحلا و نیست تنبیق الطاء المهمله
 حیدوان البطاط کسب اول و سکون ثانی و وائل و الف و ضم نون و سکون لام
 و فتح موحده و سکون طاء مهمل و سکون موحده ثانی و الف و طاء مهمل ثانی ساکن
 ف و جوب کسته تنبیق المیم عیام بفتح اول و سکون ثانی و مثلثه و الف و
 و رخت چار تنبیق النون غیر ان میوه کسب اول و ثانی مجول و زاء و مجمل
 راء مهمل و الف م قس از زعفران و ط ب ی ۲ ق فاقض ۳ انچه بوسه سیب رها
 ص و عسل سفیر تنبیق الهما عیون الیه که بضم اول و ثانی و سکون و او و
 ضم نون و کسر و ال مهمل مشد و سکون تحانی ثانی و فتح کان و خفادان
 شمشک خروس و وجه سرخ و گونگی و رقی ط ۷ ی تنقیم الغیر المعجمه
 و تنبیق و تنبیق الالف غالباً و طایو ثانی به غیر معجمه الف و لام الف و م

[illegible]

و تسمیة الالف غبار الراء بضم اول و موحدة بالالف و ضم را و موحدة و کسر را و موحدة
 مشددة ثانی با جا و موحدة بالالف ثالثا گرد آسایا بضم اول و فتح ثانی و
 سکون تحتانی با را و موحدة بحد ط بی گویند هم میاق قایض خ انچه برگشت
 و بر پشته ص فانیل بندق تسمیة الموحدة الفارسی و تسمیة الکاف و غیره
 فتح بفتح اول و موحدة فارسی م گیاه لوح که از ان بوریا بیابانند تسمیة
 الدال الموحدة و تسمیة الواو و قد بفتح اول و ضم دال موحدة با و نجانب تسمیة
 الراء الموحدة و تسمیة الالف غر بفتح اول و سکون را و موحدة با سین موحدة
 و الالف م را سن تسمیة الموحدة لا غر بفتح اول و ثانی م در خنیت کلاما
 اطرا خوانند و بشیر از و زک گویند و او را خا را بود و قطران از و حاصل شود
 درخت پده است ع اسجل طب ای گویند پوست سوخته او و پنجه او ح ۲ ی ۳
 و محفف ح صمغ و ص جلاب ل صدف غریب بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر موحدة و سکون تحتانی ق نوعی از انکور سیاه تسمیة الحیم الفارسی
 غر بفتح اول و سکون ثانی و کسر هم سیاه واد تسمیة الدال الموحدة
 غرا الجلود بفتح اول و ضم ثانی مشد و سکون لام و ضم هم و لام ثانی و
 سکون واد و ف ششم ط ح ی ۲ غر دم کبیر اول و سکون ثانی ق نوعی از کاکه
 غر قد بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م نوعی از عویج تسمیة الدال الموحدة
 غر بفتح اول و ثانی م نوعی از عصی الراء که معروف است با ده غر کبیر اول
 م نوعی از سمار و تسمیة الشین الهمزة غرا نون بفتح اول و سکون ثانی با هم
 و الالف و ضم نون و سکون واد هم نون که پنج خنس کوسه آن عا و فر حاست
 غر شش بفتح اول و سکون ثانی با واد و الالف م بجهیل شامی م را سن تسمیة
 الکاف غر السک بفتح اول و ضم ثانی مشد و فتح سین موله بهیم و ششم

و تسمیة الالف غبار الراء بضم اول و موحدة بالالف و ضم را و موحدة و کسر را و موحدة
 مشددة ثانی با جا و موحدة بالالف ثالثا گرد آسایا بضم اول و فتح ثانی و
 سکون تحتانی با را و موحدة بحد ط بی گویند هم میاق قایض خ انچه برگشت
 و بر پشته ص فانیل بندق تسمیة الموحدة الفارسی و تسمیة الکاف و غیره
 فتح بفتح اول و موحدة فارسی م گیاه لوح که از ان بوریا بیابانند تسمیة
 الدال الموحدة و تسمیة الواو و قد بفتح اول و ضم دال موحدة با و نجانب تسمیة
 الراء الموحدة و تسمیة الالف غر بفتح اول و سکون را و موحدة با سین موحدة
 و الالف م را سن تسمیة الموحدة لا غر بفتح اول و ثانی م در خنیت کلاما
 اطرا خوانند و بشیر از و زک گویند و او را خا را بود و قطران از و حاصل شود
 درخت پده است ع اسجل طب ای گویند پوست سوخته او و پنجه او ح ۲ ی ۳
 و محفف ح صمغ و ص جلاب ل صدف غریب بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر موحدة و سکون تحتانی ق نوعی از انکور سیاه تسمیة الحیم الفارسی
 غر بفتح اول و سکون ثانی و کسر هم سیاه واد تسمیة الدال الموحدة
 غرا الجلود بفتح اول و ضم ثانی مشد و سکون لام و ضم هم و لام ثانی و
 سکون واد و ف ششم ط ح ی ۲ غر دم کبیر اول و سکون ثانی ق نوعی از کاکه
 غر قد بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م نوعی از عویج تسمیة الدال الموحدة
 غر بفتح اول و ثانی م نوعی از عصی الراء که معروف است با ده غر کبیر اول
 م نوعی از سمار و تسمیة الشین الهمزة غرا نون بفتح اول و سکون ثانی با هم
 و الالف و ضم نون و سکون واد هم نون که پنج خنس کوسه آن عا و فر حاست
 غر شش بفتح اول و سکون ثانی با واد و الالف م بجهیل شامی م را سن تسمیة
 الکاف غر السک بفتح اول و ضم ثانی مشد و فتح سین موله بهیم و ششم

و تسمیة الالف غبار الراء بضم اول و موحدة بالالف و ضم را و موحدة و کسر را و موحدة
 مشددة ثانی با جا و موحدة بالالف ثالثا گرد آسایا بضم اول و فتح ثانی و
 سکون تحتانی با را و موحدة بحد ط بی گویند هم میاق قایض خ انچه برگشت
 و بر پشته ص فانیل بندق تسمیة الموحدة الفارسی و تسمیة الکاف و غیره
 فتح بفتح اول و موحدة فارسی م گیاه لوح که از ان بوریا بیابانند تسمیة
 الدال الموحدة و تسمیة الواو و قد بفتح اول و ضم دال موحدة با و نجانب تسمیة
 الراء الموحدة و تسمیة الالف غر بفتح اول و سکون را و موحدة با سین موحدة
 و الالف م را سن تسمیة الموحدة لا غر بفتح اول و ثانی م در خنیت کلاما
 اطرا خوانند و بشیر از و زک گویند و او را خا را بود و قطران از و حاصل شود
 درخت پده است ع اسجل طب ای گویند پوست سوخته او و پنجه او ح ۲ ی ۳
 و محفف ح صمغ و ص جلاب ل صدف غریب بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر موحدة و سکون تحتانی ق نوعی از انکور سیاه تسمیة الحیم الفارسی
 غر بفتح اول و سکون ثانی و کسر هم سیاه واد تسمیة الدال الموحدة
 غرا الجلود بفتح اول و ضم ثانی مشد و سکون لام و ضم هم و لام ثانی و
 سکون واد و ف ششم ط ح ی ۲ غر دم کبیر اول و سکون ثانی ق نوعی از کاکه
 غر قد بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م نوعی از عویج تسمیة الدال الموحدة
 غر بفتح اول و ثانی م نوعی از عصی الراء که معروف است با ده غر کبیر اول
 م نوعی از سمار و تسمیة الشین الهمزة غرا نون بفتح اول و سکون ثانی با هم
 و الالف و ضم نون و سکون واد هم نون که پنج خنس کوسه آن عا و فر حاست
 غر شش بفتح اول و سکون ثانی با واد و الالف م بجهیل شامی م را سن تسمیة
 الکاف غر السک بفتح اول و ضم ثانی مشد و فتح سین موله بهیم و ششم

طحی ۷ سفید حسن تنقیق المیم غرقم و بضم اول و ثانی م کش و شسته
 و گو سفند و میش شسته تنقیق الهاغه اشمیه بفتح اول و سکون ثانی باوا و الف
 و فتح شین معجونه خفا و باهم زنجبیل شامی و گویند سده می که کو انچه تنقیق التختانی غری
 ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تختانی و سر شیم پوست گا و باگا و میش را در آب
 لے پزند و صاف سے نمایند و قرص سے سازند طحی ۸ کوف مغری بحجف پیچید
 صاف سے بش نیم درم ص طحی ۹ الاصول ل در فزق زفت تنساق الزا اء المعجم
 و تنقیق اللام غزال بفتح اول و زاء معجمه سده و الف و لام و شیر خر و کسر
 اول و ثانی محفف و آبوزیره تنساق الزا اء الفارسی و تنقیق الالف غرقما و
 غرقا کاف بفتح اول و سکون زاء فارسی و لغت اول و کاف فارسی و لغت
 ثانی م گا و کس که و کو بهای مابین ملک خطا و هند وستان پیدا شود و تیرگی
 آن را قطاس خوانند هر سره گای تنقیق الموحله کاف و غرب و بضم اول و سکون
 ثانی فارسی م هاء الگور که شیر و کس یعنی تخم انگور در سیانیش با ش تنقیق المیم
 غرقم و بضم اول و سکون ثانی فارسی م غرب تنقیق الواو غرقما و و غرقا و و
 هر سره گای تنساق السین المصله و تنقیق الالف غصا بفتح اول و سین مصل
 ح لاج تنقیق الحیم غسلج بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام م غلطش تنقیق الکاف
 فسا ک بفتح اول و ثانی و الف م گایا به چان که عشقه است غسک و بفتح
 اول و ثانی م کرم ساس هر که مثل تنقیق اللام غسل به فتح اول و ثانی و
 خطمه تنقیق الشین المعجونه و تنقیق الهاغه و بکسر اول و فتح شین معجونه خفا و
 م برگ نی صحرای تنساق اللام و تنقیق الالف غلوفیر یا یوناسه بضم
 اول و لام و سکون و او و کسر فاء و سکون تختانی و کسر لام و مصله یا تختانی ثانی
 و الف ع اصل السوس هر طشتی غلیظین آغریا سربانی بضم اول و فتح ثانی و سکون

[illegible]

[illegible][illegible]

وضم فوقانی و سکون و او ثانی ف نون می از ز و ف را که حکم تنقیق الهاء فاجسته
 یکسریم و فتح شین مجمره و خفایا هم چند سید شتر فاخته بسکون خارج مجمره و فتح فوقانی
 هر چند که ط گوشت ا و ح می قاعیه یکسرین ممل و فتح تحتانی م فل ف بیج نیلوفر
 هندس قاعیه یکسرین مجمره و فتح تحتانی ف گل خطاط م ۶ ب و هر فورس که
 خوشبو بود و نیز این نام خوانند و گویند گل رای چنایا فاغره م یکسرین مجمره و فتح
 را و ممل و فاغره و کباب و شکافته تنقیق التحتانی فاشتر سینه بسکون شین مجمره
 و فتح را و ممل و سکون سین ممل و کسر نون م سپندان تنسیق الحیم و تنقیق
 اللام قبل ع بضم اول و سکون جیم و لام ف ترب هر مولی طبرک ا و ح ۳ ی
 و مقطع مطف و برگ او مفتی م بستانی کسرت تازه من از م ربای اوده و در ممل
 عمل تنسیق الخاء المعجمه و تنقیق الهاء مخفیه و بفتح اول و سکون خارج مجمره و
 فتح فارثانی و را و ممل غله جو تنسیق الراء المهملة و تنقیق الفوقانی ف رفعت به فتح
 اول و سکون ثانی و فتح فا و ثانی و سکون فوقانی ف شاهتره تنقیق الخاء المعجمه
 فرخ م بفتح اول و سکون او ممل م چو ج و مرغ و فرخ یکسر اول جمع آن فرخ بفتح
 اول و سکون ثانی و فتح فا و ثانی م بقله الحقه تنقیق الدال المهملة فرز و ف
 بضم اول و سکون ثانی و فتح را و مجمره هر سینه و و ب فرصاد م یکسر اول و سکون
 ثانی با صاد ممل و الف ف توت فرغند ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ضین مجمره
 و سکون نون ع عشقه هر امیر بیل تنقیق الراء المهملة فرغ و بفتح اول و سکون
 ثانی و ضم غین مجمره و او مجهول م تیهو فرغین بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا
 ثانی و کسر خاء مجمره و سکون تحتانی م بقله الحقه فرغ و ف بضم اول و سکون ثانی
 و ضم فا و ثانی و سکون و او م تراف و ف و بفتح اول و ضم فا و ثانی م بود و نه با هم
 فرغ بفتح اول و سکون ثانی و کسر فا و ثانی و سکون تحتانی ف بفتحه و گویند

[illegible]

یونہ یا تینو تہنیق الیاء المعجمہ قرطیہ فتح اول و کسر ثانی و تخانی مجبول و ذرا بحجم نیم وزن
 تہنیق الیاء الفارسیہ فورث و بضم اول و ثانی م و ج یا ر یونہ تہنیق الشیش المعجمہ قرطیہ
 و بضم اول و سکون ثانی و ششین معجمہ شیر جیوان نوزائیدہ قرطیہ فتح اول و کسر
 ثانی و تخانی مجبول م گوشت بریان تہنیق الکاف قرطیہ فتح اول و سکون ثانی
 و ضم فوقانی و سکون و اوم پرستوک قرطیہ فتح اول و سکون سین مہمل
 و ضم فوقانی و سکون و اوم سرخ و قرطیہ فتح اول و سکون سین مہمل
 مہملہ مشتقاوہ قرطیہ فتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر جیم و سکون
 ششین معجمہ م ریحان قرطیہ فتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر جیم و سکون
 بول و ملطف خم رسیدہ قرطیہ فتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر جیم و سکون
 نیم وزن قرطیہ فتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر جیم و سکون
 تہنیق المیم قرطیہ فتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر جیم و سکون
 حاد و ملطف باسیم و الف ثانی و نیم ثانی و کسر جیم و کسر جیم و سکون
 کسر و کسر تہنیق النون قرطیہ فتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر جیم و سکون
 ضم تخانی و سکون و اوف گند نامی کو ہے ط ۲۶ ح ۳ ق مفتوح مقطع درم و نیم وزن
 سرخ و نیم وزن نیم درم تا یک درم ص سنبلی الطیب یا صوغول اسارون و چھاندا
 وزن آن لبان یا اسیون یا اغمیون یا یونہ آن لافہ بازو فافسیون فتح اول و
 سکون ثانی و کسر موحده و ضم تخانی و سکون و اوف شیر و رخت زقوم ط ۲۶ ح ۳ ق
 گویند ۳۶ ق مقوقہ ملطف مہمل بلغم خم زرد صافی حاد و لراکھ قرطیہ فتح اول و سکون
 تاد و داگ م باوم شیرین و کشنیر و لہاب و ر و غنہال ماذریون نیم وزن و سکون
 و ناگ و آن جند بدست قرطیہ فتح اول و سکون ثانی و کسر سین مہمل و ضم لام و سکون
 و اوم ملطف قرطیہ فتح اول و سکون ثانی و کسر فاد ثانی و ضم تخانی و سکون و اوم

سودای دمویش
باید احتراق
مردمان قلیک
فساد و کلبه
الذرات است
روغنهای داغ
سیاه باطنی
پخته فاج آن مزج
سودای رسو
است احتراق

فوقه فتح اول وسكون ثانی وکسر فارانی وسكون تحتانی فت تخم تورک وخرنه
تخمین الواد وراشتو وقرشتو فتح اول وثنائی والفت وسكون شین مجمره وضم فوقانی و
سكون واد ورفعت اول وکسر اول وثنائی وسكون بین همزه ورفعت ثانی کم وراشتو
فوقه فتح اول وسكون ثانی واد ووجولت پستین گرتین پستین روابه پس
همو پس ینک پس قاتم بعد از آن بره نمیق الهاء وقرنه وفتح اول وسكون
ثنائی وفتح زامجه وحقار اهر سهری ووب فرشت وضم اول وسكون ثانی و
فتح شین مجمره شیر جوان نوزامیده هر میوسی وقرنه وفتح اول وسكون ثانی و
و فتح عین مجمره وسكون نون وفتح دال معلوم عشقه هاسرل وفتح اول وسكون
ثنائی وفتح سیم ونبشته فریقہ یونانے فتح اول وکسر ثانی وسكون تحتانی وفتح
تات و حکمہ تنلیق السین المهملة ونبیق العین المهملة فسوة الضبع بضما اول
سین همزه وفتح واد وضم فوقانی وفتح ضاد وجمه مشدده وضم موحده وسكون عین
همزه مسمار وفتح تنیق القاف تستق کسر اول وسكون ثانی وفتح فوقانی وسكون
تات وفتح طاح سری گویند ساق وفتح بهر تازده فریه بزرگ ش از پست
بیرون او نیم دم ص ز و آوی خشک یا تخم خیارل مغز ادام وضمین یا نیم وزن
مغز جوز و نیم مغزین یا فندق تنیق النون سکینون فتح اول وسكون ثانی وکسر لام
وضم تحتانی وسكون واد مسمول تنیق الهاء فسق الهاء ویم کسر اول وسكون
ثنائی وضم فوقانی وقات وسكون لام بابا والفت وکسر واد وفتح تحتانی وحقار هاء ثانی
م حب النان هر تخم میان فسفسبه فتح اول وسكون ثانی وفتح فار ثانی وسین همزه ثانی
م است تر تنیق السین المهملة ونبیق العین المهملة فتاع کسر اول یا شین مجمره
الفت و عین معلوم شهرم نیایست که چون بر شاخه انکو ریخته شود وفسدی بود
تنیق الصاد المهملة ونبیق الباء مفتوحه وضم فتح اول وسكون صاد وفتح فار ثانی

۲۵۱
 وزن آن از لاج
 سودای اسوداد
 است از سودا
 غلیظ فصل پنجم
 در لون و مزاج
 وین بزرگین
 قسم اول
 شاه بخا عاروم
 شاه سیفید
 شاه سیفید
 شاه سیفید

الف تانی م کسبت چون تر بود فصد فصد و طبع گویند و چون خشک گردد و رفت

عطف گویند و رنجبه تنسیق الضاد المعجمه و تنمیز کال فضا بکسر اول اضا و معجمه و
 الف ف وائه و نیز تنمیز الهاء فضاء فضاء بکسر اول و فتح تانی مشدود و لغوه و رو با
 ط کسب اف و رق و اقوی دل خالص ش یک و لک عن قتل ل فی و ر و تنسین
 الطاء المهملة و تنمیز الراء المهملة و تنمیز الراء المهملة و تنمیز الراء المهملة و تنمیز الراء المهملة
 و او و انواع است یک نوع فقع که بفاست یک شکل خوانند و دیگر نوشته و یک نوع فقیل
 و مجموع انواع را کمات خوانند و بدترین همه فطر بود و نوعی و شیب سرگین و بدو نوعی
 و شیب ختم شرب و آنچه سرخ بود و زهر بود و آنچه سفید بود و زهر و آنچه در زهر ختم شرب بود
 پوست او نیز زهر است و گویند که در کثیفه او را کثیفه گویند و فقیل کاف و نون
 و خفاء و ففتح کاف فارسی و ضم جیم فارسی و او و سکون و او و ضم سفید تنمیز النون
 فطر اسالیون یونانی بکسر اول و سکون ثانی بار و مملو و الف و سین مملو و الف ثانی
 و کسر لام و ضم تحال و سکون و او و مملو اسالیون ف تحم کرس کو سبت تنمیز العین
 المهملة و تنمیز السین المهملة فقیل سوس یونانی بفتح اول و کسر عین مملو و سکون
 تحانی باللام و الف و ضم سین مملو و سکون و او و سین مملو ثانی ف چربک نشان
 تنمیز النون فغلیون روسی بضم اول و ثانی و سکون و او و کسر لام و ضم تحانی و
 سکون و او ثانی م خا تنسیق القاف و تنمیز الحاء المهملة فقلح المکع بضم اول و ثانی
 و الف و ضم حاء مملو و سکون لام و کسر سیم و سکون ل ثانی م زهره المم فقلح ع
 بضم اول و ثانی و الف ف کل و شکوفه تنمیز الال المهملة فقلح بفتح اول و سکون
 ثانی ف تحم تکشت تنمیز الاء المهملة فقلح الاذرع بضم اول و ثانی و الف
 و ضم حاء مملو و سکون لام و کسر زهره و سکون ذال معجمه و فتح خاء معجمه م کل اذ خمر
 خوشبوین بارزول قصب الذریره تنمیز العین المهملة فقلح ع بضم اول

الف تانی م کسبت چون تر بود فصد فصد و طبع گویند و چون خشک گردد و رفت
 عطف گویند و رنجبه تنسیق الضاد المعجمه و تنمیز کال فضا بکسر اول اضا و معجمه و
 الف ف وائه و نیز تنمیز الهاء فضاء فضاء بکسر اول و فتح تانی مشدود و لغوه و رو با
 ط کسب اف و رق و اقوی دل خالص ش یک و لک عن قتل ل فی و ر و تنسین
 الطاء المهملة و تنمیز الراء المهملة و تنمیز الراء المهملة و تنمیز الراء المهملة
 و او و انواع است یک نوع فقع که بفاست یک شکل خوانند و دیگر نوشته و یک نوع فقیل
 و مجموع انواع را کمات خوانند و بدترین همه فطر بود و نوعی و شیب سرگین و بدو نوعی
 و شیب ختم شرب و آنچه سرخ بود و زهر بود و آنچه سفید بود و زهر و آنچه در زهر ختم شرب بود
 پوست او نیز زهر است و گویند که در کثیفه او را کثیفه گویند و فقیل کاف و نون
 و خفاء و ففتح کاف فارسی و ضم جیم فارسی و او و سکون و او و ضم سفید تنمیز النون
 فطر اسالیون یونانی بکسر اول و سکون ثانی بار و مملو و الف و سین مملو و الف ثانی
 و کسر لام و ضم تحال و سکون و او و مملو اسالیون ف تحم کرس کو سبت تنمیز العین
 المهملة و تنمیز السین المهملة فقیل سوس یونانی بفتح اول و کسر عین مملو و سکون
 تحانی باللام و الف و ضم سین مملو و سکون و او و سین مملو ثانی ف چربک نشان
 تنمیز النون فغلیون روسی بضم اول و ثانی و سکون و او و کسر لام و ضم تحانی و
 سکون و او ثانی م خا تنسیق القاف و تنمیز الحاء المهملة فقلح المکع بضم اول و ثانی
 و الف و ضم حاء مملو و سکون لام و کسر سیم و سکون ل ثانی م زهره المم فقلح ع
 بضم اول و ثانی و الف ف کل و شکوفه تنمیز الال المهملة فقلح بفتح اول و سکون
 ثانی ف تحم تکشت تنمیز الاء المهملة فقلح الاذرع بضم اول و ثانی و الف
 و ضم حاء مملو و سکون لام و کسر زهره و سکون ذال معجمه و فتح خاء معجمه م کل اذ خمر
 خوشبوین بارزول قصب الذریره تنمیز العین المهملة فقلح ع بضم اول

الف تانی م کسبت چون تر بود فصد فصد و طبع گویند و چون خشک گردد و رفت

با ثانی و الف و عین مملکت بوز و بکشی و مطف ص عمل و نا و اول را یب
 تنهین المیدو قفاح الکرم ع بسکون لام و فتح کاف و سکون را و مملکت و میهم و
 دل و آن شکوفه انگور بود و طاب تنهین النور نقلاً مینون بفتح اول و سکون
 ثانی باللام و الف و کسر میم و سکون تخانی و ضم نون و سکون و ادون چوبک شان
 تنهین اللوم و تنهین الال المیهله فلنجد و فلتحیت بفتح اول و سکون لام و
 و ضم خا و عجمه و سکون و او و وال مملکت و لغت اول و کسر خا و عجمه و سکون تخانی و لغت
 ثانی م نمیه و انه فلفل سود و کسر هر و و ف و سکون لام اول و کسر لام ثانی و فتح عجمه و سکون
 سین مملکت و فتح و ا و م فلفل سیاه هر کالی مرج ط ح م ق مطف مغشش ش نیم
 ص عمل یا و الف قرع ل یک نیم وزن فلفل سفید یا زنجبیل فلفل الف و سکون لام
 ثالث و ضم عین معجمه را و مملکت و سکون و او و م و سه تنهین الاء العجمه فلفل و راز
 بفتح و ال مملکت و را و مملکت الف و پیل تنهین الصناد العجمه فلفل ابض ع بفتح عجمه و
 سکون موحده و فتح تخانی و فلفل سفید ط ح ی م خ سبک ش از تسوس
 ثانی م شقال ص عمل ل زنجبیل تنهین الکاف فلنجد شک بفتح اول و ثانی و سکون
 نون و فتح جیم و کسر میم و سکون شین معجمه کاف بالنگوی خ و تنهین اللام
 فل ع بضم اول و سکون لام و فتح نیلوفر هندی ط ح ی م عمل ل تفاح ع
 تنهین النور فلعلون کسر فائین و سکون لایین و ضم میم و سکون و ادون و
 کوهی ط ح ی تنهین الهاء فلفل الصقالیه بفتح صاد و مملکت و و قاف و الف
 و کسر لام ثالث و فتح موحده و فتح نجاشت فلفل کبیر فائین و سکون لایین
 و ضم میم و سکون و او و فتح تخانی و فتح و رخت فلفل و راز هر پیل مملکت
 ح ی اشک شقال تا و و شقال ص عمل ل و ا و فلفل یا مار شک یا و و و
 وزن آن سوره نجان و نیم وزن مغر شک و انه فلنجد بفتح اول و ثانی و سکون نون

در کنگرہ دالت بر بدوخت
سفید باریک فروخت
چرخ کرکوتی است
و بدوخت صد گال
دالت بر بدوخت
نخامو و سبک
است کیو و
بازجائی که در
مزارش در

۲۵۳
باشترق وال است
بجوارات دنگ
گذر به باکو دوت
و غیر مشرق وال
سخت بر بود و دوت
دنگ از ق
دانیل خورشید است
علامه آقا محمد
دین است که در
درا

ان و

وفتح جیم افانجه ففتح اول و ثانی مخفف و شد و هر پیوستی فلیقه بفتح اول
 کسره ثانی و سکون تختانی و فتح فارتانی و لام ثانی و تخم و دربان اندلسه ناخواه
 و گویند تخم چنگشت تنیق تختانی فلفل بجای ففتح موحده و کسره را و جمله شد و تخم
 سنبها و تنسيق النون و تنیق الالف ففنا ففتح اول و ثانی و ر و به ترکیک
 تنیق الکاف ففک و ففتح اول و ثانی م جانور است که از پوست او پوستین
 سازند فقط فلون کسره اول و سکون ثانی و طاء و جمله بالالف و فتح فارتانی و ضم لام
 و سکون و او ف پنجگشت تنیق الواو و تنیق الدال المهمله فواد ففتح اول و
 و او و الف ه هنگر تنیق اللام فو فل و ضم اول و سکون ثانی و کسره فارتانی ه
 سیاری طب حی ۳ گویند حی ۳ سق قابض رابع خرزین ش نیم درم ص
 صمغ تل صندل سرخ دو دانگ و نیم وزن آن بذرا نیم قول و ففتح اول و سکون
 ثانی م اقلان و فل و ضم اول و سکون و او و فتح با ف شوره تنیق المیم قوم و ضم اول
 و سکون ثانی و گندم تنیق الواو فو فو ثانی و ضم اول و سکون و او و حی است
 باریک خوشبو مانند بنبل الطیب بکبه قسه از بنبل الطیب است ه جال کر می طام
 می و مفتوح تازه خوشبوش نیم ص رازیانه یارب السوسل سنبل یا کب یا یا
 فلفل سیاه تنیق الهاء فوده و ففتح اول و سکون ثانی و فتح وال مهمله خیره خشک
 که از آن آبکاه سازند فوشه و ضم اول و ثانی مجهول و کسره شین معجبه و فتح نون م لوی از طم
 فوه و ضم اول و فتح ثانی شد و ف ر و ناس ه مجبیه طح ی گویند ب ق
 در خرارسته تازه سرخ باریک ش نیم شقال و در مطبوخ و در درم ص انیسون با تخم
 بارتنگال یک نیم وزن سلیخه یا شیطرج و طلا تنیق التختانی فو فتح حله و ضم اول و
 ثانی مجهول و سکون فو ثانی و فتح نون و کسره جیم و فتح جیم ثانی و موحده و کسره لام و
 سکون تختانی و ف پودنه کوبی طح ی ۴ خ خندوبی تازه سبز کوچک ورق ش

۲
الف واء ممله والفت ثانی وکسر سین ممله با تخیانی والفت ثالث الوبالوقایم
بکسراف ثانی با تخیانی ماقایم تنقیق الموحدة قائل الذنب بکسرفوقانی
وضم لام وکسر فال معجمه شد و سکون تخانی و موحده مزلق سیاه قائل الکلب
بکسرفوقانی وضم لام و سکون لام ثانی وفتح کاف و سکون لام ثالث هـ کسلا
تنقیق الداء الممهله قائل النمر بکسرفوقانی وضم لام وفتح نون مشد و کسر
سیم م اذ یون قارم قیر رال قاقله صغاع بضیم قاف ثانی وفتح لام وضم
لمینه با وکسر صا و ممله باغین معجمه والفت فیل هـ الایچی خرد طحی گویند
مع ق مطلق و مقوی دل و مده تیز بوی بن یک درم ص قن یا طباشیر
باشیره تخم خرفه یا سنجبین ل و فضل یا کبابه و سبل قاقله کبار بضیم قاف ثانی وفتح لام
و مفره لمینه با وکسر کاف با موحده والفت ثانی هـ الایچی کلان طحی گویند
مع ق مطلق و مقوی دل و مده تیز بوی بن یک درم ص قن یا طباشیر
قن یا طباشیر یک نیم وزن قاقله صغار یا یک نیم وزن کبابه نیم وزن سبل یا

نیم وزن قفل تنمیق القاف قائل العلق ع بفتح عین هملة ولام وسکون قاف م
 نوعی از مرزنگوش قاق ع ف گوشت خشک و بهر چیزی که خشک سازند بدین
 نام خوانند تنمیق اللام قائل النحل ع بفتح نون وسکون جاه هملة ولام ف
 نملو و تنمیق النون قاطون بضم طاء هملة وسکون واو ف ثو شاد تنمیق الهاء
 قائل اخیم ع بفتح همزة وکسر خاء همزة وسکون تخانی واطهار بام خصه اشعلب قائل نفسه
 بکسر فوقانی ولام وفتح نون وسکون فا وکسر سین هملة واطهار بام نوسه از عشق
 قاتوله ع بضم فوقالی وسکون واو وفتح لام ه دال توره قانصه ع بکسر نون وفتح صا و هملة
 م سنگدانه مرغان ه بفتح طح ر ق مغدی خ از طائر فریه ص سرکه و ابا زیر
 تنمیق التختانی قاقلی بضم قاف ثانی وکسر لام وسکون تختانی ثانی است مانند
 ایشان وگویند مانند کثوث طح ی ای سسل بنی از آب اویم طل ص کثوث الیسیا
 تنسیق السباء الموحدة و تنمیق الجیم قح ع بفتح اول وسکون موحدة و کباب
 م آتشخواره ط گوشت اوح و تنمیق الداء المهملة قبا بر ع بفتح اول و ثانی
 والف وکسر موحدة ثانی وسکون راء هملة چکا و کیا طح ی خ فسر به بیان کرده
 تنمیق المقاف قبا ق بفتح اول و ثانی والف و قاف ثانی ف کد و تنسیق
 تنمیق الفوقانی قمت ع بضم اول وسکون فوقانی م اسمی است تنمیق الال
 المهملة قما و ع بفتح اول و ثانی والف م و رخت خار داری ست که صمغ و
 کتیر است بشیر از ی ف کم طح ر تنسیق الشع المثلثة و تنمیق الالفت
 قشاع بفتح اول و مثلثة ف خیار و راز هر گله می طاب ر ق در محل خ نیشا بک
 پنجه تازه ص غسل یا در رنگ تنمیق الدال المهملة قشع بفتح اول و ثانی
 وسکون وال هملة خیار بالنگ ه کثیر اطاب و تنمیق الداء المهملة قمار م
 ع بفتح اول و ثانی والف وضم همزة وسکون لام وکسر حاء هملة باسیم والف ثانی
 و

این بار در طلب
 است علی بن ابراهیم
 که در این
 است و در این
 ۲۵۴
 فصل
 در بیان
 است و در این
 است و در این
 است و در این

این بار در طلب
 است علی بن ابراهیم
 که در این
 است و در این
 است و در این
 است و در این

در اول مهمله هر کلا طحی ۳ ق سبیل بلغم و تنقی ۳ رسیده ش یک م تا یک شقال
و گویند عصاره او در واقع ص کتیه مثل ایما صنع و در اول ماه و اندام تنقی بلغم
قشای النعام ع بلغم نون با عین مهمله و الف م خطل کو یک تنقی الهاء قشای
ع بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی و فقاء با م زازند طول و گویند خطل کو یک
تنقیق تحتانی قشای هندی بزی یکسکون نون و کسر ال مهمله و تحتانی و
فتح موحده و کسر راء مهمله و قبل قشای هندی و خیا و خبر تنقیق الدال المهمله
و تنقیق الالف قدسیا بفتح اول و سکون ثال مهمله و کسر سیم یا تحتانی و الف م
قلبی یا تنقیق الحاء المهمله قدح بفتح اول و ثانی و الف م فصفه تنقیق
الدال المهمله قدح بفتح اول و کسر ثال و سکون تحتانی و گوشت خشک
۳ از حیوان و تنقیق الهمیم قدح مريم بفتح سیم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م
نوعی از حی العالم تنقیق الداء المهمله و تنقیق الالف قمر اصیاء بفتح
اول و راء مهمله و الف و کسر صاء مهمله یا تحتانی و الف بالو طح راق ملین و تنقیق
رسیده سیاه ش یک کف و فرغ ص طنجین ل اجاص قروانا بلغم اول و
سکون ثانی و ضم و ال مهمله یا سیم و الف و نون م کرو یا جلی طح ۳ ی اف انش
بفتح لطیف مدرقه از زرد قش یک شقال ص انیسون یا مندل ل خول
و حرمل و شکط اشبع و طمانا بلغم اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و سیم و الف
و نون م قروانا قمر ثانی یا نونانی بلغم ابل و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون
و او و کسر سیم و سکون عین مهمله یا سیم ثانی م نقل روغن و عفران طح ۳ ی سر فریه
سیاه بی چوب و بعد از آنکه اختن در آب بزرگ زعفران ماند و بعد از خائیدن ز آب
و ندان کند فرسیا بلغم اول و سکون ثانی و کسر سیم یا تحتانی م توتیا تنقیق الحاء
المهمله قرح بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله و تنقیق الدال المهمله

در اول مهمله هر کلا طحی ۳ ق سبیل بلغم و تنقی ۳ رسیده ش یک م تا یک شقال
و گویند عصاره او در واقع ص کتیه مثل ایما صنع و در اول ماه و اندام تنقی بلغم
قشای النعام ع بلغم نون با عین مهمله و الف م خطل کو یک تنقی الهاء قشای
ع بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی و فقاء با م زازند طول و گویند خطل کو یک
تنقیق تحتانی قشای هندی بزی یکسکون نون و کسر ال مهمله و تحتانی و
فتح موحده و کسر راء مهمله و قبل قشای هندی و خیا و خبر تنقیق الدال المهمله
و تنقیق الالف قدسیا بفتح اول و سکون ثال مهمله و کسر سیم یا تحتانی و الف م
قلبی یا تنقیق الحاء المهمله قدح بفتح اول و ثانی و الف م فصفه تنقیق
الدال المهمله قدح بفتح اول و کسر ثال و سکون تحتانی و گوشت خشک
۳ از حیوان و تنقیق الهمیم قدح مريم بفتح سیم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م
نوعی از حی العالم تنقیق الداء المهمله و تنقیق الالف قمر اصیاء بفتح
اول و راء مهمله و الف و کسر صاء مهمله یا تحتانی و الف بالو طح راق ملین و تنقیق
رسیده سیاه ش یک کف و فرغ ص طنجین ل اجاص قروانا بلغم اول و
سکون ثانی و ضم و ال مهمله یا سیم و الف و نون م کرو یا جلی طح ۳ ی اف انش
بفتح لطیف مدرقه از زرد قش یک شقال ص انیسون یا مندل ل خول
و حرمل و شکط اشبع و طمانا بلغم اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و سیم و الف
و نون م قروانا قمر ثانی یا نونانی بلغم ابل و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون
و او و کسر سیم و سکون عین مهمله یا سیم ثانی م نقل روغن و عفران طح ۳ ی سر فریه
سیاه بی چوب و بعد از آنکه اختن در آب بزرگ زعفران ماند و بعد از خائیدن ز آب
و ندان کند فرسیا بلغم اول و سکون ثانی و کسر سیم یا تحتانی م توتیا تنقیق الحاء
المهمله قرح بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله و تنقیق الدال المهمله

از م در اول مهمله هر کلا طحی ۳ ق سبیل بلغم و تنقی ۳ رسیده ش یک م تا یک شقال
و گویند عصاره او در واقع ص کتیه مثل ایما صنع و در اول ماه و اندام تنقی بلغم
قشای النعام ع بلغم نون با عین مهمله و الف م خطل کو یک تنقی الهاء قشای
ع بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی و فقاء با م زازند طول و گویند خطل کو یک
تنقیق تحتانی قشای هندی بزی یکسکون نون و کسر ال مهمله و تحتانی و
فتح موحده و کسر راء مهمله و قبل قشای هندی و خیا و خبر تنقیق الدال المهمله
و تنقیق الالف قدسیا بفتح اول و سکون ثال مهمله و کسر سیم یا تحتانی و الف م
قلبی یا تنقیق الحاء المهمله قدح بفتح اول و ثانی و الف م فصفه تنقیق
الدال المهمله قدح بفتح اول و کسر ثال و سکون تحتانی و گوشت خشک
۳ از حیوان و تنقیق الهمیم قدح مريم بفتح سیم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م
نوعی از حی العالم تنقیق الداء المهمله و تنقیق الالف قمر اصیاء بفتح
اول و راء مهمله و الف و کسر صاء مهمله یا تحتانی و الف بالو طح راق ملین و تنقیق
رسیده سیاه ش یک کف و فرغ ص طنجین ل اجاص قروانا بلغم اول و
سکون ثانی و ضم و ال مهمله یا سیم و الف و نون م کرو یا جلی طح ۳ ی اف انش
بفتح لطیف مدرقه از زرد قش یک شقال ص انیسون یا مندل ل خول
و حرمل و شکط اشبع و طمانا بلغم اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و سیم و الف
و نون م قروانا قمر ثانی یا نونانی بلغم ابل و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون
و او و کسر سیم و سکون عین مهمله یا سیم ثانی م نقل روغن و عفران طح ۳ ی سر فریه
سیاه بی چوب و بعد از آنکه اختن در آب بزرگ زعفران ماند و بعد از خائیدن ز آب
و ندان کند فرسیا بلغم اول و سکون ثانی و کسر سیم یا تحتانی م توتیا تنقیق الحاء
المهمله قرح بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله و تنقیق الدال المهمله

و چون از دیدن آن شش کلاه بر سر او ایستادند و فرمودند که این شش کلاه را بر سر او بگذارید و چون از دیدن آن شش کلاه بر سر او ایستادند و فرمودند که این شش کلاه را بر سر او بگذارید

اقرا و قمر بضم اول و ثانی بالفت و اول مملو در لغت اول و کسبل اول و سکون
 ثانی در لغت ثانی ف کنه و گویند هر بهنگا و فرسیدم کسبل اول و سکون ثانی و کس
 سیم و سکون تحتانی و ف خشت پنجه تنبیه الی اع المهمله قرن البحر بفتح اول
 و سکون ثانی بضم نون و سکون لام و فتح موحده و سکون حاء مملو ف کسب با قمر
 بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی همانند این تنبیه الی اع المعجمه قمر کسبل اول
 و سکون ثانی و کس سیم و وود الصباغین ف کرم رنگیزان که بدان ابر کشیم و
 صدوف رنگ کنند تنبیه السین المهمله قرطاس عم کسبل اول و سکون ثانی با
 طاء مملو و الف و ف کاغذ طب ای ۲ ق مخفف ۶ مصری ص کسبل و و و و
 بر روی تنبیه الصناد المعجمه قراض بفتح اول و ثانی و الف و بابونه قرض بفتح
 اول و کس ثانی و سکون تحتانی و ف تخم انجرو تنبیه الطاء المهمله قراطع بفتح
 اول و ثانی و الف و ف تخم نمل تنبیه الطاء المعجمه قراط بضم اول و سکون
 ثانی م نوعی از اسپست و کسبل اول م نوعی از کرات و بفتح اول ثانی سکون ثانی تیرم
 کرت و آن صمغ درخت فلفل است و اما قیام صابره اوست طب ای اف
 قاض ش یک درم ص آب که ول جلنا تنبیه العین المهمله قمر عم بفتح
 اول و سکون ثانی و عین مملو ف کد و طب ای ۲ ق بلین ۷ تر و سبز و شیرین
 ش از آب او نیم رطل ص خردل سیل تر تنبیه الکاف قریوک بضم اول و
 سکون ثانی و شکم موحده و سکون واو و شکر تنبیه اللام قرقه القرض م
 کسبل اول و سکون ثانی و فتح فاضم فوقانی و سکون لام و فتح قاف ثانی و را مملو
 و سکون نون و ضمه فام قرقه الطیب پوست هر خوب و درخت را قرضه
 خوانند و آن پوستی است بود بودون قرقه و طعم قرضل دارد و غیر حلاوت و اریخی
 ل و قرضل عم لقبه اول و ثانی و سکون نون و ضمه قاف بیخک هر کونگ طعم

[illegible]

ی ۲ گویند ۳ ق ماطف و مقوی و داغ و بکر و معده ۴ تیر کرم تلخ باریک چوب
ش نیم و ررم ص صغری یا فوفل ل نیموزن ل جوز الطیب نیم وزن و ارغنی و قرقه
یا نیموزن و نیموزن شک و نیموزن ان خود لنبان و گویند ر این خود لنبان قرن منور و ابر
فستق اول مسکون نون و فتح میم و عین مهله و سکون زاده و کسره و فتح تحتانی
شده و م شاخ بزکوی ۷ از ایل برک سوخته باشند ص کسر ال اسارون و خولنج
قرن لضم اول و ثانی و سکون و او م مرجان قرن انبل ع لضم اول و ثانی و
سکون و او و ضم نون و سین مهله شده و سکون نون ثانی و ضم سوخته و رسان
سینبیل مانند و آن از موم است هر سنگی از هر ط ۷ ی ۴ تخم الیم قرطم لضم
اول و سکون ثانی و ضم ط و مهله خسکه اند هر ط ۷ ی ۲ لاق شصت طین لطیف
نه سفید فربش ده و ررم از آب اوجی حل ل یک وزن بادام و ربع وزن تخم
انجه تنیق النون قره العین ع لضم اول و فتح ثانی شده و ضم فوقانی و سکون
لام و فتح عین مهله و سکون تحتانی م کرس المار ط ۷ ی ۲ ق محلی مقطع شش و طبع
نیج و ررم ص کاکج ل کرس قران لفتح اول و ثانی و حاء و مهله و الف و موعی از کمات
سفید کوچک قره آسن لونی لفتح اول و سکون ثانی و ابدال مهله و الف و کسره
م حرف قران لفتح اول و سکون ثانی و ابدال مهله و الف و فیکند هر کلی که اکثر
سبک و گاو می چید قره آمون یونانی لفتح اول و سکون ثانی و ابدال مهله و الف
و ضم میم و سکون و او و کسره ثانی م قرمانا و سطر ایون لفتح اول و کسره ثانی
سکون سین مهله طاء و مهله و الف و کسره و ضم ثانی و ضم تحتانی و سکون و او م کمات
کوی قرقران لضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و او و مهله ثانی و الف م گریا
قرقران رومی لضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و او و مهله ثانی و سکون و او
م سعد قرقران سیرانی لفتح اول و ثانی و سکون نون با قاف ثانی و الف و

اگر ویا تو نون بصیرم اول ثانی و سکون و او ف شانها و سر و ماه سینک طب بی
 بجفت خ از ایل نین نیم در ص سد اب ل مافر تنیق العا و قو رسه الی بصیرم اول
 سکون ثانی و ضم قاف ثانی و سکون و او م عفران تنیق التختاکی قرطرم هندی
 بصیرم اول و سکون ثانی و ضم طار ممله و کسر سیم و او سکون نون و کسر وال ممله
 حب الشیل قرقة الدار چینی م کسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم فوقانی و فتح وال ممله
 شده و الف و سکون و او ممله و کسر جیم فارسی و سکون تختانی و کسر نون م جوب جی و جیم
 هتج طح بی ۳ ق لطف مقوی جگر و معده و سبی که گزنده زبان ش نیم شغال ل
 نیم وزن و نقل و نیم وزن و دار چینی و نقل لبثانی م فرج شک تنیق السین الممله
 و تنیق الکاف قسا بفتح اول و سین ممله سلیخه تنیق الموحده قسیم بفتح اول
 و سکون ثانی و فخر ابرون و ان نوعی از خرا و هندی خشک است طح بی
 تنیق الراء الممله قسطیر کسر اول و سکون ثانی و کسر طار ممله و سکون تختانی
 و قافی تنیق السین الممله قسوس بصیرم اول و ثانی و سکون و او م لبلاب
 بزرگ طح بی ۲ ق مجلی و نقی خ تازده ص شاه بلوط قسولید و یونانی بفتح اول
 ضم ثانی و سکون و او و کسر لام و سکون تختانی و ضم وال ممله و سکون و او ثانی م کانج
 تنیق الطاء الممله قسطع بصیرم اول و سکون ثانی هر که طح بی ۳ ق مفتوح و س
 سبی مفتوح خ تازده سفید فربش نیم در ص انیسون یا گشک خطمی ل نیم وزن و فخر
 ایوج تنیق النون قسطور یون یونانی بصیرم اول و سکون ثانی و ضم طار ممله و سکون
 و او و کسر طار ممله و ضم تختانی و سکون و او ثانی م جنید سید تنیق التختاکی قسط بحر
 بصیرم اول و سکون ثانی و کسر طار ممله و فتح موحده و سکون حار ممله و کسر طار ممله و سکون
 قسط شامی بشین معجمه الف و کسر سیم م سن قسط هندی کسر و سکون نون و ضم
 وال ممله قسط تلخ تنیق الشین المعجمه و تنیق الموحده قسط السجی الصلاب

[illegible]

وگویند دو دانگ ص عرق السوس ل اطفار الطیب یا صندل یا عود یا سبیل
 و زعفران یا قصبه صفت اول و کسریانی و سکون تخمانی و فتح صا و ممله ثانی م تودی تنسيق
 الصناد المجحه و تنسيق الموحده قصبه فتح اول و سکون صا و محجبه است قصبه
 ع لفتح اول و کسریانی و سکون تخمانی م ذکر کثیر تنسيق المیم قضم ع بضم اول و سکون
 ثانی و میم ف نه که نه تنسيق التخمانی قصاب مصری ع بضم اول و ثانی و الف و
 کسر موحده و میم و سکون صا و ممله و کسر ممله و کشته تنسيق الطاء المهمله
 و تنسيق الالف قفلون بضم اول طاء و ممله و سکون وا و بانون م سبغول تنسيق
 الراء المهمله قطر یک اول و سکون طاء و ممله ف س ه تانبا ط ح تنسيق الفاء
 قطف ع لفتح اول و سکون ثانی ف سرق هر ساگ سبجوا تنسيق النون قطران ع
 یکسر اول و سکون ثانی بار و ممله و الف ف ر غنی است که از دخت عر و گیر و گویند
 قیر است ط ح ی م گویند س ق مقطع ملطف خ ما خور از دخت عر ص ر غنی
 بان ل نقطه سیاه و یا نیم زن چوب بید یا ورق بید یا جادو شیرازیت و ف قطن ع
 بضم اول و سکون ثانی ف نینه ط ح ر ق تخم اولین خ نو سیدین از آب او
 و تخم او و در ص ر ب السوس ل از تخم او و تخم او و با و ام تنسيق العین المهمله
 و تنسيق اللام قصل ع لفتح اول و سکون عین و فتح موحده م لوی از نکات ط ح ر
 تنسيق الضاء و تنسيق الالف المهمله قطر الیهو و لفتح اول و سکون فاضم
 را و ممله و سکون لام و فتح تخمانی و ضم با و سکون وا و م میانی یا لوده ط ح ی
 ق تحلل خ فر فری صیص زرین ش نیم و ر م ص و ر دل زفت تنسيق الساء المهمله
 قضر لفتح اول و سکون را و ممله نه بات کثوث تنسيق الطاء المهمله قفلون لفتح
 اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون وا و طاء و ممله ف موع از کر ا ث شامی تنسيق
 اللام و تنسيق الالف قفلون یا ر م بضم اول و سکون لام و ضم فاضم و سکون وا و

[illegible]

الف

۱۰۰

۱۰۰

التماس

۹۳

تاریخ

مجلس

۱۰۰

٥٠

مجلس شورای اسلامی

[illegible][illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

و نمیزان نمایا را و در حجت تمیز الهاء قته ع بضم اول و فتح ثانی مشدرف
 بر ز و گویند صغ طال با موبیت هر یک طای سی سا گویند چ سی ۲ ق محلل بلین خ
 ز و در و گویند و تند بود و در هر یک نیم در ص بنفشه ل سکینج و و وزن با یک نیم
 وزن با و شپ و در ضعف معده و هر یک نیم وزن را یونید چینی و گویند شق تحقیق النج
 قناری می مفتح اول ثنائی و الف و فتح و معده و کسر یا ممله م م غنیت ط ح س ا ق
 محله ص شیرج ل کبر تنسید الواد و تنسید الکاف قوتیر الضم اول و سکون و او و کسر شق
 و سکون تخانی با را و ممله و الف و نو شاد و قور سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی و او
 ممله یا سید ممله و الف و سیم م م و بلسان قوتیر سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی و کسرین
 ممله یا تخانی م قسط و طو سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی و ضم ط ممله و سکون و او ثانی
 با سیم آ و رین بری قوتیر سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی و کسر نون با تخانی و اب
 چکیده فاکستر تنسید الهاء الممله قوتیر بضم اول و سکون ثنائی و فتح قو فانی
 و رخت و ج قوتیر بضم اول و سکون ثنائی ع قطن تنسید السید الممله قور و لوس بضم
 اول و سکون ثنائی و او و ممله و فتح و ال ممله و ضم تخانی و سکون و او ثانی و کسر است
 که یای زاغ خوانند هر گاه چکی و شتی قو فانی سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی با فانی
 ثنائی و الف و کسر لام م قور و فانی سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی با لام و الف و
 کسر سیم و ضم تخانی و سکون و او ثنائی م شجره م م تنسید الهاء الممله قو الفص ع
 بفتح اول و ثنائی و الف و کسر نون و سنگدانه با می سرعان خا خا و زمرغان تا و
 فیه تنسید القاف قو فانی بضم اول و سکون ثنائی با نون و الف و کسر و سیم
 لند را تنسید النون قو طو لید و ن یونانی بضم اول و ضم ط ممله و سکون هر دو و او
 و کسر لام و سکون تخانی و ضم و ال ممله و سکون و او ثالث م نوعی ارجی العالم
 تنسید التخیانی قوتیر بضم اول و سکون ثنائی و کسر نون حیوانی است بحمر

بسم الله الرحمن الرحيم
 و نمیزان نمایا را و در حجت تمیز الهاء قته ع بضم اول و فتح ثانی مشدرف
 بر ز و گویند صغ طال با موبیت هر یک طای سی سا گویند چ سی ۲ ق محلل بلین خ
 ز و در و گویند و تند بود و در هر یک نیم در ص بنفشه ل سکینج و و وزن با یک نیم
 وزن با و شپ و در ضعف معده و هر یک نیم وزن را یونید چینی و گویند شق تحقیق النج
 قناری می مفتح اول ثنائی و الف و فتح و معده و کسر یا ممله م م غنیت ط ح س ا ق
 محله ص شیرج ل کبر تنسید الواد و تنسید الکاف قوتیر الضم اول و سکون و او و کسر شق
 و سکون تخانی با را و ممله و الف و نو شاد و قور سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی و او
 ممله یا سید ممله و الف و سیم م م و بلسان قوتیر سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی و کسرین
 ممله یا تخانی م قسط و طو سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی و ضم ط ممله و سکون و او ثانی
 با سیم آ و رین بری قوتیر سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی و کسر نون با تخانی و اب
 چکیده فاکستر تنسید الهاء الممله قوتیر بضم اول و سکون ثنائی و فتح قو فانی
 و رخت و ج قوتیر بضم اول و سکون ثنائی ع قطن تنسید السید الممله قور و لوس بضم
 اول و سکون ثنائی و او و ممله و فتح و ال ممله و ضم تخانی و سکون و او ثانی و کسر است
 که یای زاغ خوانند هر گاه چکی و شتی قو فانی سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی با فانی
 ثنائی و الف و کسر لام م قور و فانی سالیونانی بضم اول و سکون ثنائی با لام و الف و
 کسر سیم و ضم تخانی و سکون و او ثنائی م شجره م م تنسید الهاء الممله قو الفص ع
 بفتح اول و ثنائی و الف و کسر نون و سنگدانه با می سرعان خا خا و زمرغان تا و
 فیه تنسید القاف قو فانی بضم اول و سکون ثنائی با نون و الف و کسر و سیم
 لند را تنسید النون قو طو لید و ن یونانی بضم اول و ضم ط ممله و سکون هر دو و او
 و کسر لام و سکون تخانی و ضم و ال ممله و سکون و او ثالث م نوعی ارجی العالم
 تنسید التخیانی قوتیر بضم اول و سکون ثنائی و کسر نون حیوانی است بحمر

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس اول
مجلس دوم
مجلس سوم
مجلس چهارم
مجلس پنجم
مجلس ششم
مجلس هفتم
مجلس هشتم
مجلس نهم
مجلس دهم

میرزا علی
نوروزی صاحب
برخی از روز
بدرام کوه
بدولام شادان
با یکی مردون
پیشتر
بارش در سار
تا برنگ و دیگر

۲۶

تتمیق الفوقانی کات و بفتح قانی م نوعی از سرخ که در ولایت شوشتر بهر سدر گویند

که چون آنرا بکار تمام بخت سال بار آورده کاشت و بفتح سین ممل و خفاء و ضم
 سرحد فارسی و سکون شین معجمه م لاک پشت تتمیق الجیم کاج و بفتح نازی م درخت
 نار و کاج و بضم سین ممل م خار پشت کاج بفتح کات ثانی و نون و عروس
 و پرده و کوچی موطب م گویند ای گویند ۳ ق مخدر م حب بزرگ کوهی سرخ رسیده
 بش و دور م و گویند سه وانه ص معجون گل ل غلب الثعلب با حب الصنایا بفتح سفید
 کاج و بضم لام و سکون واو م کبوتر تتمیق الخاء المعجمه کاف و بضم لام و سکون
 واو و خاء معجمه م گند ناتمیق الزاء المعجمه کاسر کج م کبوتر ممل و ضم را ممل
 و سکون لام و فتح حاء ممل و میم م بزرگ قلعت ده کنتی کاف و بضم فاء و سکون واو و عطر
 است مشهور طایفه ۳ ق مبر و سکون مقوی و مفرح دل و جاب خون م قیصر
 سفید که بز روی زندش یک قیر اطلس بنفشه و نملوف و زعفران یا شک یا معجون گل
 و عنبر و دو وزن طباشیر و یک وزن صندل سفید و گویند که با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح فاء مگر و نازک از ف بانون و الف ثانی م بن خورثه و با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح نازی م درخت کاج م صنوبر تتمیق السین المعجمه کاسر سین ممل
 و فتح کز کانس م بخار فون م تنه از کاه است که گلش در آخر بهرات مثل پیله
 سفید بر می آید تتمیق الشین المعجمه کاکوش و بضم کاف ثانی و سکون واو
 م بنفشه تتمیق الغین المعجمه کاج و ف آتش تتمیق الکاف کار و انک و
 بسکون را و ممل یا و او و الف و فتح نون م طاریست که بر کنار آب بنشیند کاسر کف
 بسکون سین ممل و ضم هم و او و مجول م خار پشت کاج م بکات فارسی ثانی
 و نازغ و بکات عربی ثانی م یک کاک و بفتح لام م که و گویند خورثه نازی
 کادوک و بسکون واو و فتح را و ممل خیار کبیر و مگر کبیر کاج و بفتح واو و سکون

تتمیق الفوقانی کات و بفتح قانی م نوعی از سرخ که در ولایت شوشتر بهر سدر گویند
 که چون آنرا بکار تمام بخت سال بار آورده کاشت و بفتح سین ممل و خفاء و ضم
 سرحد فارسی و سکون شین معجمه م لاک پشت تتمیق الجیم کاج و بفتح نازی م درخت
 نار و کاج و بضم سین ممل م خار پشت کاج بفتح کات ثانی و نون و عروس
 و پرده و کوچی موطب م گویند ای گویند ۳ ق مخدر م حب بزرگ کوهی سرخ رسیده
 بش و دور م و گویند سه وانه ص معجون گل ل غلب الثعلب با حب الصنایا بفتح سفید
 کاج و بضم لام و سکون واو م کبوتر تتمیق الخاء المعجمه کاف و بضم لام و سکون
 واو و خاء معجمه م گند ناتمیق الزاء المعجمه کاسر کج م کبوتر ممل و ضم را ممل
 و سکون لام و فتح حاء ممل و میم م بزرگ قلعت ده کنتی کاف و بضم فاء و سکون واو و عطر
 است مشهور طایفه ۳ ق مبر و سکون مقوی و مفرح دل و جاب خون م قیصر
 سفید که بز روی زندش یک قیر اطلس بنفشه و نملوف و زعفران یا شک یا معجون گل
 و عنبر و دو وزن طباشیر و یک وزن صندل سفید و گویند که با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح فاء مگر و نازک از ف بانون و الف ثانی م بن خورثه و با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح نازی م درخت کاج م صنوبر تتمیق السین المعجمه کاسر سین ممل
 و فتح کز کانس م بخار فون م تنه از کاه است که گلش در آخر بهرات مثل پیله
 سفید بر می آید تتمیق الشین المعجمه کاکوش و بضم کاف ثانی و سکون واو
 م بنفشه تتمیق الغین المعجمه کاج و ف آتش تتمیق الکاف کار و انک و
 بسکون را و ممل یا و او و الف و فتح نون م طاریست که بر کنار آب بنشیند کاسر کف
 بسکون سین ممل و ضم هم و او و مجول م خار پشت کاج م بکات فارسی ثانی
 و نازغ و بکات عربی ثانی م یک کاک و بفتح لام م که و گویند خورثه نازی
 کادوک و بسکون واو و فتح را و ممل خیار کبیر و مگر کبیر کاج و بفتح واو و سکون

تتمیق الفوقانی کات و بفتح قانی م نوعی از سرخ که در ولایت شوشتر بهر سدر گویند
 که چون آنرا بکار تمام بخت سال بار آورده کاشت و بفتح سین ممل و خفاء و ضم
 سرحد فارسی و سکون شین معجمه م لاک پشت تتمیق الجیم کاج و بفتح نازی م درخت
 نار و کاج و بضم سین ممل م خار پشت کاج بفتح کات ثانی و نون و عروس
 و پرده و کوچی موطب م گویند ای گویند ۳ ق مخدر م حب بزرگ کوهی سرخ رسیده
 بش و دور م و گویند سه وانه ص معجون گل ل غلب الثعلب با حب الصنایا بفتح سفید
 کاج و بضم لام و سکون واو م کبوتر تتمیق الخاء المعجمه کاف و بضم لام و سکون
 واو و خاء معجمه م گند ناتمیق الزاء المعجمه کاسر کج م کبوتر ممل و ضم را ممل
 و سکون لام و فتح حاء ممل و میم م بزرگ قلعت ده کنتی کاف و بضم فاء و سکون واو و عطر
 است مشهور طایفه ۳ ق مبر و سکون مقوی و مفرح دل و جاب خون م قیصر
 سفید که بز روی زندش یک قیر اطلس بنفشه و نملوف و زعفران یا شک یا معجون گل
 و عنبر و دو وزن طباشیر و یک وزن صندل سفید و گویند که با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح فاء مگر و نازک از ف بانون و الف ثانی م بن خورثه و با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح نازی م درخت کاج م صنوبر تتمیق السین المعجمه کاسر سین ممل
 و فتح کز کانس م بخار فون م تنه از کاه است که گلش در آخر بهرات مثل پیله
 سفید بر می آید تتمیق الشین المعجمه کاکوش و بضم کاف ثانی و سکون واو
 م بنفشه تتمیق الغین المعجمه کاج و ف آتش تتمیق الکاف کار و انک و
 بسکون را و ممل یا و او و الف و فتح نون م طاریست که بر کنار آب بنشیند کاسر کف
 بسکون سین ممل و ضم هم و او و مجول م خار پشت کاج م بکات فارسی ثانی
 و نازغ و بکات عربی ثانی م یک کاک و بفتح لام م که و گویند خورثه نازی
 کادوک و بسکون واو و فتح را و ممل خیار کبیر و مگر کبیر کاج و بفتح واو و سکون

نوون و فتح جیم خیار باز رنگ سبز تاز و تمیق اللام کامل و بضم کاف ثانی و سکون لام
 ع خطه روحی کامل و نوعی از کل گویند گند ناکا نیل هر که تختانی و خفا و لون و فتح
 موحده فارسی و اظهار نام و ارشاد نشان تمیق اللیم کاشیم که شستن معجزه انجیلان رود
 طحی ۳۷ زرد تر بزرگ ورق من تخم را زبانه دل در در تخم انجیره یا تخم گند تمیق النون
 کاتین و سکون را و مملعه و فتح فوقانی ع عنکبوت کاکان و سکون کاف ثانی
 با موحده و الف ثانی م نبات قمر طم تمیق الواو کاتین و سکون نوون و سکون تختانی و فتح
 زرد مملعه م فاو یون کاهوت بضم هم ترخص طلب راق مولد و مرقین مسکن حد
 آن و کاهوت مورت صفر مفتوح سدر و بول منوم راجع اور ام ملین و یو دینه و کرس
 و مرلی بلبله و زیره ش از تخم او و در مرمل و م الاوین و زرد و بعضی بند را تمیق الهاء
 کاتین و سکون موحده فارسی و سکون تختانی و فتح سین مملعه م مصلح کاجیره و
 کبک جیم فارسی و سکون تختانی م مصلح کاتین و فتح را و مملعه و سکون فوقانی و فتح زون
 ع علیه و تمیق و سکون را و مملعه و فتح فوقانی عنکبوت کاتین و سکون زو فارسی و سکون
 تختانی و فتح را و مملعه م مصلح کاتین و سکون مملعه و الف ثانی و فتح زون مرغی سبز
 رنگ که در ولایت خورستان بسیار میشود کاسکینه و سکون سین مملعه و سکون فارسی
 و سکون تختانی و فتح نوون م مرغ سبک که تیرگی سقران گویند کاشه و فتح شین معجزه
 سج کاغاله و کاغاله بفتح غین معجزه و الف ثانی و فتح لام درخت اول و سکون غین معجزه
 فتح لام درخت ثانی م مصلح کاتین و سکون غین معجزه و فتح زون و کرم و سکون
 بیرونی گویند جانور نیست سرخ زهر دار که بر و فطما می سیاه باشند و بیشتر دریا لیر یا
 پیدا شود و از آتاه ساز و ج زرد و گویند خیره کاف و جودانه و بضم فاء و سکون و او
 و کس و مملعه و فتح جیم و سکون و او ثانی با و الف و فتح نوون م نوعی از کاف و کاشه
 کس و سکون تختانی و فتح شین معجزه م مصلح کاتین و سکون کاف و فتح ثانی و فتح را و مملعه ع

نوون و فتح جیم خیار باز رنگ سبز تاز و تمیق اللام کامل و بضم کاف ثانی و سکون لام
 ع خطه روحی کامل و نوعی از کل گویند گند ناکا نیل هر که تختانی و خفا و لون و فتح
 موحده فارسی و اظهار نام و ارشاد نشان تمیق اللیم کاشیم که شستن معجزه انجیلان رود
 طحی ۳۷ زرد تر بزرگ ورق من تخم را زبانه دل در در تخم انجیره یا تخم گند تمیق النون
 کاتین و سکون را و مملعه و فتح فوقانی ع عنکبوت کاکان و سکون کاف ثانی
 با موحده و الف ثانی م نبات قمر طم تمیق الواو کاتین و سکون نوون و سکون تختانی و فتح
 زرد مملعه م فاو یون کاهوت بضم هم ترخص طلب راق مولد و مرقین مسکن حد
 آن و کاهوت مورت صفر مفتوح سدر و بول منوم راجع اور ام ملین و یو دینه و کرس
 و مرلی بلبله و زیره ش از تخم او و در مرمل و م الاوین و زرد و بعضی بند را تمیق الهاء
 کاتین و سکون موحده فارسی و سکون تختانی و فتح سین مملعه م مصلح کاجیره و
 کبک جیم فارسی و سکون تختانی م مصلح کاتین و فتح را و مملعه و سکون فوقانی و فتح زون
 ع علیه و تمیق و سکون را و مملعه و فتح فوقانی عنکبوت کاتین و سکون زو فارسی و سکون
 تختانی و فتح را و مملعه م مصلح کاتین و سکون مملعه و الف ثانی و فتح زون مرغی سبز
 رنگ که در ولایت خورستان بسیار میشود کاسکینه و سکون سین مملعه و سکون فارسی
 و سکون تختانی و فتح نوون م مرغ سبک که تیرگی سقران گویند کاشه و فتح شین معجزه
 سج کاغاله و کاغاله بفتح غین معجزه و الف ثانی و فتح لام درخت اول و سکون غین معجزه
 فتح لام درخت ثانی م مصلح کاتین و سکون غین معجزه و فتح زون و کرم و سکون
 بیرونی گویند جانور نیست سرخ زهر دار که بر و فطما می سیاه باشند و بیشتر دریا لیر یا
 پیدا شود و از آتاه ساز و ج زرد و گویند خیره کاف و جودانه و بضم فاء و سکون و او
 و کس و مملعه و فتح جیم و سکون و او ثانی با و الف و فتح نوون م نوعی از کاف و کاشه
 کس و سکون تختانی و فتح شین معجزه م مصلح کاتین و سکون کاف و فتح ثانی و فتح را و مملعه ع

نوون و فتح جیم خیار باز رنگ سبز تاز و تمیق اللام کامل و بضم کاف ثانی و سکون لام
 ع خطه روحی کامل و نوعی از کل گویند گند ناکا نیل هر که تختانی و خفا و لون و فتح
 موحده فارسی و اظهار نام و ارشاد نشان تمیق اللیم کاشیم که شستن معجزه انجیلان رود
 طحی ۳۷ زرد تر بزرگ ورق من تخم را زبانه دل در در تخم انجیره یا تخم گند تمیق النون
 کاتین و سکون را و مملعه و فتح فوقانی ع عنکبوت کاکان و سکون کاف ثانی
 با موحده و الف ثانی م نبات قمر طم تمیق الواو کاتین و سکون نوون و سکون تختانی و فتح
 زرد مملعه م فاو یون کاهوت بضم هم ترخص طلب راق مولد و مرقین مسکن حد
 آن و کاهوت مورت صفر مفتوح سدر و بول منوم راجع اور ام ملین و یو دینه و کرس
 و مرلی بلبله و زیره ش از تخم او و در مرمل و م الاوین و زرد و بعضی بند را تمیق الهاء
 کاتین و سکون موحده فارسی و سکون تختانی و فتح سین مملعه م مصلح کاجیره و
 کبک جیم فارسی و سکون تختانی م مصلح کاتین و فتح را و مملعه و سکون فوقانی و فتح زون
 ع علیه و تمیق و سکون را و مملعه و فتح فوقانی عنکبوت کاتین و سکون زو فارسی و سکون
 تختانی و فتح را و مملعه م مصلح کاتین و سکون مملعه و الف ثانی و فتح زون مرغی سبز
 رنگ که در ولایت خورستان بسیار میشود کاسکینه و سکون سین مملعه و سکون فارسی
 و سکون تختانی و فتح نوون م مرغ سبک که تیرگی سقران گویند کاشه و فتح شین معجزه
 سج کاغاله و کاغاله بفتح غین معجزه و الف ثانی و فتح لام درخت اول و سکون غین معجزه
 فتح لام درخت ثانی م مصلح کاتین و سکون غین معجزه و فتح زون و کرم و سکون
 بیرونی گویند جانور نیست سرخ زهر دار که بر و فطما می سیاه باشند و بیشتر دریا لیر یا
 پیدا شود و از آتاه ساز و ج زرد و گویند خیره کاف و جودانه و بضم فاء و سکون و او
 و کس و مملعه و فتح جیم و سکون و او ثانی با و الف و فتح نوون م نوعی از کاف و کاشه
 کس و سکون تختانی و فتح شین معجزه م مصلح کاتین و سکون کاف و فتح ثانی و فتح را و مملعه ع

عاقبت زحاکا کانیف کبکلام و سکون لون و فتح جیم فافتح مصلصل کاکوه لفتح لام و داد
م عاقبت زحاکا کانیف لفتح لام م کد و یاخو پوزه نارسیده کادف لفتح سیم م مریان کایمجه ه
بغضادون و فتح جیم فارسی و اظهار کانیف انگینه کادف بسکون و داد و فتح نون م کاغز
و گویند کرم شب تاب تنیق التختا کادی کبکسرال مملد و گویند و داد و گل کیو طه
ای ف محلل م عاقبت و فتح نون ل روغن بریان کاس مری بسکون سین مملد و فتح
سیم و کسر را مملد و فتح هند سیست ه کفشار کانیف لفتح سین مملد و کسر نون م مملد با
کافوری ف بضم ف و سکون و داد و کسر را مملد و فتح الحوان کاک ماجی بسکون کاف ثانی
باسم و الف ثانی و کسر جیم ع غنث الثعلب کاکوف ف بضم کاف ثانی و سکون و داد و
کسر فو ثانی م سفت کاکانی ه بغضادون و ضم کاف فارسی و کسر نون ثانی ف ارزن
تنسیق الباع الموحدا و تنیق کانیف کبکاف لفتح اول و موحده و وال مملد و
م کفشی ع محام ه کویر و گویند سیم و در عری یعنی جگر تنیق الموحدا کبکالذیب ه فتح
اول و کسر ثانی و ضم و ال مملد و کسر اول ه ججه مشد و سکون تختانی ف جگر گ ل نیم
وزن و ارفض تنیق العوقانی کبث و کسر اول و سکون ثانی م زنبور عسل کبیت ع
کبکسر اول و سکون ثانی و کسر را مملد و سکون تختانی ف گوگرد ه گندک طه سی ۲ ف
ملطف جاذب ه زردناک سیکرم تاود و دم ص بطخ بندی ل زرخ حه انفس
الزود و کسر کبیت ف لفتح اول و ثانی و سکون سین مملد و مصلصل ه اندر این تنیق الحیم کبیج
کسرانی لفتح اول و کسر ثانی و سکون تختانی ف فتح کاف ثانی م نوعی از کرس برک
بشیرازی ف کسر مریان ه کوکچ طه ای ف محلل م نون روغن ل انچه و تنیق الال
المملد کبکیم لفتح اول و کسر ثانی و سکون و ال مملد و ججه کبیاطح رق مخدی ه
از مزج باهر غالی جوان مزج کبید ف لفتح اول و کسر ثانی و سکون تختانی م کبکاف تنیق
الراء مملد کبکسر لفتح اول و سکون ثانی و فتح فو ثانی و سکون را مملد م کبکسر کبکیم لفتح

اول و کسره ثانی مشهور است بهمین نام طحی ای منقطع لطف محفل خم بستانی سنی
از رخ او شمع شغال صفا سلطو خود و سگویند که و خیارل حسب ورق آن باز دارند که بود
فتح اول و ضم ثانی و سکون و داو فتح وال معلوم گشته که آنرا با میوه ای که یک بخورند خنق الف
کیون ف بصم اول و ثانی و داو و جمل و الف سیاه وانه تنقیح الاله که مستقر
ف بصم اول و ثانی و سکون سین هله و ضم فوقانی و سکون و داو فتح خنق تنقیح الهاء
کتابه فتح اول و داو و موحده و هاء و مام فاعشره و تخم تدر طحی گویند
۲ ق فتح در محفل قافض خمینی خوشبوی زبان گزیده ش و دو دنگ تا نیم در م ص
صندل و کباب یا صطلکی یا نیم کا یو یا کچل ایل بو او و اری یا اسل و ن کسبه و ف
اول و ثانی و سکون سین هله و فتح فوقانی م خنق کسبه و ف بصم اول و کسره ثانی و سکون
تحتانی و فتح وال هله بست گندم و پنج و خبر آن هسا تو تنقیح الموحده فارسی و
تنقیح السین الموحده کباب و فتح اول و موحده فارسی و الف م نبات پنبه تنقیح
الکاف کیوک ف فتح اول و ضم ثانی و سکون و داو و کاف ثانی م طایری است که
بنا جنس خود و جنسی کند و اگر احیا تا بر جا خود کیوک جانور دیگر که نه باشد به بیند و زمان
ماوه شود و بان زحمت گرد و تنقیح تحتانی کبی ف فتح اول و کسره ثانی و سکون تحتانی
م میون تنقیح و تنقیح التاء الفوقانی کث ه کسره اول و سکون فوقانی هندی ع
خبت الحیدر تنقیح الحاء المجهه کتخ ف فتح اول و ثانی م قروت و چاشنی و فاقن
تنقیح الالهه کتخ ف فتح اول و ضم ثانی هندی و سکون و داو و نون فتح موحده و انهارا
و سکون و ماحله شمس از آنجوشتنی تنقیح الفین المجهه کتخ ف فتح اول و ثانی م قروت
و چاشنی و فاقن تنقیح الکاف کتخ ف فتح اول و ثانی م سبب بر زبان هندی است
که چون سائیده و آب که بگل آمیخته باشند بریزند آنرا صاف کنند فیض الله که اول ف فتح اول
ثانی هندی و انهارا و موحده فارسی و الف و فتح وال هله هندی و سکون م قروت و چاشنی و فاقن
تنقیح الکاف کتخ ف فتح اول و ثانی م سبب بر زبان هندی است که چون سائیده و آب که بگل آمیخته باشند بریزند آنرا صاف کنند فیض الله که اول ف فتح اول
ثانی هندی و انهارا و موحده فارسی و الف و فتح وال هله هندی و سکون م قروت و چاشنی و فاقن تنقیح الکاف کتخ ف فتح اول و ثانی م سبب بر زبان هندی است

اول و سکون ثانی ہندی و فتح اہم سورہ ہند بست متشابہ سکینہ تنقیح اللمع کتم بفتح اول ثانی و
 سکون بیوم و معنی ورق بل تنقیح اللمع کسان بفتح اول ثانی و الف لامی ملک کسان بفتح
 اول و کسر ثانی بار و ہملہ و الف ع قطران تنقیح اللمع و کثرت بفتح اول و ضم ثانی
 و سکون و ادم طائر است سنگھار و ضم اول غور و ہملہ تنقیح اللمع ثانی کثانی ہندی بفتح
 اول و ثانی ہندی و الف و کسر ہمزہ و دخی مشورہ ہندی است کہ گل اور افکار
 کل خار گویند گنگلی ہضم اول و سکون ثانی ہندی و کسر کا ثانی م خرق و تنقیح
 الثناء المتثلثہ و تنقیح اللمع کثیر بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی بار و ہملہ
 و الف ہر کثیر اطمین مقوی مہی مسکن خ سفید یاک نش نیم شقال تا یک ورم
 مہی انیسون یا کرس ل صیغ عربی یاد اہم باختر و اندک و تنقیح اللمع ہملہ
 کثیر الاصل بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و ضم را و ہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون
 ہمزہ بلام و الف ن کا و زبان تنقیح اللمع کثیر لاجل بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و ضم را و
 ہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون را و ہملہ و ضم ہمزہ بفتح اول و کسر ثانی و سکون
 اول و ثانی و الف و اظہار اہم مخمور جہت تنقیح اللمع الفارسی بفتح اول و سکون جہت
 مہ ایشم و ہمزہ تنقیح اللمع کثیر بفتح اول و ثانی و سکون کا و فتح ہمزہ کہ شہر ایشم
 قصبہ گویند تنقیح اللمع کثیر بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام و فخر اہم طائر عکہ تنقیح
 و تنقیح اللمع الفارسی بفتح اول و سکون جہت فارسی م فکوس لہی ہکچلا تنقیح اللمع ہملہ
 کچا ہر بفتح اول و سکون ثانی فارسی بانون و الف م وخت ہند بست کہ بار بار غولی
 دارد و شکوہ اش ناخوش بست کچور ہر بفتح اول و ضم را و فاس و سکون و ادم و زبانا و تنقیح
 کچلون ہر بفتح اول و سکون ثانی فارسی وضم لام و و اہملہ و زبانا و فواریزون ہک شیشہ تنقیح اللمع
 اللمع و تنقیح اللمع کچلا و کچلا بفتح اول و سکون حاد و ہملہ بلام و الف و لغت اول و کچلا
 ہملہ و سکون ثانی و لغت ثانی مہی است مشتکہ کہ لسان و تنقیح اللمع السید اللمع ہملہ
 کحل فارسی بضم اول و سکون ثانی و کسر لام بانا و الف و را و ہملہ و سکون سین ہملہ

[illegible]

م از رتبه تنبیض اللام محل ضم اول و سکون ثانی در سر سده هجدهم تنبیض اللام
 محل جولان فتح هاء اول ثانی و واد و لام و الف م حضم محل السوان فتح سین
 هاء مشد و سکون و واد و اول هاء و الف م شمشیر هاء کسره تنبیض الحاء المعجمه
 و تنبیض الجیم کج فتح بضم اول و سکون خا و معجمه و جیم گیا ہی ست که از و جارب سازند
 تنبیض الحاء المعجمه کج فتح بضم اول و سکون خا و معجمه م گیاره لوخ تنبیض الدال المصله
 و تنبیض الحاء المعجمه که دوی تلخ فتح اول و ضم دال هاء و واد مجهول و تخانی
 مجهول فتح فوقانی و سکون لام هاء تو بشری تنبیض الراء المصله کند بفتح اول
 و ثانی و سکون راء هاء م کادی هاء کیو طاطب میاق سکون من یک شقال
 عنابل شربت فواکه و مندل تنبیض المیم که ریم فتح اول و سکون ثانی و
 ضم راء هاء م غله است مانند ازرن که اکثر در بیج نر باشد که م بفتح اول و ثانی
 م درخت هندی است که گلش زرد و شباهت تنبک که ریزک و کوی خور و تنبیض اللون
 که دوی شیرین فتح اول و ضم ثانی و واد مجهول و تخانی مجهول و کسر شین معجمه
 سکون تخانی ثانی و کسر راء هاء و سکون تخانی ثالث فتح تنبیض الهاء که فیض
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده پوسه خزیه تنبیض الراء المصله تنبیض
 الالف که ا ه بضم اول براء هاء و الف و رخت لسان العصاره که کاف بفتح اول
 و ثانی و الف با کاف ثانی م پیونده سلوی که اگر بفتح اول و ثانی و فتح کاف ثانی
 و راء هاء ثانی م ضاع که ریاف بفتح اول و سکون ثانی با موحده فارسی و گیاره هیست
 که آن را بلند و زگو نیکه مریضیام بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و معجمه ملینه با مشق
 موحده و سکون تخانی با ضا و معجمه م فاشتر که سه سعه و بفتح سین هاء و سکون واد
 و واد هاء م فاشتر شین که ثانی بفتح اول و ثانی و سکون نون با موحده م کلمه الحاء
 م بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و ضم موحده و سکون لام با سیم و الف ممد

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

۲۶۲
خوار مر
صیدانوز
خند
جید
خار
شیرین
چوب
چراغ و خنجر
قصه
شیرازی

و تخیل فر کرد اراه بکسر اول سکون ثانی با و او و الف و را و حمله ثانی و تخیل چنبر
 کرد اراه بفتح اول و ثانی و سکون و او و حقه اول و با و ال مسموم سیه بندی است
 که ریاع بضم اول و ثانی و سکون و او و با و حقه ثانی و تخیل از زیره کالی زیری طح
 می گویند م ق ق با بضم لطف مقوی معده و تازه بستنی می شود و در م ص مستری
 با سبب ترش ل نیم وزن کون بطنی و نیم وزن انیسون بار از باج تنفیق الموحدا
 که ت ب بفتح اول و ضم ثانی و سکون ل و ن م گم طح ای ۲ و طران او می و
 ملین بضم ثانی و بطنی که بکسر ثانی سکون است و در تنفیق المثلثه که گشت بضم
 اول با ثانی مشدود و الف و گنه نا طح ای ۳ و تنفیق مقطع م سرکه و روغن اصل
 تنفیق ایچیم که ت بفتح اول و ثانی و فتح و او سکون ایچیم که آتش بد و او و زنده
 م غری م بوسه م کسج م بفتح اول و ثانی و حقه اول و م الکک تنفیق الاء الموهله که
 بفتح هر دو کاف و سکون هر دو را و حمله م صنوبر صفار و کاج تنفیق الاء الموهله که
 بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده م حقه اول و حقه ثانی الموهله که آب س و کرس
 و بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و کسر ثانی و سکون سین مسموم و رخت اول
 و فتح موحده و رخت ثانی م جانور طیباسه که قس م بفتح اول و ثانی و سکون فا ه ا ج و
 ط ای ۲ و بفتح م غشی سبی م بستنی می شود از تخم نیم شقال م کاهو یا تخم گل و
 صطک ل را زبانه نیم وزن فطر اسالیبون و در فاسی جانور طیباسه را گویند که کرس
 بفتح اول و سکون ثانی با کاف ثانی و الف م گیاه در سرکه در زاحت جو گند م بر وید
 تنفیق الشبن المعجمه که ش م بضم اول و سکون ثانی و شکنبه ه ا و حقه طح ای ۳
 با خرواز حوی میش یا مرغ و تخیل الف کسج بضم اول و سکون ثانی و ضم شبن
 معجمه و تخیل الکاف که ک و ک که ک بفتح اول و سکون ثانی و الف و ک
 ثانی و رخت اول و فتح کاف ثانی و را و حمله ثانی و رخت ثانی م جانور بودنه که ک و

و تخیل فر کرد اراه بکسر اول سکون ثانی با و او و الف و را و حمله ثانی و تخیل چنبر
 کرد اراه بفتح اول و ثانی و سکون و او و حقه اول و با و ال مسموم سیه بندی است
 که ریاع بضم اول و ثانی و سکون و او و با و حقه ثانی و تخیل از زیره کالی زیری طح
 می گویند م ق ق با بضم لطف مقوی معده و تازه بستنی می شود و در م ص مستری
 با سبب ترش ل نیم وزن کون بطنی و نیم وزن انیسون بار از باج تنفیق الموحدا
 که ت ب بفتح اول و ضم ثانی و سکون ل و ن م گم طح ای ۲ و طران او می و
 ملین بضم ثانی و بطنی که بکسر ثانی سکون است و در تنفیق المثلثه که گشت بضم
 اول با ثانی مشدود و الف و گنه نا طح ای ۳ و تنفیق مقطع م سرکه و روغن اصل
 تنفیق ایچیم که ت بفتح اول و ثانی و فتح و او سکون ایچیم که آتش بد و او و زنده
 م غری م بوسه م کسج م بفتح اول و ثانی و حقه اول و م الکک تنفیق الاء الموهله که
 بفتح هر دو کاف و سکون هر دو را و حمله م صنوبر صفار و کاج تنفیق الاء الموهله که
 بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده م حقه اول و حقه ثانی الموهله که آب س و کرس
 و بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و کسر ثانی و سکون سین مسموم و رخت اول
 و فتح موحده و رخت ثانی م جانور طیباسه که قس م بفتح اول و ثانی و سکون فا ه ا ج و
 ط ای ۲ و بفتح م غشی سبی م بستنی می شود از تخم نیم شقال م کاهو یا تخم گل و
 صطک ل را زبانه نیم وزن فطر اسالیبون و در فاسی جانور طیباسه را گویند که کرس
 بفتح اول و سکون ثانی با کاف ثانی و الف م گیاه در سرکه در زاحت جو گند م بر وید
 تنفیق الشبن المعجمه که ش م بضم اول و سکون ثانی و شکنبه ه ا و حقه طح ای ۳
 با خرواز حوی میش یا مرغ و تخیل الف کسج بضم اول و سکون ثانی و ضم شبن
 معجمه و تخیل الکاف که ک و ک که ک بفتح اول و سکون ثانی و الف و ک
 ثانی و رخت اول و فتح کاف ثانی و را و حمله ثانی و رخت ثانی م جانور بودنه که ک و

الشيخان محمد بن الحسين و محمد بن الفضل و محمد بن الحسن و محمد بن علي و محمد بن ابي طالب و محمد بن ابي حمزة و محمد بن ابي جعفر و محمد بن ابي القاسم و محمد بن ابي القاسم

[illegible]

م از دیون
سببارم از دین
سنباوم از دین
سرورم از دین
گین گاد
ام اشاده البقره
ساگ مصالحه
منظر اسالیبون
نونم رابانج

۲۷۹

ماهی است که مانند سقنقر بغایت سببی است ع سکه الصید تنبیه الدال المجهله ۸ کف
الاسدم بسکون لام و فتح حمزه و سین معلوم و طینتا کفر الیه و یفتح اول ثانی و ضم را و معلوم و
سکون لام و فتح سیمانی و ضم با و سکون و او دم کفر الیه و تنبیه الدال المجهله کفشی و یفتح
اول و سکون ثانی و کسر شین مجمره و سکون و تخانی و ا و می که ز و نقره و دیگر فزات بدان
پیوند کنند تنبیه الدال المجهله کفشی و یفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تخانی
مجهول و ز و مجمره مجهول است آبی که سر و تنه مدور دارد و دم باریک خنجر و دم و ص و
و عا میص جمع آن تنبیه السین المجهله کفشی و یفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم قاف
و سکون سین معلوم و فلی که کثیر تنبیه العین المجهله کفشی و یفتح صا و مجمره میشد و ضم
سحرده م کبیک تنبیه الفاء کفشی و یفتح اول و بقوله الحقا تنبیه الکاف کفشی و یفتح
اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تخانی مجهول و فتح ز و مجمره و دم و ص و تنبیه الدال
کفشی و یفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و خفاء با و ضم نون و واو مجهول م مری
است که تبری فاست بران گویند تنبیه الهاء کفشی و یفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم
فارسی و کسر لام و تخانی مجهول و فتح ز و مجمره م کفشی و یفتح تخانی کفری یضم اول و سکون
ثانی و کسر اسمه مجهول و جهری و یفتح یوست بهار خرمانه خوشبو تنبیه الکاف و تنبیه الا الف
الکراه یضم اول و سکون ثانی با و معلوم هندی و خروس گردنده یضم اول و سکون ثانی
و فتح را و معلوم و سکون و او و خفاء نون بدال معلوم کافز الکراره یفتح اول و ضم ثانی و واو مجهول
بار و معلوم نبات هندی است که خورش بعروس بریده نماید و بخش هر کثول تنبیه الشین المجهله
گش و کش و یفتح اول و کسر ثانی و سکون شین مجمره و یفتح اول و کسر اول و تخانی
مجهول و کسر کاف ثانی و تخانی مجهول ثانی و یفتح ثانی م ترا تیک تنبیه الکاف کفشی و
یفتح اول و سکون کاف ثانی نالی که از در خشک بیزند م کاف و کاه رانیز گویند و یضم اول م
الکیانی که از تخم کردن باز آمده باشد تنبیه الهاء کفشی و یفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی

مجلس اول

بر دید و آنرا بشانه آورده و بر سینه و شال و شال آن بایستد و یکسره کاف هر کی نمود و اولی نظم
 خصوصاً و نیز صحنه است تلخ که آنرا جودانه گویند کله‌نیک بفتح اول و ثانی و خفا و مادلون
 فتح موحده و ف چوب خوشبوی صندل آسای سرخی مائل کلک یک بفتح اول و کسره ثانی
 و سکون ثانی م تم کل تنیق اللام کلکل بفتح هر دو کاف و سکون هر دو لام م فعل کل
 و بفتح اول م بر جع بهایم و گاویش نیز تنیق المیم کلم بفتح اول و ثانی م کنن تنیق
 النون کلچین علم بضم اول و کسره ثانی و سکون ثانی و فتح جیم و خولخان که هیچ برگ شنبول
 بش کلک کان کسره اول و ثانی و سکون ثانی و فتح کاف ثانی بالالف م طرحون کلکیر و نیربانی و سوس
 کسره اول و ثانی و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و سکون لام و ضم را و جمله و سکون را و م جر بضم
 الواو و طاجو و کلار و بفتح اول ثانی و الف و ضم جیم و سکون و او و لغت اول و ضم زا و فار
 و لغت ثانی م طار و جمله کلار و بفتح اول ثانی و الف و ضم و سکون و او و لغت اول و الف و ضم
 م نوعی از اسب و شش کلایس و کله‌نیک بفتح اول سکون ثانی با سوس و الف و ضم سین جمله و لغت اول
 و فتح موحده و لغت ثانی م چلبه تنیق اله و کلار و بفتح اول ثانی و الف و فتح زا و فارسی م طار و جمله
 کلوت و بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و فتح زا و م جیم غوره و نینبنا شکفته کلوت و
 بفتح اول و سکون ثانی و ضم و او و سکون نون و فتح وال جمله م نوعی از خیار بار یک
 و از کلیمه بضم اول و سکون ثانی و فتح ثانی و سکون ط م ح ب گویندی
 گویند و م تنیق التیمی ثانی کشته بضم اول و سکون ثانی و کسره ثانی و طاجو و لام
 غله البیت ۶ کاسر اوج کلنری و بفتح اول و کسره ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسره را و
 معلوم نوعی از انگور سیاه که در ولایت هر یاشد و کلایبی رومی کسره اول و سکون
 ثانی با ثانی و الف و کسره نون م اشت کل و بضم اول و کسره ثانی و ضمی است از
 ماهی ریزه م سکه مضمی تنیق المیم و تنیق الالف کاف بضم اول و ضم
 و الف م کات و کسره اول م نیاز و تنیق الفوقانی کلمه بفتح اول ثانی و الف و

[illegible]

فوقانی م فطر ط ب ر ق ر وی الغذاء محل ص موز قلع تنبیه الدال المصلح

کون اسود وفتح اول وضم ثانی و سکون واو و کسرتون وفتح هجره و سکون سین مهله
 وفتح واولی ثانی م کون بریست وشنو نیز برانیز گویند تنبیه الداء المصلح لکاشیره فتح
 اول و ثانی و الف و کسرتین معجده و سکون تخانی م صمغ کرفس کوبی که فطر اسالیون ضم
 اوست ط ح ی ۲ گویند م ق نذیب محمل خ زر و تیر بوش و و دانگ ص کل صندل
 ل جابو شیه تنبیه الداء المعجده کنیف بفتح اول و کسرتانی و سکون تخانی ع بول هر
 پیشاب هر موت تنبیه السین المصلح لکادریس سرانی و یونانی بفتح اول و ثانی
 و الف و فتح و ال مهله و سکون راء مهله و ضم تخانی و سکون واو و ز نام و ارد ط ح
 ی ۲ گویند م ق ملطف در محمل خ تازه بری که بعد از ادراک نیم گرم بریش یک
 شقال ص سفر حل ل غانث یا اسقو لو قد ریون یا تخم حاض بری یا تخم شلم سری
 لکافیطوس یونانی بفتح اول و ثانی و الف و کسرتا و سکون تخانی و ضم ط او مهله و سکون
 وارف هاش و ارد ط ح ی ۲ م ق مفتح محلی خ لبستانی سن یک شقال ص اسین
 یا زهر و بل نیم وزن سیالیوس و دانگ نیم وزن آن سلخه یا کمار دیوس یا جده
 تنبیه الکاف کرب هر فتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهله و سکون کان ثانی م میوه
 است تنبیه الیم لکام ف بفتح اول و سکون ثانی یا کان ثانی و الف ح اخواه الطیب
 و گویند صمغ درخت بطم کم ف بضم اول و سکون ثانی و ضم کان ثانی م زعفران
 تنبیه النون لکالیون یونانی بفتح اول و ثانی و الف و کسرتا و ضم تخانی و سکون واو
 نوحی اردا و ریون سیاه کون ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو انواع است کرانی
 و فارسی و شامی و بطی هر دریا ط ح ی ۲ گویند م ق محمل ملطف معشی مفتح حلص خزان
 محمل خ کرانی سن و درم ص کتیر و گویند حل یا نخواره یا اگر کرانی یک نیم وزن بطی
 و ان فارسی نیم وزن کرانی یا تخم کرب تنبیه الوا و کون حل و بفتح اول و ضم ثانی و سکون

فوقانی م فطر ط ب ر ق ر وی الغذاء محل ص موز قلع تنبیه الدال المصلح
 کون اسود وفتح اول وضم ثانی و سکون واو و کسرتون وفتح هجره و سکون سین مهله
 وفتح واولی ثانی م کون بریست وشنو نیز برانیز گویند تنبیه الداء المصلح لکاشیره فتح
 اول و ثانی و الف و کسرتین معجده و سکون تخانی م صمغ کرفس کوبی که فطر اسالیون ضم
 اوست ط ح ی ۲ گویند م ق نذیب محمل خ زر و تیر بوش و و دانگ ص کل صندل
 ل جابو شیه تنبیه الداء المعجده کنیف بفتح اول و کسرتانی و سکون تخانی ع بول هر
 پیشاب هر موت تنبیه السین المصلح لکادریس سرانی و یونانی بفتح اول و ثانی
 و الف و فتح و ال مهله و سکون راء مهله و ضم تخانی و سکون واو و ز نام و ارد ط ح
 ی ۲ گویند م ق ملطف در محمل خ تازه بری که بعد از ادراک نیم گرم بریش یک
 شقال ص سفر حل ل غانث یا اسقو لو قد ریون یا تخم حاض بری یا تخم شلم سری
 لکافیطوس یونانی بفتح اول و ثانی و الف و کسرتا و سکون تخانی و ضم ط او مهله و سکون
 وارف هاش و ارد ط ح ی ۲ م ق مفتح محلی خ لبستانی سن یک شقال ص اسین
 یا زهر و بل نیم وزن سیالیوس و دانگ نیم وزن آن سلخه یا کمار دیوس یا جده
 تنبیه الکاف کرب هر فتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهله و سکون کان ثانی م میوه
 است تنبیه الیم لکام ف بفتح اول و سکون ثانی یا کان ثانی و الف ح اخواه الطیب
 و گویند صمغ درخت بطم کم ف بضم اول و سکون ثانی و ضم کان ثانی م زعفران
 تنبیه النون لکالیون یونانی بفتح اول و ثانی و الف و کسرتا و ضم تخانی و سکون واو
 نوحی اردا و ریون سیاه کون ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو انواع است کرانی
 و فارسی و شامی و بطی هر دریا ط ح ی ۲ گویند م ق محمل ملطف معشی مفتح حلص خزان
 محمل خ کرانی سن و درم ص کتیر و گویند حل یا نخواره یا اگر کرانی یک نیم وزن بطی
 و ان فارسی نیم وزن کرانی یا تخم کرب تنبیه الوا و کون حل و بفتح اول و ضم ثانی و سکون

فوقانی م فطر ط ب ر ق ر وی الغذاء محل ص موز قلع تنبیه الدال المصلح

داو و کسره نون و ضم حاء و ملامت و سکون لام م ایسون تنهق الهماء کتبی ففتح اول و
 ثانی و سکون تخن و فتح جیم فارسی م کرم شتاب تنهق النحنای کثیری م بضم اول و
 ثانی شده و سکون مثله و را و ملامت و الف مقصوره ف امر و ط م م گویند ب سا
 گویند ب ای ۲۱ ف قابض و منفی و مقوی دل ۷ شاه امر و دش از شراب او یکا قیه
 ص ما و اصل ل سفرخل کون از منی بضم اول و ضم ثانی و سکون داو و کسره نون و فتح
 هجره و سکون را و ملامت و فتح سیم و کسره نون ثانی م کرد با کون بری بفتح موحده و کسره را و
 ملامت شده م شاهنرج کون حشیه بفتح حاء و ملامت و موحده و کسره شین مجهم م کون
 تنهق النون و تنهق الالف کتبلا ه بفتح اول و سکون نون و کسره موحده و سکون
 تخنای بالام و الف تم قبل تنهق الموحده کتب ففتح اول و ثانی و سکون موحده
 م بنگ ه بهانگ و بجای گویند و فارسی رسیانی است که از پوست نبات کتان
 برابند و ضم اول نوعی از خیار تنهق الجیم کتبی ففتح اول و سکون ثانی م تروت تنهق
 الدال المهمله کتبی ففتح اول و سکون ثانی و وال ملامت شکره که معرب آن تند است و
 بزبان هندی پنج چیز کنگر ز بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون را و
 ملامت و را و مجمره و آنرا کنگری نیز گویند و آن صمغ کنگرست ط ۷ را گویند ب فاقه
 تنهق الواو المهمله کتبی فضم اول بابائی و الف ه سدره بر کتخار ف بضم اول و
 سکون ثانی و الف ه کمل کتبی فضم اول و سکون ثانی و ضم وال ملامت مصطلک و گویند
 البان ط ۲۱ ای گویند ب ف بدل بخدر تا بعضی شش و مقوی و مانع و معده و کباب
 خون ۷ سفید گرد ب بنایم درم ص اند با غناب ل مصطلک یا بهمن کتبی ف
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی مهر شفت که اکثر و کوه پاهای برید و کنار باشد
 غار ناک بود و آنرا شیشه با است بخورند و بضم اول و کاف فارسی م بازو بوم کتبی ففتح
 اول و ثانی و سکون تخنای ف غر زره تنهق الواو المهمله کتبی ففتح اول و

کتبی ففتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی مهر شفت که اکثر و کوه پاهای برید و کنار باشد
 غار ناک بود و آنرا شیشه با است بخورند و بضم اول و کاف فارسی م بازو بوم کتبی ففتح
 اول و ثانی و سکون تخنای ف غر زره تنهق الواو المهمله کتبی ففتح اول و

کتبی ففتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی مهر شفت که اکثر و کوه پاهای برید و کنار باشد
 غار ناک بود و آنرا شیشه با است بخورند و بضم اول و کاف فارسی م بازو بوم کتبی ففتح
 اول و ثانی و سکون تخنای ف غر زره تنهق الواو المهمله کتبی ففتح اول و

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

فتح فوقانی و اظهار بار و نیت ثانی جانوریست مانند گوزن که با نظیر خالها بر پیش
روی آن شبیه برومی گوزن شاخ شاخ شود و با و می تنهیک الفوقانی گوشت و بفتح
اول ثانی و سکون سین همزه فوقانی م خطل تنهیک العجم کج و بفتح اول و ثانی و جیم م
صغ تنهیک العجم الفار سے کج و بفتح اول ثانی مجهول و جیم فارسی م جانوری و جیم تنهیک
ال دال المهمله کو ز و ف بضم اول و ثانی مجهول و شمع و از فارسی م کج و و آن صغ
و خست پر خاری ست که عبری آواشاکه خوانند چ سفید باغی بزودی گوشه و بفتح اول و
سکون ثانی با شین معجمه الف تنهیک الاء المهمله کو ا ف بضم اول ثانی و الف م
گند نا کو بدار بضم اول و سکون ثانی و کسر مو حده با و ال مهمله و الف م کس از کج است
کو بر بفتح اول و سکون ثانی و فتح مو حده ف فاضل کو ز و ف بفتح اول و سکون ثانی و شمع
فوقانی کبوتر کو ز و ف بفتح اول و ثانی م که که ازان اجار سازند کو ز و ف بضم اول و ثانی مجهول
و را و مکه و بضم کاف ثانی و را و مجهول ثانی م غلیحاج کو کتار ف بضم اول و ثانی مجهول و سکون
کاف ثانی با زون و الف م شخاش چ پوست و چو تر تنهیک الزا و المعجمه کو ز و ف بفتح
اول و ثانی و سکون را و مکه و را و مجهول م سیوه کبر کو ز و ف بضم اول و ثانی مجهول م مقل تنهیک
الفاء الفارسی کو ز و ف بکسر اول و ثانی م سیوه الیست سرخ رنگ که پیش از زمین نشوره
روید م از و ف تنهیک الشین المعجمه کو ز و ف بضم اول و ثانی مجهول و سکون را و مکه و بضم
سیم و سکون وا و و شین معجمه چم چم ندر تنهیک الصاد المعجمه کو کب الراض بفتح اول و سکون
ثانی و فتح کاف ثانی و بضم مو حده و سکون لام و فتح خمره و سکون را و مکه و ضا و معجمه طلق
تنهیک العین المهمله کو ا ر ع م بفتح اول و ثانی با الف و کسر را و مکه و ف و سیوه با یح
تنهیک الفاء کو الف بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون قاف با و و کو ف بضم
اول و سکون ثانی م چو تنهیک الکاف کو شک م بفتح اول و ثانی و سکون خا و معجمه
م خوشه انکو ز و ف بضم اول و ثانی مجهول م تره کا و جیم حس کو کک ف بضم اول

[illegible]

و سکون کاف ثالث و کسر را و جمله هندی است نیلوفر تنسيق الهاء و تنسيق الالف
 کهار پايه بفتح اول و اظهار با و الف و فتح موحده فارسی و سکون را و جمله با تخانی و الف
 ثانی و تیار سقا کاک کهر با بفتح اول و سکون ثانی و ضم را و جمله با موحده کهر کهر طاب
 م ۲ گویند م ق فالض مخففت مقوی دل ۲ صا ص سرخ فایل بزوی ش نیم متقال
 ص نیم وزن ار و الما ص سرخ ل طبا شیر و دو و انگ وزن سندر و دو و با و وزن
 طین ر و دو و انگ وزن ان سلیمه نیم وزن بکو بریان کرده کهار بفتح اول و سکون
 ثانی با تخانی و الف و نون م فا و انیا تنسيق الاء المجهله کهار بفتح اول و اظهار ثانی
 و الف و نکی است که بعضی از اشجار را مثل پلاس و نهال بخند و گوهر و و کیده و چتر او
 انگ در قوم می سوزند و خاکستر آن است از خاک باشد که زبان هندی کهار گویند کجور بفتح
 اول اظهار ثانی و ضم نیم و سکون و او ف خرا کفیه بفتح اول اظهار ثانی و سکون تخانی
 م و خت هندی است که از قشاد کات سازند و بکسر ثانی و سکون تخانی م سبب
 صحرایی م زعر و تنسيق اللام کهر بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و موحده سکون لام
 م جبر تنسيق اللیم کهار بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ف با و نجان تنسيق اللام
 کهار بفتح اول و اظهار ثانی و الف و کسر را و جمله سکون تخانی و ضم لام و
 و او مجهول و سکون نون ف تک شود تنسيق الهاء کتوه بفتح اول سکون ثانی و فتح
 و او و خا و ا و ف مخز و م و ا و کتوبدی کی گشلی تنسيق التختانی کهر بی کهر اول و
 اظهار ثانی و فتح را و جمله و اظهار ثانی و کسر فوقانی هندی و سکون تخانی م کتاس
 بزرگ کتبه بی بفتح اول و اظهار ثانی و سکون نیم و کسر موحده و اظهار ثانی م فطر
 ف کات کو چک سفید کتنی ف کهر اول و سکون ثانی و کسر نون م خرو و تنسيق
 الیاء التختانی و تنسيق الالف کیلا کهر اول و ثانی مجهول باللام و الف م موز تنسيق
 الراء المجهله کهر بفتح اول و ثانی مجهول و قتمین جمله م زعفران تنسيق الاء المجهله

کسر را و جمله هندی است
 نیلوفر تنسيق الهاء و تنسيق الالف
 کهار پايه بفتح اول و اظهار با و الف
 و فتح موحده فارسی و سکون را و جمله با تخانی و الف
 ثانی و تیار سقا کاک کهر با بفتح اول و سکون ثانی و ضم را و جمله با موحده کهر کهر طاب
 م ۲ گویند م ق فالض مخففت مقوی دل ۲ صا ص سرخ فایل بزوی ش نیم متقال
 ص نیم وزن ار و الما ص سرخ ل طبا شیر و دو و انگ وزن سندر و دو و با و وزن
 طین ر و دو و انگ وزن ان سلیمه نیم وزن بکو بریان کرده کهار بفتح اول و سکون
 ثانی با تخانی و الف و نون م فا و انیا تنسيق الاء المجهله کهار بفتح اول و اظهار ثانی
 و الف و نکی است که بعضی از اشجار را مثل پلاس و نهال بخند و گوهر و و کیده و چتر او
 انگ در قوم می سوزند و خاکستر آن است از خاک باشد که زبان هندی کهار گویند کجور بفتح
 اول اظهار ثانی و ضم نیم و سکون و او ف خرا کفیه بفتح اول اظهار ثانی و سکون تخانی
 م و خت هندی است که از قشاد کات سازند و بکسر ثانی و سکون تخانی م سبب
 صحرایی م زعر و تنسيق اللام کهر بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و موحده سکون لام
 م جبر تنسيق اللیم کهار بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ف با و نجان تنسيق اللام
 کهار بفتح اول و اظهار ثانی و الف و کسر را و جمله سکون تخانی و ضم لام و
 و او مجهول و سکون نون ف تک شود تنسيق الهاء کتوه بفتح اول سکون ثانی و فتح
 و او و خا و ا و ف مخز و م و ا و کتوبدی کی گشلی تنسيق التختانی کهر بی کهر اول و
 اظهار ثانی و فتح را و جمله و اظهار ثانی و کسر فوقانی هندی و سکون تخانی م کتاس
 بزرگ کتبه بی بفتح اول و اظهار ثانی و سکون نیم و کسر موحده و اظهار ثانی م فطر
 ف کات کو چک سفید کتنی ف کهر اول و سکون ثانی و کسر نون م خرو و تنسيق
 الیاء التختانی و تنسيق الالف کیلا کهر اول و ثانی مجهول باللام و الف م موز تنسيق
 الراء المجهله کهر بفتح اول و ثانی مجهول و قتمین جمله م زعفران تنسيق الاء المجهله

کسر را و جمله هندی است
 نیلوفر تنسيق الهاء و تنسيق الالف
 کهار پايه بفتح اول و اظهار با و الف
 و فتح موحده فارسی و سکون را و جمله با تخانی و الف
 ثانی و تیار سقا کاک کهر با بفتح اول و سکون ثانی و ضم را و جمله با موحده کهر کهر طاب
 م ۲ گویند م ق فالض مخففت مقوی دل ۲ صا ص سرخ فایل بزوی ش نیم متقال
 ص نیم وزن ار و الما ص سرخ ل طبا شیر و دو و انگ وزن سندر و دو و با و وزن
 طین ر و دو و انگ وزن ان سلیمه نیم وزن بکو بریان کرده کهار بفتح اول و سکون
 ثانی با تخانی و الف و نون م فا و انیا تنسيق الاء المجهله کهار بفتح اول و اظهار ثانی
 و الف و نکی است که بعضی از اشجار را مثل پلاس و نهال بخند و گوهر و و کیده و چتر او
 انگ در قوم می سوزند و خاکستر آن است از خاک باشد که زبان هندی کهار گویند کجور بفتح
 اول اظهار ثانی و ضم نیم و سکون و او ف خرا کفیه بفتح اول اظهار ثانی و سکون تخانی
 م و خت هندی است که از قشاد کات سازند و بکسر ثانی و سکون تخانی م سبب
 صحرایی م زعر و تنسيق اللام کهر بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و موحده سکون لام
 م جبر تنسيق اللیم کهار بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ف با و نجان تنسيق اللام
 کهار بفتح اول و اظهار ثانی و الف و کسر را و جمله سکون تخانی و ضم لام و
 و او مجهول و سکون نون ف تک شود تنسيق الهاء کتوه بفتح اول سکون ثانی و فتح
 و او و خا و ا و ف مخز و م و ا و کتوبدی کی گشلی تنسيق التختانی کهر بی کهر اول و
 اظهار ثانی و فتح را و جمله و اظهار ثانی و کسر فوقانی هندی و سکون تخانی م کتاس
 بزرگ کتبه بی بفتح اول و اظهار ثانی و سکون نیم و کسر موحده و اظهار ثانی م فطر
 ف کات کو چک سفید کتنی ف کهر اول و سکون ثانی و کسر نون م خرو و تنسيق
 الیاء التختانی و تنسيق الالف کیلا کهر اول و ثانی مجهول باللام و الف م موز تنسيق
 الراء المجهله کهر بفتح اول و ثانی مجهول و قتمین جمله م زعفران تنسيق الاء المجهله

کین - لوسا کا مرقم - الحسن - مغرب - ابو بکر - ابن - ابی - ابرہہ

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

و تهنیق الهاء گفته و بفتح اول فارسی و سکون سین موله و فتح فوقانی م ساک سسخ
 و سرگین تنسیت الشین العجه و تهنیق الفوقانی گشت بر گشت و بفتح اول فارسی و سکون
 شین م حجه فوقانی و فتح سروده و سکون را موله و فتح کات فارسی ثانی و سکون شین م حجه
 ثانی و فوقانی ثانی بنایه است بر هم حجه مانند رسیان تافته آن بنجید و بودم بچک گویند
 هر سه طحی ال بریدان یا کافور و سه وزن صبر سیاه گشت و بفتح اول فارسی
 م خنوز و تنسیق اللام و تهنیق الحاء العجه و گشت و بضم اول فارسی و سکون لام و ضم
 سین موله و سکون را موله و روه گلاب و کسر اول ع لغزه گیر و تهنیق الزاء الهاء
 کاف و بضم اول فارسی و سکون لام و فتح نین م حجه و سکون را موله و بضم زیم که از بون
 بر شانه آرد و از آن مثال غیره بیاوند تهنیق الزاء العجه و گشت و بفتح اول فارسی و ضم هم
 و سکون و او و از او حجه و فندق و گویند جلوز و گویند با و ام که بی که بچک شد تهنیق
 العجه و گشت و بضم اول فارسی و فتح ثانی و ضا و بضم میم و سکون و او و بضم
 ع بصر و تهنیق الکاف و کلک و بضم اول فارسی و فتح ثانی و م نوعی ان صبح است که بر
 گراید و از بون به جودانه حال شود و کوزه تهنیق اللام و گشت و بضم اول فارسی و سکون
 ثانی و فتح قات و سکون نون و کسر ال موله و فتح سمره و سکون صا و موله و لام ثانی و م کلک
 که در قباب ترتیب یافته باشند بر گشت کلک و بفتح هر دو کات فارسی و سکون هر دو لام
 م نوعی از لیمو بقدر ناسخ و آتقد رتیش است که چون سوزن در آن بجلانند و راندک
 زبانی که لغته شود و بضم هر دو کات فارسی و مقل تهنیق الیم کل کند م و بضم اول
 فارسی و سکون ثانی و فتح کات فارسی ثانی و سکون نون و ضم وال موله و سکون میم
 پنج گیاهی است چنان نماینده که گویا پنج شش دارند که هم صید اندم گویند و تهنیق النون
 کلک بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کات فارسی ثانی و کسر سروده
 و سکون تحتانی و نون ثانی م کلک که در سل منروج سادند تهنیق الهاء و گشت و بضم اول

و تهنیق الهاء گفته و بفتح اول فارسی و سکون سین موله و فتح فوقانی م ساک سسخ
 و سرگین تنسیت الشین العجه و تهنیق الفوقانی گشت بر گشت و بفتح اول فارسی و سکون
 شین م حجه فوقانی و فتح سروده و سکون را موله و فتح کات فارسی ثانی و سکون شین م حجه
 ثانی و فوقانی ثانی بنایه است بر هم حجه مانند رسیان تافته آن بنجید و بودم بچک گویند
 هر سه طحی ال بریدان یا کافور و سه وزن صبر سیاه گشت و بفتح اول فارسی
 م خنوز و تنسیق اللام و تهنیق الحاء العجه و گشت و بضم اول فارسی و سکون لام و ضم
 سین موله و سکون را موله و روه گلاب و کسر اول ع لغزه گیر و تهنیق الزاء الهاء
 کاف و بضم اول فارسی و سکون لام و فتح نین م حجه و سکون را موله و بضم زیم که از بون
 بر شانه آرد و از آن مثال غیره بیاوند تهنیق الزاء العجه و گشت و بفتح اول فارسی و ضم هم
 و سکون و او و از او حجه و فندق و گویند جلوز و گویند با و ام که بی که بچک شد تهنیق
 العجه و گشت و بضم اول فارسی و فتح ثانی و ضا و بضم میم و سکون و او و بضم
 ع بصر و تهنیق الکاف و کلک و بضم اول فارسی و فتح ثانی و م نوعی ان صبح است که بر
 گراید و از بون به جودانه حال شود و کوزه تهنیق اللام و گشت و بضم اول فارسی و سکون
 ثانی و فتح قات و سکون نون و کسر ال موله و فتح سمره و سکون صا و موله و لام ثانی و م کلک
 که در قباب ترتیب یافته باشند بر گشت کلک و بفتح هر دو کات فارسی و سکون هر دو لام
 م نوعی از لیمو بقدر ناسخ و آتقد رتیش است که چون سوزن در آن بجلانند و راندک
 زبانی که لغته شود و بضم هر دو کات فارسی و مقل تهنیق الیم کل کند م و بضم اول
 فارسی و سکون ثانی و فتح کات فارسی ثانی و سکون نون و ضم وال موله و سکون میم
 پنج گیاهی است چنان نماینده که گویا پنج شش دارند که هم صید اندم گویند و تهنیق النون
 کلک بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کات فارسی ثانی و کسر سروده
 و سکون تحتانی و نون ثانی م کلک که در سل منروج سادند تهنیق الهاء و گشت و بضم اول

و تهنیق الهاء گفته و بفتح اول فارسی و سکون سین موله و فتح فوقانی م ساک سسخ
 و سرگین تنسیت الشین العجه و تهنیق الفوقانی گشت بر گشت و بفتح اول فارسی و سکون
 شین م حجه فوقانی و فتح سروده و سکون را موله و فتح کات فارسی ثانی و سکون شین م حجه
 ثانی و فوقانی ثانی بنایه است بر هم حجه مانند رسیان تافته آن بنجید و بودم بچک گویند
 هر سه طحی ال بریدان یا کافور و سه وزن صبر سیاه گشت و بفتح اول فارسی
 م خنوز و تنسیق اللام و تهنیق الحاء العجه و گشت و بضم اول فارسی و سکون لام و ضم
 سین موله و سکون را موله و روه گلاب و کسر اول ع لغزه گیر و تهنیق الزاء الهاء
 کاف و بضم اول فارسی و سکون لام و فتح نین م حجه و سکون را موله و بضم زیم که از بون
 بر شانه آرد و از آن مثال غیره بیاوند تهنیق الزاء العجه و گشت و بفتح اول فارسی و ضم هم
 و سکون و او و از او حجه و فندق و گویند جلوز و گویند با و ام که بی که بچک شد تهنیق
 العجه و گشت و بضم اول فارسی و فتح ثانی و ضا و بضم میم و سکون و او و بضم
 ع بصر و تهنیق الکاف و کلک و بضم اول فارسی و فتح ثانی و م نوعی ان صبح است که بر
 گراید و از بون به جودانه حال شود و کوزه تهنیق اللام و گشت و بضم اول فارسی و سکون
 ثانی و فتح قات و سکون نون و کسر ال موله و فتح سمره و سکون صا و موله و لام ثانی و م کلک
 که در قباب ترتیب یافته باشند بر گشت کلک و بفتح هر دو کات فارسی و سکون هر دو لام
 م نوعی از لیمو بقدر ناسخ و آتقد رتیش است که چون سوزن در آن بجلانند و راندک
 زبانی که لغته شود و بضم هر دو کات فارسی و مقل تهنیق الیم کل کند م و بضم اول
 فارسی و سکون ثانی و فتح کات فارسی ثانی و سکون نون و ضم وال موله و سکون میم
 پنج گیاهی است چنان نماینده که گویا پنج شش دارند که هم صید اندم گویند و تهنیق النون
 کلک بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کات فارسی ثانی و کسر سروده
 و سکون تحتانی و نون ثانی م کلک که در سل منروج سادند تهنیق الهاء و گشت و بضم اول

[illegible]

المجمعين من جافض ع كبرون باجا ومله والفت وكسر سيمت ماست هروى طابى خ
 انچه مسكه وى با باربو و تنق الكا و الفارسه كبتك وفتح اول ث تانى و سكون لوك
 م و يوك ع ارضه تنق اللام لبن ائيل ع بسكون لام ثانى وفتح غا و مجر و سكون تحتانى
 و تشير سب ق محمد تنق المسير لبا الطر ع بسكون لام ثانى وضم قاف و سكول
 ما ومله وضم طاء ومله وضم كذا و طح و باا لغوم ع بسكون لام ثانى وضم فا و سكول و
 و تشا سته تنق النون لبنان ع بضم اول با ثانى مشدده والفت و نون م كندر لبسان
 وفتح اول ثانى باسين ومله والفت م ذول ع طح كين لبا ان ع بسكون لام ثانى وضم
 هجره با فو قافى والفت و تشير خزل لبن الما غا لبن اللقاح لبن الانان ع بضم نون و
 مجر مشد و والفت و تشيرش ق و سبى و تقوى و باغ لبن وفتح اول ث تانى و تشير مشد
 طاب و كوند ح ق مغه سيمن خ ارنج و كى كه وضع حملش با نسان موافق يشد ق
 نيم طح و عمل تنق تحتانى كنى طرا ينى بفتح اول و ثانى و كسر و سكول تحتانى ع
 ميه سانه سلا سس تنق و تنق الجيم فحاج وفتح اول و سكول جيم با لام الف و جيم
 ثانى با صلح الكسير يان م ريق باك صاف تنق الواو و الجا و فتح اول ث تانى با الف م
 وائى مشهور بند يست تنق الجيم الفاسى و تنق الكا الف فجهنا وفتح اول و سكول جيم
 فارسى و اطهار با و فتح جيم و نون ع پروج الفهم تنق الكا الف ومله و تنق الواو و
 حاتم الذهب ع كبر اول باجا ومله والفت وضم سيم وفتح ذال سحر مشد و با كوند م اشق
 طامى خ معدنى وارسه تنق الفوقانى حاتم الصناعه ع كبر صا ومله مشد و بالواو
 الف وفتح عين ممل م اشق تنق الجيم طح النعاج وفتح اول و سكول حاو ومله وضم سيم
 نون مشد و باعين ومله والفت و كوشت ميشينه طاكوسه وى كتر از كوشت بزه
 است تنق الصا و المصلا طح البقر ع بسكون لام ثانى وضم سوحده و قاف و
 كوشت كادخ از كا و جوان طح الخور و طح جيم و زا و مجر و سكول و او و كوشت كج شتر
 طح كج شتر بسكون لام ثانى و كسر و مجر و سكول نون و كسر و مجر و سكول تحتانى و

[illegible]

گوشت خوک ۴ بری بحیة الحامع کبیر اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و ضم فوقانی و سکون
لام ثانی و کسر حاء معله ثانی باسیمم و الیف ف پر سیاوشان تنقیه السید المومنین
بحیة التمسین ۵ بفتح فوقانی و سکون تحتانی و درخت سبزه طاب ای آق قایقوتی و قنار
من از یک مثقال تا دو درص را زیاده یا طباشیر تخم کل یا گندله یا طریث یا نیم وزن
عصاره آن یا بطریق المذیم المسموم من گوشت هر انفس سکون و سیرا طح را گویند
ای ق شمشاد ۶ سیاه فربهی و لاغری و عطفله و تخم خضه تنقیق النون تخم الحلال ۷ بفتح
حاء معله ثانی و سکون میم بالام الیف و گوشت براه طح ۸ گوشت حولی یعنی کیداله
تنقیق الهیاء ۹ تخم الکلیل بفتح اول کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر نون و ضم سین معله و
سکون لام ثانی و کسر میمه و سکون کاف و کسر لام ثالث و سکون تحتانی ثانی و فتح لام
و فضاء و اف نوعی از خرمی جلی است که آنرا خرمی نامند و در او نه تناسل از حیوان العجم
و تنقیق الحیاء ۱۰ تخم ففتح اول سکون یاقین م زاک سیاه تنقیق الحیاء المعجم
۱۱ بفتح فیم اول م بر روی تنقیق الرمان تخم و خشنه و ففتح اول سکون ثانی و فتح جیم
خامری و رخت اول و فتح شین معجمه و رخت ثانی م اکثر حکمه سلیمانیه بفتح اول و سکون
ثانی و فتح لام ثانی و حاء معجمه ثانی و میمه و طینه با و ضم سین معله و فتح لام ثالث و سکون
تحتانی باسیمم و الیف کسر نون و فتح تحتانی مشدده ثانی ف فصل روغن زعفران تنقیق
الرائع المعجم ۱۲ و تنقیق الوجد لا لذاق الذریب ۱۳ بفتح اول و حاء معجمه مشدده و الیف و
ضم کاف و فتح ذال معجمه مشدده با و سکون موحده م اشق تنقیق الهی که از نیک بفتح اول
سکون ثانی و فتح موحده م و تنقیق السید المومنین ۱۴ و تنقیق الوجد لا لسان اطباء
کبیر اول باسیمم معله الیف و ضم و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث م
لسان النحل ۱۵ نیز خاص تنقیق الراء المعجمه لسان البحر ۱۶ بفتح موحده و سکون حاء معله
م سیمبال لسان الثور ۱۷ بفتح مشدده مشدده و سکون و اوف کا و زبان ها کا طحنه ماندا طح

...

میں نے

مستند

196

1

1

100

1974-1975

هر ارف مقترع خد شامی و خراسانی غلیظ و ورق که بروی نقطه بود ورق دوم و درم
 ص صندل سرخ یا بلبله سرخی یا سماق ل بوزن آن ابریشم سوخته و چهار دانگ آن
 آن پوست اترج یا نوزن او در دو نیموزن او و نیم گرم لسان العصاره بفتح عین مملو و صا و مملو
 الف ثانی و کسر فاء سکون تخانی ف تخم اسره اکثر جوطح ۲۰ اوقیه ۳ سطحین نیم مثقال
 ص کدو سرته ل و در ترکیب ماه مغرور و نووری سرخ یا نیموزن بهین سرخ نیم مثقال
 لسان الحمل ع بفتح حاد و مملو و میهم ورق بارتنگ طبعی و قالیهن رابع حابس خزن
 مد بش از تخم او یک مثقال ص صطک و سیلین یا بنفشه ل ورق آن دو ورق حاض بشتی
 تسبیق الشبلی المعجمه و تنقیح الکاف ل شک ف بفتح اول سکون ثانی و ثالث هم ششم
 تنقیح الهام ل شک ف تسبیق الضاد المعجمه و تنقیح المعاد ل نصف شبع
 اول و صا و مملو که تنقیح الی تنقیح م نوعی از لسان الحمل کوچک تسبیق العین المصله
 تنقیح الموحدا ل کاف ف آب و بهن هه تنقیح الی کعبه مطلقه بضم اول و سکون
 ثانی و فتح موحده و کسر فو قاسی و ضم میسم و سکون طاه مملو و فتح لام و قاف ص و نیموزن
 تنقیح الی کعبه ل بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده و کسر فو قانی و فتح موحده
 ثانی و سکون را و مملو و فتح موحده ثالث و کسر را و مملو ثانی م سور تخان ل جز مقلش
 یا تودر زردیام و نیموزن فضل تسبیق الفاء و تنقیح الفوق ل کاف و سکون کاف ششم
 تنقیح الی کعبه المملو ل کاف ف بضم اول یا ثانی مشد و والفت و ساسر ح و آن غریب و ج
 طاب رس گویند می آفت مخدر منوم ۷ بزرگ تیز بوی زرد رسیده شش نیم درم ص
 عسل ل جز نازل یا نیموزن بزرگ البیج و دو دانگ وزن آن شش خاشاک بجز القی و به وزن آن
 بزرگ البیج یا سرخ تسبیق الفاء و تنقیح الی کعبه المملو ل کاف ف بضم اول و قاف و الف
 و شتر است و یک بزرگ اول شتران و دو شیده تسبیق الکاف و تنقیح الی کعبه ل بضم
 اول باکاف و الف م لاک و لقم تنقیح الی کعبه ل بضم اول و لاک م ی گویند

[illegible]

لام ثانی فی مخدر تنسیق الهاء و تنسیق الالف لخصو اذ یفتح اول مسکون او ضمین
 مملوء و او مجهول بار و مملوء هت کم پستان تنسیق الجیم لکنج و یفتح اول و ثانی و سکون
 نون م سنگ فسان تنسیق النون لکنس و یضمین مملوء سیر تنسیق الهاء لکنس
 یفتح اول و اظهار لام شراب و یغادر و ادم و رخت و ابر و یضم اول م طار عرقاب تنسیق
 الباء التختانی و تنسیق الجیم لکنج و یسر یانی یفتح اول و سکون تختانی و یفتح لام ثانی
 و سکون نون م نیل لکنج سیر یانی یکسر اول و سکون ثانی و یفتح نون و تنوی اذ علیا
 که در جزیره قبرس در معدن نحاس یابند تنسیق الراء المهدله لیاور و لیسو فر و یکسر اول
 سکون ثانی و یضم لام ثانی و او مجهول و یفتح موحده فارسی و لغت اول و یضم نون و
 او مجهول و یفتح فا و لغت ثانی م نیلو فر گه است که میان آب بروید و یکسر و یضم
 و سفید رنگ شود و اذ و نیش نر باشد و چون آفتاب طلوع کند شکفته تنسیق الکاف و اظهار
 لیکان و یفتح اول سکون ثانی و یفتح لام ثانی و سکون نون و یفتح لیسو لکنج و یکسر اول و ثانی
 مجهول و او مجهول و یضم لام ثانی و سکون نون م برت تنسیق اللام لیسو و یکسر اول و یضم لام
 ثانی و او مجهول و یفتح موحده فارسی و سکون لام ثالث م نیلو فر تنسیق الواو لیسو اذ و یکسر
 اول و سکون ثانی و یضم میم و سکون و او با و ال مملوء و یضم و یفتح نون م
 کوبی که در بار از میان سنگها برآید و لوی لیسو کند طحی لیسو و یکسر اول و سکون ثانی و یضم میم
 و یفتح یوست و درق اوحی ا حامن ارب و قانع موحه و یفتح و یفتح نون و یفتح
 التختانی لیسو فر هندی یکسر اول و سکون ثانی و یضم نون و او مجهول و یفتح فا و یکسر اول و یضم
 و سکون نون و یکسر اول مملوء و سکون تختانی ثانی م یسدن قیم المیم و تنسیق و یفتح
 الالف و اوج میم و الالف مملوء و آب در جل بابی و با دست احیات و زندگانی طاف
 ق م طرب م آب چشمه که از جانب مشرق شدت بیرون آید مقابل شمال و برنگ روان
 بود و ارق و صافی و سبک و وزن و چون آفتاب بر تابد زرد گرم گردد و چون داخل شود زرد

[illegible]

پنج بضم اول و سکون ثانی و فتح نون و خوش نظر که کاطب می گویند تنبیض الهاء
 مجیمه ه بفتح اول و کسره ثانی و سکون تحتانی و فتح فوقانی هندی و اظهار ا ب بضم
 تنبیه الف کیم الف کیم و تنبیض اللال المصله مجیمه اول و سکون مجیم فارسی و فتح کان
 و سکون نون م و وای هندی است تنبیض الح الح تنبیض و بفتح اول و ثانی م با و ا م
 کوئی و بجرک تنبیض التحتانی مجیمه ه بفتح اول و کسره ثانی و اظهار ا و تحتانی و کسره مجیمه
 ثانی و اظهار ا و ثانی م و وای هندی است تنبیض الحاء المصله و تنبیض اللو ل و
 حلیق بفتح اول و سکون حاء و حله فتح لام که کبلا طح مع ق محلی لطف محل خ نسید
 بن نیم شقال ص صندل بادام تلخ سفید کرده تنبیض تلخ تلخ تلخ و بفتح اول و سکون
 ثانی و ضم راء و حله فتح نون و کوزه طح م ق لطف تلخ سفید سبک ش نیم دم
 ص ص عصاره زرشک ل انجبه ان تنبیض الحاء المصله مع م بضم اول و
 زرد س تخم مرغ تنبیض المیم حاجم بفتح اول و ثانی و الف و کسره مجیم م مخلصه
 تنبیض الهاء مجموده بفتح اول و سکون ثانی و ضم میج ثانی و سکون واد و فتح واد و حله
 م سقمونیا تنبیض الحاء المجیمه و تنبیض الح کیم الف کیم حلیق بفتح اول و سکون حاء
 مجیمه لام م گیا نیست که چون جاد و جاد و کست شود و تنبیض الحاء المجیمه فتح بضم اول
 ن مغر که کوا طح ر ق طین ح از ساق گوساله و ابل و بعد از ان گاو بس گو سفید
 ص ملک و معتدل شمع و بفتح اول و فارسی ه آتش و زنبور و درخت فزا و کرمیت
 که بعلی انرا ساس گویند تنبیض الصاد المجیمه تخفیف بفتح اول و کسره ثانی و سکون تحتانی
 صندوق ه بفتح طاب ی خ از شیر گاو جوان تنبیض الهاء مجموده بضم اول با ثانی و الف
 و فتح طاء و حله م سبستان مخلصه بضم اول و فتح ثانی و کسره لام مشدود و فتح صاد و حله و
 نام از ان گویند که تریاق زیر است و از نیمه زرا خلاص و بنده است ح م خ از
 کوبستان شبانکاره ش یک شقال تنبیض و تنبیض اللال المصله

بیستم ثانی و کسب کاف فارسی با تخمائی ممتزک هکسنا گننه مرتشیشا به فتح اول و
 سکون ثانی و فتح فوقانی کسبین مجیه و سکون تخمائی با شین مجیه ثانی و این النوع است
 و هر چه در فقه و نحاسی و عدیدی و سیم و هر چه شبیه بود و بجهت که با او منسوب بود
 م حجه النور و حجه الوجود ثانی هر سون الهمی طحی ۳ گویند ف قاضی ۴ و سیم
 ح سئل ک متضیا یا اقلیمیا درو سنج مر راه فتح اول سکون ثانی با و ا و الف م مر سنج
 تهنیت الفوقانی مراتب ۴ ک اول و ثانی و الف و ا و همله ثانی و الف ثانی و فوقانی جمع
 مراره و ف زهره با و تخه با طحی ۳ گنید ف ما و محلی ۴ از مرغ و زاج و کبک و از
 کا و زایل جوان و از کفتا پیر بزرگ و از شیر جوان که نوش زرد طبعی باشد ص صغ ل
 و سنج الاذن تنقیح بحجیم مر سنج م یضم اول و سکون ثانی با و ا و همله و الف و فتح سیمین
 همله و سکون ثانی و مرار شک ط ب ای ۲ م ۲ ب ق بحجفت الحالی ۴ اصغما
 براق سرخی مائل ص شیر تازه و رشیده ل اقلیمیا تنقیح بحجیم الفارسی فتح هکسنا اول
 سکون ثانی و حیم فارسی و فاضل گ و تنقیح الداله المجهله مر قده فتح اول و سکون ثانی
 و فتح قاف م حوزا ل و گویند انیون مر و ف یضم اول و ثانی مجهول م امر و تنقیح الداله
 المجهله مرار فتح اول ثانی و الف و ا و همله ثانی مغوی از شکاعی و ا و ا و و مر و صبر
 اول هر بول طحی ۳ ق متع ملین متع ۴ مائل کسب خری زرین صافی بسیار لم ش
 نیم در م عمل با کاف و اس ل صبر مرغ زیرک سار و یضم اول و سکون ثانی و کسبین
 مجیه و ز ا و مجیه و سکون کاف با شین همله و الف م سار و مر و فتح هر دو نیم و سکون
 هر دو را و همله م سنگه است ۴ از معدن مرغ تنقیح النوا المجهله مر و ف یضم اول و سکون
 ثانی و ز ا و مجیه م موش مرغ شب انیز و یضم اول و سکون ثانی و کسبین مجیه و فتح
 شین مجیه و سکون موحده و در هر چه و کسب و ا و تخمائی مجهول م مرغیت که همه شب خود را
 برای از شاخ درخت آویزد و حق گویند ثانی که قطره خون از گلوش یکد مر و ا و یضم

بیستم ثانی و کسب کاف فارسی با تخمائی ممتزک هکسنا گننه مرتشیشا به فتح اول و
 سکون ثانی و فتح فوقانی کسبین مجیه و سکون تخمائی با شین مجیه ثانی و این النوع است
 و هر چه در فقه و نحاسی و عدیدی و سیم و هر چه شبیه بود و بجهت که با او منسوب بود
 م حجه النور و حجه الوجود ثانی هر سون الهمی طحی ۳ گویند ف قاضی ۴ و سیم
 ح سئل ک متضیا یا اقلیمیا درو سنج مر راه فتح اول سکون ثانی با و ا و الف م مر سنج
 تهنیت الفوقانی مراتب ۴ ک اول و ثانی و الف و ا و همله ثانی و الف ثانی و فوقانی جمع
 مراره و ف زهره با و تخه با طحی ۳ گنید ف ما و محلی ۴ از مرغ و زاج و کبک و از
 کا و زایل جوان و از کفتا پیر بزرگ و از شیر جوان که نوش زرد طبعی باشد ص صغ ل
 و سنج الاذن تنقیح بحجیم مر سنج م یضم اول و سکون ثانی با و ا و همله و الف و فتح سیمین
 همله و سکون ثانی و مرار شک ط ب ای ۲ م ۲ ب ق بحجفت الحالی ۴ اصغما
 براق سرخی مائل ص شیر تازه و رشیده ل اقلیمیا تنقیح بحجیم الفارسی فتح هکسنا اول
 سکون ثانی و حیم فارسی و فاضل گ و تنقیح الداله المجهله مر قده فتح اول و سکون ثانی
 و فتح قاف م حوزا ل و گویند انیون مر و ف یضم اول و ثانی مجهول م امر و تنقیح الداله
 المجهله مرار فتح اول ثانی و الف و ا و همله ثانی مغوی از شکاعی و ا و ا و و مر و صبر
 اول هر بول طحی ۳ ق متع ملین متع ۴ مائل کسب خری زرین صافی بسیار لم ش
 نیم در م عمل با کاف و اس ل صبر مرغ زیرک سار و یضم اول و سکون ثانی و کسبین
 مجیه و ز ا و مجیه و سکون کاف با شین همله و الف م سار و مر و فتح هر دو نیم و سکون
 هر دو را و همله م سنگه است ۴ از معدن مرغ تنقیح النوا المجهله مر و ف یضم اول و سکون
 ثانی و ز ا و مجیه م موش مرغ شب انیز و یضم اول و سکون ثانی و کسبین مجیه و فتح
 شین مجیه و سکون موحده و در هر چه و کسب و ا و تخمائی مجهول م مرغیت که همه شب خود را
 برای از شاخ درخت آویزد و حق گویند ثانی که قطره خون از گلوش یکد مر و ا و یضم

بیستم ثانی و کسب کاف فارسی با تخمائی ممتزک هکسنا گننه مرتشیشا به فتح اول و
 سکون ثانی و فتح فوقانی کسبین مجیه و سکون تخمائی با شین مجیه ثانی و این النوع است
 و هر چه در فقه و نحاسی و عدیدی و سیم و هر چه شبیه بود و بجهت که با او منسوب بود
 م حجه النور و حجه الوجود ثانی هر سون الهمی طحی ۳ گویند ف قاضی ۴ و سیم
 ح سئل ک متضیا یا اقلیمیا درو سنج مر راه فتح اول سکون ثانی با و ا و الف م مر سنج
 تهنیت الفوقانی مراتب ۴ ک اول و ثانی و الف و ا و همله ثانی و الف ثانی و فوقانی جمع
 مراره و ف زهره با و تخه با طحی ۳ گنید ف ما و محلی ۴ از مرغ و زاج و کبک و از
 کا و زایل جوان و از کفتا پیر بزرگ و از شیر جوان که نوش زرد طبعی باشد ص صغ ل
 و سنج الاذن تنقیح بحجیم مر سنج م یضم اول و سکون ثانی با و ا و همله و الف و فتح سیمین
 همله و سکون ثانی و مرار شک ط ب ای ۲ م ۲ ب ق بحجفت الحالی ۴ اصغما
 براق سرخی مائل ص شیر تازه و رشیده ل اقلیمیا تنقیح بحجیم الفارسی فتح هکسنا اول
 سکون ثانی و حیم فارسی و فاضل گ و تنقیح الداله المجهله مر قده فتح اول و سکون ثانی
 و فتح قاف م حوزا ل و گویند انیون مر و ف یضم اول و ثانی مجهول م امر و تنقیح الداله
 المجهله مرار فتح اول ثانی و الف و ا و همله ثانی مغوی از شکاعی و ا و ا و و مر و صبر
 اول هر بول طحی ۳ ق متع ملین متع ۴ مائل کسب خری زرین صافی بسیار لم ش
 نیم در م عمل با کاف و اس ل صبر مرغ زیرک سار و یضم اول و سکون ثانی و کسبین
 مجیه و ز ا و مجیه و سکون کاف با شین همله و الف م سار و مر و فتح هر دو نیم و سکون
 هر دو را و همله م سنگه است ۴ از معدن مرغ تنقیح النوا المجهله مر و ف یضم اول و سکون
 ثانی و ز ا و مجیه م موش مرغ شب انیز و یضم اول و سکون ثانی و کسبین مجیه و فتح
 شین مجیه و سکون موحده و در هر چه و کسب و ا و تخمائی مجهول م مرغیت که همه شب خود را
 برای از شاخ درخت آویزد و حق گویند ثانی که قطره خون از گلوش یکد مر و ا و یضم

هم بستانی تیز روی تازه شش خیر دم نایک درم ص نخم خرنه و بگو بریان کرده یا نیلوفر
 یاد و دل استنین روی یاد و وزن مر یا خنیز یا ورق با همین یا نیم وزن فضل و مر زخوش
 مر یا خنیز و مسفر او باد و بخوبی و فخر شکس همه فایم مقام یک دیگر اند و ابدال مرگ و خوش
 فتح سم الفار تانیق الغیل المجهول فتح و نفتح اول و سکون ثانی و عین مجسمه گیاره فرنی
 مر ووب تانیق الفار مرق فتح اول و ثانی و نشور یا مرقی به نفتح اول و سکون ثانی و
 سکون تخمانی م معصفر تانیق الکاف مر یک بضم اول و سکون ثانی و نفتح و نفتح ثانی
 و مر در سنگ مر یک و نفتح اول و سکون ثانی و ضم هم فتح هم م غلده س
 مرغ زبایک و بضم اول و سکون ثانی و عین مجسمه و ضم زاده مجیده و الف و نفتح اول
 ع لسان العصافیه مر و شکس بفتح اول سکون ثانی و فتح و او را و جمله ثانی و سکون ثانی
 مجسمه مرق منضم مر زبایک و بضم اول و سکون ثانی و تخانی مجهول و نفتح و نفتح ثانی
 با او صده و الف و فتح ثانی و خوب کلا تانیق الیم مر و اسنوم فتح اول و سکون ثانی
 و الف جمله و سکون سین جمله و فتح ثانی و او را و جمله ثانی م اسنوم تانیق النون
 مر جان م نفتح اول و سکون ثانی با جمیع و الف مر و نگا ط ب ای ۲۱ و جفت ۱۷
 نفتح نیم درم ص صمغ و کثیر ال که با مر زغان و مر زغن و نفتح اول و سکون ثانی و فتح
 و نفتح و عین مجسمه و الف و نفتح اول و فتح عین جمله و نفتح ثانی م آتش مرین
 بفتح اول و سکون ثانی و سکون سین جمله و سکون تخانی و بور و تانیق الف و مر و
 بضم اول و کات که بیشک مر و نیم اول و سکون ثانی م مر و شکس و ان العوا
 که در مر تانیق مذکور است تانیق الف نفتح اول و ثانی و الف و سکون و فتح و شکس و نفتح
 مانند و نفتح یا همین نوع خوشبوی و یا مر یا خنیز خوانند و آنچه بولش کثیر است ستمو سا خوانند
 لکن مر و شکس باشد و نوع دیگر و یا مر یا خنیز خوانند و می و سفید است و گویت
 لسان الشور است و نوع دیگر و یا مر یا خنیز خوانند و یا مر یا خنیز خوانند و یا مر یا خنیز خوانند

ثانی بنبیذی است که از کندی و جود و جارس سازند و از ابوزه و کبیر گزینند تنه‌های
 هزاره را می‌کشد اول و سکون ثانی م‌ع‌سی الای تنسیق و تنه‌های از العجوة الیه
 مشرف و کبیر و دویم و سکون هر و زو اف‌سی م‌ک‌س سبزنگ که چون برگشتند
 گند و کندی هم سازند و کس و تیرگی کوکان گویند تنسیق السید المصله و تنه‌های
 مستحقو نیاسر یاف‌ت‌فتح اول سکون ثانی و شتخ حاد و عمل و ضم کاف و سکون و او و کس
 نون با تخیانی و الف و آگینه هر کاح لول آگینه سفید و قلع کا و زان تنه‌های
 الفوقانی است و یضام اول و سکون ثانی م‌سعد و موت‌ها تنه‌های ال‌ال‌المصله
 سسواک القرو و کبیر اول و سکون ثانی با و او و الف و ضم کاف و سکون لام و ضم قاف
 و را و هله و سکون و او و ثانی و دال معلوم شده تنه‌های ال‌ال‌المصله مسارت یفتح اول
 و سکون ثانی با فوقانی و الف و هر و اسطرار و کبیر اول و سکون ثانی با طاء و عمل و الف
 و شراب بدست افشوده زو و مست کننده مسبق و بربری یفتح اول و سکون ثانی
 و فتح میم و ضم قاف و سکون و او و زو و دال طویل مسوره یفتح اول و ضم ثانی م‌ع‌س
 و نه و سرخ تنه‌های السید المصله مسرف و کبیر اول م‌خ‌س ه‌تا‌تا تنه‌های الکاف
 سسک و کبیر اول و سکون ثانی و ششک که ستوری ط‌ح‌ی ۲۰۰ ملطف و متوقی
 و مان‌خ‌تبی ششک ویر او و کاف و نون مشرف و جوس تنه‌های ال‌ال‌المصله مسرجل م‌و‌زیدان
 تنه‌های النون سقاطون و روی و کبیر اول و سکون ثانی با قاف و الف و ضم طاء و هله و سکون
 و او و نون و م‌و‌مندی هر اگر سن م‌ک‌بیر اول و فتح ثانی و سسکی است که کار و شمشیر
 از آن نیز کنند هر سان ط‌ب‌ی ق‌ج‌لی نه سب‌س با بوندل طین قیو‌یا تنه‌های ال‌ال‌المصله
 مست و و یفتح اول و سکون ثانی و فوقانی و ضم را و عمل و سکون و او و م‌و‌م
 م‌و‌زیدان که آن راهفت برگ و فاما لایز خوانند تنه‌های ال‌ال‌المصله مسرت و یضام اول و سکون
 ثانی و شتخ فوقانی م‌سعد و موت‌ها تنه‌های التخیانی سسواک ال‌ال‌المصله م‌ک‌بیر اول و سکون

[illegible]

یک کف ص کنجید با دل فرخ تنمق العین المصله مشکط اشبع یونانی کبر اول
 و سکون ثانی و کسر کاف و ضم طاء و همزة و الف و فتح سیم ثانی و کسر شین و همزة
 سکون تخانی م پودنه برسی و تک ط ح ی ۳ گویند ۴۴ مفتوح ملطف مدرسه
 معده خم نور سیده ش نیم درم ص سرکه با صمغ ل قد و نانا و درادار عدس مرودین
 یا کلیل الملک یا شقائق و گویند پودنه تنمق الکاف و مشک و بضم اول و سکون ثانی
 و فتح کاف و سکون کاف ثانی م سعد مشکک و بضم اول و سکون ثانی و فتح کاف
 و نون م جانور لیسیت کو چاک شبیه به کبک که بیشتر و کثرت از آب بنشیند مشکک و
 بضم اول و سکون ثانی و کسر کاف و سکون تخانی و فتح نون م نام حلوائی است
 مشکک و بضم اول و فتح ثانی و سکون نون و فتح کاف فارسی و شش شک
 و بضم اول م ششج تنمق الیم شکم و بضم اول و سکون ثانی و کاف غم و ال
 معلوم جانور لیسیت سیاه رنگ بغایت خوش آواز تنمق النون مشک الیوان م کسر
 اول و سکون ثانی و ناگسیر مشک زمین و بضم اول و سکون ثانی و کسر کاف و فتح
 ز و همزة کسریم و سکون تخانی م سعد تنمق الواو مشکوف و بضم اول و سکون ثانی
 م گلکست سرخ رنگ تنمق الهک و مشخه و بضم اول و فتح ثانی و سکون خا و همزة
 فتح نون م نوعی از حلوائی مشککانه و بضم اول و سکون ثانی و کاف ابدال مصله
 و فتح نون م دانه خوشبوی که از اسویاخ کرده در بار کنند و در بند وستان از جاب
 لکن پور که در فن حضرت شاه بدیع الدین دارد قدس سره است بسیار از تنمق التخیالی
 مشک هندی بضم اول و سکون ثانی و کسر کاف و واد سکون نون و کسر ال مصله م
 تنسیه الصاد المصله و تنمق الراء المصله م بضم اول و فتح صا و مصله و بضم
 مصله نیز موجوده مشدده و سکون را و مصله و الیوا تنمق العین الحجه و فتح اول
 و سکون ثانی م شمر و شج تنمق البیو مصباح الروم م بکر اول و سکون ثانی و کسر
 مکره یا فارسی یا سکون اول و فتح نون م تنمق الاحمر و بضم اول و سکون ثانی و کسر
 مکره یا فارسی یا سکون اول و فتح نون م تنمق الاحمر و بضم اول و سکون ثانی و کسر

کسر و همزة و الف
 و فتح سیم ثانی
 و کسر شین و همزة
 سکون تخانی م
 پودنه برسی و تک
 ط ح ی ۳ گویند
 ۴۴ مفتوح ملطف
 مدرسه
 معده خم نور
 سیده ش نیم درم
 ص سرکه با صمغ ل
 قد و نانا و درادار
 عدس مرودین
 یا کلیل الملک
 یا شقائق و گویند
 پودنه تنمق الکاف
 و مشک و بضم اول
 و سکون ثانی
 و فتح کاف و سکون
 کاف ثانی م سعد
 مشکک و بضم اول
 و سکون ثانی و فتح
 کاف و نون م جانور
 لیسیت کو چاک شبیه
 به کبک که بیشتر و
 کثرت از آب بنشیند
 مشکک و بضم اول
 و سکون ثانی و کسر
 کاف و سکون تخانی
 و فتح نون م نام
 حلوائی است مشکک
 و بضم اول و فتح
 ثانی و سکون نون
 و فتح کاف فارسی
 و شش شک و بضم
 اول م ششج تنمق
 الیم شکم و بضم
 اول و سکون ثانی
 و کاف غم و ال
 معلوم جانور لیسیت
 سیاه رنگ بغایت
 خوش آواز تنمق
 النون مشک الیوان
 م کسر اول و سکون
 ثانی و ناگسیر مشک
 زمین و بضم اول
 و سکون ثانی و کسر
 کاف و فتح ز و
 همزة کسریم و سکون
 تخانی م سعد تنمق
 الواو مشکوف و
 بضم اول و سکون
 ثانی م گلکست سرخ
 رنگ تنمق الهک و
 مشخه و بضم اول
 و فتح ثانی و سکون
 خا و همزة فتح نون
 م نوعی از حلوائی
 مشککانه و بضم
 اول و سکون ثانی
 و کاف ابدال مصله
 و فتح نون م دانه
 خوشبوی که از
 اسویاخ کرده در
 بار کنند و در بند
 وستان از جاب لکن
 پور که در فن حضرت
 شاه بدیع الدین دارد
 قدس سره است بسیار
 از تنمق التخیالی
 مشک هندی بضم
 اول و سکون ثانی
 و کسر کاف و واد
 سکون نون و کسر
 ال مصله م تنسیه
 الصاد المصله و
 تنمق الراء المصله
 م بضم اول و فتح
 صا و مصله و بضم
 مصله نیز موجوده
 مشدده و سکون را
 و مصله و الیوا
 تنمق العین الحجه
 و فتح اول و سکون
 ثانی م شمر و شج
 تنمق البیو مصباح
 الروم م بکر اول
 و سکون ثانی و کسر
 مکره یا فارسی یا
 سکون اول و فتح
 نون م تنمق الاحمر
 و بضم اول و سکون
 ثانی و کسر مکره
 یا فارسی یا سکون
 اول و فتح نون م
 تنمق الاحمر و بضم
 اول و سکون ثانی
 و کسر

[illegible][illegible]

[illegible]

و نارسک تنیق الزلعه العجمه الفارسیه ناز و دم و رخت کای تنیق السیمیه المصله
 ناعیس بربری کبکسرخین مجمه و سکون تختانی و نارسک تنیق الشیمیه المصله
 اخن خوش و بضم خا و بجه ثانی و او معد و له ع اطفا الطیب تنیق الغیر العجمه
 مان کلای و کبکسرخین ثانی و فتح کات و لام الف هم تنیقست که از زمین مناک بر وید الف
 ثانی و بفاکر هم صد تنیق الکاف و نارسک و سکون را و ماله و کسیر هم نارسک
 طام ای اگر نید ۳ ق لطف و مقدی ول و خوشبو متقیم ورم ص طباشیر ل
 یک نیم وزن آن سنبل و نیم وزن پوست بیرون پسته یا نیم وزن زنجبیل یا نیم وزن
 قسط ناک و غنبر و مشک و غیره و امثال آن که منشوش بهشدن و قسمی است از ارم و
 که بهترین اقسام است و در پندی جانوری است شبیه به رنگ تنیق الکاف و الف
 نارسک و بفتح را و ماله م نارسک تنیق اللام نارسک سکون را و ماله و کسیر هم نارسک
 و جزیندی ه ناریل و کوبه را طام و صافی سببی س یک ورم ص فانیذ ناریل ه
 بفتح تختانی هم جزیندی نارسک ه سکون سین ماله و پوست ما را یا تنیق النون
 ناخن پریان و کبکسرخین و سنج موحده فارسی و سکون را و ماله یا تختانی و الف و وزن
 ثالث ع اطفا الطیب نارسک روی سکون را و ماله و کسیر ال ماله م سنبل و روم
 طام ای اگر نید ۳ ق قابض طبع و فربه خوشبوی سفید نال ص کثیر ایاس ل
 سنبل پندی ناردان و ناردان و سکون را و ماله با و الف و رخت اول و فتم
 دا و رخت ثانی و رختیست خوش تد و خوش اندام و گلزار فارسی نازک بدن بضم را
 مجمه و کسینی سرخ و نازک دن ه سکون کات فارسی و فتح و ال ماله و مار چوبه
 تنیق الوا و اجوف بضم جیم و سکون دا ورم و رخت صنوبر ناخن و دیو کبکسرخ ال ماله
 ه که ناز و ف سکون را و ماله م نارسک و بضم را و ماله جانوری است خوش آواز
 مانند بلبل ناز و ف بضم را و فارسی م و رخت ناز و تنیق الصاع ناز و ف سکون

گردان تنهین السین الملهه نرس ع لفتح اول و کسر جیم ع هبت نرس ط ه م ۴
 گویند ۴ ی ا گویند ۳ ق محلل لطف ۴ هفت زرده ص یلو قزل نسین یاخیری
 تنهین الکاف نرسک ف لفتح اول ثانی و سکون سین ممله ع عدس ه مسور
 تنهین التحتانی نرسک ۴ ه کسر اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و خفان و نون
 و کسر دال ممله بند ۴ و پنجگشت تنهین السین الملهه و تنهین الالف نرسک
 به مشخ اول و سکون سین ممله و کاف باو عدده ۴ ش عدس تنهین الفوقانی
 نسج العنکبوت ع لفتح اول و ثانی م ابر کاکیا نسوت ع کسر اول و ضم سین ممله و و ا و ج و
 م ترید تنهین الدایر الملهه نرسک لفتح اول ه گل سیوتی نرس ع لفتح اول ن کرس
 ه گنید و ط گوشتش ۴ ی تنهین الکاف نرسک ف لفتح اول ع غله عدس تنهین النون
 نرسن ف لفتح اول و سکون ثانی م گلست ه سیوتی نرسن ف لفتح اول ف و و
 چینه ه گل سیوتی یا کو جاط ۴ ی ا گویند ۴ گویند ۳ ق مقوت و باغ ش یک درم
 ه ۴ درم ص کافور نرسب با یا سمان تنهین الشین المجه و تنهین الالف
 نشاع کسر اول ف نشاسته ط م گویندی ا گویند ۲ ق عابس خون و
 سکون قابض و مغر ۴ خ سفیدش و ورم حسل ل گرد آسبا یا بنج مغسول یا
 نوز محض تنهین الکاف نرسک ف لفتح اول و سکون ثانی م وخت نار و تنهین الهاء
 نشاره ع لضم اول ف بوره هر درخت و براده هر چیز نشاسته کسر اول ع لبا لفتح
 نشیه کسر اول و ثانی و تحتانی مجبول و شخ میم ف زو به ترکی ه سایی تنهین
 الصناد المجه و تنهین الدایر الملهه نرسک لفتح اول وضا و مجرب و دخت کر که بر کوه
 روید از اخل گویند تنهین الطاء الملهه و تنهین النون نرسک و ن لفتح اول ف
 بوره ازنی ه جاکار ط ۴ ی ۲ ق مجلی ص صغ عربی یا طباشیر نرسک لفتح اول ف
 یا شخت تنهین العین الملهه نرسک ع لفتح اول و سکون ج و و عین ممله

وگویند که سقنقور در درویش باشد و دل در بیا بیا نهاد و سر و دل پس است و از
سقنقور باریک و کشیده و رنگ دل زرد و سر سخی مائل و پوستش درشت و دشت
وزنک سقنقور این سبز و زرد سیاه و سفید و پوستش اسطوخودوس است و لطیف تنیق الیم
در زم و بافت اول و سکون ثانی و دفعه را و معجم آتش تنیق الیم و در وقتین م بضم میم و سکون
نون و کسر و ثانی و گاه شکر و بار و دیر و البقول خوانند ط ۷ ی در شان ۴ و ف مرغ
ابی و گویند که تر و شقی است تنیق الیم و در وقتین م گل نسرن و در وقتین م بفتح و ال و سکون
و سکون فاه که کثیر کاه اول و درق آن و در الزدانی بفتح و زانو معجمه شد و با و ثانی و افسه
و کسر نون و گل خطی تنیق الیم و در وقتین م بفتح و زانو معجمه و در وقت
بده م و غرب تنیق الیم و زنه بفتح اول و ثانی و ثین معجمه نون و ارسلا اندر و گویند
خضر و گویند تنقد ل کرم صدق تنیق الیم و در وقتین م بفتح و زانو معجمه و وزنک و
بضم اول و فتح و زانو معجمه و سکون نون م و زنه بفتح می و رنگ که بر نوس سرچیند
و زول و بضم اول و ثانی م طم شور و استخوان شتالنگ تنیق الیم و در وقتین م بفتح
و معجمه و معجمه و در وقتین م بفتح و زانو معجمه و در وقتین م بفتح و زانو معجمه
اول و ثانی و سکون تخانی و ایام و در آن ثانی است که در کوه روید و بوسه
لیم و طم ای ۲ تنیق النون و معجمه اول و بفتح اول و سکون ثانی و
چرک گوشت طم ای و ملین تنیق الیم و در وقتین م بفتح و زانو معجمه و در وقتین م بفتح
با و در الف و دفعه را و معجمه چرک خانه زنبور عسل ط ۷ ی و ملین و در وقتین
گل و سسده ع بفتح میم و درق نیل طم ای ۲ تنیق الشین العجمه و تنیق الفا
و شق بفتح اول و ثانی و پوستین طم و تنیق الیم و در وقتین م بضم اول م جانور یورنه
ع سلسو تنیق الیم و شکوفه بفتح اول و سکون ثانی و در وقتین م بفتح و زانو معجمه و
اگر تنیق العجمه و تنیق الیم و در وقتین م بفتح و زانو معجمه و در وقتین م بفتح و زانو معجمه

و سکون ثانی و فتح و ال بهم م تر و تیرک تنسیق الهاء و تنسیق اللام - و ال ف
 بضم اول و سکون ثام و رخت کج ع صنوبر تنسیق الیاء و التختانی و تنسیق
 الکاف و نیایک ف بکسر اول و یختانی مجهول و سکون نون با و ال مملو و الف و فتح نون
 ثانی م نانه مشک تنسیق اللام بین کسر اول و سکون ثانی ف انگور سیاه تنسیق الهاء
 و تیره یفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و را و مملو ف گل سفید کو ج ط ب ز و یحجم
 فتح اول و سکون ثانی ف نهال خرپوزه و ب و ف یفتح اول و سکون ثانی هم ساق و رخت
 توصیف الهاء و تنسیق الالف و تنسیق الراء المصممه هاء در یضم و ال مملو م
 شنه تنسیق الکاف حاکف م تخم مرغ تنسیق اللام حاکول یضم کاف هه سبکمار
 تنسیق الیاء الموحدة و تنسیق الدال الملهه سید یفتح اول و کسر و حده و تخم خط
 تنسیق الموحدة الفارسی و تنسیق النون شیلیون ف یفتح اول
 م امیون تنسیق الیاء الفوقانی و تنسیق الهاء هتشت یفتح اول سکون
 فوقانی و فتح شین معجم رخ تنسیق الحبیو و تنسیق الدال المصممه
 یحذف یفتح اول و یضم سکون نون م بر غست تنسیق و تنسیق الدال الملهه
 بهادیم یضم هر دو تا و سکون بر دو و ال ف مرغ سلیمان تنسیق اللام -
 نال یفتح اول و سکون ثانی م رالی تنسیق الهاء بلیه یفتح اول و سکون ثانی و فتح
 و حده م کرمی است کو چک و کلان و سرخ و سیاه بسیار یادار و در برسات بجای
 ناک بهر سده گنجائی تنسیق التختانی هتدل رنگی یفتح اول و سکون ثانی
 و کسر لام و فتح ز و حجه و سکون نون و کسر کاف فارسی هر نسوت تنسیق و تنسیق الراء الملهه
 هر ف یفتح اول و سکون را و مملو م وانه مصر که در کشت زار گذم روید و از نیان آن کشت
 دور کنند و بهر و یک اول م که به تنسیق الیاء الملهه هر اس ف یفتح اول و در ختی است
 بسیار خار هر قلو یضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و لام هه نقبه الیهود ف نوعی از

مكتبة

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

و سکون لام و فتح تنانی و ضم جم و سکون واو تنانی و رختی است که در حوالی فارسی میر و یرت بهر رخت
 سوز و کوه های آن نزدیک بهم باشند و برش مانند یک با سیمین و محوس در وقت زفر در دست گیرند
 ل خزل تنمیز الشید المجهج خوش ف بضم اول م تر بر تنمیز الکاف هو یک لغم اول و سکون
 مجهول و ضم کاف و فتح تنانی م خزینه مار سید تنمیز النون هو طون لغم اول و سکون نون
 و ضم طاء مجهول و سکون واو تنانی م تر بیل حقو یا یقون م داوی طام ی ۲ ق ملطف م کوی سسرخ
 ناز و خوشبوی ش و در طبوحات از کشتال نادر و دم یور و نل یکگیر بیخ و خربا ق م شفت و انیسون و
 گویند حاشا و گویند نیوزن اهل با شرا و نام معروفین بفتح نون و سکون راء مجهول و ضم تنانی و سکون واد
 تنانی م فریقون تنمیز الهم هو یر و ف لغم اول و تنانی مجهول و فتح موحده و راء مجهول جانور چرخ
 هو جو ففتح اول و تنانی و ضم جم و فتح و تنانی م شکار تنمیز الیاء التختانی و تنمیز الالف
 حیرا کبیر اول ف التماس و تنانی مجهول هو گوشت جیتر حایر اول و سکون تنانی باراز و حجر و افس
 و سکون راء مجهول بایم م ففتح حیدر اف ففتح اول م ماشه شکار حیل بوا کبیر اول و سکون تنانی و کسر لام
 فتح موحده و واو مشدوع فافا حصار تنمیز الراء المجهول حیر کبیر اول حاشش تنمیز الفتح اول و
 سکون تنانی و فتح تنین مجرب نال و کبیر اول م ککیری تنمیز الکاف الفاکس
 جنگ هو کبیر اول و سکون تنانی و ضما نون ف انگوره تنمیز المیم هیوم ففتح اول و ضم تنانی
 مر جیه ایس تنمیز النون حیر اول م ففصیب تنمیز کبیر اول و سکون تنانی و ضا و حیر
 و الف ف ترتب تری هیون ف ففتح اول و ضم تنانی م شتر تنمیز التختانی حیر اول و سکون
 و سکون تنانی باراز و حوالف و ضم وال موطه و واو مجهول و کسر کاف و دام و م الاوین می فیم الیاء
 التختانی و تنمیز الالف و تنمیز الفوقانی یا قوت تختانی و الف و ضم فاف
 قاف م جوهر معروف ه ملک و یرم رک طرب ی ق محف و مقوسه دل م سرخ رانی
 قیتر اول و دو برابر و طلاء تنمیز الال المجهول یکنند ففتح کاف و سکون نون م یا قوت
 تنمیز السین المجهول یاس ف یسین ملام یسین تنمیز النون یاسین و یاسین و
 تنمیز الهم المجهول یاس ف یسین ملام یسین تنمیز النون یاسین و یاسین و

[illegible]

خرم زاد که یکی از اجداد و جمن بن اسفندیار بود اخنوش نام مردی که بصلح حال و صدق مقال شهرت داشت
 و در مجتهدش از صید لذت می چیدان او در اصرار و شرافت آن میگذشت و هر روز بصحری آنرا یاد
 و گوشتهای آنرا لذت میبرد و او در وقت صبح میگرد و پیشتر آورده و خطاران میبرد و خشت روزی
 در انتهای سیر و سیاحت و تفحص او در نظرش بر کوزن کوی افتاد که در فله ایستاده و فریاد میکرد و گاه
 دست و گاهی دم خود بر زمین میزد و حرکات عجیب و احوال غریبه از رفتار او مشاهده نمود و گاهی در
 جین جست و خیز نگاه بجانب آسمان میکرد و از روی فشا و خوشحالی آوازهای غیر مکرر از او میسر میزد
 چون اخنوش انحالات از آن کوزن دید و حیرت برداشت و در کمین او نشاند و نزدیک او رسید و چنان
 بپا داشت که یکباره از او فشا و خوشی در حال او رافع کرد و در انتهای فرج نظرش افتاد که در بدن او مطنی
 بزرگ است و در یک کیم خایده و در ویشش مانده اخنوش را از مشاهده این تعجب زیاده نشانی الحال
 شکم او شکافت و از روده که نریان فارسی از آنرا بهارخانه گویند سنگ المس بهار یافت اخنوش سنگ
 مذکور را بر چوب زر شک نهاده به خدمت ملک حرم زاد آورد و در حقیقت کوزن به تمام آنچه مشاهده کرده بود
 مذکور ساخت ملک حرم زاد حکیم ارستاسیوس که از اجداد حکیم تقراط و از گمانه حکیم اقلیدس صاحب
 و برادر زاده او بود و در مملکت فارس منصب وزارت ملک حرم زاد داشت جلبیده آنچه از اخنوش
 صید لابی شنیده بود و باو تقریر کرد و حکیم ارستاسیوس پس از مایل بسیار از اخنوش پرسید که من
 این کوزن کف داشت یا نه و گفت دهن کوزن بسیار برف داشت حکیم از اخنوش سوال کرد
 که در دم او بیایای او چرا می بود یا نه جواب داد که در جانب دم او کوی سیر رنگ و چنان مری
 میشد که پوست از آن موضع کنده اند پس حکم ملک گفت که خوراک این کوزن همیشه افی بود و
 از علامات معلوم شده و در بر روده های او دو سنگ متولد میشود که یکی از آنها تریاق زهر است
 و دیگری خاصیت زهر مایل دارد و ملک تبسم نموده فرمود که این را شک تجزیه امتحان باید نمود
 حکم ملک بهشت نفرانند چنانچه حاضر ساختند ملک با آنها مهربانی نمود که آنها را واجب القتل
 میدانستند و جواب داد که مقتضای شرع قتل ما واجب است پس ملک فرمود که
 حقیقت حال او را

گفت که مراد و سر کهن بود و دمی از آن ارام نداشتیم از شاول این سنگ بسیار صفت اندر و مژمن
ازین رایل شد و بوج اثری از دورین بخورد و ز خود نیافتم ستونم گفت چشم من بسیار صغیف داشت اکنون
بخوردن این سنگ در باصره من ثبوت عظم پیدا شد که در جوانی اخلاص نداشتیم چهارم گفت که مرا
درب هیچ قدیم بود اکنون بخوردن این سنگ انحراف با کله بکلیت مبدل شد پنجم گفت که مدتی از
دور از نوبتالم بودم اکنون آنذر و مطلقا ازین رایل نداشتیم گفت که مراد و اسیر بودم بود الحال آن
با کله ازین رایل شد هفتم گفت که مدتی دیدار است که بر سابقین من فروخ جبین بود که همیشه دید
شعقن از آن جاری بودی اکنون همه آن پاک شده و رویشگی نهاده من بدل شده و زنگنه اصلی بر آن
میشود هشتم گفت که مدت دو ماه است که مراد و سر غلبه حادث شده بود اکنون بعد از خوردن او
آن پیشتر شد حکیم پرسید که تو بعد از خوردن آن چه چیز خوردی گفت که آب یک نارنج تنه بکیده بودم
حکیم گفت این شدت در فعل آن نارنج پویه فعل سنگ چرا که اثری نارنج یار و یاس است
ستونم چه قضیت است چنانکه پوست موجب انقباض و نقطه است و این هر دو صفت با عید
از انداختن حرارت این حجر و ظهور اثر آن و لهذا حکما بعد از آن از ترشیدها با کله منع فرموده اند و ترش
بسیج و دانی بجا صفت مثل فادر و ترش و عیان تجویر سیج قسم ترشی نگارده اند و چه همیشه با
با عطا و حکیم مذکور آنکه چون شخص ششم نارنج مذکور نگارده بود و بجا نه خورد و در سراسر بسیار اشتد او
و در در ملک خرم نگارنده فریاد برآورد که مراد و سر بر بند چون آواز او گوش ملک رسید و فرمود که نام
این سنگ را مراد و سر فرزند چه یاد بل مثل زبان ترش یاس و یاسی است و گویند که یاد
است او آن ترشی شش است زبان فارسی و بکثرت استعمال السنه یاسی ز سرشمار یافته و
معرب آن فادر و سر است و در احتیارات بدی گفته که حجر التیس فادر و سر است و از ترش باری بیشتر گفته اند
و بیسات بلور است و در اردو و درین نیز میباشد و بر یکدیگر خطافات دارد و در میان خیر نیست که
منزاست و آن چوب مخلص یا دانه و سبب صاحب مفرد آورده که از خرسان آورند و این صفت
به پیوسته آنچه مشهور است بفرزندان نگارده در هیچ شومی دیگر حاصل نمیشود و حالا در هندوستان

جامع آورده که قاور بر راد و معنی اطلاق میکند یکی بر چیزی که معاونت بر چیزی کند و دفع بفرست آن
 نماید بواسطه خاصیتی که در آن خیر باشد و دیگر بر سنگی معلوم که مالیت و دفع عموم حاره و بار و کند شکر و قطعه
 و حکیم عاقل و این محمود شیرازی میگوید آن سنگی که من دیدم مایل بر روی و سفیدی بود با وجود این ریشه
 ریشه مانند ریشه های شب یمانی و در دفعت پیش هیچ کسی از دوائی مفروده و مرکب نفیوت او ندیدم
 و نیز از معالجات فراطبی فعل نموده که از بلاد فارس چیزی می آید که از اجزای التیس منجوانند و میگویند که در
 معنایین جمله توله میشو و در صورت آن صورت حیوانیت و خشونت و ملاطبت چون بشکند توله
 بر پوست و توبر تو باشد مانند پوست پیاز و در آن ریزون پوستها بجای میگرید و شیر بود که آن پوستها و
 و طبعها که بایر گردان پیچیده اند و از قاور میگیرای نامند چون از آب رازیانه بسیارند و بر موضع
 مسح بوام طلا نمایند و در ساعت ورم نسکین باید و اخراج کم کند و چیز نقل میکند که در سینه و ستان
 و در کوه کشده از اعمال تلنگانه و چند موضع انجاسید امین و خصوصاً در کشور و حوالی آن چنانچه قاور
 انجاسه توله چهار توله بسیار دیده اند و همچنین در ولایت و زنگل دیداشد و در اکثر که سفند انجاسید
 چنانچه اگر کوه سفند را بکشد چنانچه و شش توله از شیر و ان اوی بر آید و در اکثر مواضع آن دیداشد
 چنانچه شیر گریان بسیار از چنانچه دیده بجانب اجین و ملاقه میرند و در جانب اجین قاور میخورند
 می باشد که دانه از آن چهار توله و تخته توله و او اند که یکی از آن میا قصد میون که عسارت از چاه و تان
 عراق و سراسر و با قصد رسیدن چای باشد خرید و فروخت در سر کار باو نشان شده که خریده ادر
 موضع ساخته اند و باو تر تلنگانه مرغ خوب نمک بسته میشود و چنانچه مرغ خوب نمک بندری و کجک و بلبل
 و سفال و سنگ بسته میشود و این گوشتند از آن قسم مرغ اند و ابلی اند نه صحرایی و کوهی چنانچه در
 شبها کاره از بزرگویی حاصل میشود و اکنون آنچه منداول و متعارفست گرفته او را از حال و طبعها
 بیشتر اند و غیر میگویند که من دیدم شخصی را زبور گرفته بود و موضع مسح مورد گشته و حمرت بسیار ظاهر شد
 قدری از قاور بر گریای باب بر ساخته بر موضع مالیدند بر کجا که اثر طای آن میسرید در حال ملون
 خودی آمد و آماس تخفیف می یافت و بعضی از اوقات شخص را مار گرفته بود و در آن وقت تریاق

این قاور بر راد و معنی اطلاق میکند یکی بر چیزی که معاونت بر چیزی کند و دفع بفرست آن
 نماید بواسطه خاصیتی که در آن خیر باشد و دیگر بر سنگی معلوم که مالیت و دفع عموم حاره و بار و کند شکر و قطعه
 و حکیم عاقل و این محمود شیرازی میگوید آن سنگی که من دیدم مایل بر روی و سفیدی بود با وجود این ریشه
 ریشه مانند ریشه های شب یمانی و در دفعت پیش هیچ کسی از دوائی مفروده و مرکب نفیوت او ندیدم
 و نیز از معالجات فراطبی فعل نموده که از بلاد فارس چیزی می آید که از اجزای التیس منجوانند و میگویند که در
 معنایین جمله توله میشو و در صورت آن صورت حیوانیت و خشونت و ملاطبت چون بشکند توله
 بر پوست و توبر تو باشد مانند پوست پیاز و در آن ریزون پوستها بجای میگرید و شیر بود که آن پوستها و
 و طبعها که بایر گردان پیچیده اند و از قاور میگیرای نامند چون از آب رازیانه بسیارند و بر موضع
 مسح بوام طلا نمایند و در ساعت ورم نسکین باید و اخراج کم کند و چیز نقل میکند که در سینه و ستان
 و در کوه کشده از اعمال تلنگانه و چند موضع انجاسید امین و خصوصاً در کشور و حوالی آن چنانچه قاور
 انجاسه توله چهار توله بسیار دیده اند و همچنین در ولایت و زنگل دیداشد و در اکثر که سفند انجاسید
 چنانچه اگر کوه سفند را بکشد چنانچه و شش توله از شیر و ان اوی بر آید و در اکثر مواضع آن دیداشد
 چنانچه شیر گریان بسیار از چنانچه دیده بجانب اجین و ملاقه میرند و در جانب اجین قاور میخورند
 می باشد که دانه از آن چهار توله و تخته توله و او اند که یکی از آن میا قصد میون که عسارت از چاه و تان
 عراق و سراسر و با قصد رسیدن چای باشد خرید و فروخت در سر کار باو نشان شده که خریده ادر
 موضع ساخته اند و باو تر تلنگانه مرغ خوب نمک بسته میشود و چنانچه مرغ خوب نمک بندری و کجک و بلبل
 و سفال و سنگ بسته میشود و این گوشتند از آن قسم مرغ اند و ابلی اند نه صحرایی و کوهی چنانچه در
 شبها کاره از بزرگویی حاصل میشود و اکنون آنچه منداول و متعارفست گرفته او را از حال و طبعها
 بیشتر اند و غیر میگویند که من دیدم شخصی را زبور گرفته بود و موضع مسح مورد گشته و حمرت بسیار ظاهر شد
 قدری از قاور بر گریای باب بر ساخته بر موضع مالیدند بر کجا که اثر طای آن میسرید در حال ملون
 خودی آمد و آماس تخفیف می یافت و بعضی از اوقات شخص را مار گرفته بود و در آن وقت تریاق

این قاور بر راد و معنی اطلاق میکند یکی بر چیزی که معاونت بر چیزی کند و دفع بفرست آن
 نماید بواسطه خاصیتی که در آن خیر باشد و دیگر بر سنگی معلوم که مالیت و دفع عموم حاره و بار و کند شکر و قطعه
 و حکیم عاقل و این محمود شیرازی میگوید آن سنگی که من دیدم مایل بر روی و سفیدی بود با وجود این ریشه
 ریشه مانند ریشه های شب یمانی و در دفعت پیش هیچ کسی از دوائی مفروده و مرکب نفیوت او ندیدم
 و نیز از معالجات فراطبی فعل نموده که از بلاد فارس چیزی می آید که از اجزای التیس منجوانند و میگویند که در
 معنایین جمله توله میشو و در صورت آن صورت حیوانیت و خشونت و ملاطبت چون بشکند توله
 بر پوست و توبر تو باشد مانند پوست پیاز و در آن ریزون پوستها بجای میگرید و شیر بود که آن پوستها و
 و طبعها که بایر گردان پیچیده اند و از قاور میگیرای نامند چون از آب رازیانه بسیارند و بر موضع
 مسح بوام طلا نمایند و در ساعت ورم نسکین باید و اخراج کم کند و چیز نقل میکند که در سینه و ستان
 و در کوه کشده از اعمال تلنگانه و چند موضع انجاسید امین و خصوصاً در کشور و حوالی آن چنانچه قاور
 انجاسه توله چهار توله بسیار دیده اند و همچنین در ولایت و زنگل دیداشد و در اکثر که سفند انجاسید
 چنانچه اگر کوه سفند را بکشد چنانچه و شش توله از شیر و ان اوی بر آید و در اکثر مواضع آن دیداشد
 چنانچه شیر گریان بسیار از چنانچه دیده بجانب اجین و ملاقه میرند و در جانب اجین قاور میخورند
 می باشد که دانه از آن چهار توله و تخته توله و او اند که یکی از آن میا قصد میون که عسارت از چاه و تان
 عراق و سراسر و با قصد رسیدن چای باشد خرید و فروخت در سر کار باو نشان شده که خریده ادر
 موضع ساخته اند و باو تر تلنگانه مرغ خوب نمک بسته میشود و چنانچه مرغ خوب نمک بندری و کجک و بلبل
 و سفال و سنگ بسته میشود و این گوشتند از آن قسم مرغ اند و ابلی اند نه صحرایی و کوهی چنانچه در
 شبها کاره از بزرگویی حاصل میشود و اکنون آنچه منداول و متعارفست گرفته او را از حال و طبعها
 بیشتر اند و غیر میگویند که من دیدم شخصی را زبور گرفته بود و موضع مسح مورد گشته و حمرت بسیار ظاهر شد
 قدری از قاور بر گریای باب بر ساخته بر موضع مالیدند بر کجا که اثر طای آن میسرید در حال ملون
 خودی آمد و آماس تخفیف می یافت و بعضی از اوقات شخص را مار گرفته بود و در آن وقت تریاق

و برنگ ساق چقدر است بعد از آن زرد سفید خام و انتخاش با بنطری است که چون بپزد
 و بر شیر زنند بنده و دیگر اگر چون بر دم عقرب نهند و دیگر اگر بزنند و دیگر اگر بزنند و دیگر اگر بزنند
 و در خلق شخصی ریزند و افخی بر دگر نهند که او را بگوید و خواجیه سلامت ماند و اگر بگوید بر کالی سفید را بسایند
 باب و بر عضوی که بواسطه سقطه متالم شده باشد طلا کنند از آله الم و منع ورم نماید و چون زهر خورده را
 بخوراند زهر بطریق عرق بیرون آورد و فاذیر بحر فی الجلیز می و در نه با زله و در نفس آن شخص
 میشوید و از زهر ششها و باریک باشد بیم بپوشانده و حرارت آن منقرض باشد و فایده و بهر چه
 حیوانیه و نباتیه را و مسح بوم را که با کوبیدن و دوازده جواران بسایند یا کوفته بپزند و بخورند و او را از
 بدن عرق و سبب بیرون کنند و از موت ربائی و دیگر اگر او را در قلاوه بیاورند و زهر در او گشتی ریزند
 و در چین سبب زهر از او در بدن گیرند فنج خشک و اگر آن خاتم را بر موضع مسح عقرب و بهر مهم حیات و
 لیارات و دو آب و معوم مانند ذریع و زهر نماند فنج ظاهر شود و اگر سوده اند یا شامند و بر موضع
 مسح بوم از جعبه و چین مسح نهند جذب سم کند و بهر شرح اخراج نماید و اگر قبل از آنکه بر دگر
 نهند و موضع مسح شش شود و ازین فاذیر بر و افشانند از اصلاح می آورد و وضع سم نیکند و
 اگر از زهر شش عقرب بالند سمیت نیش او زایل شود و اگر ازین فاذیر بر نقد و حسب استانند
 ب مخرج ساخته و در بدن افامی و حیات زهر نمرد و وضع حسن از آنکه کند و کشند دیگر نوعی آنجرا
 بدان ماند که از دم و آبک و کل ترتیب یافته باشد و بعینه جبر زهر بگو بر نظر محسوس شود و چون
 او را زهر و دویه بطلایه کنند سرخ شود و مانند خون تازه چون او را بر موضع مسح بوم که از زهر عرقی
 مار را و عقرب در ساعت و جمیع ساکن شود و طبع و شربت و منفعت و طرق استعمال آن
 حمد و یوسف فاذیر بحر حار است و حرارت آن فو نیست اگر کسی را که دلش جسته بسیاری نمیشد
 شده باشد سبب انتقال بخوراند فنج و بدو دلش قوی گردد و شربت جبهه سموم ملز و خورده
 و دوازده جبهه ضعف دل و قوت باه و دانی ویر که هر روز از آن دانی بخورد این باشد از زهر
 زهر مار و زهر مزاج را نیز سفید است جبهه که گلش نخاصیت است نه لطیعت او فایات گرم
 و زهر مار و زهر مزاج را نیز سفید است جبهه که گلش نخاصیت است نه لطیعت او فایات گرم

و احكام
مستند بر او و در دگر
نوشته و با گاهي
با تشنگي دل روز
آهسته آهسته در اخف
آن ساس مني
بيزبانان چو گلاب
چنانساند زريب
چون بخت خود را زمان
بخت ز غمايزد
شكرت كه نصيبات و
نسبت است و عرصه

۳۲۶

۴۳
مکتوبات لا حاشه
بنا بر شمسک اردکانی
بیاض تا اول بهار
لاطاف غوغا خالص
کسیای که کس در پشته
دقت حرارت یوسف
ایشان بنوعیه وقت
برون تمام بیانداز
سوم صغری جیلانی
باشند و امراض
لطیف و سوداوسه
را البیت نافع بود
فلان رخیم علی اللہ
پس فلان

[illegible][illegible]

در جست
جبرست
شوقی است
بعنی از ملک
روزگار از یون
حسب و آداب
فارس که نام
است بشکایت
کلاه زینت
تیرت و قزو
ی خورده از
انعام است

موسیقی میشود و برای درد و موضع چون نبوتش نفع تمام و بر محرک است و گویند آنچه از آب حیر و
تقریب و منافع آن نزدیک بمانع موسیقی است و نیکوترین موسیقی معدنی است که از
ولایت و از آب خرو فارس و غیره و طبع و گرم بود و در سوم و مطلق و محال باشد بنا بر قول و لیست و در
و بقول شیخ الرئیس گرم بود و در آخر درجه دوم و خشک بود و در اول و مقوی روح بود و خاصیت
و موسیقی معدنی زرد و بر آتش گدازد و در طعمش رفات و وحدت و مرامت باشد و آنچه طبع است
لیکست قطری و حجری گویند میشود و چون نرسد از صفا و از رقیق باشد و حشری قول سختی و
از آب است بپزند در آتخان جودت و در دوات موسیقی قول اسطاطالیس اگر خواهی که او را بپازد
بگیر چکر گویند و در بی اشکاف پس فی الحال موسیقی جمال چون بهم چید نیکوست و الا در غیر
پای مرغی بشکنند و لبش قدری موسیقی در خمیر کرده و در گوشش فرو بر آگرتنگ است و روز دیگر
پای شکسته او درست شود و خاصیت و منافع موسیقی و قدری شربت آن بر آنکه موسیقی هم از
او به بیز فقیست و هم در انواع علل نقض یحیی و او سم جمیع حشرات را فاعل کند لطفا و شربت
و استخوان شکسته را به پیوند و بقول شیخ الرئیس او علی سینا اگر چه موسیقی در آب مریز نکوش
حکمرده در بینی بچکانند در و فقیقه و در و سر کهن را به بر و صرع و گشستن را به رسو و منند و در
همین قدر اگر در روغن یا سیمین بچکانند و در گوش قطعی سازند رسو و منند و اگر کسی را اگر گوش
ریخیم یا بچکاند و در روغن گل و آب غوره حکمرده و فقیقه بدو آلوده و در گوش نهاند ریش گوش را
در دست سازد و بچکاند و در روغن حب البان حکمرده و در بینی بچکانند
در و سر کهن را از آبل کند و چون کیمیا باشد خرد بپزند و نیکو در مرض سل بیرون می آید و از او
و استوس از و چون باب زیره و ناخواه و کرد و یا بدین تحقیق معدی را به بر و در و طبعی را که در فم
معدیه جمع شده باشد و در سازد و بر نقطه که بر معدیه و سینه و جگر افتاده باشد نافع آید و
فستویه یا کشکاب که عذاب و سپستان و پنج سوسن در و جوشانیده باشند حکمرده و سوز
ناشاید به همه انواع سرفه را به بر و استوس از و با سلنگین غرغره کنند خنای بکشاید و استوس

[illegible]

از کمال است و در آن خیره قرار و سکونت میدهند اهل شسته قدری آب و نان با و او نیز بود و
 و در آن می نشیند بعد از آنکه آتش و زاده آورده و بجای می نشیند شروع در خوردن گاه و بیچ نماید از
 آنصاف است که به پیشش گیاه این پنج خنجر می افتد و پس از کندن پنج خوشمزه و گوارا تر از هر گیاهی
 گوشت می خورد و در میگو و پیوسته در خوردن آن مبادرت و منزلت نماید از امان انگشت نمیدارد
 روزی چند جزای او با کلک روی باز مال می نهد و در خوردن غریب باشد و میسکند
 همچنین مدتی درین خیره بسر می برد تا گاه بعد از عهدی بعد از بهمان کشته یا کشتی دیگر آن
 جایگاه میرسد و اهل کشته که او را اینجا خنجر می بیند که لغایت توانا و فریبند از او تقصیرش
 می نمایند و از ابتداء آنها احوال بد و مت اکل این پنج گیاه نموده و میسکند انعامه ازین پنج
 مذکور بسیار میگرد و در اطراف و جانی می برد و در آن سودا میسکند از انبیا باز و در میان
 جهانیان شهرت یافته بر تقدیر وقوع رویش چون در آن صحرانگ هم نمیرسد و اکل این پنج
 نمک بوده بهر جا که می رود نمک پیدا نمیکند و در خوردن او شرمی چند هست که بجای
 خود گفته خواهد شد و طبیعت پنج مذکور حکما متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دانی گیلانی
 که بر شای گرم و خشک است و اکثر حکما متاخرین این خصصه را بنده گرم و تر است و دلیل بر آن
 که این پنج جوانی هم شده است او آن بد و یا پس است پس علاج مرض نصیب میباشد و چون
 حرارت بتن ندارد پس در وجه اول خواهد بود و چون تغلیظ و تند و یب و تسهیل میکند می باید
 که تر باشد و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه مانده باشند لیکن جمهور بر آنند که
 خشک است و اینکه دافع سودا است و خاصیت باشد نه بالطبع این پنج را خواص بسیار است
 از بسکه آنها خوب ازین ممت اید که کرده اگر گفته اند که گویا این از اجمیات پرورش یافته چون
 اکثر بعد از تحقیق بدن مناسب کار میسرند و در نیز خوب از یک و لغیات و جو منات و مناسبات
 و غذا ای بسیار خورند و نفع می یابند و این را خواص بسیار خواهد بود که بنویس بهر خبر رسیده
 و اعتقاد حکیم عموالدین محمود است که حرارت او در اول مرتبه در وجه اول است و

از کمال است و در آن خیره قرار و سکونت میدهند اهل شسته قدری آب و نان با و او نیز بود و
 و در آن می نشیند بعد از آنکه آتش و زاده آورده و بجای می نشیند شروع در خوردن گاه و بیچ نماید از
 آنصاف است که به پیشش گیاه این پنج خنجر می افتد و پس از کندن پنج خوشمزه و گوارا تر از هر گیاهی
 گوشت می خورد و در میگو و پیوسته در خوردن آن مبادرت و منزلت نماید از امان انگشت نمیدارد
 روزی چند جزای او با کلک روی باز مال می نهد و در خوردن غریب باشد و میسکند
 همچنین مدتی درین خیره بسر می برد تا گاه بعد از عهدی بعد از بهمان کشته یا کشتی دیگر آن
 جایگاه میرسد و اهل کشته که او را اینجا خنجر می بیند که لغایت توانا و فریبند از او تقصیرش
 می نمایند و از ابتداء آنها احوال بد و مت اکل این پنج گیاه نموده و میسکند انعامه ازین پنج
 مذکور بسیار میگرد و در اطراف و جانی می برد و در آن سودا میسکند از انبیا باز و در میان
 جهانیان شهرت یافته بر تقدیر وقوع رویش چون در آن صحرانگ هم نمیرسد و اکل این پنج
 نمک بوده بهر جا که می رود نمک پیدا نمیکند و در خوردن او شرمی چند هست که بجای
 خود گفته خواهد شد و طبیعت پنج مذکور حکما متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دانی گیلانی
 که بر شای گرم و خشک است و اکثر حکما متاخرین این خصصه را بنده گرم و تر است و دلیل بر آن
 که این پنج جوانی هم شده است او آن بد و یا پس است پس علاج مرض نصیب میباشد و چون
 حرارت بتن ندارد پس در وجه اول خواهد بود و چون تغلیظ و تند و یب و تسهیل میکند می باید
 که تر باشد و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه مانده باشند لیکن جمهور بر آنند که
 خشک است و اینکه دافع سودا است و خاصیت باشد نه بالطبع این پنج را خواص بسیار است
 از بسکه آنها خوب ازین ممت اید که کرده اگر گفته اند که گویا این از اجمیات پرورش یافته چون
 اکثر بعد از تحقیق بدن مناسب کار میسرند و در نیز خوب از یک و لغیات و جو منات و مناسبات
 و غذا ای بسیار خورند و نفع می یابند و این را خواص بسیار خواهد بود که بنویس بهر خبر رسیده
 و اعتقاد حکیم عموالدین محمود است که حرارت او در اول مرتبه در وجه اول است و

از کمال است و در آن خیره قرار و سکونت میدهند اهل شسته قدری آب و نان با و او نیز بود و
 و در آن می نشیند بعد از آنکه آتش و زاده آورده و بجای می نشیند شروع در خوردن گاه و بیچ نماید از
 آنصاف است که به پیشش گیاه این پنج خنجر می افتد و پس از کندن پنج خوشمزه و گوارا تر از هر گیاهی
 گوشت می خورد و در میگو و پیوسته در خوردن آن مبادرت و منزلت نماید از امان انگشت نمیدارد
 روزی چند جزای او با کلک روی باز مال می نهد و در خوردن غریب باشد و میسکند
 همچنین مدتی درین خیره بسر می برد تا گاه بعد از عهدی بعد از بهمان کشته یا کشتی دیگر آن
 جایگاه میرسد و اهل کشته که او را اینجا خنجر می بیند که لغایت توانا و فریبند از او تقصیرش
 می نمایند و از ابتداء آنها احوال بد و مت اکل این پنج گیاه نموده و میسکند انعامه ازین پنج
 مذکور بسیار میگرد و در اطراف و جانی می برد و در آن سودا میسکند از انبیا باز و در میان
 جهانیان شهرت یافته بر تقدیر وقوع رویش چون در آن صحرانگ هم نمیرسد و اکل این پنج
 نمک بوده بهر جا که می رود نمک پیدا نمیکند و در خوردن او شرمی چند هست که بجای
 خود گفته خواهد شد و طبیعت پنج مذکور حکما متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دانی گیلانی
 که بر شای گرم و خشک است و اکثر حکما متاخرین این خصصه را بنده گرم و تر است و دلیل بر آن
 که این پنج جوانی هم شده است او آن بد و یا پس است پس علاج مرض نصیب میباشد و چون
 حرارت بتن ندارد پس در وجه اول خواهد بود و چون تغلیظ و تند و یب و تسهیل میکند می باید
 که تر باشد و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه مانده باشند لیکن جمهور بر آنند که
 خشک است و اینکه دافع سودا است و خاصیت باشد نه بالطبع این پنج را خواص بسیار است
 از بسکه آنها خوب ازین ممت اید که کرده اگر گفته اند که گویا این از اجمیات پرورش یافته چون
 اکثر بعد از تحقیق بدن مناسب کار میسرند و در نیز خوب از یک و لغیات و جو منات و مناسبات
 و غذا ای بسیار خورند و نفع می یابند و این را خواص بسیار خواهد بود که بنویس بهر خبر رسیده
 و اعتقاد حکیم عموالدین محمود است که حرارت او در اول مرتبه در وجه اول است و

در طوبت بایل کرده و میزند و بود که بر زمین در طوبت او ناک تمام باشد بخلاف حرارت که با وجود
 آنکه سار او سیرودت آب با لکمی منطقی غشیه و او اتحاد برنی از سارین بر انست گرم و تر است
 و در جرد و دم و جهت هر و مایه که سرد مزاج باشند در وقت حاجت خواستخوان چهل سالگی رسیده باشد
 یا نباشد کسی نافع است یا الحاصنه و امتحان جمودت و مختاران بهترین چوب چینی انست که
 سرخ و سنگین باشند و سفید و اگر چه در اغلب اوقات سنگین تر میباشد و این را صفت
 فخره است اما چون دلالت بر فحاحت و نارسیدی دارد و ان سرخ باشد و باید که میان
 باشد و زنازی و گنگی چه درین زمان طوبت فضلیه او که موجب انما حرارت غریب است که
 و حرارت غریبه ظهور تمام پیدا میکند حکیم عا و الدین محمود نیز درین تصریح نموده و سنگین و گرم که
 و سطح ظاهر بر ابر یا در چرخ بر خلاف این باشد تا در زمین کم طوبت نموده و خشکی بود
 شده و یا بکمال نشو و نمیده و طعم و رایحه غالب از محسوس نشود و از مقدارن مغیرات مثل
 کافور و صندل و آب و دیا و گرمی آتش و غیره و هوای بر سگال و نم دور باشند و دلیل اینها ظاهر
 است و جمعی بر آنند که با وجود گرمی و سنگینی نشان کرده و روی بسیار باشد و سخت نباشد و
 هر فیکه در زیر زمین تر و یکسخت بهتر است و باید که نوبت باشد و علی الخصوص از دریا که نشسته باشد
 و سفید و یا بشو و دیگر نیز نافع است اما در وقت و شمع قسم اول نافع است و نیز بعضی میگویند
 که رنگ و بر چند رنگ میباشد سرخ و سفید و زرد و سیاه و بهترین و وی سنگین شیرین و
 زرد که سفیدی زرد و بعضی زرد که سبزی زرد بهتر دانند و آن جانب خطا که شکر بسیار و از آنجا
 سیرند و بخارای آورند و نوبی از آن از جانب زیری آدمی که بپند و بر موزی آورند و از آنجا
 باق و خراسان در دم میرند اما بچون که شکر نیست و بعضی سفید را بهتر میدانند و نیز و حکام
 فیکه سرخ بهتر است چه لغایت خود رسیده است و اینجور سیاه است غالب آب دریا و یا
 متغیر میسازد و اصلی نیست و چون درین پنج طوبت فضلیه بسیار است و در طوبت فضلیه
 طوبتی است که در جوهر او باشند و محتاج هیچ اجزا و نباشد تا برین مدت تقابلی قوت او در

در وقت شیخوخت منصوص باشد و از اینجا معلوم شد که بجهت تعرض وقت شیخوخت فایده بسیار ازین
 ترتیب است و الا با وجود رطوبه غریبی اگر مرطوبی بوده باشد ممنوع است و در مزاج صفراوی
 چون اصلاح میبوست آن میکند و حرارت او را استعمال و حرارت و سورت فرومی نشاند
 و قریب با عقده ای می آورد و نیز ازین دو الفع بسیار منصوص است و اطفال را از استعمال این
 روایان فایده نیست بلکه ضرر است چه حرارت غریبی اینها معمور رطوبه غریبیست
 و قتیکه رطوبه این پنج نیز علاوه آن شود و تحمل است که حرارت بجهت شیخی می شود که توارک آن
 متغیر باشد و امراض مزمنه حادث شوند و بلغمی مزاجیان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر است
 بیشتر است خصوصاً قتیکه مرطوبی باشند چه حرارت ضعیف این پنج در مزاج اینها تاثیر بسیار
 کرد و از رطوبه رطوبت ضرر بسیار متوقع است و در جوانی مزاجیان را اگر در حالت صحت بسبب
 روایت که باین نخست استعمال نمودن آن خالی از خطر و ضرر نیست اما هرگاه مزاج اینها از
 اعتدال منحرف شده باشد در نحو نمودن بحالت اول بسیار مضر و معاون خواب بود و بدترین
 اوقات بحسب فصول اوسط بهار و اوایل خریف و طرفین تابستان و وسط تابستان
 میان خریف و انتهاران و در زمستان خوب نیست در قد و شش است آن انچه از ششها که
 اطباء متاخرین در مبلوحات استعمال نموده اند در شربت آن اختلاف بسیار شده بعضی
 صد و شصت تنقال در لیست روز جو شانه میجو را نهند که هر روز شصت تنقال در لیست
 میشود و بعضی دیگر صد تنقال در لیست روز بکاری برند که هر روز یا نوزده تنقال در لیست
 سیاقند و انچه بالفعل اشتهار دارد صد و شصت تنقال است و لیکن کرده میجو شانه اند
 که هر روز قدر شربت هفت تنقال و سه دانگ و پنج حبه صورت ظهور پیدا میکند و چون
 مقرر است که این وزن مذکور را در گین آب بوزن لیچه که صد و شصت تنقال است میجو شانه
 که یکصد و بیست و سه حبه باشد و از انچه مانده بعد از اسکناب و استغیای فایده بخار آن در لیست
 نحوه خوری از آن آب بنجورند و باقی آب را در شستن دست و طهارت و غیره استعمال نمایند

در وقت شیخوخت منصوص باشد و از اینجا معلوم شد که بجهت تعرض وقت شیخوخت فایده بسیار ازین
 ترتیب است و الا با وجود رطوبه غریبی اگر مرطوبی بوده باشد ممنوع است و در مزاج صفراوی
 چون اصلاح میبوست آن میکند و حرارت او را استعمال و حرارت و سورت فرومی نشاند
 و قریب با عقده ای می آورد و نیز ازین دو الفع بسیار منصوص است و اطفال را از استعمال این
 روایان فایده نیست بلکه ضرر است چه حرارت غریبی اینها معمور رطوبه غریبیست
 و قتیکه رطوبه این پنج نیز علاوه آن شود و تحمل است که حرارت بجهت شیخی می شود که توارک آن
 متغیر باشد و امراض مزمنه حادث شوند و بلغمی مزاجیان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر است
 بیشتر است خصوصاً قتیکه مرطوبی باشند چه حرارت ضعیف این پنج در مزاج اینها تاثیر بسیار
 کرد و از رطوبه رطوبت ضرر بسیار متوقع است و در جوانی مزاجیان را اگر در حالت صحت بسبب
 روایت که باین نخست استعمال نمودن آن خالی از خطر و ضرر نیست اما هرگاه مزاج اینها از
 اعتدال منحرف شده باشد در نحو نمودن بحالت اول بسیار مضر و معاون خواب بود و بدترین
 اوقات بحسب فصول اوسط بهار و اوایل خریف و طرفین تابستان و وسط تابستان
 میان خریف و انتهاران و در زمستان خوب نیست در قد و شش است آن انچه از ششها که
 اطباء متاخرین در مبلوحات استعمال نموده اند در شربت آن اختلاف بسیار شده بعضی
 صد و شصت تنقال در لیست روز جو شانه میجو را نهند که هر روز شصت تنقال در لیست
 میشود و بعضی دیگر صد تنقال در لیست روز بکاری برند که هر روز یا نوزده تنقال در لیست
 سیاقند و انچه بالفعل اشتهار دارد صد و شصت تنقال است و لیکن کرده میجو شانه اند
 که هر روز قدر شربت هفت تنقال و سه دانگ و پنج حبه صورت ظهور پیدا میکند و چون
 مقرر است که این وزن مذکور را در گین آب بوزن لیچه که صد و شصت تنقال است میجو شانه
 که یکصد و بیست و سه حبه باشد و از انچه مانده بعد از اسکناب و استغیای فایده بخار آن در لیست
 نحوه خوری از آن آب بنجورند و باقی آب را در شستن دست و طهارت و غیره استعمال نمایند

بر دو موجب استرخاء الیاف و عمل معده است و آن باعث نقصان حرارت معده و کمی اشتها
 چه در بحالت بواسطه حرارت که اکثر جمیع قوایست از لزج الصناب سوداوی که موجب است
 احساس تمام واقع نمیشود و اگر چه حار طبع موجب تقویت قوت ماضمه است اما چون نسبت
 استرخاء الیاف حرارتیکه در محل معده است کم میگردد و بالاخره ضعف در آن نیز اثر میکند
 پس چیز که دفع این اذیت میکند قرص کل معفوره و قرص صندل معفوره میتواند بود و در اول
 نیز پیش از آن تیر خلی نسبت و نیز چون بحسب تجربه معلوم شد که پنج چینی در سیران و در طوبی فراجان
 احداث حبس بول میکند و تقطیر آن چه موافق علیطه که در عروق ایشان تجسس است
 و این دوا بجهت قوت اذابت تدریجیت آن مایه میسازد و بخوابد که بعرق دفع کند و بواسطه
 قوت خود یا بجهت کثرت مواد تمام آن بعرق دفع نمیشود و بجانب کرده و مثانه میسازد و در سیران
 یا اخلاط غلیظه فخلد و میگردد و بواسطه کثرت غلظت از دفع آن عاجز نمیشود و حبس بول احداث
 میگردد و یا بواسطه طبع تر که باین دوا است و نیز طبع بسیار که از بدن ایشان جدا
 بسیار در باطنی که موجب مساک بول است سست شده تقطیر بول پیدا میشود و
 و بر نایه مصلح آن عرق بادیان و تخم کرشم و امتثال آن خواهد بود و خواه مخرج معفوره بخورند خواه
 بعد از آن تشریف نمایند و این عرق با کور قتیق مسام و تقویت حرارت او بجهت قوت او را این
 مخاطرات امین میسازد و موجب این مضرتها نمیشود و در قه راب انار مخرج مگلاط عرق
 بدین شک مصلح آن میباشد که ناشتا تناول نمایند و غذای لطیف بخورند و از فحرات و
 عطریات اجتناب جائز نمیدانند و اصل السوس نیز مصلح میباشد که با بنیطرقی صنف
 ساخته تناول نمایند صفت آن چوبی منی اصل السوس بخورم تیر میگردد و صندل معفوره
 الایچی زعفران از مرکب یکدم تخم خیارین و دو درم مشک یکدم گندم هر که نوقت و بنیجه سقوف
 سازند و سه روز بنیشتا کیشغال یا شربت صندل مناسب میدانند و بدین طریق تا سه
 محل نمایند و اگر احتیاج یابند و سه روز دیگر تناول نمایند که بغایت مفید است بول

و تقدیر مزاج آن بی طبع است و در فواید شراب مسطر است که منافع شراب نفسی است
 و بدنی نفسی مثل فرج و نشاط و وسوسه و رازله غم و بخل و امثال آن ممکن و مقدور نیست که هیچ
 چیز درین امر مساوی آن نوازند آمانفعت بدنی مثل لذت و استراحت و گوی زنگ
 جیره و تفتیح معاری و غیره با چه اگر این مقبول بود که از معاجین و مرکبات این آثار مستفاد
 را بسپار کردن و دوا و شناختن آن خالی از اشتباه نیست پس بنابرین که شراب انگوری
 و رفیع عادت سوداویه تولد خون رقیق و روح لطیف و کثیر و نورانیت و استراحت و مزاج
 این فواید است در رازله امراض سوداویه بدل پنج چینی مقبول اندر شد و در رازله آنکه
 متفقر و متعفن شده باشند و چه که بسیار از او در بوقت بدل چوب چینی بعد از تنقیه در
 راحت است صفت آن جدا و خطائی عاقر قرچا کند مصطک سورجان قسط مخاثر زرا و
 جمع و طویل حب الفار مصافی مقل سکینج جاوشیر زرباد از سر یکد منتقال صابون رقیق
 بر یک حناسه منتقال آب لیمو بعد از حاجت بنیق چهار منتقال روغن بالونه روغن گل خیری روغن
 سوسن روغن زیت کهنه روغن گل سرخ موم زرد و پیه کرده هزار سر یکد منتقال روغنهار با بونوم
 بگذارد و بخیار با گلاب بسایند و ضمعه را لبر که کلکند و زینق لبر که کشند و مجموع ترکیب کند
 سر هم سازند طریق استعمال آن جمعی در دفع مرضیکه مناسب است آن دارد و توله از انرا مثل صند
 ساید و یا بمیتول خصه الثعلب صلایه کرده باشند نبات و گلاب بعد از حاجت و یکد انگ عفران
 پالوده بخته بمیدند و اگر نیکو انگ غنچه اضافه کنند هم خوب است این یکشیرت است و اگر
 مزاج شخصی حار باشد بجای خصه الثعلب لعلهای مناسب مثل لعل بیدانه یا لعل بر قطن
 یا شاشته یا لوده یا زرد و او مست کنند جایز است نوع دیگر که نیمه پنج چینی کوفته و بخته و
 شیر نبات و نیمه گلاب بخواهم آورده و یکتوله غنچه یا نبات صلایه کرده بعد از آنکه حرارت بشیر
 فی الجمله کم شود و بر زرد و یا تیره بر نرند بعد از آن آرد چوب چینی در آن ریخته و بتر که زده و نیمه
 بر و انداز آن هر روز بعد از دو و میتول و چوب چینی تخمین کرده بر بند فوعد دیگر بطریق متداول است

سیر بادام سه توله نارگیل دو توله میدره کندم نمون سیر خشتین از میدره گندم در روغن برشته شده
 و در سیر نبات و نیم سیر عسل صاف نموده بران ریخته چون نزدیک برسیدن خود او در اندک
 را صاف ساخته بچرخند بعد از آن که دو جوشش بخورد مغز را داخل کرده همچنین برنج مانده شک
 و نیم توله غیر بکنونه زعفران داخل کرده و قیقین که روغن دانه زرد و توره در طبق زیره نبات پاشیده
 پس نمایند و بعد از آن که سرد شود و بطریق شکر یاره مرتب بریده نگه دارند و هر روز ناشتا مقدار
 یک تخم مرغ تناول نمایند که لغایت سودمند است و بهی و فربهی آرد و دواتمین و کس اینک بهر
 روی و از نربار سودمند است و تولد بخون صالح میکند و دهن را خوشبو میسازد و در چرخ
 میسوزد و نوع دیگر میوه او و دواتمین چینی را با یکا شست و فلفل زیره بریده کرده داخل میوه بیان
 و در خلای معده این میوه بخورد و در شربت آن دو میوه تا چهار میوه نوع دیگر میوه در دیگر
 شیره کرده بر دهن آن و یک یار چرب با یک بسته و چوب چینی را بقدر نیم فلفل قطعه قطعه کرده
 مانند قلوب بر بالای یار چرب مذکور گذاشته بر بالایش بسوزنی بپوشند و تمام شب بچینان آن
 و یک بر آتش بگذارند تا بخار و دواتمین چوب چینی مذکور برسد علی الصبح چوب چینی مذکور در سایه
 خشک سازند و ورق ورق ساخته شنب در گلابی که در آن زعفران و قاقاقه و سوزن برشته شده
 بکمر کرده در میوه بیان بقدر بکنونه بانه فلفل بنار سیل نمایند و بعد از گذشتن یکسایس بکایت بپزند
 تناول نمایند و در عین حال تا جمل روز مداومت نمایند و اگر بیشتر از چهل روز بخورد نیز مفید است
 و مضرت نمیرساند اگر بر میز آن جماع و ترشی کنند انسب خواهد بود و سه روز کوشش بسوزن و در جای گرم
 نشستن مطلوب نیست نوع دیگر شرب ابو قحوت و باغ و دل و جگر مدد و از ال فالح و دود فلفل
 و بو و ضیق النفس که از غلبه طغیم باشد نماید و هر که که گرم گریده باشد سه توله ازین عرق جوشانده
 اصل را بر او کار کند و اگر ششش تو لجه نباشد اشغال دارد و گنج ترست و دیگر کمتر تواند کرد و در آب
 کند بهی و مقویست و عرق السناب و قمرس و عرقه و خدر را از پنج بر کند صفت آن پنج خجیات
 پنج سیر پوست پنج خجیان و سه سیر سیمیل الطیب و از چینی از هر کدام ربع سیر نبات و نمون سیر
 در یک کوزه آرد و در آن کوزه آرد و در آن کوزه آرد و در آن کوزه آرد و در آن کوزه آرد و در آن کوزه آرد

در روغن نبات
 در روغن عسل
 در روغن زعفران
 در روغن قیقین
 در روغن فلفل
 در روغن زیره
 در روغن سیر
 در روغن بادام
 در روغن نارگیل
 در روغن گندم
 در روغن برنج
 در روغن شکر
 در روغن سوزن
 در روغن قاقاقه
 در روغن سوزن
 در روغن فلفل
 در روغن بو
 در روغن ضیق النفس
 در روغن طغیم
 در روغن غلبه
 در روغن شش
 در روغن سوزن
 در روغن قمرس
 در روغن خدر
 در روغن پنج خجیات
 در روغن سیمیل
 در روغن نبات

و رنگ و جلا و اجتناب نماید اولی است فوحم د یکی معاجین است که با ویدینا است
 سیکندره معجون که از فخرات حکما و متاخرین تجربین است که اجزاء و فلزات سفید فروده و با بعضی او به
 مفرجه قلبیه ترکیب کرده استعمال نموده بسیار سودمند است شربت اقل آن و در انتقال است
 آن چوب چینی به مقدار انتقال مصلی خود زعفران سبیل سانج نووری سرخ و سفید و ارجینی فلفل
 و ارفلفل قر قزل زنجبیل گسرخ شقاقل قاقاقه جوز بوسعد کوفی او خربوز بریان و فخر شک بهمنین
 و روغن انیسون با ورنج و بنجیه الثعلب جد و اربطان شیر است منج اسطوخودوس خولجان
 ریون چینی از بر کیده و انتقال عطر اشب مشک خالص از بر کیده ام که انتقال قد سفید که در
 او به بطریق متعارف معجون سازند معجون چوب چینی از فخرات حکم عاود الدین محمود شیرازی
 از بنا و جد و از زرد و در حرج خولجان با بنیر بر ج ریون چینی اقبیمنون بلید سیاه شملیت مغسول
 ترید سفید موصوف و ارجینی سبیل مصلی جوز و زعفران لب سیاه قر قزل بل از بر کیده و انتقال
 و بنج چینی با نوره و انتقال کوفته بخیه با سه چندان غسل بهر شسته شربتی هر روز و در انتقال است
 دیگر چوب چینی شسته در رم سیاه وانه به قدر م قر قزل نمیدرم زنجبیل صمغ عربی زعفران از
 بر کیده نمیدرم مشک قدری کوفته بخیه با سه چندان غسل معجون کنند و نسخ دیگر چوب چینی
 یک انا و فلفل از فلفل گرد و زنجبیل عاود و زجابر یا زجوز بو ارفلفل سیاه وانه ناخواه از بر کیده
 انتقال غسل مصفی پنج انا و او به رک کوفته بخیه و در غسل معجون سازند شربتی موافق شربت طبیعت
 نسخ دیگر بلید کابی بلید زرد بلید که مجموع عاشقی از وانه بلید رنگی و ارجینی بر زار سبیل سار و
 قر زعفران سور بخان مصری خولجان سعد کند و ارفلفل زنجبیل با و ارنجی ناخواه تخم زردک
 تخم شلغم جوز بوز بریان شقاقل خود بندی اجزاء برابر چوب چینی بقدر مجموع دار و با غسل صا
 قوا هم آورده معجون کنند و در ظرف چینی نگارند شربتی دوم انتقال از برای دفع درد استخوان
 و اشتها و هم طعام لغایت بی نظیر است و فواید دیگر بسیار است و نسخ دیگر از صندل و
 که از معجون سور بخان زیاد و کم کرده چوب چینی تازه هشتاد و انتقال سور بخان شیرین

تبر بسفید موصوف چهار منتقال میسایه میباید پودن بری سافج بندی سداب خشک کنج
عطف از بریک منتقال پنج انجدان سفید از بریک چهار منتقال ریون و چینی پنج منتقال چو چینی
ست منتقال و بعضی سه منتقال بچکیز نیز اضافه میکنند اجزاء کوکبه و حبه و دوشیان در روز
سیر که گفته بخسباند در سایه خشک کنند و بار وغن با دانه تخم لبست منتقال در وغن با حیل
و منتقال چیر کرده با سه وزن عسل کف گرفته معجون سازند شترتی کیتول یا بن سکنجین بدهند
عحصل منثوی که در سر که بر و روه باشند یک استار با و شیر عسل کف گرفته سکنجین
نسخه دیگر خوب چینی و ظرفی نقد شش سیراب کنند و نمیرسای چوب چینی سوده آینه در آن
برنجه کیساعت را بکنند بر شش که خوش آید چون یکد و خوش بخورد و دیگر فرو آورند و سر آن
دیگر را سیر پوش کرده بخمیر بیز و بالای و بگدان بگذارند و هرگاه که بخار در یانید که سی که در میان
سوراخی باشد و راه و گیرند آسته باشد اول دیگر را بر بالای انگشت افروخته گذارند و پس
کری مذکور یا لای آن نهند و خمیری بران روزن کری گذارند که راه بدرد و با و بنا باشد
از آن بر کناره کری نشسته چادری یا خانی بر سر کشند چنانچه منفذ با و بنا باشد خمیر از روزن
کری و در سازند و سه گهری یا هر قدر وقت که خواهند نشینند تا بخار آن جمیع اعضای سر
بعرق در آید بعد از آن بر خورسته است به استبه آن چادر را از خود دور سازند که بسیار دفعه
بخش است بهترین و خوشترین استعمال چوب چینی خوشانیدن و استیفاء بخاران نمود
است چون این طریق منفعبت بسیار دارد و درین زمان مزاج مردم منظم نگردد که یاد و
میسانند با بن مشقت را می غنیشوند چه چرخش بر نیزان کمتر از محنت در و نیست و از و گدشته
عرق و طریقی تیره بسیار محمود است لیکن معجون و سیره که روش ابل میند است و حلا و غلا و
و غیره اقسام خوردن او چندان خوب نیست چه تاثیر منج چینی ترقیق و اذابت صلابت
و سواد است و لغو و این در نیالت در عروق ضعیفه لغایت و سنوار و نیز چون بطریقی که
و مزاج آن مذکور شد خالی از اجزای ارضیه نیست ممکنست که همین اجزاء در عروق ضعیفه

از آن در میان پنج شیر آب صاف با شش زخم بخورند و هر گاه آب می کنند دیگر نیز بنده تا نیم پس
 چنین بخورند بعد از آن همین قدر باریان خطائی و یا تو له دار چنین داخل ساخته و در گوش
 دیگر بخورند و دیگر شش قرض و اندک مشک و عصاره کرده چند جو شسته و دیگر دانه جاری
 اگر اگر در میان قهوه و آن بقول حکما را تا آخرین بار است و در رجب بیوم و پس است در رجب
 و در جم و قاضی است واحد اسود کند و سرش قرض است و جمیع امراض سودا و لی راقوت می دهد
 و جلد آفتاب و در شش می سازد و کوبید و سرش قرض است و نفس از آن در و در یک رات به بسیار
 و در جم و خوش می افتد و در سبک کلبوس می شود و بر اسود او فراوان بسیار است لیکن بر
 بغلیان و در طویان بنیست و بخوابی می آرد طبیعت را به ارمی وارد و است خا مخد که از عمارت
 در طوبت بهر سید به پیش دفع می کند و قاطع شتوت و بالغ نوم است و عریان که قوه بسیار بخورند
 در دفع بلا کثرت جماع مشهور اند بواسطه آن است که عده غذا ایشان خجاست و آن ماده تولد می
 و انباشت نفخ است از این جهت قوه مغزی می سازد و الا قوه قاطع شتوت است منقول از حکیم
 علامه الدین محمود شیرازیست که طبع قوه به شنبه نیست که بر آب پس است چون و کیفیت این ظاهر
 است و بعد از آن می سازد فالباد و رجب تا نیمه باشد اما آنکه دو کیفیت متشاور اند یکی غاب
 است موقوف است تا ملی و آن نمره الیست بقدر خلط و باره است مغز و در یک غلام
 است و او سیاه رنگ و پوستی است فک ترازی پوست لیست و غلیظ ترازی پوست حس الفار و
 پوست و مغز و حج که اقم نفی و تیزی نیست مگر اندک نفی ناقص و نفاست محسوس می شود
 در مغزش چینی و خلاقی هست و اما پوست او را می جو شاند و آن می خورد و در یک معطر
 چنین معمول است و در بسیاری مواضع مغز برشته می کنند چنانچه نزد یک یا حتران می شود و آنرا
 به پوست مخلوط می جو شاند و در یک معطر مغز و بار برشته میکنند و نیم سوخته چنان که طعم آن تلخ
 و سوخته گرید و چون جو شیده شود پوست او برشته باین مغز بران کرده نقل نیمه قطعه
 ایشان از نیاهمید است غیر طبع او یعنی جو شاده او در کمال حلا و افاده نشاط و خل

[illegible]

[illegible]

و در اجنب بکند و ثقل آنرا در میان آن بگذارند و بسیار چو شانه و ملج و او که بطبع بسیار غلیظ
 شده باشد مضرست و دیگر خوردن آن خوب نیست و هر روز یک گندم آفتاباید کرد و شرب آن بخوبی بکند
 و در میان نیکوست و بنفشه خوردن نیکوست و اگر ملاطعام نپذیرد که از قطیش آن اندیشیده باشد
 و بربای الی دیگر چیز نخورد و الله اعلم بالصواب و در سبب بچه سپیدن تنباکو که بزبان هندی
 بجهربنگ گویند تلخ موده و چیم و سکون را و ماله پنجم موده نامی با و سکون و کافور می گویند
 بر فز کرده و آغاز ظهورش در ابتدا و سلطنت عشرت استانی جلالت الدین محمد اکبر پادشاه است و اندک زمانی
 خجست مکانی نوال الدین محمد با نیک پادشاه است که سال هزار و چهارده هجری باشد و پیشتر از آن در ک
 دیار آمده و اکنون از جمیع المکن هندوستان گشت کاراوی شود و در کتاب کشیدن و دانش شمار که هر
 گشت مشغول و مرغوب جهانیان گردیده و هر آن نقول حکیم علی گیلانی حارایلس است
 و از سمرقند است و دانش بسبب ناریت پایلس است و در حواس و قوی است

[illegible][illegible]

اوجس بنیائی برافشا دهو و پس از عهد و عهد یاد رسیدم پرسیدم او پاسخ داد که یک دست
 برگ تنباکو را با برگ سنبهالو که او را در فارسی بچکشت گویند خنک ساخته بالمشافه فلان کو نشستم
 از خاصیت آن الله تعالی بنیائی بمن از لدنی داشت و این از عجب است ای سر است و نیز عهد شد
 که مصالح تنباکو بچشیده نباشد که او میبوشند و دلیلش آنکه هرگاه با حبه بود تنباکو رنگ پذیرد و بچشیده
 آنرا نتوان زدود و این تجربه را قم سیده حبهی برگمالش سطر او را آب برنج میچوشانند بعد از آن
 بکار میرند و اگر بهر کار که چوشانیده باشند و برخوابند این خسته اعمال میکنند و فرقه آب شسته چشیده میمانند و
 ندر کافور بر او افزوده بکار میبرند و این گزیده روشنی است او شوق آنکه هیچ شسته دل
 باین ابتلا در دخی آخر الزمانی نه بند و بتلاهی استیلا میچیند غایب نگمانی نگر و ده

پس از عهد و نعت بر میبویان فخر حکماء و الالادیه و اطباء و ملا و اهل
 پوشیده نمائید که درین آن احسن ان کما القیام الا و دی ان
 و حل الالادیه و فرنگی نصیریه حاشیه شسته
 تاج و قمار را با بچشیده و بچشیده
 در مطبخ شسته و بچشیده
 کاس شسته

۴۴۴

اعلان

مشرده باد صاحبان فهم و ذکا را که رسائل نادره در فن حکمت بسجید
تصنیف ابوعلی وقت بر قاطع ثانی جناب حکیم نورالدین محمد عابد
حکیم عین الملک شیرازی نورالدین مرقد در متن کتاب است مسمی به
الفاظ الاودییه و رساله دوم که هر نسخه اش چون اکثر است تصنیف
ارسطوزان فلاطون دوران جناب حکیم طالع محمد حسابد و شیخ محمد سعید
صاحب مفتی کنتی طاب ثراه بر حاشیه از صفحه (۱) تا (۲۳۳) مسمی به
میزان الاودییه و رساله سوم که هر حرفش نریل و مرض حسابی و هر
سجده مقوی روحانی تصنیف جالینوس وقت سقر اطو در جناب حکیم
محمد نصیر صاحب خلف با شرف حکیم احمد علی صاحب عظیم آبادی مخفر الله
ذو قبا بر حاشیه از ۲۳۹ تا ۲۹۶ مسمی به فریبک نصیریه معروف
به عمل مخزن الاودییه که حق تالیف این نیایش از مصنف عطا
امید که کسی صاحب طبع یا تاجر کتب قصد طبع نفرماید بعوض نفع نقصان
ندیر و از البته چندان نسخ که مطلوب شوند از دوکانهای بنده که علاوه
بر دیگر ملاذند طلب فرماید بلا عذر خواهد رسید و نشان دوکانها نیست فقط

مقام بنارس در دوکان بمقام عظیم آباد از دوکان بمقام شکر گوالیار بازار اول
در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور
مقام کلکتہ در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور

عبدالله بن محمد
جعلی صاحب

41.54

23.4.73 Mrs

[illegible]

9495